

## پیام مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

به مناسبت برگزاری کنگره شهید آیت‌الله سید محمد باقر صدر

بسم الله الرحمن الرحيم

در میان چهره‌های برجسته حوزه‌های علمیه در دهه‌های اخیر مرحوم آیت‌الله شهید سید محمد باقر صدر (قدس الله روحه) یکی از ممتازترین و شگفت‌انگیزترین آن‌هاست. هر مجمع علمی حق دارد که به فرآورده انسانی بزرگی چون این عالم بزرگوار به خود ببالد. او بی‌شک یک نابغه و یک ستاره درخشان بود. از جنبه علمی، جامعیت و تحقیق و نوآوری و شجاعت علمی را یکجا دارا بود. در اصول، در فقه، در فلسفه و در هر آن چه با این دانش‌ها ارتباط می‌یابد در زمره بنیانگذاران و صاحبان مکتب محسوب می‌شد. استعداد خارق‌العاده و پشتکار کم‌نظیر او از وی عامل ذوفنون و ژرف‌نگری پدید آورده بود که دید نافذ و ذهن جستجوگرش در آفاق علوم متداول حوزه‌ها محصور نمانده و هر آنچه را که برای یک مرجع بزرگ دینی در دنیای متنوع امروز سزاوار است به حیطة تحقیق و مطالعه کشیده بود و سختی‌نو و فکری بکر و اثری ماندگار در آن می‌آفرید. بی‌شک اگر این جوهره علم و تحقیق و این ذخیره تمام نشدنی انسانی، با دست‌پلید جنایتکاران از حوزه علمیه ربوده نمی‌شد، جامعه شیعی و اسلامی می‌توانست در آینده نزدیکی شاهد اوج دیگری در قلمرو مرجعیت و ریاست علمی و دینی باشد.

توفیق و مدد الهی، آمیختگی این فضیلت‌های بزرگوار با رتبه‌والایی جهاد فی سبیل الله رقم زد. در هنگامی که حوزه کهن نجف، در بوته آزمایش مواجهه با امواج بیداری اسلامی و انقلابی قرار گرفت، این شخصیت بیدار و آگاه قدم در راه مجاهدتی علمی و سیاسی نهاد و درخشش معنوی خود را مضاعف ساخت. بینش عمیق او نیاز زمان را حس کرد و در راهی که اجداد طاهرینش به روی پیروان و جانشینان خود گشوده بودند، گامی استوار نهاد. و چه زود پاداش این فداکاری عظیم، یعنی محنت و سپس شهادت در راه خدا را دریافت کرد. شهید آیت‌الله صدر برای طلاب و فضایی جوان، بی‌شک یک اسوه و نمونه است. درس انسان‌پروری او با شهادت جانگدازش خاتمه نیافته است. آثار علمی و شیوه تحقیق او اکنون پیش‌روی فضایی جوان حوزه‌های علمیه قرار دارد و انگشت‌اشاره او آنان را به راه عظمت و مجد علمی، همراه با روشن‌بینی و جهان‌نگری هدایت می‌کند. حوزه‌های علمیه امروز نیز محتاج شهید صدر و هر عنصر با همت و پرتوانی هستند که راه علمی و اسلام‌شناسی و جهان‌نگری او را دنبال کند.

صلوات و درودی از اعماق جان بر آن روح مطهر و خواهر شهیده مظلومه‌اش بنت الهدی می‌فرستیم و رحمت و علو درجات برای آنان و توفیق رشد و تربیت فضایی جوان حوزه‌ها بدان سان را از خداوند متعال مسئلت می‌کنم. همچنین از خداوند متعال می‌خواهم که شما فراهم‌آورندگان این مجمع علمی و انقلابی را پاداش نیک‌دهد و این اقدام مبارک و پراثر فرماید.

والسلام علیکم ورحمة الله

سیدعلی خامنه‌ای، ۲۹ دی‌ماه ۱۳۷۹، ۲۱ شوال ۱۴۲۱



**فصل نخست:** زندگی‌نامه، آثار و کتاب‌شناسی علامه شهید صدر ۲۰-۵

**فصل دوم:** شاگردان از تفسیر موضوعی استاد می‌گویند ۵۴-۲۱

**فصل سوم:** تفسیر موضوعی شهید صدر از منظر کارشناسان دینی بین الملل ۹۸-۵۵

**فصل چهارم:** ابعاد قرآنی اندیشه‌های شهید صدر از منظر کارشناسان دینی داخلی ۱۱۶-۹۹

**فصل پنجم:** مقالات ۱۳۰-۱۱۷

**فصل ششم:** ما قاله التلامذة عن الأستاذ ۱۵۴-۱۳۱

**فصل هفتم:** التفسیر الموضوعی للشهید الصدر فی رؤیة الخیراء الدوابین ۲۰۲-۱۵۵

**فصل هشتم:** الأبعاد القرآنیة لشخصیة الشهید الصدر فی رؤیة الخیراء الإیرانیین ۲۱۸-۲۰۳



این شماره از «راجه» با مشارکت و حمایت شهرداری تهران  
اشورای عالی قرآن تدوین و منتشر شده است.



## پیام حضرت امام خمینی (ره) به مناسبت شهادت آیت الله سید محمد باقر صدر

بسم الله الرحمن الرحيم  
انا لله وانا اليه راجعون

با کمال تأسف حسب گزارش جناب آقای وزیر امور خارجه که از منابع متعدد و مقامات کشورهای اسلامی به دست آورده است و حسب گزارشاتی که از منابع دیگر به دست آمد، مرحوم آیت الله شهید سید محمد باقر صدر و همشیره مکرمه مظلومه او که از معلمین دانش و اخلاق و مفاخر علم و ادراک بود به دست رژیم منحط بعث عراق با وضع دلخراشی به درجه رفیع شهادت رسیده‌اند. شهادت ارثی است که امثال این شخصیت‌های عزیز از موالیان خود برده‌اند و جنایت و ستمکاری نیز ارثی است که امثال این جنایتکاران تاریخ از اسلاف ستم پیشه خود می‌برند. شهادت این بزرگواران که عمری را به مجاهدت در راه اهداف اسلام گذرانده‌اند به دست اشخاص جنایتکاری که عمری به خون خواری و ستم پیشگی گذرانده‌اند عجیب نیست. عجیب آن است که مجاهدان راه حق در بستر بمیرند و ستمگران جنایت پیشه، دست خبیث خود را به خون آنان آغشته نکند. عجیب نیست که مرحوم صدر و همشیره مظلومه‌اش به شهادت نائل شدند. عجیب آن است که ملت‌های اسلامی و خصوصاً ملت شریف عراق و عشایر دجله و فرات و جوانان غیور دانشگاه‌ها و سایر جوانان عزیز عراق از کنار این مصیبت بزرگ که به اسلام و آل بیت رسول الله (ص) وارد می‌شود بی تفاوت بگذرند و به حزب ملعون بعث فرصت دهند که مفاخر آنان را یکی پس از دیگری مظلومانه شهید کنند و عجیب تر آن که ارتش عراق و سایر قوای انتظامی آلت دست این جنایتکاران واقع شوند و در هدم اسلام و قرآن کریم به آن کمک کنند.

من از رده بالایی قوای انتظامی عراق مأیوس هستم لیکن از افسران و درجه داران و سرپازان مأیوس نیستم و از آن چشم‌داشت دارم که یا دلاورانه قیام کنند و اساس ستمکاری را برچینند همان سان که در ایران واقع شده و یا از یادگان‌ها و سربازخانه‌ها فرار کنند و ننگ ستمکاری حزب بعث را تحمل نکنند. من از کارگران و کارمندان دولت غاصب بعث مأیوس نیستم و امیدوارم که خداوند متعال بساط ستمگری این جنایتکاران را درهم پیچند.

اینجانب برای بزرگداشت این شخصیت علمی و مجاهد که از مفاخر حوزه‌های علمیه و از مراجع دینی و متفکران اسلامی بود، از روز چهارشنبه سوم اردیبهشت به مدت سه روز عزای عمومی اعلام می‌کنم و روز پنجشنبه چهارم اردیبهشت را تعطیل عمومی اعلام می‌نمایم و از خداوند متعال خواستار جبران این ضایعه بزرگ و عظمت اسلام و مسلمین می‌باشم.

والسلام علی عبادالله الصالحین

روح الله الموسوی الخمينی



دو هفته نامه دلفی

خبرگزاری قرآنی ایران  
(یکتا)

سال پنجم، شماره ۷۶، بیست و هشت اسفند ۱۳۸۸  
بررسی تفسیر موضوعی علامه شهید صدر

مدیر مسئول: رحیم خاکی

سر دبیر: مرتضی رضائی زاده

مدیر اجرایی: آزاده عقیقی

مدیر هنری: احسان حسینی

دبیر تحریریه: طاهره خیرخواه

معاون تحریریه داخلی: غلامرضا حسین پور

معاون تحریریه بین الملل: سیده ربابه شیستانی

مشاور مطبوعاتی: مرتضی نجفی قدسی

هیئت تحریریه: رسول عوده زاده، جواد پار سامهر، فاطمه سواری، حمزه الحاج

نفیسه عسکری، ابوالفضل عنایستانی

سرویس عکس: سید محمد نمازی، نقی خوش خلق، حسن آقامحمدی، محمد نجفی

نشانی نشریه:

تهران، خیابان قدس

خیابان بزرگمهر، پلاک ۸۵

خبرگزاری قرآنی ایران (یکتا)

پست الکترونیک نشریه: Rayeh@iqna.ir

لغف: ۰۲۱-۶۶۴۷۰۳۳-۹۸



## مخمن نخست

اذی‌یوafi الإمام الخميني كماذاب هوفي الإسلام: در امام خمینی خوب شوید همان‌گونه که او در اسلام خوب شده است! این عبارت مرجع مظلوم، فقیه و اصولی جامع‌الشرائط، مفسر روشمند، فیلسوف اجتماعی، مورخ توانا، شهید‌شاهد، آیت‌باهر، علامه متفکر و آگاه به فرهنگ و علوم زمین، نویسنده پرکار، سیاست‌مدار هوشمند و شجاع و دردمند، اسطوره مقاومت و تقریبی نوگرا، آیت‌الله شهید سیدمحمدباقر صدر است که در ایام محنت و در سال‌های عسرت خود در پیامی به طلاب و مهاجران عراقی ساکن در قم گفته بود. وی همچنین در جلی دیگر نیز گفته بود: «در میان پیروان پیامبر اکرم (ص) علی چهارده قرن که از تاریخ اسلام گذشته است کمتر کسی را می‌توان پیدا کرد که تأثیر جامعی چون ایشان (امام خمینی) از خود بر جای گذاشته باشد» و «امام خمینی در طرح شعار جمهوری اسلامی، تجلیگر تلاوم دعوت انبیاء و استمرار حضور نبی مسلمین حضرت محمد (ص) و امیرالمؤمنین امام علی (ع) در برپایی حکومت الهی در زمین بوده است» این گوشه‌ای از رابطه علمی، معنوی و عاطفی دو بزرگ‌مرد شیعه؛ یکی از حوزه نجف و دیگری از حوزه قم است.

از اقدامات ابتدایی شهید صدر برای بیداری مردم عراق و آماده کردن آن‌ها برای قیام و حرکت در مقابل حکومت جائز آن کشور، برگزاری جلسات تفسیر موضوعی قرآن بود. در حوزه علمیه نجف کمتر دیده شده که یک مرجع تقلید تفسیر قرآن بگوید آن هم به جای درس خارج فقه که این بیشتر مایه تعجب دیگران می‌شد، به طوری که برخی از شاگردان او، در این باره از وی سؤال کردند و او جواب داد: «برای من تدریس و تألیف و تحقیق، صورت حرفه و هدف در زندگی ندارد، بلکه ادای وظیفه شرعی به هر نحو ممکن برای من از همه چیز مهم‌تر است. امروز در این برهه از تاریخ اسلام و

مسلمین که انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی پیروز شده و پوزه قدرت‌های شیطانی شرق و غرب را به خاک ماییده و امت اسلام را در سرتاسر دنیا بیدار کرده است، من وظیفه خود می‌دانم که با تفسیر قرآن، افکار مردم مسلمان عراق را آگاه و ترمان‌های انقلابی اسلام را مطرح نمایم و با بیان مفاهیم شورآفرین، حماسی و اجتماعی قرآن کریم، دل‌ها را برای پیوستن به انقلاب اسلامی برای ایران آماده کنم... از طرفی، درس خارج فقه و اصول، در حوزه گفته می‌شود، اما جای تفسیر قرآن سخت خالی است!

دروس تفسیر شهید صدر هر هفته دو روز از تاریخ ۱۷ جمادی‌الاول تا ۵ رجب ۱۳۹۹ طی چهارده جلسه برگزار شد که بعد از آن رژیم طاغوتی صدام حسین از ترس بیداری مردم، درس تفسیر بیدارگرانه ایشان را به تعطیلی کشاند. درس تفسیر قرآن جنب و جوشی در میان توده مردم به وجود آورده بود. حکومت ظالمانه صدام از این پدیده خجسته اسلام به وحشت افتاد و برای جلوگیری از هرگونه تحرکی، در یک یورش وحشیانه، همه نمایندگان این سید جلیل‌القدر را در تمام شهرهای عراق دستگیر و زندانی کرد.

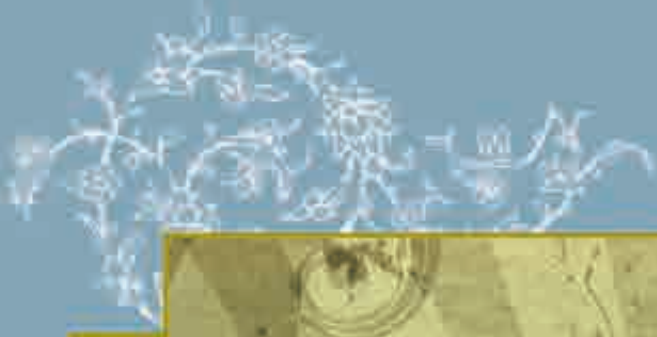
در فرآیند بررسی شخصیت قرآنی علامه شهید سیدمحمدباقر صدر (علی‌الله مقامه)، بیش از پیش به مظلومیت شخصیت قرآنی شهید صدر در حوزه رسانه چه داخلی و چه خارجی پی بردیم، البته شاید بتوان این موضوع را در عدم معرفی شهید صدر به عنوان یک مفسر دانست، در حالی که ایشان در این زمینه به نوعی مبدع و همچنین مجدد و احیاگر سبک تفسیر موضوعی قرآن کریم طبق نیازهای زمانه است و ما که با غور بیشتر در این موضوع با جنبه‌های عملی و علمی نوین این سبک آشنا می‌شدیم، این مظلومیت را بیشتر حس می‌کردیم.

آن چه می‌آید، کوششی برای فهم و درک شخصیت فرابعدی یک روش‌مندی نو و اصیل که از عصر خود فرسنگ‌ها پیشی گرفت، است؛ امید که این وجیه نزد خدا شفیع ما در پیشگاه باری تعالی باشد.

رسول عوده زاده

دبیر گروه بین‌الملل عربی





روزنامه‌های

راه‌یکه

سال پنجم

شماره ۲۱

۲۹ آبان ۱۳۸۸

۵

گروه نشری، تقویمی، آموزشی، علاقه‌مندی، شماره، شماره



زندگی نامه، آثار و کتاب‌شناسی علامه شهید صدر







# زندگی نامه علامه شهید صدر

علامه سیدمحمدباقر صدر در تاریخ ۲۵ ذیقعده ۱۳۵۳ در کاظمین دیده به جهان گشود، او دومین فرزند خانواده سیدحیدر صدر بود. مادرش دختر فاضله آیت الله شیخ عبدالحسین آل یاسین بود.

سیدمحمدباقر در دامن مهربان و متقی و در سایه مهر پدری عالم رشد کرد. آیت الله العظمی شهید سیدمحمدباقر از پنج سالگی به مدرسه رفت. پس از اتمام دوره تحصیلی ابتدایی اولیای مدرسه و مسؤلان امور آموزش و پرورش عراق که از استعداد و تیزهوشی سیدمحمدباقر صدر اطلاع داشتند و تعجب

پروسی کلمبر، جو دوجی، علامه شهید صدر







اسلام بود. آثار قلمی این زن مسلمان دانشور و مجاهد چاپ شده است. سرنوشت بنت‌الهدی یا سرنوشت برادرش سیدمحمدباقر صدر درهم آمیخت و حماسه‌ای شورانگیز ساخت.

به این ترتیب، سیدمحمدباقر صدر در راه اسلاف و نیاکانش قدم گذاشت که پدران همه از عالمان دین بودند. در یازده سالگی منطق و در اوائل دوازده سالگی، کتاب معالم‌الاصول در علم اصول را نزد برادرش سیداسماعیل صدر خواند و بسیاری از کتب درسی دوره عالی فقه و اصول را که «ملاّب حوزه طی سال‌ها نزد اساتید بزرگ می‌خوانند، بدون استاد مورد مطالعه قرار داد و بدین گونه درس‌های دوره سطح را به‌طور شگفت‌انگیز در مدت کوتاهی گذراند، او در کنار

تحصیل و کوشش تمام وقت برای مطالعه و تحصیل، دروس ابتدایی را نیز به خواهر کوچکش بنت‌الهدی آموخت و بنت‌الهدی بدون آنکه به مدارس غرب‌زده و نامناسب آن روز پای بگذارد، نزد برادرانش به‌ویژه سیدمحمدباقر، به آموزش خواندن و نوشتن ادبیات، تاریخ فقه، اصول، قرآن و... پرداخت.

سیدمحمدباقر در دوازده سالگی (۱۳۴۵ ه.ق) به همراه برادرش سیداسماعیل برای گذراندن دوره عالی حوزه عازم سرزمین امامت، نجف اشرف شد و برای رسیدن به هدف و مراد خویش در راه تحصیل علم و اجتهاد تلاش کند. در نجف اشرف، پای درس خارج فقه آیت‌الله‌العظمی سیدابوالقاسم خونی نشست.

بیش از ۱۳ سال نداشت که به نجف هجرت کرد و در حوزه درس آیت‌الله «محمدرضا آل یاسین» و آیت‌الله «سیدابوالقاسم خویی» حضور عالمانه یافت. وی بر کتاب فقهی استادش آل یاسین تعلیقه اجتهادی نگاشت. پس از پایان بردن تحصیلات عالی اصولی و فقهی خود تدریس خارج اصول و فقه را در ۲۵ و ۲۸ سالگی آغاز کرد و در حوزه شاداب درس او فضلا و مجتهدان زیادی شرکت جستند و تربیت یافتند.

### اجتهاد قبل از سن بلوغ

اجتهاد آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر قبل از شانزده سالگی، گرچه خلاف عادت بود، ولی نتیجه بلوغ تفکر و نبوغ فکری و تلاش شانزده ساعته او در روز، در دوران تحصیل بود. او با همه نبوغ و تیزهوشی که داشت، به اندازه چند طلبه کوشا نیز تلاش می‌کرد و فقط بر هوش و استعداد خدادادی تکیه نمی‌کرد، بلکه تلاش جانانه‌اش پشوانه

می‌کردند. تصمیم گرفتند که با توافق مادر و برادر بزرگش، او را به مدرسه تیزهوشان و نوابغ بگذارند تا با هزینه دولت درس بخواند و پس از طی مراحل لازم از خرج دولت به دانشگاه‌های اروپا و آمریکا اعزام شود و در رشته‌های علوم تجربی جدید، تحصیل کند و به کشور خود بازگردد. اما او نه خود راضی بود و نه مادر و برادرش سید اسماعیل به آن رضایت دادند. بالاخره با راهنمایی‌های دودایی فقیه و دانشمندش آیت‌الله «شیخ محمدرضا آل یاسین» و آیت‌الله «شیخ مرتضی آل یاسین» تصمیم گرفتند که سیدمحمدباقر، به تحصیل علوم حوزوی و اسلامی بپردازد و نبوغ خویش را در راه نشر معارف الهی به کار گیرد.

در دوره تحصیلات ابتدایی غیر از کتاب‌های درسی به هر کتاب علمی و فرهنگی که دست می‌یافت، مشتاقانه به مطالعه آن

می‌پرداخت. در این دوران فلسفه مارکسیسم را مطالعه کرد و به نقد عالمانه آن پرداخت. پس از فراغت از مدرسه در یازده سالگی ضمن فراگیری

منطق، پاره‌ای از آرای آنان را به نقد کشید و در همین سال شروع به آموختن

«معالم‌الاصول» کرد و بیشتر کتاب‌های درسی سطح را بدون استاد مطالعه کرد. در ده سالگی به سلک علما درآمد و در هفده سالگی در ردیف اساتید و

علما به تدریس فقه و اصول در حوزه نجف مشغول شد و کتاب «غایه‌الفکر» را در علم اصول تألیف کرد و نقطه نظرهای تازه‌ای در علم اصول عرضه کرد که نظریات او مورد توجه مجتهدان اصولی قرار گرفت.

آیت‌الله‌العظمی سیداسماعیل صدر فرزند سیدصدرالدین عاملی، از فقهای بزرگ و مشهور نیمه اول قرن چهاردهم هجری (در گذشته ۱۳۳۸) بود که پس از میرزای شیرازی اول به مرجعیت شیعه رسید.

آیت‌الله سیدحیدر صدر فرزند سید اسماعیل، از مجتهدان جوان و پر استعداد زمانش بود. در سال ۱۳۵۶ ه.ق در شهر کاظمین وفات یافت. از سید حیدر دو پسر و یک دختر باقی ماند: ۱- سیداسماعیل صدر (۱۳۸۸-۱۳۴۰ ه.ق) که از عالمان و مجتهدان جوان و پر تلاش روزگار خود بود. ۲- شهید سیدمحمدباقر صدر (شخصیت این یادنامه). ۳- آمنه (بنت‌الهدی) صدر، در سال ۱۳۵۶ ه.ق در کاظمین متولد شد. او از زنان دانشمند، نویسندگان آگاه، شاعران دردمند، هنرمندان متعهد و معلمان فقه و اخلاق در کشور عراق بلکه در جهان





هوش و نوع ذاتی اش بود. و این دو او را در اوان جوانی به عالی ترین مقام علمی و فکری رساند. و هرگز عواملی مانند فقر و تنگ دستی مانع پیشرفت او نشد و در فقر نیز در اوج مناعت طبع و علوهمت دست از تحصیل دانش برنداشت.

### بر جستگی های علمی

دیدگاه های فکری او در عرصه های منطق، فلسفه، اقتصاد، اخلاق، تفسیر و تاریخ نیز قابل ملاحظه است. در علم اصول بحث های شهید صدر در باب «سیره عقلائیة و سیره متشرعه» و راه های کشف آن و قواعد حاکم بر آن شامل نوآوری های بسیاری بود، نوآوری های این شهید در دانش فقه کمتر از نوآوری های وی در علم اصول نیست. از مجموعه بحث های فقهی ایشان، چهار جلد کتاب با نام «بحوث فی شرح العروة الوثقی» به چاپ رسیده است. نوآوری های شهید آیت الله سید محمد باقر صدر، در فقه و اصول چه از لحاظ محتوا و چه از نظر

برنامه کم نظیر بود. او پایه های مکتب فقهی و اصولی جدیدی را بنا نهاد که امتیازش به برنامه ریزی، استحکام مضامین مبتنی بر تفکر عمیق و نقدپذیری فعال و سازنده است. وی همچنین با نگارش کتاب های «فلسفتنا» و «اقتصادنا»، مکاتب فلسفی و مادی و اقتصادی مارکسیسم و کاپیتالیسم را نقد نموده و در این راستا از روشی نو و دلایلی استوار بهره جسته است.

### تعلیم و تربیت

سید محمد باقر از بیست سالگی با تدریس کتاب «کفایة الاصول» در تعلیم و تربیت طلاب جوان را آغاز کرد. از بیست و پنج سالگی به تدریس خارج اصول و از بیست و هشت سالگی به تدریس دوره خارج فقه بر اساس کتاب «العروة الوثقی» پرداخت. بعدها فلسفه و تفسیر قرآن نیز تدریس می کرد. او در طول نزدیک به سی سال تدریس و تعلیم، شاگردانی جوان، محقق، پرشور، متقی، متفکر، آگاه، مجاهد و سیاستمدار تربیت کرد که هر یک از آنها بعدها پرچمدار نشر علم و فرهنگ و آیین جهاد در راه خدا شدند و بعد از استادشان، راه علمی، فکری و سیاسی اجتماعی او را ادامه دادند.

### شاگردان

شهید صدر در مدت حیات علمی خود شاگردان ارزنده ای تربیت

کرد. در میان این دسته از شاگردان او می توان به کسانی چون: شهید سید محمد باقر حکیم، سید نورالدین اشکوری، سید محمود هاشمی شاهرودی، شیخ محمد رضا نعمانی، سید کاظم حسینی حائری، سید عبدالفتی اردبیلی، علامه سید محمد حسین فضل الله، مرحوم سید عبدالعزیز حکیم، شهید سید عبدالدین قمانچی، سید حسین اسماعیل صدر، سید محمد محمد صادق صدر، محمد علی تسخیری، سید صدرالدین قمانچی، شیخ غلامرضا عرفاتیان، شیخ محمد باقر ایروانی، سید علی اکبر حائری، علامه عیسی قاسم، علامه سید عبدالله غریفی، سید جواد وداعی، شیخ احمد الوائلی، شیخ محمد باقر ناصری، علامه عبدالهادی فضل، سید منذر حکیم، شیخ محسن اراکی، سید کمال حیدری، سید علی الناصر، سیدعمار ابو رغیف و بسیاری از علمای گرانقدر دیگر اشاره کرد.

### تأسیس جماعة العلماء و نقش شهید صدر

گروهی اندک از دانشمندان نجف اشرف در زمان عبدالکریم القاسم آغازگر این حرکت بودند. درست است که شهید سید محمد باقر صدر به دلیل کمی سن به عنوان یکی از اعضای رسمی «جماعة العلماء» فعالیت نمی کرد. اما نقش بسزای او را در راه اندازی این گروه و جهت دادن به آن، هرگز نمی توان انکار کرد. به دنبال این حرکت علمای بزرگ نجف توانستند برنامه های درست اسلامی را عرضه کنند و در طریق ایجاد یک نیروی سیاسی توانمند و مستقل سیاسی گام بردارند.

### تأسیس حزب الدعوة الإسلامية

علامه صدر در کنار تلاش های علمی از مبارزه سیاسی غافل نبود و در این اواخر رهبری خیزش عراقیان را عهده دار شد و رژیم عراق که از مبارزات او به ستوه آمد و از ظهور امام خمینی جدید در عراق هراسناک شد، عالمان آگاه و روشن اندیش همچون شهید سید محمد مهدی حکیم، سید طالب رفیعی، شیخ مهدی سماوی و ... پس از مطالعه اوضاع سیاسی و اجتماعی عراق و تبادل نظر در این مورد به این نتیجه رسیدند که باید حزبی را با افکار و اندیشه ها و مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی تأسیس کنند. با تمام مشکلات موجود، حزب الدعوة الإسلامية به همت و همکاری و همفکری آیت الله صدر،

#### علامه صدر در کنار

تلاش های علمی از مبارزه سیاسی غافل نبود و در این اواخر رهبری خیزش عراقیان را عهده دار شد و رژیم عراق که از مبارزات او به ستوه آمد





او دست به توطئه می‌زدند و همه جا او را متهم به سیاست بازی می‌کردند و کارهای ضد استعماری وی را اقدامی در جهت تضعیف روحانیت و مرجعیت قلمداد می‌نمودند، ولی او بی‌توجه به همه تبلیغات خصمانه دل به عشق حق سپرده بود و اعتنایی به غیر نداشت. بالاخره با توصیه آیت‌الله سیدمحسن حکیم چنین نوشت: «آیت‌الله حکیم از من خواسته و تأکید کرده است که در هیچ حزب و سازمانی عضو نباشم، بنابراین فعلاً من خود را از انتساب به حزب الدعوة، کنار می‌کشم، اما از شما می‌خواهم که به کار خودتان در حزب یا تلاش و جدیت ادامه دهید و من در این مسیر الهی پشتیبان

سیدمحمد مهدی حکیم، شیخ مهدی سماوی، شیخ عبدالهادی الفضلی و سیدطالب رفاعی تأسیس شد و خود آنان از اولین اعضای حزب بودند، بنابراین نمی‌توان یک نفر را بعنوان مؤسس معرفی کرد، بلکه این حزب به صورت دسته جمعی تأسیس شد، تاریخ تأسیس حزب ربیع الاول ۱۳۷۷ بود.

حزب الدعوة به فعالیت پرداخت و هرروز تعدادی از طلاب و دانشجویان و دیگر اقلیتان مسلمان و مخالف حکومت کمونیستی عراق وارد حزب الدعوة می‌شدند، آیت‌الله صدر در مقام رهبری حزب بود، گرچه بدخواهان و دشمنان و متحجران مقدس‌مآب، مدام علیه



شما هستیم، بدین گونه آیت‌الله صدر پنج سال پس از تأسیس حزب خود را از آن کنار کشید.

### منازعه در کنار حضرت امام خمینی(ره)

در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۴۲

حضرت امام خمینی(ره)

پس از اعتراض به

سیاست‌های آمریکایی

محمد رضا پهلوی به

ترکیه تبعید شد،

آیت‌الله صدر که به قیام

امام در ایران بسیار

امیدوار بود با تبعید او به

ترکیه، اندوهگین شد. در

سال ۱۳۴۴ هجری شمسی

در نامه‌ای به یکی از

دوستانش درباره نهضت امام و

آثار و نتایج مثبت آن و نیز در رابطه

با سیاست‌های آمریکا و رژیم وابسته

پهلوی در ایران نوشت: «اما در مورد ایران؛ وضع همچنان است که بوه

و آقای خمینی از سوی مزدوران آمریکا در ایران به ترکیه تبعید شده

است. این بار آقای خمینی توانست دهان شاه را ببندد که همواره

جنبش مخالف خود را در ایران به ارتجاع و عقب ماندگی متهم

می‌کند. آیا هیچ انسانی در جهان می‌تواند جنگ و مناوزه با اعطای

امتیازات جدید به آمریکایی‌ها را ارتجاع و عقب ماندگی بنامد؟»

### استقبال از حضرت امام خمینی(ره) در نجف اشرف

در تاریخ ۹ جمادی الثانی ۱۳۸۵ حضرت امام خمینی(ره) از

تبعیدگاه ترکیه به نجف اشرف منتقل شدند، ورود امام به حوزه علمیه

نجف جنب و جوشی تازه در آن حوزه ایجاد کرد. البته علما و

روحانیون نجف درباره استقبال از امام، نظریات مختلف داشتند.

آیت‌الله صدر با اشتیاق تمام به همراه علمای دیگر در مراسم استقبال

و پیشواز از امام شرکت و شاگردان و همفکرانش را نیز به این مراسم

دعوت کرد. در طول چهارده سال اقامت امام در نجف، با او ارتباط

نزدیکی داشت و به او عشق می‌ورزید.



### ارتباط با حضرت امام خمینی(ره)

روابط آیت‌الله سید محمد باقر

صدر با حضرت امام

خمینی(قدس سره) و انقلاب

اسلامی بر اساس زیربنای

محکم ولایت استوار

بود. ایشان با شروع

نهضت اسلامی در

ایران در سال ۱۳۴۲

شمسی با

موضعگیری قاطع، از

امام خمینی(ره)

حمایت کرد و با تبعید

امام به نجف اشرف،

رابطه نزدیکی میان این

دو عالم روحانی برقرار

شد. آیت‌الله صدر به همه

توصیه می‌کرد که از محضر

درس امام خمینی بهره جویند.

ایشان در جریان انقلاب اسلامی از

یاران، شاگردان و مریدان خود خواست تا از حمایت انقلاب دریغ

نورزند. در جریان حاکمیت حزب بعث در عراق، ایشان ضمن بر حذر

داشتن مردم از عضویت در این حزب، از آنان خواست تا در جهت

مقابله با رژیم فاسد حاکم بر عراق و براندازی این رژیم گام‌های محکم

و سرریزتری بردارند تا این که بتوانند حکومتی اسلامی را جایگزین آن

کنند. در پی پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ آیت‌الله

صدر در پیامی به شاگردان خود اعلام کرد:

«... در این لحظات پرشکوه که پیروزی بی‌نظیر و تردیدناپذیر

اسلام، به دست ملت مسلمان ایران و به رهبری حضرت امام خمینی

به متصه فلهور رسیده است، بر هر یک از شما واجب شرعی است که با

تمام توان در خدمت انقلاب اسلامی قرار گیرید؛ چرا که هر کار

سازنده جدیدی حتی به همکاری ناخواسته مردم هم نیازمند است و

نیز لازم است این واقعیت روشن شود که رهبری امام خمینی تجسم

عینی آرمان‌های اسلام در ایران امروز است. از این رو باید پیرامون آن

را گرفت و با اخلاص با چنین رهبری برخورد کرد و به حمایت از اهداف

و مصالح آن پرداخت و به میزانی که او خود در چنان هدفی ذوب شده



در شخصیت عظیم او ذوب شد.

گرفت که این امر به برخورد شدید امنیتی انجامید.

### تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر نجیبگان

نقش بی‌بدیل علما و رهبران دینی، یکی از مؤلفه‌های کلیدی جامعه عراق است؛ اولین گروه یا حزب شیعی عراق به دست علامه سیدمحمدباقر صدر تأسیس شد که بی‌تردید جنبش شیعی عراق و ساختار اجتماعی - حزبی و مبارزات آن در طول بیش از چهار دهه پیشینه آن است و بالاترین میزان واکنش را نسبت به انقلاب اسلامی داشته است. سیدمحمدباقر صدر در جمله مشهوری گفته است: «در امام ذوب شوید، چنان که او در اسلام ذوب شده است.» این موضع‌گیری در بالاترین سطح علمای عراق بیش از هر چیزی همراهی بزرگان عراق را نمایان می‌کند. در نتیجه آیت‌الله صدرا

### نظریه مرجعیت شایسته و مرجعیت نظام یافته

یکی از برنامه‌های شهید صدر در طول ده سال پایانی عمر کوتاه و پربرکتش، برگزاری جلسات هفتگی در منزلش بود. در این جلسات، شهید صدر با الهام از مبارزات امام خمینی (رحمة الله) و انقلاب اسلامی ایران نظریه «مرجعیت شایسته» و «مرجعیت نظام یافته» را مطرح کرد و معتقد بود مرجعیت شایسته باید سیمایی روشن و یکدست از اهداف خود ارائه دهد و این حرکت هدفدار و آگاهانه پیوسته براساس آرمان‌هایی تعیین شده به پیش رود. نه آن‌که اقدامات آن پراکنده، سردرگم و فاقد هویت منسجم باشد و تنها بر اثر فشارهای ناشی از نیازهای مقطعی گام بردارد. مبانی کلی این

الگو قرار دادن انقلاب اسلامی ایران و تبعیت از آن برای رسیدن به پیروزی در عراق، حرکتی رایج و خود آورد.

آغاز حرکت اسلامی عراق، در نخستین اجتماع پس از بازگشت امام خمینی به

تهران در بهمن ۱۳۵۷، در خارج مسجد خضرا بود.

این تظاهرات که آیت‌الله صدر آن را

حمایت می‌کرد، به دست نیروهای امنیتی عراق پراکنده شد. از آن پس در نجف، جوانان جزواتی را

پخش می‌کردند که حزب الدعوة آن را منتشر می‌کرد و بر روی دیوارهای شهر شعار «بله به اسلام، نه به عقل و صدام» نوشته

می‌شد و برای نخستین بار گزارش‌هایی درباره فعالیت‌های مخالفان شیعه در مدینه النوره منتشر شد.

خواستار جدید جنبش اسلامی عراق از دولت، ایجاد حکومت اسلامی و اصلاحات اجتماعی بود. دولت عراق با توجه به این که امام خمینی این مبارزات را تشویق می‌کردند، حزب الدعوة و آیت‌الله صدر را هم چون ستون پنجمی می‌دانست که خواهان ادغام عراق در ایران است. در نتیجه عظمت و گستردگی سرکوب در این قیام به حدی بود که سبب بروز شکاف در شورای رهبری انقلاب عراق و اعدام ۲۲ مقام بلند مرتبه یعنی شد.

آیت‌الله صدر با فتوایی مسلمانان را از عضویت در حزب بعث برحذر داشت. با شکسته شدن مرزهای ترس و وحشت، تظاهرات توده‌ها، ابعاد گسترده‌تری به خود گرفت. تظاهرات در سراسر عراق شروع شد. روز بعد بنت‌الهدی صدر، خواهر آیت‌الله صدر، رهبری زنان را در راهپیمایی به سمت حرم حضرت علی (ع) در نجف برعهده

آغاز حرکت اسلامی عراق، در نخستین اجتماع پس از بازگشت امام خمینی به تهران در بهمن ۱۳۵۷، در خارج مسجد خضرا بود

### محاصره بیت آیت‌الله صدر و شهادت

روز ۱۸ رجب ۱۳۹۹ خانه آیت‌الله صدر و کوچه‌های اطرافش، از اول صبح تا پاسی از شب مملو از جمعیتی بود که دیروز برای آزادی رهبرشان، دست به تظاهرات زده و بانیره‌های مزدور یعنی درگیر شده و فریاد مظلومیت رهبر و امت مسلمان عراق را به گوش عالمیان رسانده بودند و امروز آمده بودند تا با مرجع و پیشوای خود بیعت کنند، این تجدید پیمان امام و امت، حاکمان بغداد را بیش از پیش به وحشت انداخت و دستور محاصره خانه آیت‌الله صدر و قطع رابطه او با دیگران را صادر کردند. در پی این دستور ظالمانه سرکوچه آیت‌الله صدر و کوچه‌های اطراف نیروهای امنیتی را مستقر کردند و جلوی رفت و آمد به خانه او را گرفتند و بدین‌گونه دوره محاصره و کنترل نه ماهه خانه آیت‌الله صدر آغاز شد. رژیم بعث عراق، در تاریخ ۱۶ فروردین ۱۳۵۹، آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر، و خواهرش بنت‌الهدی را دستگیر کرد و به بغداد برد.

ایشان چهار بار توسط حزب بعث بازداشت شد. نخستین بار در سال ۱۳۹۲ قی بود که مأموران بعثی سید را در حالی که در بیمارستان نجف در بستر بیماری بود دستگیر کردند. مرتبه دوم در ماه صفر ۱۳۹۷ ه. ق بود



که بعد از مراسم قیام گونه اربعین حسینی، سید شهید بازداشت شد. مرتبه سوم در ماه رجب ۱۳۹۹ ق بود که در پی ماجراهایی به وجود آمده در این ماه و به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی ایران، رژیم مزدور بعثی دچار وحشت شدیدی شده بود. در مرتبه چهارم و آخرین بازداشت، «ابوسعید» رئیس سازمان امنیت نجف، با عده‌ای از مزدوران امنیتی، آیت‌الله صدر را دستگیر و به سرعت از نجف به بغداد منتقل کرد. آیت‌الله صدر این بار می‌دانست که دیگر بر نخواهد گشت، چون وقتی ابوسعید جنایتکار گفت: «آماده باشید به بغداد برویم!» به آرامی گفت: «من خیلی وقت است که آماده شهادتم!» فردای آن روز، حکومت بغداد، اقدام به دستگیری بنت‌الهدی کرد، چون بیم داشت می‌ادا بنت‌الهدی بار دیگر مردم را به اعتراض و تظاهرات دعوت و رژیم را رسوا کند!

برزان ابراهیم، برادر ناتنی صدام و رئیس سازمان امنیت کشور، در زندان از آیت‌الله صدر خواست که فقط چند کلمه بر ضد امام خمینی و انقلاب اسلامی بنویسد تا آزاد شود و گرنه کشته خواهد شد! آیت‌الله صدر این خواسته را رد کرد و گفت: «من آماده شهادتم، هرگز خواسته‌های غیر انسانی و ضد دینی شما را قبول نخواهم کرد و راه من همان است که انتخاب کردم!» آن‌گاه این خواهر و برادر مجاهد و عالم را به شکنجه‌گاه بردند و به شهادت رساندند. سرانجام در تاریخ ۱۹ فروردین ۱۳۵۹، در نیمه‌های شب جنازه آن دو شهید را به خانواده‌شان تحویل دادند.

#### بیانیه‌های سه‌گانه شهید صدر

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، شهید صدر بر فعالیت‌های سیاسی خود جهت ایجاد انقلابی اسلامی افزود و ملت عراق را با جلساتی که داشت و بخش نوار سخنرانی‌هایش و فرستادن نامه‌هایی به نمایندگان خود در شهرستان‌های عراق و خارج از عراق به قیام و انقلاب بر ضد بعثی‌های حاکم دعوت می‌کرد و ضرورت فعالیت و کوشش برای تطبیق احکام اسلام را در تمامی سرزمین‌های اسلامی گوشزد می‌نمود. همچنین بر وجوب و ضرورت قیام و فداکاری و از خودگذشتگی در راه نصرت دین و دفاع از مظلومان و مستضعفان تأکید می‌ورزید. در این زمینه، اعلامیه‌های سه‌گانه شهید صدر به ملت عراق مشهور است که به گوشه‌هایی از این اعلامیه‌ها و نامه‌ها اشاره می‌شود:

#### بیانیه اول به تاریخ ۲۰ رجب ۱۳۹۹ هـ. ق.

«ای ملت پدرانم و اجدادم، با تأکید می‌گوییم من همیشه با شما خواهم بود، در میان شما خواهم ماند، از شما هرگز جدا نخواهم شد و تا آخرین قطره خونم را برای شما و در راه خدا بذل خواهم کرد. دوست دارم به مسئولان مؤکداً بگویم این محتثی که با زور اسلحه و سر نیزه بر ملت عراق تحمیل شده و او را از حداقل حقوق و آزادی‌هایش محروم و از انجام مراسم مذهبی جلوگیری کرده است، ادامه نخواهد داشت و همیشه نمی‌توان با تکیه بر زور و اسلحه و سرکوب بر مردم حکومت کرد! اگر زور همیشه راه حل بود، حکومت فراعنه و ستمگران همچنان پایدار و برقرار می‌بود.

بخش اذان را از رادیو قطع کردند، صبر کردیم؛ بخش نماز جمعه را از رادیو قطع کردند، صبر کردیم؛ مراسم عزاداری امام حسین (ع) را تحت نظر گرفته و بخش فراوانی از مراسم را ممنوع کردند، صبر کردیم؛ مساجد را محاصره کرده و جاسوسان و نیروهای امنیتی را در آن مستقر کردند، صبر کردیم؛ مردم را مجبور کردند که به عضویت حزب بعث درآیند، صبر کردیم؛ گفتند دوران انتقال قدرت است باید ملت را بسیج و همه سرباز شوند، صبر کردیم؛ اما تا به کی؟! دوران انتقال قدرت تا کی ادامه خواهد داشت؟! اگر مدت ده سال برای ایجاد جو مناسب جهت انتخاب راه صحیح و دلخواه از سوی مردم کافی نیست، دیگر چه مدتی باید صبر کرد؟! اگر مدت ده سال حکومت مطلق بر مردم، فرصت مناسب را برای پیوستن مردم به حزبتان مگر با زور سر نیزه ایجاد نکرده باشد، دیگر از مردم چه توقعی دارید؟!... به نام شرف و انسانیت از شما می‌خواهم زندانیان در بند را آزاد کنید و بازداشت‌های هدفمند و بدون محاکمه را متوقف کنید!

در پایان به نام همه شما و به نام ارزش‌هایی که از آن دم می‌زنید، می‌خواهم که راه را بر ملت باز بگذارید تا خود سرنوشتش را رقم زند و از طریق برپایی انتخاباتی آزاد، نمایندگان راستین راهی مجلسی شوند که واقعا و جدا نماینده ملت باشند. من می‌دانم که این خواسته‌ها بر من گران تمام خواهد شد و به قیمت جانم خواهد انجامید، ولی این خواسته‌ها، خواسته‌های یک نفر نیست تا با مرگش خواسته‌ها هم بمیرند، بلکه این خواسته‌ها، اراده و آرزوهای ارزشمند یک امت است. امتی که محمد(ص) و آل محمد و علی(ع) در اعماق

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، شهید صدر بر فعالیت‌های سیاسی خود جهت ایجاد انقلابی اسلامی افزود





جانش رسوخ کرده و هرگز نمی میرد...»

### بیانیه دوم به تاریخ ۱۰ شعبان ۱۳۹۹ هـ ق

ملت عزیزم، مردم مسلمان عراق که برای دین و شرافت و آزادی و عزت خود و ارزش هایی که به آن ها ایمان دارید، غضب می کنید، ای ملت بزرگ عراق، امروز تو در حال تحمل رنج ها و سختی های طاقت فرسایه دست خویریزان و جلادانی هستی که خشم و ناراضی ملت، آن ها را به وحشت انداخته و در حالی که بازنجیر وحشت و ارباب،

ملت را به بند کشیده اند، خیال می کنند با این کارها ملت را بی شعور کرده، عزت و شرفش را از او گرفته و او را از عقیده و دین و پیامبرش (ص) جدا کرده اند.

آن ها در پی این هستند که میلیون ها انسان شجاع و مؤمن و نجیب عراقی را به مترسک و عروسک های خیمه شب بازی تبدیل کنند تا هر گونه که خودشان می خواهند به حرکت درآورند و به جای ولایت محمد و علی - علیهما السلام - ولایت و غفلت و مزدوران تشبیر و استعمار را به مردم تلقین و

تزیق کنند؛ ولی توده مردم همیشه قوی تر از طغیانگران بوده اند؛ هر چند زورمندان، قلندری می کردند.

حال که طغیانگران از غفلت درآمده و متوجه شدند که ملت عراق هنوز زنده است و نبضش می زند و هنوز می تواند حرفش را بزند، دست به حمله های گسترده زده و ده ها هزار نفر از مؤمنان و فرزندان شریف این کشور را دستگیر و به زندان انداخته، شکنجه و اعدام می کنند. در صف مقدم این مؤمنان، عالمان مجاهدی هستند که یکی پس از دیگری زیر شکنجه های دزخیمان به شهادت می رسند....

به شما فرزندانم می گویم من عزم بر شهادت دارم و شاید این

آخرین سخنی است که از من می شنوید. درهای بهشت باز است تا از کاروان شهیدان پذیرایی کند، باشد که خداوند پیروزی را برای شما مقدر سازد. چه لذت بخش است جام شهادت نوشیدن. شهادتی که پیامبر (ص) درباره آن فرمود: «شهادت مقام و حسنه ای است که هیچ سینه و گناهی به آن ضرر نمی رساند». و شهید با شهادتش تمام گناهانش را هر اندازه که باشد، می شوید.

هر مسلمانی که در عراق و یا خارج از آن به سر می برد باید، حتی به قیمت جانش - هر آن چه را که در توان دارد، برای برپایی نهضت و ادامه جهاد و مبارزه به کار گیرد تا این کابوس، از سینه عراق محبوب کنار رود و سرزمین عراقی از چنگال این گروه غیر انسانی و ضد بشری برهد و سرانجام احکام بی نظیر و شایسته اسلام بر آن حکم فرما شود.»



### بخش هایی از آخرین

بیانیه شهید صدر

«ملت عزیزم، ملت بزرگ عراق، در این شرایط سخت و دشوار به شما خطاب می کنم. مخاطب من همه گروه ها و تمام جناح ها و جریان ها و طوایف عرب، کرد، شیعه و سنی است؛ زیرا گرفتاری ایجاد شده، تمام گروه ها و مذاهب و قومیت ها را در بر گرفته و مخصوص گروه خاصی نیست. پس جهاد و مقاومت و پاسخ های قهرمانانه نیز نباید مخصوص به گروه خاصی باشد، بلکه تمام ملت باید در این جهاد شرکت جویند.

من از وقتی که خودم را شناختم و مسئولیت را در این امت متوجه شدم، و خود خود را به یکسان وقف شیعه، سنی، کرد و عرب نمودم و از رسالتی حمایت و دفاع می کنم که همه را به وحدت دعوت می کند و از عقیده ای دفاع می کنم که همه را یک جا و یک سان در بر می گیرد. یا فکر و وجودم، فقط برای اسلام زنده ام؛ اسلامی که راه خلاص و رهایی و هدف همه است. من یا تو هستیم ای برادر و فرزند سنی ام؛ به همان



به  
سنن  
می‌دانند...

فسرزدانیم،

برادرانم، آیا نمی‌نگرید

آن‌ها شعائر دینی را که علی و عمر

با هم از آن دفاع کردند، حذف کرده و

برداشتند؟! آیا نمی‌نگرید که کشور را سرتا سر پر از شراب و گردشگاه

خوک‌ها و مرکز فساد و فحشا کرده‌اند، چیزهایی که علی و عمر با هم با

آن‌ها مبارزه کردند؟! ... برادران و فرزندانم، از اهل موصل و بصره، از

بغداد و کربلا و نجف، سامرا، کاظمین، عماره، کوت و سلیمانیه،

فرزندان عراق در جای جای این سرزمین، من با شما پیمان می‌بندم

که من برای شما و به خاطر همه شما هستم و همه شما در حال حاضر

و آینده، همه چیز من هستید؛ وحدت کلمه داشته باشید؛ زیر پرچم

اسلام صف‌های خود را فشرده کنید و برای نجات عراق از کابوس این

گروه مسلط بر مقدرات مردم، برای ساختن عراقی آزاد و آباد و زیر

سایه عدالت اسلامی و برای حاکم شدن کرامت و بزرگواری بر عراق

تلاش کنید تا این‌که هموطنان با همه قومیت‌ها و همه مذاهب

احساس کنند همه با هم برادرند، در رهبری و ساختن کشورشان

سهیم هستند و آرزوهایشان جامه عمل می‌پوشد، آرزوهایی که ریشه

در رسالت آسمانی و آفاق تاریخ بزرگ اسلام دارد.

اندازه که

با تو هستم

ای برادر و فرزند

شیعه‌ام؛ من با شما

هستم همان قدر که شما

با اسلام هستید و به همان اندازه

که مشعل هدایت را برای نجات عراق از

کابوس سلفه و ذلت بردوش می‌کشید.

طاغوت و پیروانش سعی بر این دارند تا به فرزندان شیعه و سنی‌مان

تلقین کنند که مسئله، مسئله شیعه و سنی است تا برادران اهل سنت را

از میدان نبرد با دشمن مشترک دور کنند، به شما می‌گویم: ای فرزندان

علی و حسین و ای فرزندان ابوبکر و عمر، مشکل، مشکل شیعه و سنی

نیست؛ علی (ع) در حکومت سنی که سمبلش خلفای راشدین بودند و

بر اساس اسلام و عدالت بود، شمشیر برگرفته و همانند یک سرباز

می‌جنگید، او در جنگ‌های «الردة» زیر پرچم خلیفه اول جنگید، همه ما

در دفاع از پرچم اسلام با هر رنگ و مذهبی، می‌جنگیم و دفاع می‌کنیم.

حدود نیم قرن پیش، عالمان شیعه به وجوب دفاع و جنگیدن زیر

پرچم حکومت سنی، فتوا دادند و صدها هزار نفر از شیعیان، خالصانه

خون و جان خود را در راه دفاع از اسلام و در راه حمایت از نظام و

حکومت سنی که بر پایه اسلام استوار بود، بذل کردند. حکومت امروز

عراق، حکومتی سنی نیست؛ گرچه حاکمان مسلط، خود را منتسب



# معرفی آثار علامه شهید صدر

اسلامی، کفه معادله را به نفع اسلام‌گرایانی برگرداند که با اینکه ادعا می‌کردند اسلام پاسخ‌گوی همه نیازهای بشریت تا ابد است، در روبرویی با رقبای مارکسیست و کمونیست خود که سرشار از ادبیات و مباحث نظام‌مند اقتصادی بودند و مباحث و اصطلاحات علمی زیربنا و روبنا و روابط تولید و عوامل تولید و طبقه پرولتاریا و انقلاب‌کاری و... را به رخ می‌کشیدند، چیزی برای گفتن نداشتند.

آیت‌الله العظمی شهید سیدمحمدباقر صدر تألیفات و کتاب‌های ارزشمندی در حوزه تفسیر موضوعی قرآن کریم، علم اصول فقه، فلسفه و منطق، اقتصاد، ولایت فقیه و مهدی موعود (عج) نگاشته است که این آثار و اندیشه‌ها، بیانگر قدرت تحلیل بالا و جامعیت این شهید جاودان اسلام و تشیع است. از جمله این آثار می‌توان به کتاب‌های اقتصادنا، فلسفتنا، البنك اللاروی، الأسس المنطقية للإستقرار، الفتاوی الواضحة، المدرسة القرآنية، بحث حول الولاية، بحث حول المهدي (عج)، دروس فی علم الاصول، فک فی التاريخ، الاسلام یقود الحیاة، التفسیر التجزیئی والتفسیر التوحیدی للقرآن الکریم، نظرة عامة فی العبادات، المعالم الجديدة للأصول و المحنة اشاره کرد.



**فلسفتنا؛ بازتاب و انعکاس**  
زیادی در محافل اسلامی و غیراسلامی داشت. شهید صدر در این کتاب مهم‌ترین نظریه‌های فلسفی در دنیای فکر و اندیشه را مورد بررسی قرار داد و نظریه شناخت و معرفت اسلامی را به صورت واضح و روشن مطرح کرد.

## اقتصادنا؛ دستاورد علمی

ارزشمندی در زمینه اندیشه اسلامی و به طور کلی در زمینه اندیشه اقتصادی است که شهید صدر در این کتاب به پژوهش علمی دقیق در زمینه مکتب‌های مختلف اقتصادی از جمله اقتصاد مارکسیستی و اقتصاد سرمایه‌داری می‌پردازد و با استدلال و برهان علمی شکست این دو نظریه اقتصادی را اثبات می‌کند و نخستین کسی است که نظریه اقتصاد اسلامی را با عمق و جامعیت مطرح می‌کند. این کتاب، هنوز هم مهمترین و رایج‌ترین کتاب در حوزه اقتصاد اسلامی است، در تمام دانشگاه‌های غرب و ایران، هر جا که پای اقتصاد اسلامی در میان باشد، قطعاً در مرکز توجه است. اعتبار و تأثیر اقتصادنا به جهان شیعه منحصر و محدود نماند و مصر، به ویژه شماری از دانشگاه‌های مغرب عربی را نیز که این کتاب در آنها تدریس می‌شده است، در برگرفت.



**البنک اللاروی؛ شهید صدر**  
به درخواست گروهی از متخصصان و کارشناسان امور بانکداری، کتاب البنك اللاروی (بانکداری بدون ربا) را نوشت و در آن شیوه بانکداری اسلامی و چگونگی رهایی از تعاملات بانکی ربوی را که شرعاً حرام است توضیح داد و توانمندی اندیشه اقتصاد اسلامی در زمینه بررسی مسائل حساس در زمینه سیاست بانکداری را تبیین کرد.



**الأسس المنطقية للإستقرار؛**  
دستاورد مهم شهید صدر در زمینه پژوهش‌های فلسفی و منطقی به شمار می‌آید که در آن به تحلیل و بررسی مسئله استقرار پرداخته است. این کتاب یا توجه به اهمیت و ارزش آن به زبان‌های زنده دنیا ترجمه شد.

اقتصادنا نخستین تلاش علمی بی‌همتا در نوع خود برای استخراج نظریه اقتصادی اسلام از احکام شریعت است که در آن نویسنده، از طریق طرح تفصیلی احکام شریعت تا اصالت فقهی و مفاهیم و اصطلاحات علم اقتصاد را جمع کرده است. ظهور کتاب اقتصادنا در مرحله تاریخی بسیار حساسی اتفاق افتاد، زیرا در مقابل هجوم جریان مارکسیسم و رونق احزاب کمونیست در کشورهای





### الفتاوی الواضحة: رساله

عملی شهید صدر محسوب می‌شود که با استقبال گسترده شیعیان مواجه شد، به طوری که در بسیاری از مسائل دینی و شرعی به آن مراجعه می‌کنند و در این کتاب، مسائل عبادی به شیوه جدید و متفاوت با شیوه رایج در

رساله‌های عملی فقها مطرح شده است. علامه شهید صدر با آگاهی از اشکالات رساله‌های عملیه به نگارش رساله عملیه توبنی پرداخت و با تدوین الفتاوی الواضحة دگرگونی توبنی را در فتوانگاری پدید آورد. علامه شهید صدر بر این باور بود که فقه يك نظام و سیستم هدفمند است که هر کدام از اجزا و داده‌های آن در يك ديگر کارگرد، همه به سوی برآوردن هدفهای دین در حرکتند که باید بدان نگرش نظام‌وار داشت تا بتوان روح فقه را شناخت و شناساند. شهید صدر عقیده داشت رساله‌های عملی جلوه فقه در صحنه عمل مؤمنانند و باید سازوار با هر زمان و مکانی نگاشته شوند و بر این اساس دگرپرسی رساله‌های عملیه را بایسته می‌دانست. او خود نیز با این که پیش از الفتاوی الواضحة، تعلیقه‌اش را بر بلغة الراغبی و منهاج الصالحین منتشر کرده بود و می‌توانست با جای دادن فتاوی خود در متن منهاج الصالحین خود را از رساله‌نگاری رها کند، ولی وقتی کاستی‌های رساله‌های عملیه و بایستگی دگرگونی آن‌ها را دریافت به نگارش الفتاوی الواضحة پرداخت. او با نگارش الفتاوی الواضحة دگرگونی توبنی را در فتوانگاری پدید آورد و شایسته است فقیهان وارسته از آرمان زاهدی او پیروی کنند و ضمن کامل کردن طرح ایشان به تدوین رساله‌های عملیه خود براساس آن بپردازند. علامه صدر در شرح بایستگی نگارش اصول عقائد به همراه رساله عملیه به این نکته اشاره می‌کند که عمل به احکام شریعت بستگی به ایمان به خدا و رسول و معاد دارد. از این روی شرح استدلالی آن‌ها لازم است. بر این اساس شهید صدر رساله مختصری در اصول دین به سبک نوین می‌نگارد و به ضمیمه الفتاوی الواضحة منتشر می‌کند. شهید صدر یکی از اشکال‌های مهم رساله‌ها را یادآوری مسائل جزئی بدون شرح حکم کلی و نهایی مسائل می‌داند؛ از این روی خود در الفتاوی الواضحة در آغاز هر مسئله زیر عنوان «احکام عامه»، حکم کلی و نهایی مسئله و سپس از احکام جزئی آن در زمینه‌های گوناگون (گونه‌های عبادت، چگونگی انجام آن، عناصر و اجزای آن،

آداب و مستحبات و محرمات آن) یاد می‌کند.



### المدرسة القرآنية: در اصل

مجموعه سخنرانی‌هایی است که شهید صدر در آن درباره سنت‌های تاریخی در قرآن کریم مباحثی را مطرح می‌کند که این مباحث توسط شاگردان ایشان در حوزه علمیه گردآوری شد و پس از شهادت ایشان چندین بار منتشر شد. سید شهید در این سخنرانی‌ها، رویکرد جدیدی در زمینه پژوهش‌های قرآنی مطرح کرد.



### بحث حول الولاية: پژوهشی

درباره ولایت، در اصل مقدمه‌ای از شهید صدر برای کتاب الشیعة الإمامیة نوشته عبدالله القیاض است که این مقدمه نظر به اهمیت آن در کتابی مستقل به چاپ رسید و در آن موضوع تشیع و گسترش آن در جامعه اسلامی بررسی شد و شهید صدر در این کتاب اثبات کرد که تشیع از زمان نبی اکرم (ص) آغاز شد و در حقیقت، مذهب تشیع اسلام ناب و اصیل است.



### بحث حول المهدي (عج):

پژوهشی درباره حضرت مهدی (عج) است که آیت‌الله صدر در این کتاب به موضوع حضرت مهدی منتظر (عج) با رویکردی جدید و متفاوت با سایر تحقیقات و پژوهش‌هایی که در طول تاریخ به این موضوع پرداخته شده، پرداخت و مبانی علمی و منطقی که شهید صدر در مطالب این کتاب بر آن تکیه کرده، اهمیت آن را دوچندان کرده است. شهید صدر در بررسی این







موضوع، جنبه‌های اعتقادی و علمی را به صورت موضوعی جمع و حقیقت مهدی موعود(عج) را اثبات کرده است.

این کتاب با ترجمه «الطیف راشدی» و «سعید راشدی» از سوی انتشارات مسجد مقدس جمکران زمستان ۸۷ منتشر شد. «با قرآن در صحنه»، «باقیات صالحات»، «ارتباط طولانی شدن عمر امام زمان(عج) و دلیل اسلامی» و «علمی ایمان» از موضوعاتی است که مؤلف در این کتاب آن‌ها را بررسی کرده است. این کتاب با وجود حجم کم آن، کتابی جامع، مانع و بسیار پرمحتواست. نویسنده سعی کرده در این کتاب به شبهات و سؤالات عمده و مهم، پاسخ علمی، منطقی و متقن بدهد و پاسخ‌گوی برخی شبهات زمان خویش باشد. نگارنده در بخش نخست این کتاب آورده است: جریان مهدویت تنها یک ایدئولوژی تفکر و اندیشه اسلامی نیست که از نظر آموزش دینی مورد توجه قرار گیرد و تلقین‌های دینی آن را در افکار مردم جای دهد، بلکه این جریان یک الهام فطری است که در مقابل عقاید و تفکرات دیگران، ایام و روزهای وعده داده شده درخشان برای تمام مردم مجسم می‌کند تا در آن، تمام ادیان الهی با همه ابعادشان محقق شوند و نیز هدف و آرمان نهایی آن است که این جریان پس از سختی و تلاش‌های طولانی در طول تاریخ در مسیر مظلوم خود قرار گیرد.

در این زمینه را آشکار می‌کند و سپس نظریه اسلامی در بررسی مشکلات بشری را مطرح و آن را بهترین راه حل در

این زمینه می‌داند.

### المدرسة الإسلامية

پژوهشی علمی برای بررسی مشکلات اجتماعی است. شهید صدر در این کتاب با استدلال و دلیل موضوعی، ضعیف بودن اندیشه مادی در بررسی مشکلات اجتماعی و ارائه راه حلی مطلوب





**المرسل، الرسول، الرسالة:** در اصل مقدمه‌ای برای رساله عملی او (الفتاوی‌الواضحة) است که در آن شیوه جدیدی را اتخاذ می‌کند که با مقدمات تقلیدی حاکم بر رساله‌های علمی فقها فرق دارد و در آن مسائل اعتقادی مهمی را بررسی می‌کند و با توجه به اهمیت آن، این مقدمه در کتابی مستقل چاپ و چندین بار تجدید چاپ شده است.



**دروس فی علم الاصول:** از مهم‌ترین کتاب‌هایی است که شهید صدر در زمینه پژوهش‌های علمی اصولی نوشت که موضوع درسی برای طلبه‌های علوم دینی به شمار می‌آید. این کتاب به شیوه جدیدی که تعبیرکننده شیوه علمی شهید صدر است، نوشته شده است. آیت‌الله صدر در این کتاب آراء و اندیشه‌های خود را در زمینه علم اصول مطرح کرده است.

**فدك فی التاریخ:** از کتاب‌هایی است که شهید صدر آن را در آغاز حیات علمی خود نوشت و در آن به تحلیل تاریخی حادثه فدك که بحث‌های زیادی در محافل شیعی و سنی درباره آن انجام شده است، پرداخت. این کتاب به موضوعیت و بی‌طرفی ممتاز است. شهید صدر در بررسی موضوعات تحت تأثیر گرایش‌های فرقه‌ای و مذهبی قرار نگرفته. آن را به صورت روشمند و مستقل بررسی کرد و نتایج قانع‌کننده و قاطعی را در آن مطرح کرده که توانمندی آیت‌الله صدر در بررسی تاریخ اسلام را نشان می‌دهد.



**الاسلام یقود الحیاة:** سلسله پژوهش‌هایی است که شهید صدر در نخستین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی ایران و در پاسخ به سؤالات گروهی از علمای دینی درباره مسائل اساسی مربوط به دولت اسلامی مانند قانون اسلامی، صلاحیت حاکم و موضوعات مختلف نوشته و در آن دیدگاه اسلامی را به صورت پیشرفته و همگام با حرکت زندگی اجتماعی و سیاسی تدوین کرده است.





**نظرة عامة في العبادات؛** کتابی از شهید صدر است که در آن نقش عبادت در زندگی انسان و ضرورت آن را در بنای متکامل انسان و معانی عبادی احکام و ابعاد متفاوتی مسائل عبادی بررسی کرده است. شهید صدر در این مسائل، به شیوه علمی ساده‌ای به این موضوعات پرداخته و دیدگاهی واقعی را درباره عبادت ارائه می‌دهد، به گونه‌ای که به تمامی شبهاتی که درباره برخی شعائر عبادی مطرح می‌شود، پاسخ می‌دهد.

**المحنة؛** در اصل دو سخنرانی شهید صدر برای شاگردان خود قبل از شهادت است که بعدها در کتابی مستقل چاپ شده است و در آن مفهوم قرآنی محنت را بررسی و آن را به دو بخش موضوعی و ذاتی تقسیم کرده است، منظور از موضوعی شرایطی است که رنج و سختی را به وجود می‌آورد و منظور از محنت ذاتی، نقش فرد در مقابله با محنت سختی است.



**المعالم الجديدة للأصول؛** کتابی است که شهید صدر آن را در نیمه دهه هفتاد میلادی منتشر و در آن تحول علم اصول در تاریخ اسلامی را بررسی کرده است. این کتاب، پژوهشی علمی در تحلیل تحول علمی تاریخ اندیشه اصولی به شمار می‌آید.

**التفسير التجزيئي و التفسير التوحیدی للقرآن الکریم؛** پژوهشی در زمینه شیوه تفسیر ترتیبی و گرایش توحیدی یا موضوعی در تفسیر قرآن کریم است.







# کتاب‌شناسی

## شهید صدر

مادام‌جا، حول فلسفتنا کتابی است از «عمار ابورعیف» از شاگردان شهید صدر که در آن، فلسفتای شهید صدر را بررسی کرده است. این کتاب به کوشش دفتر تبلیغات اسلامی در قم چاپ شده است. کتاب مقدمه مباحث الاصول و مقاله جوانب من حياة آية الله الشهيد الصدر نوشته آیت‌الله سید کاظم حائری از شاگردان شهید صدر که در شماره سوم مجله الاضواء، در سال ۱۹۸۴ میلادی در قم منتشر شد، نیز از دیگر آثار نوشته شده درباره شهید صدر است.

حزب الدعوة الإسلامية عراق نیز به مناسبت نخستین سالگرد شهادت علامه صدر، کتاب استشهاد الامام محمدباقر الصدر من منظور حضاری، دراسة تحليلية و به مناسبت نهمین سالروز شهادت او، کتاب الشهید الصدر حیاته و جهاده و ظروف استشهادہ را منتشر کرد.

کتاب العلاقة التاريخية للسيد الشهيد بالامام والثورة به قلم اسید-حسین صدر، نگاشته شده است که از انتشارات دفتر مجلس اعلاى اسلامی عراق در تهران به شمار می‌آید.

حجت الاسلام و المسلمین اسیدصدرالدین قبانجی، امام جمعه نجف اشرف نیز چهار کتاب درباره شهید صدر نوشته است که دور الشهید الصدر فی الحوزة العلمية، خط المرجعية فی فکر الشهید الصدر، البعد الدینی والسیاسی لتحرك الشهید الصدر و الجهاد السیاسی للامام الشهید الصدر عناوین این آثار هستند. کتاب نبذة عن حياة الشهيد محمدباقر الصدر نیز با اشراف دفتر آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی از شاگردان شهید صدر و رئیس





پیشین قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران نوشته شده است.

همچنین آیت الله «غنیف النابلسی» رئیس هیئت علمای جبل عامل لبنان نیز کتابی با عنوان «خفايا و اسرار من سيرة الشهيد السيد محمدباقر الصدر (رازهایی از زندگی شهید سیدمحمدباقر صدر)» نوشته است که این کتاب سال گذشته میلادی منتشر شد و در آن مهم ترین مواضع سیاسی و علمی شهید صدر بررسی شده است.

مرحوم استاد «حسن التل» پژوهشگر و مبارز مسلمان اردنی نیز کتابی با عنوان «الشهيد الصدر و الثورة الإسلامية نوشته و در آن تأکید می کند که آیت الله صدر از بارزترین شخصیت هایی است که تغییر و تحولی عمیق در ناحیه فکری و اسلوب پژوهش در معارف اسلامی ایجاد کرد و از نظر سیاسی متأثر از انقلاب اسلامی ایران و مرجعیت امام خمینی (ره) بود؛ نویسنده در این کتاب همچنین، به تأثیرات شهید صدر بر انقلاب اسلامی ایران اشاره می کند.

همچنین ترجمه و شرح حلقه دوم از کتاب «حلقات شهید سیدمحمدباقر صدر» با عنوان قواعد کلی استنباط نوشته «رضا اسلامی» در سال ۱۳۸۶ هجری شمسی توسط مؤسسه بوستان کتاب قم منتشر شد.

کتاب «صحیفة زين العابدين (ع)» (صحیفة سجادیه) نیز به قلم اندیشمند شیعی «حسن موسی

الصفار» و با مقدمه شهید صدر و با موضوع پژوهش درباره دعاهاى امام سجاده (ع)، مناجات و رساله حقوق آن امام بزرگوار در عربستان منتشر شد. کتاب مذکور به کوشش مؤسسه انتشاراتی «اطیاف للنشر والتوزیع» در استان «قطیف» عربستان به چاپ رسیده است. شهید سیدمحمدباقر صدر در این مقدمه به بررسی تاریخ حیات و سیره امام سجاده (ع) پرداخته و این امام بزرگوار را نمونه بارزی از پرهیزگاری، عبادت و تقوا دانسته و نوشته است: تمامی مسلمانان به علم، استقامت، فضیلت، فقاہت و مرجعیت امام سجاده (ع) ایمان داشته اند و احادیث و روایاتی که از علمای اهل تسنن و تشیع در این زمینه ذکر شده مؤید این مطلب است. شهید صدر در ادامه مقدمه خود آورده است: «امام زین العابدین (ع) وظیفه ولایت و مسئولیت سیاسی و معنوی مسلمانان را پس از شهادت امام حسین (ع) به خوبی اجرا کرده و مسلمانان را به همزیستی مسالمت آمیز با پیروان ادیان و فرهنگ های مختلف و رعایت قوانین و حقوق اجتماعی آن ها دعوت کرده و از مسلمانان خواسته که اصالت فکری و شخصیتی خود را با استناد نه قرآن کریم و سنت پیامبر (ص) حفظ کنند. در پی

گسترش دامنه فتوحات اسلامی در نیمه دوم قرن اول هجری و با به دست آوردن غنایم جنگی، آسایش و بهره مندی از لذت های دنیوی، جامعه اسلامی را فراگرفت که باعث فروکش کردن شعله های عبادت و ارتباط با خداوند شد، امام سجاده (ع) با ابراز نگرانی از این وضعیت، دعا را به عنوان وسیله ای برای تقویت معنویت در جامعه اسلامی برگزید. شهید صدر در وصف صحیفة سجادیه نیز می نویسد: «صحیفة سجادیه از بلاغت جذاب و توانایی خاصی در شیوه بیان عربی برخوردار است و ارتباط انسان با خالق هستی را به زیباترین شکل به تصویر کشیده و دارای ارزش های اخلاقی و حقوقی زیادی است؛ امام سجاده توانست از طریق دعا، قضایی معنوی در جوامع اسلامی ترویج داده و مردم را به زهد و عبادت در دنیا، دعا و حمد و ستایش خداوند دعوت کند؛ به هر حال صحیفة سجادیه میراثی غنی از امام

سجاده (ع) است که در طول تاریخ مشعل هدایت و مدرسه اخلاقی و تهذیب بوده و بشریت به این میراث محمدی علوی نیازمند است.

همچنین، سنت های تاریخی در اندیشه شهید سیدمحمدباقر صدر در قالب کتابی به نام قوانین تحکیم التاریخ (حکومت قوانین بر تاریخ) در لبنان بررسی شد. این کتاب از سری کتاب های مربوط به پژوهش در حوزه اندیشه شهید صدر و در حقیقت دستاورد دو سمیناری است که شهید سیدمحمدباقر صدر سال ۱۳۹۹ هجری قمری درباره سنت های تاریخی برگزار کرد. مؤلفان این کتاب با توجه به سخنرانی های شهید صدر درباره موضوع سنت های تاریخی این مباحث را با اندکی تصرف، رعایت ساختار و وحدت موضوعی و حفظ عبارات های خود شهید صدر به صورت پژوهشی واحد در قالب کتابی گردآوری کرده اند. در این اثر به نقل از شهید صدر آمده است: «سنت های تاریخی عبارت از ضوابط و قوانینی است که در عملکرد تاریخ، حکمرانی می کند و در این میان، قرآن کریم نخستین کتابی است که بر این مفهوم تأکید دارد، چرا که تحقیق در سنت های تاریخی به شدت با قرآن کریم به عنوان کتابی الهی که منشأ هدایت بشر و رهایی از تاریکی هاست، در ارتباط است.

در این کتاب آمده است: «آیات قرآن این مفهوم را تبیین می کند که صحنه تاریخ، دارای سنت ها و ضوابطی است؛ چنانچه همه صحنه های هستی دارای سنت و ضوابط است؛ از بارزترین عناوینی که کتاب به آن می پردازد می توان به مفهوم سنت های تاریخی، درک ضرورت تحقیق درباره سنت های حاکم بر تاریخ، تعریف منحصر قرآن

سنت های تاریخی در اندیشه شهید سیدمحمدباقر صدر در قالب کتابی به نام قوانین تحکیم التاریخ (حکومت قوانین بر تاریخ) در لبنان بررسی شد



از سنت‌های تاریخی، تأثیر مستقیم سنت‌ها، نتیجه ظلم و طغیان، بین عذاب دنیوی و اخروی و تدبیر در حوادث تاریخی اشاره کرده. گفتنی است این کتاب، به همت مرکز تألیف و ترجمه «نون» بیروت تدوین و از سوی جمعیت فرهنگی معارف اسلام لبنان تابستان سال جاری منتشر شد.

محمدباقر الصدر: السیره و المسیره فی حقائق و وثائق: نخستین دانشنامه از زندگی شهید صدر است که «احمد عبدالله ابوزید العاملی»، مسئول علمی مرکز مطالعات و پژوهش‌های تخصصی شهید صدر، برای اولین بار اقدام به نگارش این دانشنامه (محمدباقر صدر؛ زندگی‌نامه و تاریخ براساس حقایق و اسناد) کرد. این کتاب که به عنوان اولین طرح موسوعی و

دانشنامه‌ای از زندگی شهید محمدباقر صدر شمرده می‌شود، زندگی‌نامه‌وی را به صورت سال‌شمار و بسیار دقیق و گسترده بررسی و به صدها منبع فارسی، عربی، انگلیسی و فرانسوی استناد می‌کند. از جمله ویژگی‌های این کتاب، بررسی زندگی این شهید بزرگوار به صورت سال‌شمار است که از سال ۱۲۵۳ هـ.ق با تولد شهید صدر آغاز و در سال ۱۴۰۰ هـ.ق با شهادت ایشان به پایان می‌رسد، نویسنده تبیین واقع‌انگارانه فضای اتفاقات آن زمان برای مخاطب را دلیل ترجیح شیوه سال‌شمار و تاریخی بر شیوه بررسی موضوعی اعلام می‌کند. همچنین، این شیوه واقعیت‌پویانده محکم میان دو حوزه نجف و قم در آن سال‌ها و حوادث اصلی که به این حوزه‌ها مربوط می‌شود و انعکاس این پیوند و حوادث مؤثر بر شخصیت و جهت‌گیری شهید صدر را آشکارا بیان می‌کند. این اثر نمایشی جامع از منابعی که پیرامون این شخصیت بزرگوار و مبارزات وی گردآوری شده را ارائه می‌دهد. نگارنده کتاب، این داده‌ها را از صدها اثر گردآوری کرده و همچنین با صدها شخصیت که مرتبط با شهید صدر بوده‌اند، دیدار و گفت‌وگو داشته و حتی به اسناد سیاسی استناد کرده است. به گونه‌ای که تعداد منابع این اثر به ۱۷۲۲ منبع می‌رسد. از دیگر ویژگی‌های این اثر نمایش شفاف و بی‌انپام تمام اسنادی است که در ارتباط با شهید صدر است و همچنین نویسنده به نقد متونی می‌پردازد که بیشتر در رابطه با این موضوع نوشته شده است. این کتاب با ۱۰ فصل و ۵ پیوست خواننده را به طور کامل با زندگی پربار شهید محمدباقر صدر آشنا می‌کند و در بخش آخر با ارائه ۲۴۶ عکس و ۵۴۷ سند که اکثراً دست‌نویس هستند و برای اولین بار به نمایش عمومی گذاشته می‌شوند، کتاب را به پایان

می‌برد. احمد عبدالله ابوزید العاملی، از دانش‌آموختگان دانشکده علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، شعبه قم است که کتاب ۵ جلدی خود را در سال ۲۰۰۷ و توسط انتشارات دارالعارف در بیروت چاپ و منتشر کرد.

همچنین مقاله آفاق العالمیه فی مدرسه السید الشهدید الصدر (جهان‌بینی در اندیشه شهید آیت‌الله صدر) نیز توسط

حجت‌الاسلام و المسلمین «عبدالکریم آل نجف» نوشته شده است که نویسنده در این پژوهش، با مطالعه و تحقیق در جهان‌بینی شهید صدر، سه

برداشت کلی از اندیشه‌های ایشان را مورد بررسی قرار می‌دهد، اما تنها به یک برداشت

پرداخته و آن را مورد بحث قرار داده است و این برداشت، به نقش عوامل اصیل انسانی از قبیل عقل، روح و فطرت در روند فعالیت فرد، جامعه و تاریخ

می‌پردازد که بر عوامل محلی از قبیل رنگ، قومیت و نژاد برتری دارند. در ارتباط با این محور، نویسنده در تحقیق خود ایده‌ها و نظریات شهید آیت‌الله صدر را که در آثار و تألیفات وی پراکنده است، بیان می‌کند.

مقاله علاج الحواجز النفسیه للتقرب بین المذاهب الإسلامیه عند الإمام الشهدید الصدر (طرح‌های شهید صدر برای رفع موانع روانی تقرب میان مذاهب اسلامی) نیز نوشته حجت‌الاسلام و المسلمین «محمدرضا نعمانی» از همراهان و ملازمان شهید صدر از دیگر مقالات نگاشته شده درباره شهید صدر است که در آن نویسنده تلاش می‌کند مهم‌ترین گام‌ها و فعالیت‌های تقریبی شهید صدر را تبیین کند.

همچنین مقالات الشهدید الصدر و الاجتهاد به قلم حجت‌الاسلام و المسلمین «محمد دشتی»، آیت‌الله الشهدید الصدر و مقتضیات العصر نوشته حجت‌الاسلام و المسلمین «سیدمحمد تقی»، پژوهشی با عنوان الشهدید الصدر و نظریه حق الطاعة نوشته حجت‌الاسلام و المسلمین «محسن غرویان» و رؤیه الشهدید الصدر حول مسیره الاجتهاد نوشته حجت‌الاسلام و المسلمین «سید نورالدین شریعت‌مدار جزائری» از دیگر مقاله‌های نوشته شده درباره آیت‌الله شهید سیدمحمدباقر صدر به شمار می‌آیند.

#### منابع:

۱. نقل با تصرف از پایگاه اطلاع‌رسانی شهید سید محمد باقر صدر به نشانی «<http://www.m-sadr.net>»
۲. پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، به نشانی «<http://www.hawzah.net>»
۳. نقل با تصرف از پایگاه اطلاع‌رسانی نوید شاهد، به نشانی «<http://www.navideshahed.com>»

محمدباقر الصدر: السیره و المسیره فی حقائق و وثائق: نخستین دانشنامه از زندگی شهید صدر است که «احمد عبدالله ابوزید العاملی» برای اولین بار اقدام به نگارش این دانشنامه کرد.









# ذوق فلسفی – اجتماعی اش اورا به سمت تفسیر موضوعی برد

سخنرانی‌های ایشان در زمینه‌های مختلف بسیار تأثیر پذیرفتم و از ایشان اطلاعات ارزشمندی را در زمینه امور اقتصاد اسلامی، بانکداری اسلامی، سنت‌ها و تفسیر قرآن و فلسفه دریافت کردم که در حقیقت، این ایده‌ها جان من را ساخت و اگر چیزی داشته باشم همه از تفکر بلند مرحوم استاد شهید صدر است. آیت‌الله شهید محمدباقر صدر طراح اصلی بانکداری اسلامی بدون ربا در عصر حاضر است.

آیت‌الله تسخیری در مورد تفسیر موضوعی شهید صدر گفت: مرحوم صدر در تفسیر موضوعی خود، آیات مرتبط با یک موضوع را کنار هم قرار می‌دهد و از مجموع آیات قرآن، دیدگاه قرآنی در رابطه با مشکلات بشریت و سایر موضوعات را به دست می‌آورد. میان بینش و روش فکری شهید صدر و گرایش وی به تفسیر موضوعی قرآن کریم ارتباط عمیقی وجود داشت، زیرا دیدگاه و بینش فکری آیت‌الله دیدی جامع‌نگر بود، همان‌طور که مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر «المیزان» نیز روش موضوعی را در نظر گرفته است، که این مسئله نشأت گرفته از دید جامع علامه بود.

ذوق فلسفی – اجتماعی مرحوم شهید سیدمحمدباقر صدر و نگاه وی به شریعت و احکام اسلام به عنوان یک اصل جامع برای حل مشکلات بشریت، علت گرایش وی به تفسیر موضوعی قرآن کریم بود، زیرا این ذوق فلسفی و اجتماعی و نوع نگاه شهید صدر به مبانی اسلام بیشتر با سیره موضوعی همخوان است.



آیت‌الله محمدعلی تسخیری، دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و از شاگردان شهید صدر، با اشاره به توجه آشنایی خود با آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر و شرکت در دروس ایشان در نجف اشرف گفت: من از حدود چهل سال پیش خدمت مرحوم صدر رسیدم و در دروس اصول و فقه ایشان در نجف حاضر شدم و در حقیقت، شیفته عمق نظریه پردازی، اخلاق، روحیه بلند، ایمان و تدبیر ایشان شدم و تقریباً یک دوره کامل اصول را خدمت شهید خواندم. پس از اخراج از عراق، دوره اصول مرحوم صدر را تکمیل کردم و همچنین، در مدت زمان حضور در نجف، بخش زیادی از فقه را خدمت شهید صدر تلمذ کردم و از عمق نظریه‌های شهید صدر و





خوشحال شد و خدمت حضرت امام خمینی (ره) نامه‌های زیادی

فرستاد و اعلام آمادگی کرد که خود و مرجعیتش را در خدمت انقلاب اسلامی قرار دهد. معلوم است فردی همچون شهید صدر که بینش

و خرد انسانی وسیعی داشت و تمامی جهان اسلام و مسائل و مشکلات آن مورد اهتمام وی بود، به طور طبیعی دیدگاه تقریبی و

وحدت‌گرایانه داشته باشد. آیت‌الله صدر پیوسته داعیه‌دار تقریب و همگرایی پیروان مذاهب اسلامی بود و به

فقه مقارن اهتمام و به تمامی جهان اسلام و حل مشکلات جوامع اسلامی توجه داشت. مرحوم

صدر از طلایه‌داران تحقق وحدت و همبستگی در جهان اسلام بود. من

دیدگاه‌های ایشان در زمینه وحدت را با دیدگاه مرحوم حضرت امام خمینی (ره) و مرحوم استاد

شهید مطهری مقایسه می‌کنم؛ یعنی میان دیدگاه، روش و فکر این بزرگان یک تطابق و هماهنگی وجود دارد که

امیدوارم جهان اسلام از نو، مرحوم صدر را بشناسد و از این فکر اصیل و عمیق قرآنی - اسلامی به بهترین وجه استفاده کند.

مجمع تقریب نظریات اجتماعی شهید صدر را با نام «مجمعنا» منتشر کرد

آیت‌الله تسخیری در پایان به اقدامات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در زمینه تبیین بیشتر افکار

و اندیشه‌های شهید صدر اشاره و خاطر نشان کرد؛ این مجمع تاکنون گام‌های

ارزشمندی در این زمینه برداشته است که اخیراً مرکز تحقیقات مجمع جهانی

تقریب، دیدگاه‌های اجتماعی مرحوم شهید صدر را تحت عنوان کتاب «مجمعنا» منتشر کرد و

گروهی از محققان و پژوهشگران مجمع نیز روی مباحث و موضوعات کتاب «اقتصادنا» و دیدگاه‌های تقریبی

ایشان کار می‌کنند. اما من معتقدم اندیشه‌های شهید صدر جای کار بیشتری دارد و ما باید بیشتر از این، از وجود پرفیض این مرجع نستوه

و عالم فرزانه جهان اسلام در زمینه‌های مختلف، به ویژه در زمینه تحقق تقریب میان مذاهب اسلامی بهره‌گیریم.

المختصر المفید فی تفسیر القرآن المجید بر اساس ایده‌های اهل بیت (ع) است

آیت‌الله تسخیری درباره پیشنهاد شهید صدر به وی و خجت‌الاسلام و المسلمین «مخمدرضا النعمانی» برای نگارش

کتاب المختصر المفید فی تفسیر القرآن المجید و ویژگی‌هایی این تفسیر گفت: در آن زمان یک تفسیر

جیبی منحرف و ناقص در سوریه نوشته شده بود که استاد ما مرحوم صدر به بنده و آقای نعمانی

دستور دادند که یک تفسیر جامع و در عین حال مختصر که بر اساس ایده‌های

اهل بیت (ع) و دارای بعد تقریبی، اجتماعی و سیاسی باشد، بنویسیم. بنابراین ما این تفسیر را در

مدت زمانی حدود ۳۰ سال تهیه کردیم و امیدواریم این تفسیر تا آخر امسال چاپ شود. تفسیر المختصر المفید فی

تفسیر القرآن المجید دارای ویژگی‌هایی مانند ایجاز است، به طوری که در مقابل هر صفحه از قرآن کریم تقریباً یک صفحه تفسیر

وجود دارد و در این تفسیر همچنین، ابعاد مختلفی از دلالت‌های قرآنی نیز مطرح شده است که از آن جمله می‌توان به بعد اجتماعی

مفاهیم قرآنی اشاره کرد. وی با بیان این‌که در این تفسیر بر احادیث نبی

اکرم (ص) و روایات اهل بیت (ع) تکیه شده است، اضافه کرد: این اثر، تفسیری تحلیلی از قرآن کریم

مطابق با مقتضیات زمان به شمار می‌آید که برای تدوین آن، از تفاسیر مشهوری استفاده

کرده‌ایم که تفسیر المیزان علامه طباطبائی و تفسیر فی ظلال القرآن سید قطب از

جمله اصلی‌ترین منابع این تفسیر است. فهم اجتهادی و ملاحظه سیاق و قرائن آیات نیز از دیگر منابع

تفسیر المختصر المفید به شمار می‌آید. دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در ادامه به جنبه

تقریب‌گرایانه اندیشه‌های شهید صدر اشاره و عنوان کرد: مرحوم صدر عاشق اجرای شریعت اسلامی در تمامی جهان اسلام بود و

روزی که خبر پیروزی انقلاب اسلامی در ایران را شنید، بسیار

مرحوم صدر در تفسیر موضوعی خود، آیات مرتبط با یک موضوع را کنار هم قرار می‌دهد و از مجموع آیات قرآن، دیدگاه قرآنی در رابطه با مشکلات بشریت و سایر موضوعات را به دست می‌آورد

آیت‌الله صدر پیوسته داعیه‌دار تقریب و همگرایی پیروان مذاهب اسلامی بود و به فقه مقارن اهتمام و به تمامی جهان اسلام و حل مشکلات جوامع اسلامی توجه داشت





## بررسی ویژگی‌های تفسیر موضوعی و شیوه تدریس شهید صدر

در گفت‌وگو با آیت‌الله سید نورالدین اشکوری

نظریه‌پردازی در کتاب‌های اقتصادنا و البنك‌اللازوی (بانکداری بدون ربا) و دیگر نوشته‌های وی مشاهده می‌شود. تفسیر موضوعی شهید صدر را می‌توان بخشی از نظریه‌پردازی منحصر به فرد وی شمرد. شهید صدر تنها موفق به ارائه ۱۴ جلسه درس تفسیر قرآن شد که این دروس در ایام تعطیلی دروس حوزه علمیه نجف اشرف تدریس می‌شد و من در آن ایام تعطیلی در نجف نبودم و برای فعالیت‌های اجتماعی و خارج از حوزه علمیه به شهرهای «حله» و «کاظمین» عراق می‌رفتم و چندین سال نیز وکیل آیت‌الله العظمی «سید مجسن حکیم» بودم و به خاطر فعالیت‌های اجتماعی گسترده‌ای که داشتیم توانستیم در این دروس حاضر شوم.

سید نورالدین اشکوری که در پژوهشگاه علمی - تخصصی شهید صدر در قم میزبان این گفت‌وگو بود، تصریح کرد: شهید صدر در تفسیر موضوعی قرآن کریم خود در صدد پاسخگویی قرآن برای حل مسائل و مشکلات اجتماعی برآمد و بر این دروس قرآنی به عنوان کلیدی برای حل مسائل اجتماعی تکیه کرد و هم‌اکنون موضوعات زیادی وجود دارد که نیازمند آن هستیم که قرآن را نسبت به این مسائل به پاسخگویی واداریم. استنتاج به معنای این است که موضوع جدیدی که محقق می‌شود، دیدگاه اسلام نسبت به این موضوع را بدانیم؛ زیرا این موضوع در عصر نبی اکرم (ص) و ائمه (ع) وجود نداشته است و ما در حال حاضر برای حل این مسائل نیازمند آن

آیت‌الله سید نورالدین اشکوری، متولد ۱۳۱۶ شمسی و از شاگردان قدیمی شهید صدر است که همراه با آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی و آیت‌الله سید کاظم حائری در سال ۱۹۵۰ میلادی در درس خارج شهید صدر حضور یافت. اشکوری در سال ۱۹۷۰ میلادی عراق را ترک کرد و در قم مستقر شد. وی مدتی نیز بعد از انقلاب اسلامی ایران در دستگاه قضایی مشغول به فعالیت شد و زمانی هم امام جمعه قزوین بود. آیت‌الله سید کاظم حائری وی را به عنوان وکیل خود در عراق و مسئول دفتر خود در نجف اشرف انتخاب کرد، اما به سبب شرایط حاکم بر عراق نتوانست به فعالیت خود ادامه دهد و سپس به قم بازگشت. او مدتی را نیز در برزیل به منظور انجام فعالیت‌های اسلامی و تبلیغی اقامت داشت. اشکوری هم‌اکنون مدیر پژوهشگاه علمی - تخصصی شهید صدر در شهر مقدس قم است.



آیت‌الله اشکوری با تبیین تفسیر موضوعی شهید صدر و جلسات قرآنی او که در کتاب المذکره القرآنیة گردآوری شده است، گفت: قبل از شهید صدر، علما و اندیشمندان جهان اسلام اشاره‌های جزئی به نظریه‌پردازی داشته‌اند، اما شهید صدر به صورت جامع به نظریه‌پردازی اسلامی پرداخت و این نظریه‌پردازی بسیار واضح، دقیق و روشن و برای امت اسلام سودمند است، به طوری که این



هستیم که پاسخ آن را از قرآن بیابیم.

استنطاق از قرآن تا زمان شهید صدر به این شکل مطرح نشده بود اشکوری در ادامه افزود: اگر شیوه استنطاقی شهید صدر در این دروس قرآنی را درک کنیم، پس آن، کلیدی برای حل مسائل و مشکلات است اسلام است. مسئله پاسخگویی قرآن تا زمان شهید صدر به این شکل مطرح شده بود. شهید صدر در این دروس این ضرورت بسیار مهم را درک کرد که قرآن را نسبت به مسائل مختلف به پاسخگویی وادارد و ضرورت را در آن می‌دید که این کلید را به نسل‌های آینده عطا کند. تاکنون افراد زیادی در زمینه اقتصاد اسلامی نوشته‌اند، اما هر یک از آن‌ها بخش ساده و گسسته‌ای از اقتصاد را مد نظر داشته‌اند و در تمام کتاب‌هایی که در بخش‌های

مختلف اقتصاد اسلامی نوشته شده است، مسئله‌ای به نام نظریه پردازی مشاهده نمی‌شود، اما شهید صدر مسئله نظریه پردازی را به صورت مبتکرترین صورت در اقتصادنا و بانکداری بدون ربا ارائه داد و یکه‌تاز عرصه تئوری پردازی اقتصاد اسلامی شد.

### ویژگی درس شهید صدر: بار علمی، تقریر و اهتمام استاد به شاگرد

وی به ارتباط خود با شهید صدر و دروسی که نزد ایشان خواند، اشاره و اظهار کرد: آغاز ارتباط من با شهید صدر به درس کفایة الاصول برمی‌گردد که من و «سیدفخرالدین الموسوی» یکی از طلبه‌های لبنانی در نجف از شهید صدر خواستیم که درس کفایه تدریس کند که مدت کمی در درس کفایه و پس از آن در درس خارج ایشان حاضر شدم. من در آن زمان در درس بسیاری از علما و بزرگان نجف حضور می‌یافتیم، اما درس شهید صدر از ناحیه علمی و تقریر از ناحیه اهتمام استاد به شاگرد با دروس سایر علمای نجف قابل قیاس نبود.

مدیر پژوهشگاه علمی - تخصصی شهید صدر خاطرنشان کرد: درس کفایه شهید صدر تعدادی از طلاب و فضلاء ایران، لبنان و برخی عراقی‌ها را گرد هم آورد. من برای این درس و ضبط آن بسیار اهمیت قائل بودم. در آن زمان ثبت و ضبط درس چیز معمولی نبود و این مسئله در حوزه علمیه نجف نیز امری پذیرفتنی نبود، اما من در آن شرایط حاکم در عراق که اجازه ضبط کردن و عکس برداری را نمی‌داد، بدون آن که دیگر طلبه‌ها بدانند، درس را ضبط می‌کردم. من و مرحوم «سید عبدالغنی اردبیلی» برای این درس بسیار اهمیت قائل

بودیم. رابطه میان ما و شهید صدر رابطه پدر و فرزند بود و از مرحله استادی و شاگردی گذشته بود.

اشکوری که از شاگردان حضرت امام (ره) و آیت‌الله خونی هم بود. در ادامه سخنان خود تصریح کرد: در درس کفایه شهید صدر، آیت‌الله «سیدکاظم حائری» و آیت‌الله «سید محمود هاشمی شاهرودی» و تعدادی از نخستین شاگردان شهید صدر حضور داشتند. ما از جوانب و اطلاعات علمی شهید صدر بسیار خیرت‌زده شده بودیم، شهید صدر همچنین انسانی جامع‌نگر بود و این جامعیت تنها در اندیشه و علوم اسلامی نیست، بلکه این جامعیت در تمامی مسائل و جوانب اخلاقی شهید صدر و نظریات وی مشاهده می‌شود. ایشان متولی و عهده‌دار مسائل زیادی از جمله تغییر نگرش سنتی حوزه علمیه، تغییر عراق استبدادزده و مبارزه فکری و سیاسی و مبارزه با کفر شد.

وی افزود: هر یک از شاگردان شهید صدر علمای

بزرگی در حوزه‌های علمیه شدند، با وجود این‌که در قم فرصت کافی به آنان داده نشد و آنان همچنان مهجور هستند، بسیاری از شاگردان با واسطه و بدون واسطه شهید صدر عهده‌دار مناصب مهم فکری و قضایی ایران شدند. این در حالی است که متأسفانه شاگردان شهید صدر فرصت کافی بهره‌گیری از سرچشمه علم شهید صدر را نیافتند و نیز آن چنان که شایسته باشد به بررسی ابعاد علمی و فکری این شهید نائل نشدند و ما تنها اندکی از آن‌را گرفته‌ایم و من شخصا از این ناحیه بسیار متأسف هستم و در حقیقت شهید صدر گنجینه‌ای است که دشمنان او را از ما گرفتند.

### علل دشمنی با شهید صدر: نبوغ سرشار و جامعیت

وی در ادامه این گفت‌وگو در پاسخ به این پرسش که علت دشمنی‌هایی که با شهید صدر چه در قید حیاتش و چه بعد از شهادتش می‌شود، چیست؟ گفت: یکی از علت‌های این دشمنی نبوغ سرشار شهید صدر است. خداوند متعال استعداد و هوش سرشاری به آیت‌الله صدر بخشید که دیگران از آن بی‌بهره‌اند و انسانی که به این درجه از جامعیت و به این سطح از نبوغ رسیده باشد، قطعاً مورد دشمنی قرار می‌گیرد و حسادت و زریدن به او امری طبیعی است که این حسادت به شکل‌های مختلف نمایان می‌شود. علت دیگر این است که کفر جهانی با ابزارهای مختلف و در رنگ‌های مختلف ممکن

هر یک از شاگردان شهید صدر علمای بزرگی در حوزه‌های علمیه شدند، با وجود این‌که در قم فرصت کافی به آنان داده نشد و آنان همچنان مهجور هستند





نیست انسانی را تحمل کند که برای ارائه تصویر روشن و جامعی از اسلام تلاش می‌کند و ممکن است اساس تمدن بشری و افکار موجود در غرب را به هم بریزد.

اشکوری همچنین افزود: جمهوری اسلامی ایران بسیاری از موازین و مسائل جهانی را تغییر داد و بیداری اسلامی با پیروزی انقلاب اسلامی ایران زنده شد و در حقیقت، بیداری اسلامی نیازمند فکر و اندیشه و رسالت‌های مختلفی است. شهید صدر نظریات جامعی برای تمامی جوانب زندگی ارائه داد. بنابراین دشمنی خارجی و داخلی نسبت به شهید صدر امری طبیعی است.

#### تالیفات شهید صدر بر اساس نیازهای امت اسلام بود

اشکوری بر این باور است که آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر گامی برنداشت، دستی به قلم نبرد، سخنی به زبان نیاورد و عهده‌دار مسئولیتی نشد، مگر این که نیاز امت اسلام را در آن احساس کرد و آثار، تالیفات، اندیشه‌ها، افکار و اقداماتش در راستای عبودیت و بندگی خداوند متعال و طلب رضایت حق تعالی بود.

وی به بررسی آثار و اندیشه‌های شهید صدر و چگونگی تأسیس پژوهشگاه شهید صدر در قم پرداخت و گفت: شهید صدر اول دارای نبوغ و استعداد سرشاری بود که خداوند این نبوغ و استعداد را تنها به تعداد کمی از بندگان خود عطا می‌کند و همچنین عهده‌دار مسئولیت‌های خطیری شد. نگارش کتب و آثار ارزشمند از دیگر امتیازات و ویژگی‌های منحصر به فرد شهید صدر به شمار می‌آید. سخنان، اندیشه‌ها و افکار و تالیفات شهید صدر همگی در راستای نیاز امت اسلام و عبودیت حق تعالی و رسیدن به خشودی خداوند متعال است و من در درجه نخست به خودم و به دیگران توصیه می‌کنم که از این افکار و ویژگی‌های شهید صدر الگوبرداری کنیم، زیرا اگر ما نمی‌توانیم به نبوغ و استعداد شهید صدر برسیم و مانند وی الگوی باشیم، اما می‌توانیم از این ویژگی‌ها و امتیازات و مواهبی که خداوند به آیت‌الله صدر عطا کرده است، الگوبرداری کنیم.

#### اقتصادنا باعث شهرت شهید صدر در سراسر جهان شد

آیت‌الله اشکوری در ادامه سخنان خود به کتاب اقتصادناي شهید صدر اشاره کرد و گفت: این کتاب، نخستین کتابی است که آیت‌الله صدر آن را نوشته و باعث شهرت وی در سراسر جهان و ارتقای منزلت و جایگاه ایشان در جهان اسلام شد؛ مرحوم صدر در ابتدا می‌خواست این کتاب با نام «جماعة العلماء المسلمین» چاپ شود، اما به علت اختلافاتی که میان وی و برخی اعضای این جماعت در فصولی از کتاب

وجود داشت، مجبور شد که کتاب را با نام خود چاپ کند. این شاگرد حضرت امام خمینی (ره)، آیت‌الله صدر را نمود واقعی «عبدالله» (بنده خدا) نامید و گفت: مرحوم صدر انسانی بود که می‌توانیم وی را عبدالله بنامیم و ویژگی عبدالله خصلت بسیار والا و بزرگی برای رسول‌الله (ص) هم هست، اما بالاتر از این، منزلت پیامبر این بود که نبی اکرم (ص) امام بود و می‌دانید که منزلت و جایگاه امام بالاتر از نبوت و رسالت است. لذا ما در تشهد نماز می‌گوییم: «و اشهد ان محمداً عبده و رسوله».

#### آیت‌الله صدر جامع‌ترین دیدگاه را درباره سنت‌های تاریخی در

##### قرآن مطرح کرد

وی در بخش دیگری از این گفت‌وگو به موضوع سنت‌های تاریخی در قرآن کریم نزد شهید سیدمحمدباقر صدر اشاره کرد و گفت: من معتقدم آیت‌الله صدر تا عصر حاضر، جامع‌ترین و برترین دیدگاه و رویکرد را نسبت به موضوع سنت‌های تاریخی در قرآن کریم داشته است و توانسته نظریه جامعی از قرآن کریم درباره سنت‌های تاریخی در قرآن را به مخاطب منتقل کند، اما اگر در آینده به این موضوع پرداخته شود، امکان تکامل این موضوع وجود دارد.

#### پژوهشگاه علمی - تخصصی شهید صدر توسط شاگردان ایشان تأسیس شد

آیت‌الله اشکوری در ادامه به تشریح فعالیت‌های پژوهشگاه علمی - تخصصی شهید صدر و چگونگی تأسیس این مرکز و مؤسسه‌های حامی آن پرداخت و گفت: در سال ۱۳۷۹ هجری شمسی، همایشی بین‌المللی با موضوع شهید صدر در تهران برگزار شد که این همایش بسیار عظیم و در نوع خود در جهان اسلام بی‌نظیر بود و تعدادی از علما، نویسندگان و اندیشمندان کشورهای مختلف جهان به این همایش دعوت شدند و به مدت سه روز در سه نوبت صبح، بعدازظهر و شب این همایش برگزار شد که در مجموع ۲۱۰ مقاله در جوانب مختلف شخصیت علمی و فکری شهید صدر ارائه شد، حضور شرکت‌کنندگان در جلسات مختلف همایش بسیار چشمگیر بود.

وی افزود: در پایان همایش، من و تعدادی از شاگردان شهید صدر اصرار داشتیم که مؤسسه‌ای تخصصی برای گردآوری آثار و تالیفات شهید صدر تأسیس شود، زیرا معتقد بودیم که این همایش به پایان می‌رسد و اقدامی که شایسته فکر و اندیشه شهید صدر باشد محقق نخواهد شد. بنابراین باید یگویم که پژوهشگاه علمی - تخصصی شهید صدر توسط سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و مجمع جهانی اهل بیت (ع) تأسیس نشد،





و شیوه‌های مختلف چاپ و آن‌ها را برای استفاده محققان و پژوهشگران به جامعه عرضه خواهیم کرد، در این پژوهشگاه، زمینه و عرصه پژوهش و تحقیق درباره افکار، آثار و اندیشه‌های شهید صدر فراهم است.

وی در ادامه با اشاره به همکاری پژوهشگاه با دانشجویان برای نوشتن رساله‌های علمی و دانشگاهی درباره افکار و اندیشه‌های شهید صدر گفت: ما در صدد تقویت و تحقق بیشتر این همکاری هستیم، اما همکاری ای که الان صورت می‌گیرد، بسیار ضعیف است، زیرا ما در این پژوهشگاه تنها منتظر آن هستیم که دانشجویی بیاید و برخی کتب و آثار و تالیفات درباره شهید صدر را از ما بخواهد، اما متأسفانه در بسیاری از مواقع، دانشجویان به طور تصادفی متوجه می‌شوند که پژوهشگاهی با این حجم از آثار و تالیفات شهید صدر وجود دارد.

جهان اسلام نشانه افکار و آثار و اندیشه‌های شهید صدر است. آیت‌الله اشکوری اضافه کرد: پژوهشگاه علمی - تخصصی شهید صدر، خواهان گسترش روابط با دانشگاه‌های مختلف کشورهای اسلامی است، اما این مسئله نیازمند بودجه مناسب و مدیریت و تشکیلات است و من بسیار متأسف هستم و نمی‌دانم تأسف خود را چگونه ابراز کنم که این حجم از آثار شهید سیدمحمدباقر صدر وجود دارد و جهان اسلام امروز به شدت نیازمند این افکار و آثار و اندیشه‌هاست، اما هیچ حرکتی برای پیشبرد اهداف این پژوهشگاه و شناسایی بیشتر آثار و فعالیت‌های آن انجام نمی‌شود.

مدیر پژوهشگاه علمی - تخصصی شهید صدر در پایان خاطرنشان کرد: ما قبل از هر چیزی افتخار می‌کنیم که حافظ و گردآورنده آثار شهید سیدمحمدباقر صدر هستیم، در حال حاضر، آثار شهید صدر به زبان‌های مختلف و در کشورهای مختلف آمریکایی و اروپایی وجود دارد که ما باید این آثار را گردآوری کنیم که باز هم باید بگوییم این اقدامات نیازمند بودجه کافی و تشکیلات اداری مناسب است و این چیزی است که ما از آن به شدت رنج می‌بریم.

بلکه به کوشش تعدادی از شاگردان شهید صدر راه‌اندازی شد. آیت‌الله اشکوری در ادامه ضمن ابراز تأسف شدید از بی‌توجهی به این پژوهشگاه گفت: متأسفانه هیچ دستگاه و سازمانی از پژوهشگاه علمی - تخصصی شهید صدر حمایت مالی نمی‌کند، اما از ناحیه فکری، تعدادی از شاگردان شهید صدر و طلبه‌ها و شاگردان این شهید در این پژوهشگاه حضور علمی فعالی دارند. هیئت امنای این پژوهشگاه از ۱۴ عضو تشکیل شد که شهید سیدمحمدباقر حکیم، مرحوم علامه سیدمرتضی عسکری و آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی و تعدادی از شاگردان شهید صدر از اعضای آن بودند. این هیئت امنا پنج نفر را به عنوان هیئت مدیره انتخاب کردند که هیئت مدیره نیز بنده را به عنوان مدیر پژوهشگاه انتخاب کرد. پژوهشگاه علمی - تخصصی شهید صدر از ناحیه علمی از حمایت شاگردان شهید صدر و طلبه‌های شاگردان شهید صدر برخوردار است. در حال حاضر، مجموعه زیادی از آثار شهید صدر در این پژوهشگاه وجود دارد که این حجم از آثار شهید در هیچ جای جهان یافت نمی‌شود و عظمت و ارزش این پژوهشگاه نیز به این آثار است و در حقیقت اگر این پژوهشگاه تخصصی تأسیس نمی‌شد، آثار شهید صدر به هیچ وجه این گونه گردآوری نمی‌شد و این مرکز توانست با اشراف و نظارت شاگردان شهید صدر، بسیاری از آثار و تالیفات این عالم فرزانه جهان اسلام را پس از تصحیح، ویرایش و فهرست‌بندی با چاپ‌های فاخر منتشر کند. آیت‌الله اشکوری همچنین، به راه‌اندازی پایگاه اینترنتی این پژوهشگاه اشاره و اظهار کرد: ما هم‌اکنون در آغاز راه‌اندازی این پایگاه

اینترنتی با عنوان «www.mbsadr.com» هستیم و آثار و تالیفات شهید صدر آرام آرام در حال قرار گرفتن بر روی این سایت هستند و در حقیقت، پایگاه اطلاع‌رسانی پژوهشگاه تخصصی شهید صدر در قم غنی‌ترین وب‌گاه الکترونیک در رابطه با شهید صدر محسوب می‌شود و هم‌اکنون در این پژوهشگاه، فرآیند تحقیق و سازماندهی برخی آثار شهید صدر آغاز شده که در آینده این کتاب‌ها را به شکل‌ها







## برخلاف دیگر مفسران ساختار تفسیر موضوعی اش را نیز از قرآن برگرفت

۱۳۵۰ ق. پیش از آن که افتخار شاگردی در محضر درس علامه شهید سید محمدباقر صدر را داشته باشم، در نجف اشرف با نوشته‌ها و شاگردان ایشان آشنا شدم و در مجالس ویژه و خارج از درس ایشان حاضر شده و سپس در سال‌های ۵۱ تا ۵۳ به طور مستقیم از درس خارج فقه و اصول ایشان بهره‌مند شدم و پس از آن تاکنون با نوشته‌های او دمساز بوده و شیفته افکار، نظریات و روش ایشان هستم.

حکیم با اشاره به این که بسیاری از نظریات، دیدگاه‌ها و تألیفات که امروز در اختیار جامعه علمی حوزوی و دانشگاهی است، مرهون برکات این شهید بزرگوار و توجه دقیق ایشان به بحث اساسی و مهم «روش‌شناسی» است، گفت: از آن جا که اهمیت مبحث روش‌شناسی در علوم مختلف مانند علم استنباط و هم‌چنین تحلیل مسائل بزرگ کسی پوشیده نیست، در حقیقت می‌توان گفت نگاه تأسیسی این عالم پرتلاش به علم روش‌شناسی امروزه عرصه‌های جدید و متنوعی را برای قلم‌زدن در اختیار اندیشمندان معاصر قرار داده است.

وی با بیان این که شخصیت علمی و روش استنباط شهید صدر در استنباط مسائل بسیار ممتاز است، خاطر نشان کرد: با وجود عمر کوتاه و تألیفات محدود ایشان، تاکنون تألیفی که جایگزین مناسبی برای اندیشه‌های ایشان در زمینه اقتصاد، فلسفه، تاریخ و جامعه‌شناسی باشد، نگاشته نشده است.

حکیم با اشاره به مظلومیت شخصیت علمی شهید صدر گفت: کسی که به بازخوانی و بررسی علمی منهج و روش این شهید بزرگوار

حجت‌الاسلام و المسلمین سیدمنذر الحکیم در سال ۱۳۳۲ ه. ش. در شهر مقدس کربلا متولد شد و علوم حوزوی و دینی را در حوزه‌های نجف و قم سپری کرد و از محضر اساتید بزرگی همچون حضرت امام خمینی (ره)، آیت‌الله العظمی شهید سیدمحمدباقر صدر، مرحوم آیت‌الله العظمی سیدابوالقاسم خولی بهره برد. وی تاکنون با ده‌ها مؤسسه و مرکز پژوهشی مانند مجمع جهانی اهل بیت (ع)، مدیریت برنامه‌ریزی و آموزش در مجمع اندیشه اسلامی، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه جواهران و مدیریت فقه خانواده در جامعه المصطفی (ص) العالمية همکاری داشته است. از کتب و مقالات سیدمنذر الحکیم می‌توان به «معالم المجتمع المسلم فی سوره الحمد»، «نگاه جامع امام خمینی (ره) به قرآن کریم»، «تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری در قرآن کریم» و «قصه‌های قرآن کریم» (ترجمه قصص القرآن شهید سیدمحمدباقر حکیم) اشاره کرد.



آیت‌الله العظمی شهید سیدمحمدباقر صدر برخلاف دیگر مفسران تفسیر موضوعی که ساختار تفسیری خویش را از خود قرآن نگرفته‌اند و فقط مطالب خویش را مستند به آیات قرآن کرده‌اند، معتقد به قرآنی بودن ساختار تفسیر موضوعی و هماهنگی کامل آن با این کتاب الهی است.

«سیدمنذر الحکیم» از شاگردان شهید صدر و از مؤلفان و نویسندگان پرکار حوزه علمیه قم، با بیان این مطلب گفت: حدود سال





بپردازد. مظلومیت ایشان را در این عرصه و دیگر عرصه‌های علمی به ویژه در حوزه پارسی‌زبانان به دلیل اینکه ترجمه‌های خوبی از آثار ایشان صورت نگرفته است، آشکارا در می‌یابد. در این زمینه‌ها تحقیقات و بررسی‌های درخور و شایسته‌ای صورت نگرفته است و این تا بدان حد است که حتی ترجمه‌های مناسبی از آثار این شهید بزرگوار به زبان پارسی و دیگر زبان‌ها موجود نیست، البته شاید بتوان گفت که یکی از دلایل نبود ترجمه‌های دقیق و علمی، ادبیات بسیار بالا و پیشرفته ایشان است، به گونه‌ای که ادبیات آثار ایشان برای عرب‌زبانان نیز چالشی و سنگین است و توانمندی ویژه‌ای را می‌طلبد.

ترجمه آثار شهید صدر ضعیف و تحت‌اللفظی و از نظر مفهومی بسیار نارساست  
این استاد حوزه علمیه با اشاره به این‌که ترجمه‌هایی که از آثار شهید صدر صورت گرفته ترجمه‌هایی ضعیف و تحت‌اللفظی و از نظر مفهومی بسیار نارساست، خاطرنشان کرد: این موضوع آسیب جدی و خسارت بزرگی را به حوزه علمیه و مجامع دانشگاهی وارد کرده است که امیدواریم با توجه بیشتر به این شخصیت بزرگوار مقداری از گره‌های این معضل باز شود. بنده که بیش از سی سال است با متون ایشان دمساز هستم، هنگام مراجعه به آنها همواره نوآوری‌های علامه شهید را از لحاظ قدرت و ساختار علمی احساس می‌کنم. به گونه‌ای که پس از طی چند دهه نه تنها این ادبیات و نظریات کهنه نشده‌اند، بلکه خیلی‌ها هنوز به مرحله احاطه و ادراک این متون و تحلیل کامل آن‌ها دست نیافته‌اند.

استاد جامعه‌الزهرا(س) در بخش دیگری از این نشست به شرح مختصری از تفسیر موضوعی پرداخت و گفت: درباره تفسیر موضوعی و نگاه و نظریات شهید صدر در این باب به عنوان مقدمه باید گفت با بررسی سیر تاریخی تفسیر موضوعی سه مفهوم و معنا را می‌توان برای تعریف این نوع تفسیر ارائه کرد: معنای اول که برخی از مفسران معاصر آن را به کار برده‌اند ناظر به بررسی، تبیین و تفکیک موضوعات و محورهای اساسی موجود در یک سوره از قرآن است که به عنوان نمونه می‌توان به کار «محمد عبدالله دراز» در کتاب «الانبیاء العظیم» که شامل تفسیر سوره بقره است، اشاره کرد. ایشان کار خویش را به عنوان تفسیر موضوعی مطرح می‌کند، در حالی که می‌توان گفت اثر وی تفسیر ترتیبی موضوعات مطرح شده در یک سوره و طبقه‌بندی آن‌هاست. معنای دوم تفسیر موضوعی شامل انتخاب یک موضوع، استخراج تمام یا برخی از آیات ناظر به این موضوع و سپس چینش این آیات به نحو منطقی در کنار هم و ایجاد یک بحث منظم پیرامون موضوع انتخاب شده است. تاریخچه این نوع تفسیر موضوعی را شاید بتوان تا عصر صدور روایات اهل بیت (ع) پی‌گیری کرد، چرا که در میان روایات رسیده از ائمه (ع) این گونه استفاده از آیات قرآن کریم فراوان دیده می‌شود.

### ترجمه آثار شهید صدر ضعیف و تحت‌اللفظی و از نظر مفهومی بسیار نارساست

با وجود عمر کوتاه و تالیفات محدود ایشان، تاکنون تالیفی که جایگزین مناسبی برای اندیشه‌های ایشان در زمینه اقتصاد، فلسفه، تاریخ و جامعه‌شناسی باشد، نگاشته نشده است

مندر حکیم خطبه‌های امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه در وصف متقین یا سایر موضوعات قرآنی و همچنین روایات تبیین‌کننده جهاد و یا حدیث عقل و جهل از امام کاظم (ع) به هشام بن حکم را در دسته این نوع تفسیر موضوعی دانست و افزود: تفسیر ائمه (ع) به این نحو منشأ برکت کار مفسران معاصر بوده است که می‌توان تفاسیر موضوعی معاصر را در ذیل معنای دوم تفسیر موضوعی جای داد. و اما معنای سوم تفسیر موضوعی که عرصه نوآوری شهید صدر است را می‌توان این گونه شرح داد: این شهید مفسر در کتاب المدرسة القرآنیة که شامل ۱۴ جلسه از سلسله بحث‌های ایشان پیرامون تفسیر موضوعی است، به روش‌شناسی علمی تفسیر ترتیبی و موضوعی می‌پردازد؛ یعنی به ارزیابی، تعریف و شناخت ابزار دست‌یابی به تفسیر موضوعی و سپس به مقایسه آن با تفسیر ترتیبی می‌پردازد.







استاد دانشگاه جهانی آل‌البیت (ع) در مورد ویژگی برجسته شهید صدر نسبت به سایر مفسران حوزه تفسیر موضوعی گفت: این شهید بزرگوار علاوه بر رویکرد علمی به بحث تفسیر موضوعی و تبیین علمی زیرساخت‌های انسانی این دانش و توجه به اصل اساسی روش‌شناسی در فرآیندهای علمی، نسبت به دیگر مفسران یک گام پیش‌تر رفته و علاوه بر مطرح کردن موضوعاتی که به طور صریح در قرآن ذکر شده، به طرح موضوعاتی می‌پردازد که به طور مستقیم و صریح نیامده، ولی ممکن است به گونه‌ای به اسباب و لوازم آن در قرآن اشاره شده باشد که البته این امر ویژگی ممتاز و نوآوری ایشان در این عرصه به شمار می‌رود. در حقیقت ایشان موضوعات مورد نیاز و محل ابتلای جامعه را که در قرآن به طور مستقیم از آن‌ها سخن نرفته، مطرح می‌کند و حل آن‌ها را از قرآن؛ این کتاب کامل و

جامع الهی که راهکار تمام مشکلات زمانه‌های مختلف در آن ذکر شده است، استنباط و استخراج و به ما ارائه می‌کند. مثلاً در کتاب اقتصادنا با طرح نظریه اقتصاد اسلامی به روش استنباط و استخراج نظام اقتصادی مورد نیاز جامعه از قرآن کریم می‌پردازد. علامه صدر موضوعات مورد نیاز و محل ابتلای جامعه را که در قرآن صریحاً از آن‌ها سخن نرفته، مطرح می‌کند. استاد جامعه‌المصطفی (ص) العالمیه با تأکید

بر این‌که این معنا از تفسیر موضوعی و این منهج بسیار دقیق است، گفت: معنای سوم تفسیر موضوعی نیاز به پیش‌فرض‌ها و مقدماتی دارد که تأمین آن‌ها ضروری و حیاتی است و در حقیقت یک مفسر قرآن در این عرصه که شهید صدر ارائه می‌کند، (یعنی استخراج احکام یک موضوع که در قرآن کریم به صورت منصوص نیامده است) باید دو و تخصص داشته باشد؛ اولاً باید یک قرآن‌پژوه مسلط بر روش و قواعد و اصول استنباط از قرآن کریم باشد و ثانیاً باید در آن عرصه علمی که می‌خواهد قوانین قرآنی آن را استخراج کند، متخصص باشد؛ یعنی یک اقتصاددان قرآن‌شناس می‌تواند نظریه اقتصادی اسلام را از قرآن استخراج کند و یک جامعه‌شناس قرآن‌پژوه، قادر به استنباط و استخراج نظریه اجتماعی اسلام از این کتاب مقدس است.

سیدمندر حکیم در بخش دیگری از سخنان خویش، با اشاره به این مطلب که شهید صدر با یک روش قابل دفاع علمی به استنباط این موضوعات از قرآن می‌پردازد و حتی نظریاتی را در این زمینه

ارائه می‌کند، عنوان کرد: شهید محمدباقر صدر خود با مطرح کردن دو نمونه کلیدی و سرنوشت‌ساز در ساحت اندیشه و نیازهای علمی معاصر یعنی «جامعه» و «اسنت‌های تاریخی» اقدام به تبیین این منهج و تولید نمونه عملی برای این نظریه کرد. البته احتمال ورود تجربه‌های بشری در تفسیر قرآن از جمله اشکالاتی است که به این نوع تفسیر موضوعی وارد می‌شود که این اشکال با مقدمات ضروری مطرح شده برای این نوع از تفسیر برطرف می‌گردد، به این بیان که اساساً این اشکال در جایی مطرح است که جامعه‌شناس و یا اقتصاددانی که روش استنباط از قرآن را به طور تخصصی فرانگرفته باشد، به تولید نظریات بر پایه متون قرآنی بپردازد، طبیعی است که در چنین فرضی ممکن است این آسیب و چالش را پیش روی خود داشته باشد و گرفتار تفسیر به

رای شود و تجربیات بشری را به جای آموخته‌های و حیاتی مطرح کند. شهید سیدمحمدباقر صدر در ذیل آسیب‌شناسی تفسیر موضوعی، آشنا بودن مفسر به تفسیر ترتیبی را از جمله مقدمات و لوازم تفسیر موضوعی می‌داند و به نظر ایشان مفسر موضوعی باید توان فهم سیاق آیات، لوازم تفسیر، چگونگی تفسیر، معنای واژگان و عبارات قرآنی و اسباب نزول را برای بهره‌مندی از آن در تفسیر خویش داشته باشد. وام‌گیری شهید محمدباقر صدر از قرآن در مواد اولیه و ساختار مباحث و اندیشه‌ها از دیگر خصوصیات منهج و روش سید شهید در تفسیر موضوعی است. این وام‌گیری شیوه او را ممتاز و ایشان را نسبت به دیگر مفسران تفاسیر موضوعی پیشگام کرده است.

وی افزود: این مطلب نشان‌دهنده این موضوع است که تفسیر موضوعی نزد شهید صدر در مقایسه با مفسران معاصر که ساختار تفاسیر موضوعی آنان فلسفی، کلامی و یا علمی - تجربی است، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این مفسران ساختار تفسیری خویش را از خود قرآن نگرفته‌اند و فقط مغالبت خویش را مستند به آیات قرآن کرده‌اند؛ در حالی که با بررسی نگاشته‌ها و اندیشه‌های شهید صدر درمی‌یابیم که ایشان معتقد به قرآنی بودن ساختار تفسیر موضوعی و هماهنگی کامل آن با قرآن کریم است. بسیاری از بحث‌های ایشان هیچ‌آه قرآنی را شامل نمی‌شود. ولی در حقیقت، روح، نگاه و هویت بحث قرآنی و این روش ادامه

شهید محمدباقر صدر خود با مطرح کردن دو نمونه کلیدی و سرنوشت‌ساز در ساحت اندیشه و نیازهای علمی معاصر یعنی «جامعه» و «اسنت‌های تاریخی» اقدام به تبیین این منهج و تولید نمونه عملی برای این نظریه کرد





## شهید صدر با بها دادن به اقتصاد اسلامی جامعیت اسلام را نمایان تر کرد

این محقق و پژوهشگر حوزه‌ی در پاسخ به این سؤال که آیا نظریات شهید صدر و روش ایشان در طرح موضوعاتی نو می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای فعلی ما باشد و در جامعه ایجاد تحول کند؟ اظهار کرد: اگر شرایط مناسب برای رسیدن به درک عمیق نسبت به دیدگاه و نظریه ایشان ایجاد شود، می‌توان تأثیر آشکار نظریات این شهید بزرگوار را در پاسخ‌گویی به نیازهای روز مشاهده کرد و بلکه برتر از آن تحولات و پیشروی‌ها را نیز در امتداد این مسیر می‌توان به خوبی دید، اما واقعیت این است که به دلیل نبود شرایط، فضای مناسب و عدم طرح افکار و نظریات ایشان به صورت شایسته در محافل فکری، بررسی میزان تأثیرات اجتماعی نظریات ایشان به طور جدی قابل پی‌گیری نیست.

وی با تأکید بر این‌که افکار شهید صدر همچنان در نوع خود بی‌نظیر است، گفت: متلاً نوآوری این شهید بزرگوار در طرح مسئله سنن تاریخی و انواع آن تاکنون بی‌رقیب بوده است و بنده در حد مطالعات خود، تا به امروز کسی را نیافته‌ام که این مسئله را به سبکی که شهید صدر ارائه کرده، مطرح کند. شهید صدر سنن تاریخی را به سه دسته تقسیم می‌کند، در حالی که دیگر مفسران سنن تاریخی را تنها به دو بخش مطلق و مشروط تقسیم کرده‌اند، آن‌چه شهید صدر

مسیر تفسیر اهل بیت (ع) است، مثلاً محتوای خطبه متقین امیر مؤمنان (ع) قرآنی است، ولی حضرت امیر (ع) از آیات فراوانی در کلام خویش استفاده نکرده است. مشروح این نوآوری شهید صدر در بیان اندیشه‌های خویش تحت تأثیر روش قرآن و با محتوای قرآنی را در ادبیات این شهید فرزانه و نگاشته‌های ایشان به صورت آشکار می‌توان مشاهده کرد. مثلاً ایشان با اخذ مفهوم مهمی همچون جامعه از قرآن، الهی بودن هویت این جامعه را نیز مطرح می‌کند و این صیغه را در تمام بحث‌های علمی ایشان می‌توان دید که این امر برخلاف رنگ فلسفی جامعه‌شناسی قرآنی دیگر مفسران است.

سیدمندر حکیم اوج نوآوری شهید صدر در حوزه تفسیر موضوعی را گذر از مرحله نظریه‌پردازی و ارائه ساختار برای نظام اجتماعی دانست و افزود: جمهوری اسلامی ایران و امدار این حرکت علمی پویا و همگام با زمان این شهید بزرگوار است و شالوده این نظام سیاسی در قانون اساسی مرهون یکی از جزوات این اندیشمند شهید است که قبل از تصویب قانون اساسی به محضر امام امت حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) تقدیم شد. در حقیقت این جزوه طرح یک نظام اسلامی سیاسی به‌روز در عصر غیبت است که ایده آن را براساس نظریه‌ای که در جامعه‌شناسی قرآنی به آن رسیده بود، طراحی کرد که شاید به جرأت بتوان گفت پیش از شهید صدر، هیچ ایده‌ای که سازگار با تحولات اجتماعی معاصر باشد در این زمینه طراحی نشده بود.





به این مجموعه می‌افزاید، «سنت موضوعی» است که دربرگیرنده سنت‌هایی همچون سنت دین‌گرایی و خلافت است که البته تقسیم ایشان صحیح‌تر از تقسیم دیگر مفسران است؛ چرا که با نظر دقیق علمی روشن می‌شود که سنت‌هایی مانند دین‌گرایی و خلافت را نمی‌توان ذیل هیچ‌کدام از دو بخش سنت‌های مطلق و مشروط قرار داد. سنت‌های مشروط مانند آیه «بِأَرْبَابِ الدِّينِ أَمْثَلُوا إِنْ تَصْرَفُوا لِلَّهِ يُتَصَّرْكُمْ وَبِشَيْتَانِ أَقْدَانِكُمْ»

ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر خدا را یاری کنید یاریتان می‌کند و گمراهیتان را استوار می‌دارد» و آیه «وَمَنْ يُتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» و هر کس بر خدا اعتماد کند او برای وی بس است» سنت‌هایی هستند که با اراده و اختیار می‌توان از آن‌ها تخلف کرد، در حالی که سنت‌هایی مانند آیه «كُتِبَ عَلَيْكُمُ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةُ» پروردگارتان رحمت را بر خود مقرر کرده» از آن دسته سنت‌هایی است که به هیچ وجه نمی‌تواند مورد تخلف واقع شود که به آن‌ها سنت‌های مطلق می‌گویند.

حکیم نوآوری شهید صدر در طرح سنن موضوعی را این‌گونه یادآور شد: علامه صدر می‌گوید سنن موضوعی سنت‌هایی را شامل می‌شود که حکم آن‌ها در کوتاه‌مدت - نه در درازمدت - قابل تغییر است. این سنت‌ها مواردی را شامل می‌شوند که ممکن است در کوتاه‌مدت با اعمال زور قابل تخلف باشند، ولی در درازمدت نمی‌توان از آن‌ها تخلف و آن‌ها را به طور کامل محو کرد، مثلاً سنت دین‌گرایی را می‌توان تحت این دسته از سنن قرار داد و در این باب می‌توان حکومت شوروی را مثال زد؛ این حکومت در کوتاه‌مدت (به مدت هفتاد سال) توانست مردم را از نیازشان به دین منع کند، ولی همین حکومت در درازمدت نتوانست بی‌دینی را بر مردم تحمیل کند و در نتیجه نظام بی‌دینی از هم پاشید و مردم دوباره به دین بازگشتند.

شهید صدر با طرح این‌که «انسان خلیفه الهی است» وارد بحث ابتکاری نظریه اجتماعی می‌شود این محقق و پژوهشگر حوزوی، با اشاره به این‌که شهید صدر موضوعات دیگری همچون «قیمومت زن بر مرد» و «سنت خلافت» را به عنوان سنت‌هایی الهی که ذیل بخش سنن موضوعی قرار می‌گیرد، طرح می‌کند. افزود: این شهید بزرگوار با طرح این نگاه که «انسان خلیفه الهی است»، وارد بحث نظریه اجتماعی می‌شود و بحثی کاملاً ابتکاری را که نسبت به نگاه دیگر اندیشمندان و مفسران اسلامی متفاوت است، ارائه می‌کند. وی با بیان این‌که تأثیر اندیشه‌های شهید







نظریه اجتماعی ایشان است، در باب چرایی این تقدیم با توجه به مطالعاتی که داشتم می‌توان گفت دلیل تقدیم اقتصادنا بر «مجمعنا» حساسیت اوضاع سیاسی عراق در آن زمان و ورود اندیشه‌های مارکسیستی در درون مایه نظام سیاسی - اقتصادی عراق بود. در چنین فضایی که عراق در حال تجربه آن بود شهید صدر

می‌خواست هم عظمت اسلام را به عنوان جامع‌ترین ادیان نمایان کند و هم در مقابل شبهات و هجوم‌های مارکسیستی پاسخ‌گوی نیازهای فکری جامعه اسلامی آن زمان باشد. به همین دلیل است که منی‌بینم جلد اول اقتصادنا در حقیقت خمیرمایه‌ای اجتماعی با رویکردی اقتصادی دارد. همچنین جزوه «الاسلام يقود الحياة» (اسلام راهبر زندگی است) را که شهید صدر پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به حضرت امام خمینی (ره) تقدیم کرد، در حقیقت رونمایی ابعادی کوچک از جامعه‌ای قرآنی بود که بیشتر در «المدرسة القرآنية» (مجموعه ۱۴ جلسه درس تفسیر قرآن کریم) نظریه آن را ارائه کرده بود.

سیدمنذر حکیم در پایان خاطرنشان کرد: کتاب «مجمعنا» فکری و تراث الشهید السید محمدباقر الصدر «بازخوانی مجموعه

بحث‌های جامعه‌شناسی و گردآوری آن‌ها در یک مجموعه به هم پیوسته شبیه به اقتصادنا و فلسفتناست. در کتاب «مجمعنا» با الهام از روش ایشان در نگارش دو نظریه فلسفتنا و اقتصادنا به ترتیب سه مرحله فرضیه اجتماعی، نظریه اجتماعی و نظام اجتماعی را مطرح و در جلد اول این اثر مبانی نظریه اجتماعی شهید صدر را براساس مستندات قرآنی و با یک نگاه فرامذهبی - بدون پرداختن به مسأله‌ی روایی - ارائه کرده‌ام که بر این اساس می‌توان آن را در سراسر جهان اسلام عرضه کرد و متعلق به مذهب خاصی نیست. اما بخش نظام اجتماعی براساس نگاه شهید صدر نیازمند تدوین جلد دیگری است که امیدوارم خداوند متعال توفیق این کار را به من بدهد.

صدر بر دیگران براساس ظرفیت افراد متفاوت است، گفت: امروز افرادی هستند که در محضر شهید صدر درس نخوانده‌اند، ولی می‌توان گرایش فکری آن‌ها را متأثر از شهید صدر دانست و به خوبی توانسته‌اند به بازخوانی و بازنویسی نظریه‌های این شهید بزرگوار بپردازند.

سیدمنذر حکیم با تأکید بر این‌که شهید سیدمحمدباقر صدر نابع‌ای بود که فراتر از زمان و مکان خویش حرکت می‌کرد، خاطرنشان کرد: شهید صدر نظریاتی را مطرح می‌کرد که در زمان طرح قابل ادراک و حتی تدریس نبودند، مثلاً در زمان طرح نظریه «استقرار» دسترسی ایشان به منابع مورد نیاز این نظریه بسیار کم و محدود بود و در حقیقت این نظریه با اندیشه بلند ایشان و بحث و گفت‌وگوهای علمی با شاگردان به پختگی رسید، شاید به همین دلیل است که هر کسی توانایی تدریس این نظریه را ندارد و می‌توان گفت در زمان تدوین آن هیچ‌کس همچون آیت‌الله‌العظمی سیدکاظم حائری - که خود ایشان در شکل‌گیری این نظریه تأثیر اساسی داشته‌اند - نمی‌توانست این نظریه را تدریس کند.

مدیر گروه فقه خانواده جامعه‌المصطفی (ص) العالمیة در مورد اثر خویش با عنوان «مجمعنا فی فکر و تراث الشهید السید محمدباقر الصدر» (جامعه‌شناسی در اندیشه‌های شهید صدر) گفت: در این کتاب ایده‌های قرآنی شهید صدر در باب جامعه را مورد بازخوانی قرار داده‌ام، بحث‌هایی مانند این‌که یک جامعه قرآنی چه ویژگی‌هایی دارد و بر کدام اصول و نظریه استوار است و .... در حقیقت شهید صدر اصل این ایده را در «فلسفتنا» مطرح کرد، ولی فرصت پرداختن به آن در طول عمر کوتاه و مبارک ایشان پیش نیامد.

وی در مورد دلیل پرداختن شهید صدر به موضوع جامعه به‌طور مستقیم گفت: شهید صدر بحث‌های اقتصادی خود را که با عنوان «اقتصادنا» ارائه شد، بر بحث‌های اجتماعی و کتاب «مجمعنا» مقدم کرد، در حالی‌که به‌طور منطقی بحث‌های اقتصادی یکی از فروع

علامه صدر می‌گوید سنن موضوعی سنت‌هایی را شامل می‌شود که حکم آن‌ها در کوتاه‌مدت - نه در درازمدت - قابل تغییر است

این شهید بزرگوار با طرح این نگاه که «انسان خلیفه الهی است»، وارد بحث نظریه اجتماعی می‌شود و بحثی کاملاً ابتکاری را که نسبت به نگاه دیگر اندیشمندان و مفسران اسلامی متفاوت است، ارائه می‌کند





# شهید صدر مخالف تفسیر لفظی قرآن بود و در این زمینه نظریه تفسیر معنایی را مطرح کرد



شهید صدر نسبت به همه، حتی دشمنان بعثی اش، همگان را جذب شخصیتش می‌کرد، گفت: در رفتار، کردار، تواضع و فنای فی الله بودن شهید صدر خلیقات پیامبر اکرم (ص) مشاهده می‌شد و او برای خود وجودی مستقل از رضای الهی قائل نبود.

آیت الله اراکی شهادت شهید صدر را شبیه به شهادت جد بزرگوارش حضرت سیدالشهدا (ع) توصیف کرد و افزود: از جمله این شباهت‌ها، انتخابی بودن شهادت ایشان است؛ یعنی ایشان عالمانه و آگاهانه شهادت را انتخاب کردند تا اسلام در عراق ماندگار شود و سلطه صدامیان در عراق ریشه نندواند و نقشه شومی که صدام می‌خواست برای تغییر هویت اسلامی عراق اجرا کند، عملی نشود. برگزیدن مسیر شهادت توسط شهید صدر برای رویارویی با این نقشه، گزینشی بزرگ و انقلابی بود. یکی دیگر از شباهت‌های شهادت سید محمدباقر صدر با شهادت حضرت سیدالشهدا (ع)، شهادت در حصار گرسنگی و تشنگی است؛ نیروهای امنیتی و نظامی حزب بعث حدود شش ماه خانه ایشان را از تمام جهات به محاصره درآورده بودند، به طوری که کسی جرأت رساندن آب و غذا به منزل ایشان را نداشت و همسایه‌ها با پرتاب کردن بسته‌های نان، به آنان مدد می‌رساندند.

وی در ادامه افزود: نقل است در چنین شرایطی و در یک روز تابستانی بسیار گرم، ایشان متوجه تشنگی یکی از همان نیروهای بعثی شد که از سوی حزب بعث مأمور محاصره کردن خانه وی شده

آیت الله «محسن اراکی»، از شاگردان خارج فقه و اصول شهید صدر، مؤسس مرکز اسلامی لندن، عضو سابق مجلس خبرگان رهبری و از مؤلفان و نویسندگان پرکار حوزه علمیه است که در مورد نحوه آشنایی خود با شهید صدر گفت: آشنایی بنده با اندیشه‌های بزرگ شهید محمدباقر صدر، از همان روزهای آغازین ورودم به حوزه علمیه و با مطالعه کتاب‌های ایشان آغاز شد و حدود چهار سال پیش کتاب المدرسه القرآنیة را نزد آیت الله «محمدعلی تسخیری» گذراندم و همچنین اقتصادنا و فلسفتنا را نیز در همان زمان مطالعه کردم. نخستین برخورد نزدیک من با شهید صدر، حدود چهار سال پیش در حالی که نوجوانی بیش نبودم اتفاق افتاد. روزی در کوچه با ایشان برخورد کرده و با ایشان سلام و احوال‌پرسی کردم و شهید صدر با من بسیار گشاده‌رو و صمیمی برخورد کرد؛ گویی سال‌ها با هم آشنا بودیم و مدت‌ها با هم رفاقت قدیمی داشتیم و حتی تا مسیری با هم گرم صحبت بودیم تا آن‌گاه که او قصد ادامه مسیر خویش را داشت و هنگام جدا شدن نیز از من اجازه گرفت و در همان برخورد نخستین، اخلاق پیغمبرگونه و درس‌آموزش را مشاهده کردم.



شهید صدر مخالف تفسیر لفظی قرآن کریم بود و تفسیری را تفسیر قرآن می‌نامید که تفسیر معنا به معنا باشد که در این زمینه نظریه تفسیر معنایی را مطرح کرد.

وی با بیان این‌که هیبت، تواضع و مهر و محبت و صف‌ناشدنی





در فنون مختلف فلسفه است. یکی دیگر از امتیازات شهید صدر که نشأت گرفته از نبوغ منحصر به فرد ایشان است، آموختن علوم و فنون مختلف بدون کمک گرفتن از اساتید و صاحبان آن فنون است. شهید صدر به تنهایی و با اعتماد بر نبوغ خویش، مطالعه گسترده‌ای در علوم و فنون مختلف از جمله فقه، اصول و ریاضیات داشت و از طریق این مطالعات عمیق و گسترده بر این علوم تسلط کامل یافت. شهید صدر یک دوره ریاضیات متقن را شخصا و بدون یاری استاد مطالعه کرد و به گونه‌ای بر حساب و احتمالات که یکی از مشکل‌ترین رشته‌های ریاضیات است، مسلط شده بود که نمی‌توان آن را از تسلط عالمان متخصص در این فن کم‌تر دانست، شاهد بر این مطلب، تألیف کتاب *الأسس المنطقية للإستقراء* است.

**دگرگونی اصول معرفت‌شناختی توسط شهید صدر**

آیت‌الله اراکی با بیان این‌که کتاب *الأسس المنطقية للإستقراء* اصول معرفت‌شناختی را تغییر می‌دهد و بنیاد نوینی را برای معرفت‌شناختی پی‌ریزی می‌کند، گفت: این کتاب از مهم‌ترین تألیفاتی است که در عصر اخیر در جهان اسلام تدوین شده است و عظمت این تألیف یکی از دلایل عدم اشتباه آن است، زیرا این کتاب، از جمله تألیفات بسیار تخصصی در این رشته و حاوی مسائل ریاضی و حساب احتمالاتی است که تاکنون کم‌تر مورد استفاده متخصصان در غیر این فن قرار گرفته است.

وی در بخش دیگری از این گفت‌وگو درباره نوآوری شهید صدر در این کتاب گفت: پیشنهادی که فلسفه اسلامی، یونان و غرب برای تولید استقراء ناقص (این‌که از استقراء ناقص از نظر منطقی چگونه نتیجه منطقی تولید می‌شود؟) می‌دهد، برگرداندن آن به گونه‌های چهارگانه قیاس است و اگر استقراء قابل تغییر به گونه‌های چهارگانه قیاس بود، با شرط ضمیمه کردن قانون «حکم الامثال فی مایجوز و فی ما لایجوز واحد» از این استقراء ناقص، نتیجه عام منطقی می‌گرفتند؛ مثلا با استقراء هزار مورد از اقتراان دو پدیده با یکدیگر و با تطبیق قوانین ویژه مربوط به کشف ارتباط علی میان دو پدیده، برای همیشه علیت پدیده اول را برای پدیده دوم اثبات می‌کردند و با ضمیمه مقدمه «حکم الامثال» در علوم مختلف تجربی همچون طب و شیمی به نتایج کلی دست پیدا می‌کردند. شهید صدر ثابت کرد که این روش استدلالی، دارای خلل است و توانست با یک روش منطقی

بود که دستور داد اگر در خانه آبی یافت می‌شود، به آن مزدور برسانند و شهید بزرگوار ما در این موقعیت به جد بزرگوارش حضرت سیدالشهدا (ع) اقتداء کرد، آن‌گاه که حضرت (ع) در اولین برخورد با لشکر حربین یزید ریاحی آنان را سیراب کردند، با این‌که در آن هنگام در مقام دشمن بودند، این اخلاق درس‌آموز شهید صدر نشان‌گر اصالت این مکتب و همچنین عمق اخلاص ایشان در طی این مسیر است که راز ماندگاری اندیشه و شخصیت ایشان را باید در این اخلاق زندگی ساز جست‌وجو کرد.

این شاگرد درس خارج فقه و اصول شهید صدر با اشاره به این‌که از جمله مظلومیت‌های سید شهید، دشمنی‌های گسترده‌ای است که از سوی دشمنان و گاهی دوستان نادان علیه ایشان انجام می‌گرفت، گفت: از جمله مواردی که به عنوان نمونه شاهد آن بودم، این بود که روزی در مجلسی در نجف اشرف، یکی از خطیبان با دیدن چند تن از

شاگردان آقای صدر متعرض اندیشه‌های این شهید بزرگوار شد و اظهار کرد «امروزه عده‌ای با اسلام دشمنی کرده و اسلام را با مکتب‌های الحادی و کمونیسم (الشیوعیه) مقایسه می‌کنند، اسلام دینی الهی است و نباید آن را با کمونیسم مقایسه کرد» این خطیب با این مغالطه شهید صدر را مورد توهین قرار داد و از لفظ «مقایسه» می‌خواست این اندیشه و مغالطه را به ذهن مردم القاء کند که گویا شهید صدر اسلام را هم‌ردیف کمونیسم قرار داده

است. در حالی که مقایسه‌ای که شهید صدر انجام داد، نقد مکاتب الحادی و کمونیسم و اثبات حقانیت اسلام بود. با همین مغالطه‌هایی که از درون خود مجموعه‌های به ظاهر متدین اسلامی انجام می‌گرفت، اتهامات و جنگ‌های بسیاری علیه شهید صدر و روش علمی ایشان وارد شد، در حالی که اگر اتهامات این مجموعه‌ها و مغالطه‌کاران صحیح باشد، باید قرآن و سیره نبوی و ائمه معصومین را نیز مورد نقد قرار داد. زیرا روش مقایسه در قرآن و همچنین نزد ائمه پرکاربرد است.

مؤسس مرکز اسلامی لندن اظهار کرد: یکی از امتیازات شخصیت علمی شهید صدر متبحر بودن ایشان در حوزه فقه بود، به طوری که هیچ‌کس نمی‌توانست در اقتدار فقهی شهید صدر کوچک‌ترین شکلی وارد کند. ایشان مسلط به روش‌های استدلالی، مبانی فقهی، اصول، آراء و اقوال جدید و قدیم بودند و در عین قفاهت جامع، در فلسفه اسلامی نیز زبردست بودند و نوشته‌های ایشان نشان‌گر تبخیر ایشان

یکی از امتیازات شخصیت علمی شهید صدر متبحر بودن ایشان در حوزه فقه بود، به طوری که هیچ‌کس نمی‌توانست در اقتدار فقهی شهید صدر کوچک‌ترین شکلی وارد کند





و بدون استناد به مقدمه «حکم الامثال» این خلل را برطرف کند. آیت‌الله اراکی گفت: شهید صدر برخلاف روش معمولی که میان فلاسفه ما هم چون علامه طباطبایی و شهید مطهری وجود داشت. اعلام کرد که با بدکارگیری روش علمی - تجربی می‌توان وجود خدا را اثبات کرد و برای این‌کار روش استقرای مستدل و گسترده خود را پیشنهاد داد.

آیت‌الله اراکی با تأکید بر این‌که شهید صدر به استقراء اصالتی دوباره بخشید و استقراء را طبق اصول و ضوابطی که تبیین کرد، برای نتیجه‌بخشی منطقی کافی می‌داند. گفت: وی این روش را در علوم هم چون فقه و اصول وارد و نتیجه‌بخشی ادله‌ای هم چون اجماع، تواتر، شهرت و دیگر ادله اصولی را بر مبنای استقرای پیشنهادی خود و بدون نیاز به قاعده «حکم الامثال» اثبات کرد.

اسلام و مقتضیات زمان مطرح کرده‌اند. آیت‌الله اراکی در پاسخ به این پرسش که آیا روش تفسیر موضوعی شهید صدر، سبک جدیدی از تفسیر قرآن است یا این‌که راهی برای شناخت بحث‌های گذشتگان و عرضه آن به نوعی دیگر است؟، گفت: روش تفسیر موضوعی قرآن قبل از شهید صدر هم بوده است، اما مرحوم استاد ماهتری که در این راستا انجام دادند، تنویزه کردن این نحوه و روش بود. ایشان در مباحث قرآنی خود، در صدد روشمند کردن روش تفسیری برآمدند و دو نوع سبک تفسیری تعریف کردند: روش تجزیلی (روش جزئی‌نگری) و روش موضوعی (روش کلان‌نگری) و معتقد بودند که در روش در تفسیر آیات قرآن می‌توان پیمود که یک روش جزئی‌نگری است که ما به تک تک آیات و هر آیه به‌طور مستقل نگاه کنیم و یکی این‌که مجموع آیات مرتبط به یک

وی با بیان این‌که این‌کار شهید صدر هنوز ناشناخته و بکر باقی مانده و اقدام ایشان از نادرترین گام‌هایی است که در حوزه معرفت‌شناختی و فن فلسفه و منطقی صورت گرفته است، تصریح کرد:

تاکنون بخش‌هایی از این کتاب به زبان انگلیسی ترجمه شده است که اعجاب و اعتراف علمای انگلیسی‌زبان این فن را نسبت به نیوغ شهید صدر در پی داشته است.

موضوع خاص را به‌طور کلان نگاه کنیم و در این تفسیر یک نگاه کلان به آیات قرآن داریم که از آن با نام تفسیر موضوعی نام برده می‌شود. برای فهم روش تفسیری شهید محمدباقر صدر اولاً باید دید که آن معنایی که ایشان برای تفسیر قائل هستند و براساس این معنا، تفسیر خود را نگاشته‌اند، چه چیزی است؟ باید گفت ویژگی تفسیری ایشان، تفسیر معنا به معناست نه تفسیر به

**مرحوم آیت‌الله العظمی صدر مخالف تفسیر لفظی قرآن کریم بود و تفسیری را تفسیر قرآن می‌نامید که تفسیر معنا به معنا باشد که در این زمینه نظریه تفسیر معنایی را مطرح کرد**

لفظ

### شهید صدر: مبدع نظریه تفسیر معنایی

محسن اراکی در ادامه افزود: مرحوم آیت‌الله العظمی صدر مخالف تفسیر لفظی قرآن کریم بود و تفسیری را تفسیر قرآن می‌نامید که تفسیر معنا به معنا باشد که در این زمینه نظریه تفسیر معنایی را مطرح کرد. یک نوع بحثی که شهید صدر در مباحث قرآنی دارد، بحث روش تفسیر قرآن کریم است که ایشان معتقد به تفسیر معنا به معناست و نظریه تفسیر معنایی را مطرح می‌کند و می‌فرماید: «ما تفسیری را تفسیر قرآن می‌نامیم که تفسیر معنای قرآن باشد نه تفسیر لفظ قرآن و آن عمل، عمل تفسیری شمرده می‌شود که تفسیر معنا به معنا باشد و معنای قرآن را تفسیر کند.» البته شهید صدر در این راستا مطالب ارزنده و دقیقی دارند و مباحث قرآنی ایشان مربوط به روش تفسیر و مقدمات تفسیر قرآن است و همچنین مباحث به هم پیوسته‌ای در زمینه جامعه و تاریخ در قرآن دارد که نظیر این مباحث را علامه مطهری در کتاب جامعه و تاریخ و یا در مجموعه مقدمه‌ای بر جهان بینی توحیدی در برخی از مجلدات یا گاهی در بخشی از کتاب

اراکی خاطر نشان کرد: تفسیر چند گونه است؛ یک نوع روش تفسیری، تفسیر معنای لفظ است؛ یعنی بیرون کشیدن معنای لفظ از لفظ، و تفسیر دیگر در مورد قرآن، تفسیر خود معناست؛ یعنی بیرون کشیدن معنای دیگری از خود معنا. از ویژگی‌های تفسیر معنا به معنا، دست‌یابی به جزئیات و اعماق معناست. شهید صدر به تعریف این روش تفسیری پرداخت و تلاش کرد تا در تفسیری که از آیات قرآن انجام می‌دهد، این نحوه تفسیر را کاربردی کند. نمونه این نوع روش تفسیری قرآن کریم، پرداختن به کشف قوانین تاریخ در قرآن کریم است. پرداختن به قوانین حاکم بر تاریخ، پرداختن به مصداقی از تفاسیر معناست؛ چرا که خود قرآن کریم مستقیماً در مورد قوانین حاکم بر تاریخ صحبت نکرده است. شهید صدر با توجه آیه شریفه ۲۱۳ سوره مبارکه بقره: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ فَعَبَأَ بَيْنَهُمْ قَهْدَى اللَّهِ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنْ





الْحَقُّ يَأْتِيهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ؛ مردم امتی یگانه بودند پس خداوند پیامبران را نوید آور و بیم دهنده برانگیخت و با آنان کتاب (خود) را بحق فرو فرستاد تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند داوری کند و جز کسانی که (کتاب) به آنان داده شد پس از آنکه دلایل روشن برای آنان آمد به خاطر ستم (و حسدی) که میانشان بود (هیچ کسی) در آن اختلاف نکرد پس خداوند آنان را که ایمان آورده بودند به توفیق خویش به حقیقت آنچه که در آن اختلاف داشتند هدایت کرد و خدا هر که را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند؛ مفاهیمی ابتکاری با کمک این روش تفسیری بدست آورده

است. با توجه به این آیه، شهید صدر «پدیده دولت» را توجیه کرده است. بنا به استنباط شهید صدر از این آیه، پدیده دولت، پدیده‌ای اجتماعی است که نخستین بار توسط انبیا(ع) در جامعه بشری شکل گرفته است. این مطلب، معنایش این است که تکوین بشر، اجتماعی زیستن بوده است. ممکن است کسی بگوید که در ابتدا بشر به شکل اجتماعی زندگی نمی‌کرد، ولی در این صورت هم باید گفت آغاز شکل‌گیری اجتماع همراه با شکل‌گیری دولت بوده است و

نخستین دولت را انبیا(ع) تشکیل داده‌اند و نخستین دولت هم بوسیله تشریح‌هایی که به وسیله انبیا(ع) ارائه شد، تداوم یافته است.

**آیت‌الله صدر اصول و چارچوب تفسیر تجزیئی و تفسیر موضوعی را تشریح کرد**

آیت‌الله اراکی اضافه کرد: این نگاه کلان تفسیری، تفسیر موضوعی است و شهید صدر به اصول و چارچوب تفسیر تجزیئی و تفسیر موضوعی اشاره کرده‌اند که این‌گونه تفسیر چه اصولی را باید رعایت کنند و این نحوه تفسیر هم چه اصولی باید داشته باشد، لذا کار جدیدی که انجام دادند، تئوریزه کردن این کار بود. اما اصل این کار در تفاسیر قبل از ایشان هم وجود داشته است.

وی شهید صدر را صاحب اندیشه و تفکر نظامند دانست و گفت: مرحوم صدر با دیدی بسیار جامع و دقیق وارد هر رشته علمی و فکری می‌شد. در مباحث قرآنی ایشان بسیار نکته‌سنج و مسلط بود. به‌طوری که چند نوع مبحث قرآنی دارند. اگرچه تعدادی از این مباحث کامل نشده است. اما مقالات قرآنی و سخنرانی‌های قرآنی وی از مهم‌ترین آن‌ها به شمار می‌آید.

این استاد دروس عالی حوزه علمیه، در ادامه به دیدگاه‌های اقتصادی شهید صدر و ارزشمندترین اثر او در این زمینه کتاب اقتصادنا اشاره کرد و گفت: شهید صدر به منابع اقتصاد سیاسی مارکسیستی و کاپیتالیستی و مفاهیم اقتصادی که در فنون مربوط به اقتصاد مطرح بود، آشنایی و تسلط کافی داشت و در این کتاب، با تسلط کامل و انتقادی به سایر مکاتب اقتصادی، به پردازش نظریه اقتصاد اسلامی مبادرت ورزید؛ ایشان در فلسفه نیز چنین رویکردی داشت که این اطلاعات و تسلط کافی به اندیشه‌های دیگران از امتیازات تفکر ایشان به شمار می‌آید، زیرا او با فکر و اندیشه مکاتب دیگر از نزدیک آشنا بود و بر اندیشه دیگران تسلط داشت و با اطلاع و تسلط کامل به نقد آنان پرداخت.

آیت‌الله اراکی افزود: من قبل از این‌که در درس خارج فقه و اصول شهید صدر حاضر شوم، به ایشان ارادت داشتم و دائماً به منزل وی رفت‌وآمد می‌کردم. اما متأسفانه پس از مدتی که در درس خارج مرحوم صدر حاضر شدم، اوضاع عراق متشنج شد و حکومت بعث عراق متعرض بر شهید صدر شد و دستگیری شاگردان ایشان را آغاز کردند. نیروهای بعثی عراق از دستگیری خود شهید صدر آغاز کردند و خواستند ایشان را دستگیر کنند. اما حال استاد قبل از دستگیری





وخیم شد که نیروهای بعضی بیمارستان را محاصره کردند که او را با همین حالت دستگیر کنند. اما حوزه نجف قیام کرد و مراجع عکس العمل نشان دادند. این وضعیت موجب شد که دولت عراق از دستگیری شهید صدر متصرف شود، اما با یک برنامه ریزی شاگردان ایشان از جمله آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی، آیت الله شهید سید محمد باقر حکیم و آیت الله شهید سید محمد صادق صدر را دستگیر کردند که از زندان خورسید نیروهای بعضی در صدد دستگیری بنده هستند که من زمانی که از این موضوع مطلع شدم، ناچار شدم مدتی در عراق مخفی شوم تا این که در سال ۱۳۵۴ هجری شمسی به ایران آمدم. لذا توفیق نداشتم مدت زیادی در خدمت استاد و درس خارج فقه و اصول ایشان باشم، اما مدتی هم که از درس ایشان استفاده کردم. بسیار معتنم بود، مباحث «طهارت» و اصول را از او فراگرفتم و برخی مواقع بعد از درس سوالاتی مطرح می کردیم و ایشان با گشاده رویی پاسخ می دادند.

وی درباره شیوه تدریس شهید صدر و نوع تعامل او با طلاب گفت: مهر و محبت پیامبرانه شهید صدر سبب شد که شاگردان ایشان مرید وی باشند، نه این که تنها یک شاگرد باشند، مرید به این معنا که نسبت به ایشان عشق می ورزیدند، اخلاق و رفتار نبوی و تواضع مرحوم صدر و بسیاری از خصال برجسته پیامبرانه ایشان، منشأ جذب شاگردان بود. شاگردان آیت الله صدر در حوزه آن وقت نجف اشرف با مشکلات زیادی از لحاظ حضور در درس ایشان مواجه بودند. حضور در درس ایشان کافی بود که انسان مورد شتم و لعن زیادی قرار بگیرد، بنده ابتدا زمانی که خواستم در درس ایشان حاضر شوم، عده زیادی و برخی از کسانی که من برای آنان احترام قائل بودم به من گفتند حضور در درس شهید صدر صلاح نیست، که البته عده ای از روی خیرخواهی می گفتند. زیرا رفتن به درس ایشان همانا و مورد تعرض دولت قرار گرفتن همانا. عده ای نیز از روی حسادت و غرض ورزی می گفتند و لذا رفتن به درس شهید صدر در آن زمان یک مجاهدت بود، زیرا کسانی به درس او می رفتند که خود را برای هر نوع پیشامدی آماده کرده بودند.

آیت الله اراکی تصریح کرد: مرحوم پدرم آیت الله حبیب الله اراکی، فردی بسیار روشن بود، ایشان اولین مشوق من برای حضور در درس شهید صدر بود. مرحوم پدرم از فقهای خیلی سستی حوزه و البته از شاگردان امام خمینی (ره) نیز بود. ایشان منظومه اقبال از این که از قم به نجف عزیمت کنند نزد امام خواندند، ولی یک فقیه سنتی پای بند به تمامی معیارهای سنتی حوزه بود و زمانی که من ۱۳ ساله بودم، کتاب اقتصادنا را برای من خرید و به من گفت این کتاب را بخوان، برای من خیلی غیرمنتظره بود، اما خیلی از استادان و آشنایان ما از روی

خیرخواهی و دلسوزی، به من می گفتند که در درس شهید صدر حاضر نشوید.



## شهید صدر قائل به حاکمیت قانون علیت بر تاریخ و رفتار انسانی نبود

محسن اراکی معتقد است آیت الله العظمی شهید صدر همچون سایر مراجع مکتب نجف از قبیل آیات عظام اصقهبانی، میرزای نائینی و ابوالقاسم خوئی قائل به حاکمیت قانون علیت بر تاریخ و رفتار انسانی نبود و قانون علیت عمومی و تامه را شامل رفتارهای ارادی نمی دانست. وی به بررسی دیدگاه شهید صدر و مراجع حوزه نجف درباره قانون علیت و حاکمیت آن بر تاریخ و رفتار انسانی و تفاوت این دیدگاه با نظر مراجع مکتب قم پرداخت و گفت: مرحوم صدر با وجود این که تاریخ را قانونمند می دانست، اما معتقد بود که این قانونمندی اغلیبی و اکثری است! یعنی این که رابطه میان حوادث تاریخ، یک رابطه حتمی و قطعی نیست و همچون سایر مراجع و علمای مکتب نجف اشرف، قائل به حاکمیت قانون علیت بر تاریخ و رفتار انسانی نبود و قانون علیت عمومی و تامه را شامل رفتارهای ارادی نمی دانست. برخلاف نظر به شهید صدر و مراجع حوزه نجف، علامه طباطبائی (ره)، امام خمینی (ره) و شهید مطهری، قوانین علیت را حاکم بر تاریخ می دانستند و این یک اختلاف نظر میان مکتب قم و مکتب نجف بود. البته مرحوم صدر بر این علیت تبیینی دارند که در رابطه با رفتار انسان می فرمایند: این جافاعل مختار (فاعلی که اختیار دارد) رابطه اش با فعل اگر چه رابطه امکانی است، اما خلأ قانون «الشیء ما لم یجب لم یوجد» را پر می کند، یعنی اگر ما این قاعده را نفی کنیم، خلأیی به وجود می آید و این خلأ به وسیله فاعل پر می شود. همچنین طبق تحلیلی که مرحوم صدر در بحث اصولی «طلب و اراده» دارند، این مطلب را منقح کردند و در کتابی که آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی از تقریرات بحث آقای صدر دارند، در جلد دوم که بحث «طلب و اراده» است، به طور مفصل به این موضوع پرداختند. لذا بحث حاکمیت قانون علیت بر تاریخ و رفتار انسانی، بحث بسیار شیرین و بنیادینی است که در حقیقت می توان از آن به عنوان بنیاد علوم انسانی یاد کرد؛ یعنی اگر ما بخواهیم علوم انسانی را روی یک پایه منطقی بنا کنیم، باید این بحث را حتماً تنقیح کنیم.

اراکلی افزود: شهید صدر اول تاریخ را قانونمند می دانست، اما معتقد بود که قوانین تاریخ، قوانین جبری و حتمی نیستند، بلکه اغلیبی و اکثری اند و ایشان بر اساس همین دیدگاه، وارد حوزه تفسیر تاریخ شدند و در این زمینه از آیات قرآن بهره بردند و نظر به ای را در این رابطه تدوین کردند، البته آیت الله صدر در نظر داشت که کتاب مجتعمنا را





دیدگاه خود عنوان کرد: تمامی وضع‌های اعتباری خداوند ریشه تکوینی دارند و اساس تفاوت میان تشریح و اعتبارات الهی و غیر الهی اینجاست، زیرا تمامی تشریحات الهی و اعتبارات وضعی الهی منشأ تکوینی دارند، از جمله این اعتبار بزرگ و تشریح مهم که تشریح امامت و رهبری است و پایه و اساس تمامی تشریحات الهی به‌شمار می‌آید، که براساس آیه ۲۰ سوره بقره: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» من در زمین جانشینی خواهم گماشت» این وضع الهی منشأ تکوینی دارد و این منشأیت تکوینی به این معناست که انسان کامل خلافت حقیقی دارد و لذا باز هم به‌نظر من وضع آیه «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» در اصل به ذات مقدس رسول اکرم (ص) تعلق می‌گیرد و خلافت حضرت آدم (ع) متفرع از خلافت رسول اکرم (ص) است. در حقیقت خداوند متعال يك خلیفه در روی زمین قرار داده است و این خلیفه «اکمل خلق الله» است که وجود مقدس نبی اکرم (ص) است و آیه «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» قرائن قرآنی و روایی دارد که مقصود از آن حدود مقدس نبی اکرم (ص) است، ولی حضرت آدم (ع) و سایر انبیاء به عنوان جلوه و نماینده رسول اکرم (ص)، خلیفه خدا روی زمین بوده‌اند.

#### نقش قرائن قرآنی ولایت فقیه از نظر شهید صدر

این استاد دروس عالی حوزه علمیه در پاسخ به این پرسش که آیا می‌توان دیدگاه غربی‌ها درباره دموکراسی را نزدیک به نظریه شهید صدر درباره خلافت انسان دانست؟، گفت: البته تا حدودی قرابت دارد، اما با این تفاوت که شهید صدر قائل به گواهی انبیاء در کنار این خلافت است و معتقد است که این خلافت نمی‌تواند نقش، امانت و مسئولیتی را که بر دوش آن گذاشته شده بدون گواهی و نظارت انبیاء و رهبران الهی محقق کند که پس از انبیاء، اوصیاء و فقهاء این نظارت را عهده‌دار می‌شوند. آیت‌الله صدر نظریه ولایت فقیه را بر همین مبنا مبتنی می‌داند. ایشان قائل به نظریه ولایت فقیه بود و اعتقاد داشت که ولایت فقیه باید نقشی بیش از نظارت محض داشته باشد، به طوری که ولی فقیه، مسئولیت رهبری و نظارت این خلافت انسانی را دارد و باید این خلافت انسانی را رهبری کند تا انسان بتواند مسئولیت خلافت خود را انجام دهد و مقاصد مورد نظر را محقق کند.

آیت‌الله محسن اراکی در پایان، اقدام ایکنرا را در پی‌گیری این موضوع و بررسی ابعاد علمی، سیاسی و قرآنی آیت‌الله‌العظمی شهید سیدمحمدباقر صدر بسیار خوب و مثبت ارزیابی و خاطر نشان کرد: این حرکت نیازمند حمایت بیشتر مراکز علمی و پژوهشی و پوشش رسانه‌های دیداری و شنیداری است.

بنویسد و این نظریه را مفصلاً در این کتاب تشریح کند، اما به‌نظر می‌رسد این توفیق حاصل نشد، شاید هم این کتاب را نوشته باشد که به‌دست ما نرسیده است، البته گفته می‌شود که شهید صدر کتاب مجتمعا را در دوران محاصره نوشته است، اما پس از دستگیری و شهادت ایشان، توسط نیروهای بعثی از بین رفته است. شهید صدر همچنین بحث دیگری داشت که براساس آن، مباحث مربوط به زندگی و جریانات معاصر را با استفاده از آیات قرآن تفسیر کرد و از معانی و مفاهیم قرآن کریم در جهت تحلیل و فهم حوادث معاصر و شرایط معاصر روز بهره برد که مجموعه مباحث ایشان در این زمینه در جزوه‌هایی که بعدها به عنوان کتاب الاسلام یقود الحیاة (اسلام راهنمای زندگی) منتشر شد، آمده است که این کتاب، آخرین نوشته‌های رسمی چاپ شده شهید صدر به‌شمار می‌آید که آن را پس از انقلاب اسلامی ایران نوشت و به بسیاری از نیازهای ما پس از انقلاب پاسخ داد.

#### شهید صدر خلافت را براساس قرآن عمومی می‌دانست

محسن اراکی تأکید کرد: آیت‌الله صدر همچنین مباحث قرآنی بسیار ارزنده‌ای را در کتاب خلافة الإنسل و شهادة الأنبیاء (خلافت انسان و گواهی انبیاء) دارد که در آن، نظریه خلافت انسان را با استفاده از آیات قرآن کریم مطرح کرده است، به طوری که خلافت انسان را خلافت عمومی می‌داند، برخلاف نظری که بنده دارم. مرحوم استاد ما، جامعه بشری را خلیفة الله می‌دانست که انبیاء نقش شاهد را دارند؛ یعنی انبیاء امانت‌دار این نقش هستند و خلافت انسان را نظارت و مدیریت می‌کنند تا انسان بتواند به مقاصد خود دست پیدا کند و مسئولیت‌هایی که بر دوش او گذاشته می‌شود را ادا کند و در حقیقت، انبیاء، شاهدان بر حسن انجام این مسئولیت و مأموریت مهم هستند.

من به نظریه خلافت بدان شکلی که شهید صدر تحلیل می‌کند، معتقد نیستم، زیرا من عقیده دارم منظور از خلافت، خلافت انسان کامل است و انسان کامل طبیعتاً نماینده بشریت است که البته این قانون طبیعی به وسیله خداوند متعال تشریح می‌شود؛ یعنی تکویناً انسان کامل جلوه تجلی انسانیت روی زمین است، لذا مردم يك ارتباط تکوینی با امام خود دارند و رابطه میان امام و بشر تنها رابطه تشریحی، وضعی، قانونی و اعتباری نیست و با وضع و اعتبار به دست نمی‌آید، بلکه يك ارتباط تکوینی میان امام و انسان کامل و انسانیت و جامعه انسانی وجود دارد.

عضو شورای مرکزی مجمع جهانی اهل بیت (ع) در ادامه توضیح





## شهید صدر معتقد بود مفسر موضوعی مشکل را از بطن جامعه برمی‌گزیند و آن‌را بر قرآن عرضه می‌کند

مرجعیت ذاتی (خودکفا) است که بر روی شخص مزجع قوام یافته و متکی به او است، در حالی که ایشان مصلحت را در این می‌دید که این مرجعیت متشکل از شورای فقها باشد و از این شورای علما نیز مجموعه‌های دیگری نشأت بگیرد و هر کدام از آن‌ها به جنبه‌ای از جنبه‌های مرجعیت بپردازد و در آن متعمق شود، در این صورت حتی نمایندگان این نوع مرجعیت در سراسر جهان به هم پیوند خواهند داشت.

وی که معتقد است شهید صدر در زمینه مرجعیت و متحول کردن آن از حالت کلاسیک به سیستماتیک و نظام‌مند به نوآوری پرداخت، گفت: استاد شهید مرحله‌های سه‌گانه مرجعیت شیعه را در یکی از جلسه‌های درسی خود با عنوان المحنة (مفهوم قرآنی محنت) مطرح کرد و در این جلسه با اشاره به جزئیات مراحل سه‌گانه مرجعیت نزد شیعه، قائل به مرحله چهارمی برای مرجعیت شد و هدف از طرح آن را ایجاد تحول در وضعیت مرجعیت کنونی و تغییر آن از مرجعیت ذاتی (خود کفا) به مرجعیت موضوعی (غینیت‌گرا) خواند. شهید صدر جزوهای با عنوان المرجعية الصالحة و الموضوعية را در رابطه با این موضوع نوشت که در برخی از کتاب‌ها و مجلات انتشار یافته است و هدف وی از طرح این اندیشه تبدیل مرجعیت ذاتی به مرجعیت موضوعی و تبیین بسیاری از جوانب اجتماعی در سایه‌سار مرجعیت شیعه و بویا ساختن آن بود.

آیت‌الله سیدعلی اکبر حائری شارح بخش سوم کتاب «دروس فی علم الأصول» شهید صدر و صاحب تألیفات دیگری در زمینه علم اصول و مقاله‌های مختلفی در حوزه اندیشه اسلامی است. او به مدت پنج سال در نجف اشرف شاگرد شهید صدر بوده و سپس به ایران مهاجرت کرده و پس از سقوط حکومت صدام بار دیگر به نجف اشرف بازگشته و تدریس بحث خارج اصول و فقه را در حوزه علمیه نجف اشرف آغاز کرده است. آیت‌الله سیدعلی اکبر حائری که برادر آیت‌الله العظمی سیدکاظم حائری شاگرد مبرز شهید صدر است، همچنین در کنار امر تدریس به دیگر فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی نیز مشغول است.



شهید صدر می‌گوید مفسر در تفسیر ترتیبی قرآن را از همان آغاز و بدون توجه به ارتباط عمیق میان آیات به عنوان یک کل تفسیر می‌کند، در حالی که مفسر موضوعی، مشکلی را از بطن جامعه برمی‌گزیند و آن‌را بر قرآن عرضه کرده و با گردآوری آیات مستقل، پراکنده و مرتبط با این موضوع، به ارائه یک تفسیر موضوعی می‌پردازد.

آیت‌الله سیدعلی اکبر حائری در مورد اندیشه‌های قرآنی شهید سیدمحمدباقر صدر گفت: از نظر شهید صدر مرجعیت امروری یک





### علت گرایش شهید صدر به تفسیر موضوعی

حائری در ادامه درباره علت گرایش شهید صدر به تفسیر موضوعی قرآن و کنار گذاشتن روش تفسیری پیشینیان گفت: شهید صدر اندیشه بحث تفسیر موضوعی را ضمن جلسات درس فقه که در اواخر زندگانی پربرکتش برگزار می‌شد، مطرح کرد و بنا بر مصلحتی که تشخیص داد، دو جلسه از این دروس فقهی - که روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه برگزار می‌شد - را به تفسیر موضوعی اختصاص داد و طرح این مبحث ۱۴ جلسه و در مدت زمان ۷ هفته طول کشید و هر ۱۴ جلسه آن خوشبختانه ضبط و ثبت شد، در این ۱۴ جلسه با نوآوری عجیبی که ویژه شهید صدر بود، به طرح دیدگاه عمیق و کاربردی تفسیر موضوعی قرآن کریم پرداخت و تفاوت میان تفسیر ترتیبی و تفسیر موضوعی را کاملاً تبیین کرد.

آیت‌الله حائری تأکید کرد: شهید صدر شیوه تفسیر موضوعی را به تفسیر ترتیبی ترجیح می‌دهد و می‌گوید مفسر در تفسیر ترتیبی، قرآن را از همان آغاز و بدون توجه به ارتباط عمیق میان آیات به عنوان یک کل تفسیر می‌کند، در حالی که مفسر موضوعی، مشکلی را از بطن جامعه برمی‌گزیند و آن را بر قرآن عرضه کرده و با گردآوری آیات مستقل، پراکنده و مرتبط با این موضوع به ارائه یک تفسیر

موضوعی می‌پردازد. شهید صدر معتقد بود که به حکم معجزه خاتم‌الانبیاء بودن قرآن کریم، تمام موضوعات قابل عرضه بر آن است و قرآن توان پاسخ‌گویی به تمام مشکلات را دارد. وی در ذیل این نوع تفسیر، موضوع «است‌های تاریخی» را برگزید و بر قرآن عرضه و قواعد و نظریه‌های قرآنی پیرامون این موضوع فکری معاصر را استخراج و با تطبیق این موضوع بر تفسیر موضوعی، اندیشه نوین خود را کاربردی کرد که دشمنان،

بیش از ۱۴ جلسه به وی مهلت بی‌گیری این موضوع را ندادند و این شخصیت بزرگوار را به شهادت رسانده و جهان اسلام را از نعمت وجود

ایشان محروم کردند. طرح تفسیر موضوعی قطعاً یکی از نکته‌های مهمی است که منجر به بیداری اسلامی شد و می‌توان آن را از جمله عوامل مهمی دانست که در جهان اسلام به طور عام و حوزه روشنفکران و جهان شیعه به طور خاص تأثیرگذار بود و باعث پویایی آن شد.

این استاد حوزه نجف، درباره نقش شهید صدر در حوزه علمیه نجف اظهار کرد: مرحوم آیت‌الله شهید صدر نقش مهمی در عربی کردن حوزه نجف داشت، ایشان اصرار داشت که جوانانی از میان مردم عراق در حوزه تربیت شوند و در کشور خود تبلیغ کنند، به همین منظور مدارس عربی هم تأسیس شد، آقای حکیم مدرسه‌ای به

نام «مدرسة العلوم الاسلامیة» ساخت که به مدرسه آقای حکیم شهرت یافت، ولی نام رسمی آن، همان بود که گفتم. ایشان در این مدرسه، طی دوره کوتاهی (حدود ۵ الی ۶ سال) توانست طلبه‌های فاضلی را تربیت کند، مدیریت مدرسه عمدتاً بر عهده شهید صدر بود، از درس‌آموزندگان این مدرسه، می‌توان مرحوم شهید سیدمحمدباقر حکیم، آیت‌الله محمدعلی تسخیری و اخوی بنده، آیت‌الله سیدکاظم حائری را نام برد. آقای سید محمود هاشمی شاهرودی نیز در همین مدرسه تحصیل کرده است، همه این طلاب و فضلا که در آن مدرسه درس می‌خواندند، شاگردان شهید صدر محسوب می‌شوند و در اداره مدرسه نیز دخالت داشتند.

نقش شهید صدر در حوزه علمیه نجف آیت‌الله حائری در بخش دیگری از این گفت‌وگو، درباره مشکلاتی که شهید صدر در طول دوران فعالیت فکری و سیاسی خویش با آن‌ها مواجه بود، گفت: این مشکلات را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد؛ مشکلاتی که از سوی دشمن بعثی علیه ایشان صورت می‌گرفت که فشارهای وارد آمده از سوی طاعوث را بسیاری از شما می‌دانید و نوع دیگر مشکلات ایشان از سوی برخی دوستان نادان و در چارچوب حوزه علمیه انجام می‌شد که ترجیح می‌دهم وارد

استاد شهید ما سعی می‌کرد ارتباط خود را با تمامی مراجع به ویژه مراجع آگاه همچون امام خمینی (ره) محکم کند و همیشه با مراجع بزرگ دیدار داشته و از اندیشه‌های آنان بهره می‌برد

از نظر شهید صدر مرجعیت امروزی یک مرجعیت ذاتی (خودکفا) است که بر روی شخص مرجع قوام یافته و متکی به او است



جزئیات آن بشوم:

اهتمام داشت و علاوه بر آن، ویژگی های فردی و اخلاقی این شهید بزرگوار از او رهبری معنوی برای طلاب حوزه علمیه و سایر شهروندان ساخته بود. استاد ما در پی تحقیق پیروزی های اسلامی بزرگی بود که یقین دارم اگر زنده می ماند، به این آرزوی خود جامه عمل می پوشاند. علاوه بر این باید به تألیفات گران قدر ایشان اشاره کرد که در سطح بسیار بالایی از حوزه

مشکلات پیش روی شهید صدر در دوران تصدی مرجعیت حائری با تأکید بر ارتباط محکم شهید سید محمد باقر صدر با مراجع دیگر گفت: استاد شهید ماسعی می کرد ارتباط خود را با تمامی مراجع به ویژه مراجع آگاه همچون امام خمینی (ره) محکم کند و همیشه با مراجع بزرگ دیدار داشته و از اندیشه های آنان بهره می برد؛ از جمله این مراجع مرحوم آیت الله خوئی است که شهید صدر از وی با عنوان «السید الأستاذ» یاد می کرد و برای ایشان احترام خاصی قائل بود

شهید صدر فقط یک استاد و معلم نبود، بلکه در حقیقت می توان ایشان را پدر معنوی و مربی طلاب به شمار آورد که در تمام جنبه ها به تربیت شاگردان خود اهتمام داشت

اندیشه اسلامی قرار دارد و آن ها را در مدت عمر کوتاه و پربار خود به رشته تحریر در آورد و با وجود عمر کوتاه خود که حدود ۲۷ سال بود، با فکر نورانی و عمیق خویش تأثیر بسیاری را در حوزه اندیشه اسلامی به جا گذاشت، به طوری که می توان گفت رونقی دوباره به این حوزه بخشید و باعث تحول اساسی فضای راگدان شد.

وی با اشاره به این که مقبولیت و شهرت علمی شهید صدر وقتی اتفاق افتاد که حوزه نجف زعیم بزرگی مانند مرحوم آیت الله خوئی را داشت، تصریح کرد: در آن سال ها درس آقای خوئی رونق عجیبی داشت و مهم ترین درس نجف بود، ولی مرحوم آقای خوئی سخت تظیف می کرد و هیچ گرایشی به مسائل سیاسی نشان نمی داد، برای همین مردم هم در امور سیاسی به دیگران نظر می کردند، به هر حال زعیم حوزه بودن با رهبر سیاسی بودن فرق می کند، البته باید بگویم که ایشان خودش نمی خواست چنین سمت و شهرتی را داشته باشد، به همین دلیل نظرها به سوی شهید صدر رفت و در حقیقت او تنها کسی بود که می توانست بر سینه رهبری سیاسی بنشیند و انقلاب اسلامی مردم عراق را راهبری کند.

تأکید شهید صدر بر تقویت جنبه های معنوی

این شاگرد شهید صدر در پایان، با بیان این که مدت زمانی را که در خدمت استاد بودم، سراسر، خاطره های نا ارزش بود، یاد آور شد: شهید صدر همواره بر تقویت جنبه های روحی و معنوی تأکید می کرد. به خاطر می آورم شب قدر یکی از ماه های مبارک رمضان را که در معیت ایشان گذراندم، از معنویت ایشان بسیار متأثر شده و به گریه افتادم. با ایشان به حرم عظیم امیرالمؤمنین (ع) رفته و در آن شب بررسی از ایشان با این عنوان کردم که برترین اعمال شب قدر برای تقرب به خداوند متعال کدام است؟ ایشان پاسخ دادند: «تأثیر هر عملی برای هر فرد متفاوت با فرد دیگری است، برخی با دعا کردن، برخی با تلاوت قرآن و بعضی دیگر با مناجات تأثیر می پذیرند، بنابراین می توان گفت که برترین اعمال در شب قدر برای هر فرد آن عملی است که باعث بیشتر شدن ارتباط قلبی او با خداوند می شود؛ این پاسخ شهید صدر را بسیار ظریف و لطیف دیدم.

استاد ما در پی تحقیق پیروزی های اسلامی بزرگی بود که یقین دارم اگر زنده می ماند، به این آرزوی خود جامه عمل می پوشاند

تأکید شهید صدر بر تقویت جنبه های معنوی این شاگرد شهید صدر در پایان، با بیان این که مدت زمانی را که در خدمت استاد بودم، سراسر، خاطره های نا ارزش بود، یاد آور شد: شهید صدر همواره بر تقویت جنبه های روحی و معنوی تأکید می کرد. به خاطر می آورم شب قدر یکی از ماه های مبارک رمضان را که در معیت ایشان گذراندم، از معنویت ایشان بسیار متأثر شده و به گریه افتادم. با ایشان به حرم عظیم امیرالمؤمنین (ع) رفته و در آن شب بررسی از ایشان با این عنوان کردم که برترین اعمال شب قدر برای تقرب به خداوند متعال کدام است؟ ایشان پاسخ دادند: «تأثیر هر عملی برای هر فرد متفاوت با فرد دیگری است، برخی با دعا کردن، برخی با تلاوت قرآن و بعضی دیگر با مناجات تأثیر می پذیرند، بنابراین می توان گفت که برترین اعمال در شب قدر برای هر فرد آن عملی است که باعث بیشتر شدن ارتباط قلبی او با خداوند می شود؛ این پاسخ شهید صدر را بسیار ظریف و لطیف دیدم.

وی با اشاره به این که مقبولیت و شهرت علمی شهید صدر وقتی اتفاق افتاد که حوزه نجف زعیم بزرگی مانند مرحوم آیت الله خوئی را داشت، تصریح کرد: در آن سال ها درس آقای خوئی رونق عجیبی داشت و مهم ترین درس نجف بود، ولی مرحوم آقای خوئی سخت تظیف می کرد و هیچ گرایشی به مسائل سیاسی نشان نمی داد، برای همین مردم هم در امور سیاسی به دیگران نظر می کردند، به هر حال زعیم حوزه بودن با رهبر سیاسی بودن فرق می کند، البته باید بگویم که ایشان خودش نمی خواست چنین سمت و شهرتی را داشته باشد، به همین دلیل نظرها به سوی شهید صدر رفت و در حقیقت او تنها کسی بود که می توانست بر سینه رهبری سیاسی بنشیند و انقلاب اسلامی مردم عراق را راهبری کند.

وی درباره نحوه ارتباط خود با شهید صدر عنوان کرد: قبل از مهاجرت به ایران در نجف اشرف به مدت پنج سال نزد شهید سید محمد باقر صدر تلمذ کردم. شهید صدر فقط یک استاد و معلم نبود، بلکه در حقیقت می توان ایشان را پدر معنوی و مربی طلاب به شمار آورد که در تمام جنبه ها به تربیت شاگردان خود





دانشگاه

راهی

سال پنجم

شماره ۷۴

۲۸ آبان ۱۳۸۸

۴۵

دانشگاه راهی، قزوین، شماره ۷۴، آبان ۱۳۸۸







## شهید صدر پرداختن به تفسیر موضوعی را باعث ایجاد وحدتی قرآنی میان مسلمین می‌دانست

عمیق ایشان را داشته است، گفت: از جمله فرصت‌هایی که نصیب من و دیگر علمای معاصر شد، حضور در مجلس درس خارج از فقه و اصول شهید صدر است که حدود سال ۱۹۶۶م در کنار مقبره آیت‌الله محمدرضا آل یاسین، دایمی فقیه و اندیشمند استاد شهید صدر و دیگر علمای بزرگ مسلمان تشکیل می‌شد.

وی با اشاره به این‌که شهید صدر اهتمام ویژه‌ای نسبت به آن دسته از مسائل اسلامی داشت که جایگاه ناپایسته خود را در حوزه علمیه نیافته‌اند، خاطرنشان کرد: از جمله این مسائل، موضوع قرآن کریم است که به نظر شهید صدر نیازمند توجه بیشتری از سوی حوزه‌های علمیه است و از جمله عملکردهای ایشان، تشویق دیگران و به‌ویژه شاگردان خود برای پرداختن به حوزه پژوهش در علوم قرآن کریم است. شهید صدر با الگوپذیری از حضرت رسول اکرم (ص) و اهل بیت (ع) در تلاش بود تا مرجعیت دینی بار دیگر نقش خود را از سر گیرد و خللی که در اثر دوری مردم از دین و آموزه‌های اسلامی به وجود آمده بود، اصلاح شود.

استاد حوزه علمیه شهر ناصریه عراق در ادامه عنوان کرد: بنده در اثر تشویق شهید صدر کتاب مختصر مجمع البیان فی تفسیر القرآن که از منابع مهم در حوزه تفسیر قرآن کریم است را در ۸ جلد نوشتم که با مقدمه‌ای از علامه شهید صدر در سال ۱۹۸۰م چاپ شد. در حقیقت عاملی که باعث ورود من به حوزه علوم قرآن شد، اهتمام و تشویق شهید صدر به این حوزه بود. ایشان معتقد بود که خیزش امت اسلامی جز در سایه سار قرآن کریم ممکن نیست و قرآن امانت خداوند متعال و حضرت رسول اکرم (ص) نزد امت اسلامی است.

آیت‌الله شیخ محمدباقر الناصری متولد ۱۹۳۱م، از شاگردان شهید سیدمحمدباقر صدر و خطیب و امام جمعه شهر «ناصریه» عراق است. او در فرایند اصلاحاتی که شهید صدر در ساختار حوزه‌های علمیه پیشنهاد داد، حضور فعالی داشت و از اندیشه‌های شهید صدر تأثیر بسیاری گرفت و تا به امروز می‌توان وی را حامل دغدغه‌های شهید صدر در بسیاری از نیازهای حوزه‌های علمیه دانست. الناصری در سال ۱۹۷۹ پس از شهادت علامه صدر به علت فشار حکومت بعث از عراق خارج شد و تا سال ۲۰۰۳ در لندن و سوریه زندگی می‌کرد. «مختصر مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، «دراسات فی التاریخ الاسلامی» (مطالعاتی در تاریخ اسلام)، «علی (ع) و نظام الحکم فی الاسلام» (علی (ع) و حکومت در اسلام)، «التفسیر المقارن»، «التفسیر الموضوعی للقرآن» و «صور دامیه من تاریخ الشیعة و التشیع» (تصاویری خونین از تاریخ شیعه و تشیع) از جمله تألیفات اوست.

علامه شهید سیدمحمدباقر صدر معتقد بود پرداختن به تفسیر موضوعی و کنکاش در این حوزه باعث ایجاد وحدتی قرآنی میان صفوف مسلمانان می‌شود.

آیت‌الله ناصری با بیان این‌که حدود ۲۵ سال پیش از شهادت علامه صدر، افتخار شاگردی، همراهی و زیستن در سایه سار اندیشه‌های





که در چارچوبی کاملاً اسلامی شکل گرفته بود، برای همه حتی دشمنان بعثی نیز جذاب بود، حتی آن هنگام که تئوری پردازان نظام بعثی صدام به حضور وی رسیدند و خواستار آگاهی از اندیشه‌های سیاسی - اسلامی شدند، توانستند از ستایش اندیشه‌های این مصلح بزرگ خودداری کنند. شهید صدر دین بزرگی بر گردن امت اسلامی دارد، دغدغه‌هایش از بیانات و پیام‌هایش آشکار است، آن هنگام که می‌گوید: **ای ابناء، علی والحسین و ابناء، ابی بکر و عمر ان المعركة لیست بین الشیعة والحکم السی ۱۰۰۰** (ای فرزندان علی و حسین (علیهما السلام) و ای فرزندان ابوبکر و عمر، نزاع میان شیعه و حکومت اهل سنت نیست...) و این سخنان و جهت‌گیری روشن، حاکی از اندیشه تقریبی اوست.

تاکنون کسی به طور شایسته به شناسایی شخصیت شهید صدر نپرداخته است

وی همچنین اظهار کرد: شهید صدر فخر و افتخار امت اسلامی است و تاکنون هیچ‌کس آن طور که شایسته است، به شناسایی شخصیت ایشان نپرداخته است. استاد ما مرحوم صدر متعلق به گروه یا ملت خاصی نیست، بلکه به تمام امت اسلامی تعلق دارد و پرداختن به این شخصیت بزرگ و وظیفه همگان به ویژه شاگردان ایشان است و امیدوارم که خداوند ما را در شناسایی اندیشه‌های عقیدتی، علمی، سیاسی، اجتماعی و به ویژه قرآنی این مرجع نستوه یاری دهد.

الناصری بر این باور است که علامه صدر به حق دائرةالمعارفی اسلامی است و هر پژوهشگری می‌تواند جنبه‌های مختلف دین اسلام را در شخصیت او بیابد و ما تا به امروز حق مطلب را در شناسایی شخصیت عظیم و اندیشه‌های بلند ایشان ادا نکرده‌ایم.

آیت‌الله ناصری با اشاره به این‌که شهید صدر دارای شخصیتی چند بعدی است، گفت: مرجعیت موضوعی طرحی برای گسترش نقش فقها و تقسیم آنان به منظور پذیرش همگانی مسئولیت‌هاست، شهید صدر در راستای تحکیم وحدت اسلامی و اجرای اصلاحات، المرجعیة الرشیدة (مرجعیت استوار) را مطرح کرد، هدف او از طرح تمام این برنامه‌ها، تقویت حیات جامعه اسلامی بود. نظام بعثی صدام با درک نقاط قوت شخصیت و اندیشه‌های شهید صدر در آگاهی امت اسلامی، تمام اندیشه‌های او را مورد هجوم قرار داد و امت اسلامی را از برکت و جودش محروم کرد.

آیت‌الله ناصری با تأکید بر این‌که در تمام نوشته‌های خود و امدار اندیشه‌های شهید صدر است، گفت: از جمله نتایج تشویق و ترغیب شهید صدر برای ورود بنده به حوزه مطالعات قرآنی تألیف کتب التفسیر الموضوعی المقارن (تفسیر تطبیقی) در ۸ جلد و تلخیص تفسیر التبیان الشیخ الطوسی در سه جلد است.

**تفسیر موضوعی و وحدت بخش صفوف مسلمانان**

الناصری با بیان این مطلب که شهید صدر معتقد بود پرداختن به تفسیر موضوعی و کنکاش در این حوزه باعث ایجاد وحدتی قرآنی میان صفوف مسلمانان می‌شود، گفت: در حال حاضر به تألیف دائرةالمعارفی در زمینه تفسیر موضوعی مشغول هستیم که دارای بیش از ۱۵۰۰ عنوان در زمینه تفسیر موضوعی است و در حقیقت از اندیشه‌های شهید سید محمد باقر صدر نشأت گرفته است و در عناوینی همچون لمحات فی التفسیر (اشاره‌هایی در تفسیر) و ملخص لموضوع سنن التاریخیه فی القرآن (مختصری در موضوع سنن تاریخی در قرآن) متجلی است. وی در بخش دیگری از این گفت‌وگو به دغدغه‌های شهید صدر پرداخت و اظهار کرد: علامه صدر صاحب اندیشه‌ای اسلامی و تاریخی بود که تمام حوزه‌ها را در بر می‌گرفت، به عنوان نمونه در این زمینه می‌توان اهتمام ایشان را به ایجاد حکومت اسلامی و برپایی عدالت ذکر کرد که

اوج تجلی آن، هنگام پیروزی انقلاب اسلامی با رهبری امام خمینی (ره) است که شهید صدر علاوه بر تأیید همه جانبه نهضت امام خمینی (ره)، حمایت علمی بزرگی از انقلاب اسلامی نیز کرد و با تألیف کتابچه الاسلام یفود الحیة (اسلام راهنمای زندگی) که پرستش‌های ایجاد شده در رابطه با برپایی حکومت اسلامی را پاسخ می‌داد، نیاز ضروری حکومت نوپای جمهوری اسلامی ایران را برطرف کرد.

وی با تأکید بر این‌که شهید صدر مصلحی اخلاقی‌گرا بود، گفت: علامه شهید صدر در پی تربیت اندیشمندانی پویا و فیلسوفانی مسئول و متعهد بود که در برابر سرنوشت جامعه خود تعهد اخلاقی داشته باشند، زیرا به خوبی آگاه بود که در صورت سقوط اخلاقی و دوری از آموزه‌های دینی، جامعه دچار خلأیی جبران‌ناپذیر خواهد شد.

آیت‌الله ناصری با اشاره به تلاش شهید صدر برای اصلاح اشتباهاتی که در تاریخ جریان سیاسی اسلام از همان آغاز توسط حکومت‌های مختلف پیش آمده بود، گفت: اندیشه سیاسی - فرهنگی شهید صدر







از سمت چپ: امام خمینی (ره)، شهید صدر، شیخ محمد حسین فائزی، شیخ علی کاشف الغطاء، مجلسی، فتم الامصطفی، مسجد «الهدی» - بغداد، ۱۳۹۷ هـ

جمله مظاهر اهتمام شهید صدر است که برای بزرگداشت این دو ماه بزرگ تلاش‌های بسیاری انجام می‌داد. در حقیقت اهتمام ایشان از وابستگی به اندیشه اهل بیت (ع) نشأت می‌گیرد و روحیه انقلابی ایشان مدیون اندیشه انقلابی اهل بیت (ع) است و تمام روشنگری‌های خویش را از سرچشمه اندیشه‌های اهل بیت (ع) اخذ کرده است.

آیت‌الله ناصری به بیان جنبه‌های روحانی و عبادی زندگانی شهید صدر پرداخت و اظهار کرد: هر کسی به بررسی این دو جنبه در زندگی شهید صدر بپردازد، گمان می‌کند که استاد ما زندگی خود را کاملاً وقف این دو مورد کرده بود. نزدیکان ایشان می‌گویند تمامی اوقات شهید صدر وقف طاعت الهی بود، در هنگام عبادت آن موقع که به نماز می‌ایستاد، با پیروی از شیوه و سیره اهل بیت (ع) دقایقی را خاشعانه و توأم با سکوت به تفکر می‌ایستاد.

وی در پایان خاطر نشان کرد: من در بسیاری از حالت‌ها و زمان‌ها، در عراق و هنگام حج، توفیق همراهی و ملازمت ایشان را داشته‌ام و می‌توانم شهید صدر را به ساده‌زیستی و اجتهاد اخلاقی و عرفانی توصیف کنم. ایشان از امور دنیوی و شخصی پرهیز می‌کرد و سرلوحه تمام کارهای خود را رضایت الهی و سربلندی اسلام قرار می‌داد و بسیاری از فرصت‌های بزرگ برای مرجعیت و رهبری را به خاطر مصلحت اسلام و امت اسلامی از دست داد.

آیت‌الله ناصری با بیان این‌که ما همیشه به بهترین‌ها و سوده‌مندترین‌ها تمسک می‌جوئیم، گفت: شخصیت شهید صدر دارای ویژگی‌هایی است که مخاطب را جذب خود می‌کند و صلاحیت تمسک به اندیشه‌های عمیقش را فراهم می‌آورد. استاد ما با طینت پاک و سرشت صادق خود و بدون کوچک‌ترین درجه‌ای از خودخواهی مخاطب را به پیروی از روش خود وامی‌داشت.

وی با تأکید بر این‌که پرداختن به شخصیت شهید صدر وظیفه تمام زنان و مردان امت اسلامی خصوصاً شاگردان ایشان است، عنوان کرد: آنان باید با روشن کردن نقاط قوت شخصیت شهید صدر به نشر اندیشه‌های متکامل این مرجع نستوه و نلدیشمند بزرگ اسلامی بپردازند و در واقع هر چه درو می‌کنند، حاصل همان اندیشه‌هاست. سید محمد باقر صدر نقطه قوت اسلام در زمان معاصر است و ویژگی‌های جامع شخصیت ایشان، ما را منصفانه بر آن می‌دارد که او را مصلحتی برجسته معرفی کنیم. وی با بیان این‌که شهید صدر اسلام مجسم بود، اظهار کرد: استاد ما در تمام حرکات و گفتارهای خویش، به اسلام، حضرت رسول اکرم (ص) و اهل بیت (ع) وفادار بود و همچنین در تمام اندیشه‌های خود به حدیث شریف ثقلین (انی تارک فیکم الثقلین، کتاب‌الله و عترتی‌اهل‌بیتی و اینهمان‌ین یفترقا حتی یردا علی الحوض) اخلاص کامل داشت. امام جمعه ناصریه عراق همچنین بیان کرد: دو ماه محرم و صفر، از

پیرایه‌های تقسیم‌بندی و سبک‌نویسی در نگارش این مقاله به شهید صدر





## تفسیر موضوعی

### شهید صدر منجر به پویایی

### روش علمی برای ارائه

### مفاهیم قرآنی شد

آیت‌الله سیدعبدالله الغریفی، از علما و رهبران شیعیان بحرین و از خاندان غریفی است که علمای فراوانی در دو قرن اخیر از آنان برخاسته است. وی در نجف بود و محل تبعیدش در دبی، زمانی در سوریه بود و اکنون به بحرین بازگشته است. او که یک دوره جانشین رئیس مجلس علمای اسلامی بحرین بود، دارای تألیفاتی همچون «کمال‌العقل»، «عمق‌الوالدین» و «الحسین زفره لن تهتدا» (حسین: آهی که خاموش نمی‌شود) است.



تفسیر موضوعی شهید صدر منجر به پویایی روشی شد که زبان علمی و آکادمیک را برای ارائه مفاهیم قرآنی و اسلامی به کار می‌گرفت. مخاطبان بی‌گیر نوشته‌های مختلف شهید صدر می‌توانند روشمندی علمی او را در این آثار ببینند که نقشی پایه‌ای را در تولیدات فکری ایشان ایفاء می‌کند.



آیت‌الله الغریفی در مورد سابقه آشنایی خود با شهید صدر گفت: با مطالعه آثار شهید صدر در دوره دبیرستان به شدت به افکار و نظریات ممتاز ایشان علاقه‌مند شدم و از همان دوره عشق و علاقه شدیدی نسبت به شخصیت شهید صدر در درون من ایجاد شد و هنگامی که تصمیم به مهاجرت به نجف اشرف را در اواسط دهه ۶۰ میلادی گرفتیم، خوشحالی من به دلیل دیدار و حضور در مجلس درس این شخصیت بزرگوار قابل توصیف نبود و بالاخره این آرزوی بزرگ من به لطف خداوند برآورده شد.



ربانیت و روحانیت شهید صدر

الغریفی کلمات را ناتوان از توصیف دیدار اولش با شهید صدر

دانست و عنوان کرد: این دیدارها به حضور در مجلس درس ایشان منجر شد. مجلس درس شهید صدر، مجلس آگاهی، دانش، فرهنگ، روشنگری، اخلاق و سازندگی بود و هر کس که ایشان را دیدار می‌کرد مجذوب روحانیت، سیمای آرام و همیشه متمسک، سخنان محبت‌آمیز، اخلاق الهی و تواضع بسیار ایشان می‌شد.

آیت‌الله الغریفی در رابطه با حضور خویش در مجلس درس خارج اصول و فقه شهید صدر گفت: پس از گذراندن مدت زمانی در مرحله سطوح، با استاد سیدمحمدباقر صدر در مورد حضور در مجلس درس خارج اصول و فقه ایشان مشورت کردم و ایشان مرا برای شرکت در مجلس درس خود تشویق کرد و در واقع حضور در آن مجلس فرصت مناسبی برای آشنایی با شاگردان ایشان بود که علی‌رغم تفاوت علمی و سنی، روابط نزدیک و محکمی با آنان پیدا کردم.

وی در ادامه با پرداختن به جنبه روحانی و عرفانی شخصیت شهید صدر، اظهار کرد: شخصیت شهید صدر بسیار جذاب بود؛ سر این جذابیت چیست؟ آیا فقط دانش، اندیشه، فرهنگ، قدرت سخنوری و تواضع باعث ایجاد این جذابیت در شخصیت شهید صدر شده بود؟ قطعاً تمام مواردی که ذکر شد را می‌توان در ایجاد این جذب دخیل دانست، اما راز این جذب بسیار عمیق‌تر از آن است که بخواهیم آن را





محدود به این موارد کنیم؛ بلکه ربانیت و روحانیت خالص موجود در شخصیت شهید صدر باعث ایجاد این جذبیه شده بود که می توان آن را در صفت هایی هم چون انقطاع از مابوسی الله و خشوع در برابر پروردگار، اخلاق ربانی و روحانی با طلاب، انکار و ندیدن خود در برابر پروردگار و جست و جوی رضای الهی جست و جو کرد.

الغریفی درباره روند تصدی و اعلام مرجعیت شهید صدر گفت: شهید محمدباقر صدر مرجعیت خود را در زمان مرجعیت آیت الله سید محسن حکیم اعلام نکرد؛ زیرا ایشان حمایت از یک مرجعیت بزرگ و مرکزی و تأیید همه جانبه آن را امری ضروری می دانست. پس از وفات آیت الله حکیم، مرجعیت مرکزی به آیت الله خوئی منتقل شد و شهید صدر علیرغم وجود مراجع بزرگ دیگر و گسترش حوزه مقلدان خویش، بر عقیده خویش مبتنی بر ضرورت وجود مرجعیت مرکزی باقی ماند و همچنان به تأیید و حمایت مرجعیت استادش آیت الله خوئی می پرداخت.

این شاگرد شهید صدر با تأکید بر نقش کلیدی شهید صدر به عنوان یک مبارز و اندیشمند بزرگ، اظهار کرد: این نقش کلیدی باعث ایجاد جایگاه بلندی برای شهید صدر نزد دیگر مراجع و فقهای حوزه علمیه شده بود، از جمله ارتباط وی با مرجع بزرگ زمانه آیت الله سید محسن حکیم است که این ارتباط را از رابطه محکم و دوستانه سه فرزند بزرگوار این مرجع بزرگ دینی؛ سید محمدباقر حکیم،

سید مهدی حکیم و سید عبدالعزیز حکیم، با آیت الله العظمی صدر می توان دریافت.

#### آگاهی کامل شهید صدر نسبت به جنبش امام خمینی (ره)

وی همچنین درباره نوع ارتباط شهید صدر با دیگر مراجع و علما افزود: با وجود تلاش هایی که برای ایجاد اختلاف میان آیت الله خوئی و شهید صدر در آن زمان صورت پذیرفت، این ارتباط همچنان محکم و روشن باقی ماند و شهید محمدباقر صدر نزد آیت الله خوئی دارای جایگاه ارزشمند و محترمانه ای بود. همچنین ارتباط شهید صدر با فقیه مبارز، امام خمینی (ره) به شدت قوی بود. شهید صدر نسبت به جنبش امام خمینی (ره) کاملاً آگاه بود و متقابلاً امام خمینی (ره) نسبت به نقش کلیدی شهید صدر به عنوان یک مبارز مقاوم و یک فقیه نستوه ادراک کامل داشت.

#### بازتاب های اعلام مرجعیت شهید صدر

الغریفی در ادامه تصریح کرد: اعلام مرجعیت شهید صدر به هیچ وجه مراجع دیگر از جمله آیت الله خوئی و حضرت امام خمینی (ره) را آزاده نکرده و حتی ارتباط شهید صدر با این دو مرجع بسیار محکم و براساس احترام ادامه یافت. البته در این میان می توان به مخالفت برخی با مرجعیت شهید صدر اشاره کرد که در واقع عدم توانایی درک اهداف عمیق جنبش شهید صدر، باعث مخالفت تراشی های آنان می شد.

#### نقش شهید صدر در تحول مرجعیت کلاسیک به مرجعیت

##### عینیت گرا

آیت الله الغریفی درباره نقش شهید صدر در تحول مرجعیت کلاسیک به مرجعیت عینیت گرا گفت: شهید صدر با پای بندی به «صیغه مرجعیت» به عنوان نائب امام غالب که در فقیه عادل و دارای شرایط لازم مجسم می شود، به ایجاد تغییر در ابعاد مختلف مرجعیت با هدف پویا ساختن آن روی آورد که از جمله این ابعاد؛ اولاً تغییر و توسعه در مرجعیت های خودکفا برای همساز شدن با مسئولیت های بزرگ است؛ زیرا شخص مرجع در حوزه رهبری خود، با توجه به پویایی مسائل اجتماعی، باید علاوه بر شروطی هم چون توانمندی اجتهادی و ملکه بودن عدالت و تقوا، متصف به توانمندی هایی متناسب برای مقابله با حوادث روز باشد، ثانیاً توسعه اهداف مرجعیت است؛ یعنی تغییرات ایجاد شده در واقعیت جامعه نیازمند ایجاد تغییرات در جزئیات اهداف مرجعیت است. در این صورت هدف استراتژیکی و مرکزی مرجعیت ثابت خواهند ماند، اما اهداف زمان مند و جزئی،





وسيله آن درصدد ایجاد تغییر، تحول و اصلاح بود - می توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱- اندیشه تغییر و تحول گرایانه؛ شهید صدر با حضور در میان توده های مردم، دو فضای مختلف را در این میان کشف کرد: فضای اول؛ واقعیت فردی مسلمانان است که این فضا - به طور خلاصه - اسلام صرف که به همین حالت باقی مانده است و البته این ویژگی را هرگز نباید به معنای عدم وجود هیچ گونه انحرافی از آموزه های اسلام دانست و فضای دوم؛ شامل واقعیت نظام مند جامعه اسلامی است که این فضا واقعیت سازمان های سیاسی، اقتصادی، آموزشی، فرهنگی و رسانه ای حاکم بر جامعه اسلامی را در برمی گیرد و نیز دچار تحریف، مسخ و دوری از اسلام شده است و از همین جاست که شهید صدر تحول و تغییر را به عنوان پایه های طرح خود برمی گیرند، زیرا به نظر ایشان شیوه اصلاح در بازسازی حوزه های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی تأثیرگذار نخواهد بود، البته این به معنای بی توجهی شهید صدر نسبت به واقعیت فردی امت اسلامی نیست، بلکه وی ضرورت را در بازسازی ساختار، آگاهی، فعال سازی امت اسلامی و همچنین ورود آن در عرصه های فعالیت های سیاسی، اجتماعی و ... می بیند. ۲-

شمولیت و فراگیری و آن عبارت است از این که فرایند بازسازی واقعیت امت اسلامی، تمام حوزه ها و تشکیلات موجود در امت اسلامی را در برگیرد که از مهم ترین حوزه هایی که این فرایند شامل آن ها می شود، می توان به این موارد اشاره کرد: حوزه اعتقادی، حوزه اندیشه و فرهنگ، حوزه اخلاقی، حوزه اجتماعی، حوزه اقتصادی، حوزه آموزشی و حوزه سیاسی، اخلاقی گرایان و معنویت. شهید صدر برای تعامل میان امت اسلامی و اخلاق گرایان و معنویت سه شیوه را نام می برد: ۱- جدایی اخلاق و معنویت از واقعیت حرکت امت اسلامی (معنویت ایستا) که این شیوه از نظر شهید صدر غیر قابل قبول است ۲- لغو حذف اخلاق و معنویت از جنبش ها و جریان های امت اسلامی (جنبش بدون معنویت) که این شیوه نیز از نظر شهید صدر پذیرفتنی نیست ۳- معنویت پویا؛ طرح تحول بخش شهید صدر بر این جنبه تأکید دارد و به نظر ایشان در این صورت است که معنویت نقش پویای خود را در بطن واقعیت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه باز خواهد یافت و همچنین واقعیت های موجود در بطن جامعه صیغه روحانی و اخلاقی به خود خواهند گرفت.

نیازمند اندیشه ای آگاه و حرکتی پویا هستند و همین پویایی باعث استمرار نقش مرجعیت و برجسته سازی آن در طول زمان ها می شود و ثالثاً ایجاد تغییر و توسعه در عملکرد مرجعیت است که در این مرحله شهید صدر به ارائه طرح «المرجعية الصالحة» (مرجعیت صالح) پرداخت و ساختار، مراحل و اهداف آن را بیان کرد.

آیت الله العریفی همچنین تصریح کرد: در واقع اندیشه تغییر و توسعه در عملکرد مرجعیت توسط شهید صدر سه هدف را در پی داشت: ۱- ایجاد نظامی برنامه ریز، عملگرا و اجرایی که ساختار آن بر اساس تخصص و توانمندی و تقسیم مسئولیت است و خود از کمیته های مختلف تشکیل می شود، ۲- تشکیل مجلس یا شورای مرجعیت؛ این مجلس، علما، نمایندگان علمای مرجع و همچنین تمام کمیته های نظام عملگرا و برنامه ریز را در برمی گیرد و بدین ترتیب باعث مشارکت همه مراجع، تقویت عملکرد و عینیت گرایان امر

مرجعیت در جامعه اسلامی می شود ۳- استمرار مرجعیت صالح در طول زمان؛ در این صورت مرجع جدید مسئولیت خویش را به جای این که از صفر شروع کند، از جایی آغاز می کند که مرجع پیشین به اتمام رسانده است. در واقع در مرجعیت عینیت گرا شخص مرجع به تنهایی، مجلس مرجعیت را درون خود دارد. وی یادآور شد: شهید صدر برخی پیشنهادات را در راستای تقویت طرح مرجعیت عینیت گرا ارائه داد که از آن جمله می توان به موارد ذیل اشاره کرد: ۱- ایجاد حوزه های علمیه فرعی در مناطق مختلف برای تقویت حوزه علمیه مرکزی ۲- تربیت علمای فقه و اصول در سایر علوم همچون طب، مهندسی و آموزش و پرورش و ...

رفع نیازهای فردی، اجتماعی و حکومتی؛ رویکرد شهید صدر در فقه العریفی در ادامه افزود؛ شهید صدر با شیوه فقهی برای طرح تحول گرایانه خود برنامه ریزی کرد. ایشان فقه را به سه سطح فقه فردی، فقه اجتماعی و فقه حکومتی تقسیم کرد و در این حوزه بحث هایی را در ضرورت تحول و گسترش اندیشه اجتهادی و روش استنباط فقهی به رشته تحریر درآورد و همچنین بر ضرورت بازسازی فقه به شیوه ای که نیازهای سه گانه فردی، اجتماعی و حکومتی را در برگیرد، تأکید کرد.

وی ضمن پرداختن به روش موضوعی و فراگیر شهید صدر، گفت: برای آشنایی بیشتر با طرح تحول گرایانه شهید صدر - طرحی که به





## داده‌های تفسیر موضوعی

آیت‌الله العرفی که از رهبران شیعیان بحرین است، همچنین تصریح کرد: ضرورت باز یافت آگاهی امت اسلامی یکی دیگر از موارد یاد شده است. اگر این آگاهی صورت نپذیرد، این جنبش تحول‌گرایانه فعال نخواهد شد. در طرح تحول‌گرایانه‌ای که شهید صدر ارائه می‌دهد، امت اسلامی یکی از اجزاء این تغییر و تحول است و در واقع پایه‌های سه‌گانه تغییر در اندیشه تحول‌گرایانه شهید صدر را باید این‌گونه برشمرد: مبدأ و خاستگاه صالح، رهبری صالح و امت صالح.

وی در ادامه با اشاره به این‌که شهید صدر در جلسه‌های تدریس خود شیوه تفسیر موضوعی را انتخاب کرد و در مسیر تفسیر موضوعی قرآن کریم گام برداشت، گفت: شهید صدر و جوه تمایز میان تفسیر موضوعی و تفسیر ترتیبی قرآن را در چند نکته می‌بیند که ما برای اشاره چند نمونه از این نکته‌ها را بیان می‌کنیم: ۱- نقطه آغاز در شیوه تفسیر موضوعی يك واقعیت خارجی و تجربه بشری است و سپس عرضه این واقعیت و تجربه بر قرآن و پاسخ‌گویی قرآن کریم به آن است، اما نقطه آغاز در شیوه تفسیر ترتیبی خود قرآن و پایان آن نیز در قرآن واقع است و در تفسیر ترتیبی، برخلاف تفسیر موضوعی، هیچ‌گونه حرکت چرخشی از واقعیت به قرآن و قرآن به واقعیت وجود ندارد.

## پایه‌های سه‌گانه تغییر نزد شهید صدر: مبدأ صالح، رهبری صالح و امت صالح

العرفی عنوان کرد: تفسیر ترتیبی به اظهار مدلولات جزئی آیات قرآنی قناعت می‌کند. در حالی که افق دید تفسیر موضوعی بسیار فراتر از آن است، به طوری که در پی رسیدن به ترکیب نظری قرآنی است که در چارچوب آن، هر يك از مدلولات جزئی تفسیر ترتیبی جایگاه مناسب خود را خواهند داشت و این شیوه همان است که امروزه «نظریه» نامیده می‌شود. تفسیر موضوعی به استخراج نظریه‌هایی قرآنی در موضوعات مختلف هم‌چون نبوت، توحید، مکتب اقتصادی، سنن تاریخی و ... می‌پردازد. شیوه تفسیر موضوعی بر پایه پرداختن به موضوعات مختلف در زمینه‌های اعتقادی، اجتماعی و ... بنیان شده است، در حالی که شیوه ترتیبی، تلك تلك آیات قرآن را از ابتدا تا انتها تفسیر می‌کند.

وی افزود: شیوه موضوعی در تفسیر، شیوه‌ای توحیدی است، زیرا اولاً یگانه‌ساز میان تجربه بشری و قرآن کریم است و ثانیاً میان مدلولات آیاتی که در يك موضوع مشترك هستند، اتحاد ایجاد

می‌کند و سرانجام به نظریه روشنی می‌رسد که کل آن آیات قرآن برای این موضوع ترسیم می‌کند. در سطح عملی و همچنین در طول زمان، مرز خاصی میان دو تفسیر ترتیبی و موضوعی وجود ندارد، تفسیر موضوعی نیازمند مدلولات جزئی‌نگر تفسیر ترتیبی است و مفسر ترتیبی نیز ممکن است در هنگام تفسیر به يك حقیقت قرآنی دست یابد، البته باید ذکر شود که تفسیر موضوعی جایگزین تفسیر ترتیبی نیست و هر کدام از این دو شیوه، دارای افق‌ها، اهداف و چارچوب خاص خود هستند.

این اندیشمند بحرینی ادامه داد: شهید صدر برای کشف نظریه اسلامی بر دو نکته تأکید می‌کند: ۱- احکام که مشخص‌کننده تکالیف عملی است و حرکت انسان را در زمینه‌های مختلف راهبری می‌کند، ۲- مفاهیم که مجموعه‌ای از تصورات اسلامی است و واقعیت جهان، جامعه، دین و ... را تفسیر می‌کند یا به عبارتی دیگر، مفاهیم آن دسته از تصورات اسلامی هستند که رابطه میان جهان و پدیده‌های آن، جامعه و روابط موجود در آن و یا هر حکمی از احکام مذهبی را تفسیر می‌کنند. در واقع شهید صدر با استفاده از شیوه موضوعی در تفسیر قرآن کریم توانست رابطه میان مفاهیم و احکام یا رابطه میان نظریه قرآنی و قوانین اسلامی را کشف کند.

وی در پاسخ به این سؤال که داده‌های روش تفسیر موضوعی که شهید محمدباقر صدر برگزید، چه بوده است؟ گفت: بسیار واضح است که این شیوه داده‌های فراوانی داشته از آن جمله: ۱- کشف نظریه‌های قرآنی و اسلامی ۲- یاری گرفتن از تجربه‌های بشری ۳- نوگرایی و نوآوری.

العرفی در ادامه با بیان این‌که آثاری را می‌توان یافت که با انتخاب عناوین خاص قرآنی، سعی در گردآوری آیات قرآنی دارند که در آن زمینه نازل شده است، گفت: در واقع این گردآوری را می‌توان نوعی فهرست‌بندی دانست که در سطح کشف نظریه‌های قرآنی نیست، اما تفسیر موضوعی شهید صدر، متجر به پویایی روشی شد که زبان علمی و آکادمیک را برای ارائه مفاهیم قرآنی و اسلامی به کار می‌گرفت و مخاطبان پی‌گیر نوشته‌های مختلف شهید صدر می‌توانند روشمندی علمی او را در این آثار ببینند که نقشی پایه‌ای را در تولیدات فکری ایشان ایفاء می‌کند.

وی با تأکید بر این‌که روش تفسیر موضوعی که شهید صدر در آن به نوآوری پرداخت، به ایجاد جنبشی علمی - آکادمی منجر شد که ابزار مورد کاربرد آن، همان ابزار به کار گرفته شده در پژوهش‌های علمی و آکادمی است، عنوان کرد: جمع آیات قرآنی که درباره موضوع واحد سخن بگویند به تنهایی برای استخراج يك نظریه با





هرگاه این فرآیند (تولید دیدگاه‌های قرآنی و اسلامی) عمیق‌تر و کامل‌تر باشد، بازیافت آگاهی امت اسلامی عمیق‌تر و محکم‌تر خواهد بود. ثابا شهید صدر با استفاده از روش تفسیر موضوعی و استنتاج (پاسخ‌گویی) قرآن، کشف نظریه‌های قرآنی را در همه زمینه‌های اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، احکام و نیز زمینه‌هایی که اسلام در برگزیده آن‌هاست، خواستار بود و در واقع این هدف بازگوکننده نقش بزرگ روش تفسیر موضوعی در بازسازی آگاهی امت اسلامی در تمام زمینه‌های اخلاقی، فقهی، اعتقادی، فرهنگی، روحانی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. در نتیجه می‌توان گفت که ویژگی شمول‌گرایی روش تفسیر موضوعی، آگاهی و بیداری اسلامی را تحت پوشش قرار می‌دهد.

الغریفی در پایان، به نوآوری‌های شهید صدر در زمینه تفسیر موضوعی اشاره کرد و یادآور شد: نوآوری شهید صدر در پرداختن به تفسیر موضوعی در دو بعد نمود پیدا می‌کند؛ بعد اول پی‌ریزی علمی برای روش تفسیر موضوعی است. پیش از شهید صدر ممکن است تألیفاتی سعی در پرداختن به تفسیر موضوعی داشته باشند که موضوعاتی همچون انسان، یهود، اخلاق و ... را در قرآن بررسی کرده‌اند و به این دلیل که به بررسی يك موضوع واحد می‌پردازند آن‌ها را در دسته تفسیر موضوعی قرار داده‌اند، اما در واقع این نوشته‌ها نوعی گردآوری و فهرست‌بندی آیات قرآنی است و نمی‌توان آن‌ها را تحت دسته تفسیر موضوعی که شهید صدر به آن پرداخته، قرار داد، زیرا شهید صدر در این روش ضمن گذر از مرحله گردآوری آیات و فهرست‌بندی آن‌ها به استخراج نظریه قرآنی و درمان ریشه‌ای موضوعاتی که به عنوان مشکل مطرح شده، روی می‌آورد. غلامه سیدمحمدحسین فضل‌الله با به‌کارگیری این روش در برخی آثار خود هم چون *اسلوب الدعوة فی القرآن* (روش تبلیغ در قرآن) و *الحوار فی القرآن* (گفت‌وگو در قرآن) سعی در استخراج نظریه‌های قرآنی دارد. بعد دوم مواردی را که شهید صدر به طور مستقل یا میان آثار دیگر خود به صورت کاربردی بر روی تفسیر موضوعی انجام داد می‌توان این‌گونه دسته‌بندی کرد: ۱- *مطالعات اجتماعی: «خلافة الإنسان وشهادة الأنبياء»، «الإنسان المعاصر والمشكلة الاجتماعية»، و «السنتن التاريخية فی القرآن الکریم»* ۲- *مطالعات اقتصادی: «اقتصادنا»، «الصورة الكاملة للاقتصاد فی المجتمع الإسلامي»، «البنک اللاروی فی الإسلام»* و *«الأسس العامة للبنک الإسلامي فی المجتمع الإسلامي»* ۳- *مطالعاتی پیرامون نظریه «شورا» و نظریه «ولایت فقیه»* ۴- *مطالعات پراکنده دیگری که متأثر از روش تفسیر موضوعی است.*

تمام ویژگی‌های علمی آن کافی نیست و روند کشف نظریه از طریق مطالعات پراکنده و جزئی میسر نیست، بلکه جمع واحدهای مختلف و تشکیل تولیدی همگون که «نظریه» نامیده می‌شود، نیازمند فرآیندی علمی و پژوهشی است.

این شاگرد شهید صدر درباره امتیازات ویژه‌ای که باعث شد نظریه‌های شهید صدر نوین و بدیع باشد، تصریح کرد: از جمله این امتیازات می‌توان به اصالت، توانمندی‌های فوق‌العاده عقلی و علمی، فلسفه روشمند، توانمندی ممتاز روحی و شخصیتی و گفتمان قدرتمند استاد شهید صدر اشاره کرد. این نوآوری‌ها در آن دسته از نظریه‌های علمی که شهید صدر در حوزه‌های فقه، اصول، فلسفه، کلام، اقتصاد و تفسیر ارائه می‌دهد، کاملاً آشکار است. همچنین این نوآوری و شمولیت‌گرایی طرح تحول‌گرایانه شهید صدر را در سلسله اصلاحاتی که در راستای روشمندی حوزه علمیه، مرجعیت و منبرهای حسینی و گفتمان عاشورائی پیشنهاد می‌دهد، می‌توان دید.

وی اظهار کرد: هنگامی که آثار شهید صدر را مطالعه می‌کنیم، نوشته‌های او را بخش‌هایی متکامل می‌بینیم که در سایه‌سار طرحی یگانه قرار می‌گیرند و در يك مسیر گام برمی‌دارند و علی‌رغم چالش‌های جهان معاصر، ایمان، آگاهی، بصیرت و اراده شهید صدر باعث استمرار او برای رسیدن به اهداف طرح خود شد و همین طرح مجاهدانه نوشیدن شربت شهادت برای شهید صدر را رقم زد.

این اندیشمند بحرینی با تأکید بر تأثیر روش تفسیری شهید صدر بر حوزه دینی، یادآور شد: حوزه دینی متأثر از درجه آگاهی و سطح فرهنگ عامه است، در نتیجه هر گاه بتوانیم به این آگاهی و فرهنگ اصالتی قرآنی و اسلامی دهیم و این طرح تحول‌گرایانه را بر پایه قرآن و اسلام بنیان نهیم و رهبرانی قرآنی و اسلامی پرورش دهیم، آن هنگام است که توانایی تأثیر بر ابعاد مختلف فرهنگی، اعتقادی، معنوی، اجتماعی و سیاسی حوزه دینی را خواهیم داشت.

آیت‌الله الغریفی درباره رابطه متقابل میان تفسیر موضوعی شهید صدر و تأثیر آن بر بیداری علمی جامعه اسلامی گفت: همان‌گونه که در بحث‌های پیشین مطرح شد، یکی از عناصر ضروری طرح تحول‌گرایانه شهید صدر، بازسازی آگاهی امت اسلامی است که در صورت عدم ایجاد این آگاهی، امت صالحی تشکیل نخواهد شد. برای فهم تأثیر روش تفسیر موضوعی قرآن کریم در ایجاد بیداری اسلامی، باید بدانیم که اولاً روش تفسیر موضوعی در تولید دیدگاه‌ها و مفاهیم قرآنی تأثیر بسیاری داشت و بسیار طبیعی است که تولید مفاهیم قرآنی تأثیر آشکاری بر روی آگاه‌سازی امت اسلامی دارد،





دوازدهم

راهنما

سال پنجم

شماره ۷۶

۲۸ اسفند ۱۳۸۸

۵۴

# چکیده ای از مطالب فصل دوم

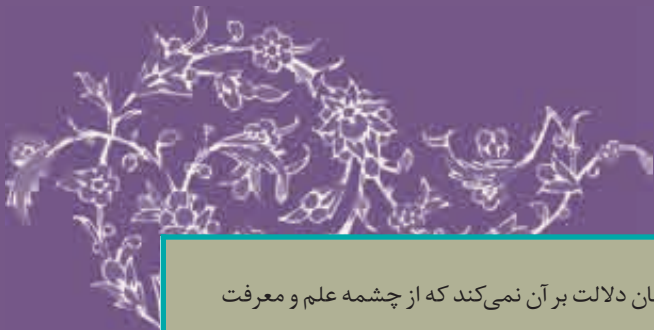
شهید صدر در مدت حیات علمی خود شاگردان ارزنده ای تربیت نمود که برخی از آن ها تا مرحله اجتهاد نزد استاد شهید حضور داشتند. در واقع ایشان دو نسل از دانشمندان برجسته را پرورش داد. نسل اول شماری از دانش پژوهان تیزهوش بودند که از ابتدا در حلقه درسی وی حضور یافتند. نسل دوم را نیز گزیده ای از دانش پژوهان هوشمند و اهل نظر تشکیل می دادند که در اواخر دوره اول خارج اصول به حلقه درس استاد پیوستند و تا آخر دوره دوم خارج اصول ادامه دادند. گذشته از این دو گروه برجسته، گروهی دیگر از طلاب نیز از چشمه سار جوشان دانش فراوان استاد بهره ها برده و نکته ها آموختند.

اما مهم تر از همه باید به نخبگانی از دانش پژوهان دو دوره درسی استاد اشاره کرد که پیوند عاطفی ایشان با شهید گرانقدر به حدی غیرقابل وصف رسیده بود. در میان این دسته از شاگردان او می توان به کسانی چون: شهید سید محمدباقر حکیم، سید نورالدین اشکوری، سید محمود هاشمی شاهرودی، شیخ محمدرضا نعمانی، سید کاظم حسینی حائری، مرحوم سید

بررسی تفسیر موضوعی علامه شهید صدر







عبدالغنی اردبیلی، مرحوم سید عبدالعزیز حکیم، شهید سید عزالدین قبانچی، سید حسین صدر، شهید سید محمد محمدصادق صدر، سید صدرالدین قبانچی، شیخ غلامرضا عرفانیان، شیخ محمدباقر ایروانی، شیخ محمدعلی تسخیری، سیدعبدالله غریفی، شیخ عیسی قاسم، شیخ محمدباقر ناصری، سیدعلی اکبر حائری، سید کمال حیدری، شیخ عقیق نابلسی و بسیاری دیگر اشاره کرد.

در آن ایام که در نتیجه سرکشی و جنایات حزب کافر بعث در عراق شرایط سختی حکم فرما بود، شاگردان استاد، دوران مشقت باری را سپری می‌کردند. گاهی برخی از ایشان در خانه استاد (که در بازار

عماره نزدیک مدرسه صغیر آیت الله بروجرودی واقع بود) به حضور آن تندیس دانش و پارسایی شرفیاب می‌شدند و به سخنان گهربار ایشان گوش فرا می‌دادند.

شاگردان شهید صدر هر یک علمای بزرگی در هر مکان و حوزه علمیه شدند، با وجود این‌که - به نقل از اشکوری - در قم فرصت کافی به آنان نشد و آنان همچنان مهجور هستند و بسیاری از شاگردان با واسطه و بدون واسطه شهید صدر عهده‌دار مناصب مهم فکری و قضایی ایران شدند، این در حالی است که متأسفانه شاگردان شهید صدر فرصت کافی بهره‌گیری از سرچشمه علم شهید صدر را نیافتند و نیز آن چنان که شایسته باشد به بررسی ابعاد علمی و فکری این شهید نائل نشدند.

در طول بررسی این پرونده این پرسش یار ما بود که آیا شاگردان و مریدان شهید صدر در عراق و خارج از عراق در حوزه‌های علمیه و عرصه سیاست توانستند که مروجی برای مبانی و اندیشه‌های این مرجع نستوه جهان اسلام باشند، که برخی صراحتاً گفتند که برخی از مریدان و شاگردان شهید صدر، نفس مسیحایی شهید صدر در اعماق وجودشان رخنه کرده و گویی به غیر از ایشان کسی را نمی‌بینند و تنها او را حس می‌کنند و از صحبت کردن در مورد استادشان ناخودآگاه اشک چشمانشان را پر می‌کند و برخی نیز

همان و مورد تعرض دولت قرار گرفتن همان، عده‌ای نیز از روی حسادت و غرض‌ورزی و لذا درس شهید صدر رفتن در آن زمان یک مجاهدت بود، زیرا کسانی به درس او می‌رفتند که خود را برای هر نوع پیشامدی آماده کرده بودند.

ویژگی‌هایی تدریس معظم‌له داشت و این امتیاز منجر به ایجاد یک رابطه‌ای فراتر از شاگرد و استادی شد و شاگردان مخلص ایشان از وی به پدری مهربان عنوان می‌کنند؛ عمده امتیاز درس سطح ایشان (به نقل از آیت‌الله اشکوری) دو مطلب بود: یکی نپرداختن به شاخ و برگ و عمق مطلب که آیا اشکالی دارد یا ندارد، بلکه خود درس سطح را سعی داشتند بفهمانند و دیگر این نکته دومی در درس خارج هم بود، با ذوق خاص خودشان می‌دانستند که درس را به چه کیفیتی بیان کنند و چه نکاتی را متذکر بشوند که مطلبی را که شاگرد ابداً سابقه ذهنی درباره آن ندارد، متوجه شود. در روان بیان کردن مطالب، فوق العاده بودند. البته این نکته دومی را در درس خارج هم مراعات می‌کردند. مطلب دیگر دسته‌بندی کردن آن بود. به هر موضوعی که می‌رسیدند، تقسیم‌بندی و شاخه‌های مختلف را از هم جدا می‌کردند و این دسته‌بندی کردن، در آن سطحی که شهید صدر انجام می‌دادند، از مختصات ایشان بود.

ویژگی‌هایی تدریس معظم‌له جذابیت خاصی برای طلاب داشت و این امتیاز منجر به ایجاد یک رابطه‌ای فراتر از شاگرد و استادی شد و شاگردان مخلص ایشان از وی به پدری مهربان عنوان می‌کنند

ویژگی‌هایی تدریس معظم‌له جذابیت خاصی برای طلاب داشت و این امتیاز منجر به ایجاد یک رابطه‌ای فراتر از شاگرد و استادی شد و شاگردان مخلص ایشان از وی به پدری مهربان عنوان می‌کنند

ویژگی‌هایی تدریس معظم‌له جذابیت خاصی برای طلاب داشت و این امتیاز منجر به ایجاد یک رابطه‌ای فراتر از شاگرد و استادی شد و شاگردان مخلص ایشان از وی به پدری مهربان عنوان می‌کنند

ویژگی‌هایی تدریس معظم‌له جذابیت خاصی برای طلاب داشت و این امتیاز منجر به ایجاد یک رابطه‌ای فراتر از شاگرد و استادی شد و شاگردان مخلص ایشان از وی به پدری مهربان عنوان می‌کنند

ویژگی‌هایی تدریس معظم‌له جذابیت خاصی برای طلاب داشت و این امتیاز منجر به ایجاد یک رابطه‌ای فراتر از شاگرد و استادی شد و شاگردان مخلص ایشان از وی به پدری مهربان عنوان می‌کنند

ویژگی‌هایی تدریس معظم‌له جذابیت خاصی برای طلاب داشت و این امتیاز منجر به ایجاد یک رابطه‌ای فراتر از شاگرد و استادی شد و شاگردان مخلص ایشان از وی به پدری مهربان عنوان می‌کنند

ویژگی‌هایی تدریس معظم‌له جذابیت خاصی برای طلاب داشت و این امتیاز منجر به ایجاد یک رابطه‌ای فراتر از شاگرد و استادی شد و شاگردان مخلص ایشان از وی به پدری مهربان عنوان می‌کنند

ویژگی‌هایی تدریس معظم‌له جذابیت خاصی برای طلاب داشت و این امتیاز منجر به ایجاد یک رابطه‌ای فراتر از شاگرد و استادی شد و شاگردان مخلص ایشان از وی به پدری مهربان عنوان می‌کنند

ویژگی‌هایی تدریس معظم‌له جذابیت خاصی برای طلاب داشت و این امتیاز منجر به ایجاد یک رابطه‌ای فراتر از شاگرد و استادی شد و شاگردان مخلص ایشان از وی به پدری مهربان عنوان می‌کنند

ویژگی‌هایی تدریس معظم‌له جذابیت خاصی برای طلاب داشت و این امتیاز منجر به ایجاد یک رابطه‌ای فراتر از شاگرد و استادی شد و شاگردان مخلص ایشان از وی به پدری مهربان عنوان می‌کنند

ویژگی‌هایی تدریس معظم‌له جذابیت خاصی برای طلاب داشت و این امتیاز منجر به ایجاد یک رابطه‌ای فراتر از شاگرد و استادی شد و شاگردان مخلص ایشان از وی به پدری مهربان عنوان می‌کنند





عبد مصطفی باین و شهید صدر

بود، بیان می‌کردند و احياناً آگريه نظريه مرحوم آخوند اشکالاتی وارد شده بودند که درست نبودند، آنها را هم می‌گفتند تا توبت به بقیه می‌رسید و نظریات بزرگان متأخرین علم اصول را هم به همین نحو بیان می‌کردند و اشکالات آن را جواب می‌گفتند و به این نتیجه می‌رسیدند که هیچ کدام، جواب صحیحی نگفته‌اند.

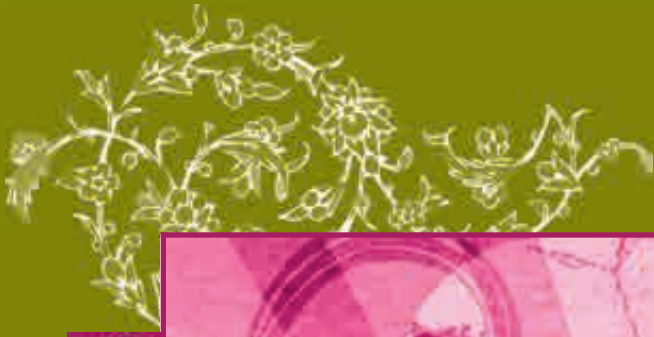
در گفت‌وگوهایی که با طلاب آن استاد عالی‌مقام داشتیم اکثراً از مظلومیت اندیشه‌های ایشان سخن گفتند و کراراً تاکید می‌کردند که افرادی هستند که کم و بیش به عمق و اهمیت داده‌های علمی شهید رسیدند، ولیکن آن نحوه‌ای که فرزندان جامعه باید با مطلب آشنا باشند، نیستند. جامعه فرزندان دنیا البته بسیار بهتر از جامعه ایران با این آثار و افکار آشنا هستند. متأسفانه این کار در ایران، انجام نشده است. باید فکری شود که تا جایی که ممکن است افکار و آثار ایشان معرفی شوند. قدر مسلم اینکه باید قدم‌هایی برداشته شوند.

در گفت‌وگوهایی که با  
طلاب آن استاد عالی‌مقام  
داشتیم اکثراً از  
مظلومیت اندیشه‌های  
ایشان سخن گفتند

در مقام تدریس، نسبت به پیچیدگی‌های متون علمی چه نقدهایی را وارد می‌کردند، چون ایشان در مقدمه حلقات اصول گفته‌اند که نویسندگان این متون چه دشواری‌هایی را برای مخاطب پدید آورده‌اند، اساساً یکی از اخلاقیات ایشان این بود که درصدد نشان دادن برتری خود و نواقص دیگران نبودند، مگر به اندازه‌ای که در تربیت افراد نیاز و مؤثر است.

باز یکی از امتیازات درس ایشان، عبارت از این بود که وقتی وارد بحث‌های خیلی مشکل شدند که یکی از آنها بحث ترتب در علم اصول بود؛ دیدگاه‌های متفاوتی را از بزرگان و اساتیدی چون آخوند خراسانی، محقق نائینی، محقق عراقی، محقق کمپانی و اصفهانی، به شکل جداگانه بررسی می‌کردند و نظریات آنها را ارائه می‌دادند. ایشان در این بحث، ابتدا یک یک میانی هر یک از بزرگان اصول را بیان می‌کردند که مثلاً آقای آخوند خراسانی در بحث ترتب چه گفته و به چه مسائلی توجه داشته و در نهایت به کجا رسیده است و اشکالاتی را که بر نظریه مرحوم آخوند وارد





دو هفته‌نامه

راه‌ی

سال پنجم

شماره ۷۶

۲۸ اسفند ۱۳۸۸

۱۰۱



ایجاد آئی‌اندیشته‌های شهید صدر از منظر کارشناسان دینی داخلی

پژوهشی تفسیر موضوعی علامه شهید صدر



# از اندیشه‌های شهید صدر به ویژه در راه فعالیت‌های تبلیغی بهره‌های فراوانی بردم



آیت‌الله محمد مهدی آصفی، نماینده مقام معظم رهبری در حوزه علمیه نجف اشرف، رئیس هیئت علمی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، استاد حوزه علمیه نجف و از شاگردان فقیه و اصولی بزرگ آیت‌الله شیخ محمد رضا مظفر، در سال ۱۳۱۶ ش در یک خانواده روحانی در نجف اشرف متولد شد. پدرش مرحوم آیت‌الله شیخ علی محمد آصفی بر جردی از علما و فقه‌های نجف بود. او از دوران نوجوانی با حوزه علمیه ارتباط پیدا کرد و پس از گذراندن مقدمات علوم دینی، وارد مقطع سطح حوزه علمیه شد و از استادان بنامی هم‌چون آیات عظام حضرت امام خمینی (ره)، آیت‌الله ابوالقاسم خوئی، شیخ مجتبی لنگرانی، شیخ صدرا بادکوبه‌ای، سرابی، شیخ محمد رضا مظفر و شیخ عبدالمنعم فرتوسی بهره برد. او دارای تألیفات زیادی از جمله «ملکیة الأرض فی الإسلام» است که آن را در نجف نوشت و سی سال پیش آیت‌الله شیخ مرتضی آل یاسین و آیت‌الله میرزا هاشم آملی با استناد به این کتاب، به وی اجازه اجتهاد دادند. او که در فقه و قرآن پژوهی صاحب نظر است، فعلا به تدریس خارج فقه و تکمیل کتاب‌های «فی رحاب

القرآن» اشتغال دارد. سلسله کتب فی رحاب القرآن، مباحث جدید قرآنی و حاصل قریب ۴۰ سال تلاش علمی این مفسر معاصر است که بین تحقیق و دقت جمع کرده و تاکنون ۱۲ جلد آن، هر کدام با عنوان خاص، انتشار یافته است.

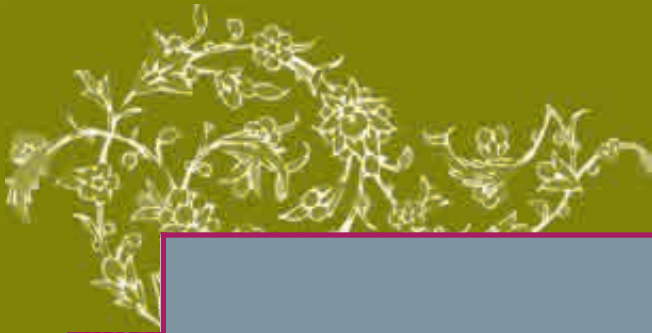


از اندیشه‌های شهید محمد باقر صدر به ویژه در راه فعالیت‌های تبلیغی بهره‌های فراوانی بردم و بی‌آنکه به شکل رسمی در درس‌های ایشان حضور یابم، از تألیفات ایشان که مورد نیاز جامعه عراق آن روز بود، استفاده بسیاری کردم.



آیت‌الله آصفی راز ماندگاری اندیشه‌های شهید صدر به ویژه در دو کتاب اقتصادنا و فلسفتنا را روشمندی و ساختار علمی و همچنین طرح نوین فلسفه و اقتصاد اسلامی به شکلی فراتر از پاسخ‌گویی به ایده‌های مارکسیستی دانست و گفت: شهید صدر شیوه‌ای را برای مواجهه با پدیده‌های فکری و طرح مفاهیم





اسلامی برجای نهاد که می تواند برای دانشگاه ها و حوزه های یک درس بزرگ باشد.

وی افزود: دو کتاب اقتصادنا و فلسفتنا

بهترین تألیفاتی هستند که از لحاظ فلسفی

و اقتصادی در رد

مارکسیسم در آن

زمان نوشته شد. در

دلیل ماندگاری آن ها همین

بس که اکنون مارکسیسم در بزرگترین پایگاه

خود، یعنی شوروی سابق شکست خورده و

در بسیاری از پایگاه های دیگر خود در سراسر دنیا

صاحب اعتبار و نفوذی نیست، اما این دو کتاب همچنان

ارزشمند و مورد استفاده حوزه ها و دانشگاه های ماست.

آیت الله آصفی در ادامه درباره اهمیت تفسیر موضوعی

شهید صدر اظهار کرد: از جمله اقداماتی که شهید صدر در

مرحله اخیر زندگی کوتاه و پربرکت خود نسبت به آن اقدام

کردند، پرداختن به تفسیر موضوعی قرآن کریم و تدریس آن

و تدوین تألیفاتی در این زمینه است.

تفسیر موضوعی در واقع هر چند برای

اولین بار نیست که مطرح می شد، اما

مطالعات شهید صدر مطالعات جدیدی

است که به صورت

ریشه ای به

تفسیر موضوعی

می پرداخت.

آصفی با تأکید بر این که علوم قرآنی

نیازمند تفسیر موضوعی است که شهید

صدر در آن نوآوری کرد، گفت: مفسر هنگامی که

قرآن را به صورت تدریجی و ترتیبی تفسیر می کند، بسیاری

از مسائل قرآنی مورد بحث نادیده انگاشته می شوند، ولی

دو کتاب اقتصادنا و فلسفتنا بهترین تألیفاتی هستند که از لحاظ فلسفی و اقتصادی در رد مارکسیسم در آن زمان نوشته شد

از اندیشه های شهید محمدباقر صدر به ویژه در راه فعالیت های تبلیغی بهره های فراوانی بردم و بی آنکه به شکل رسمی در درس های ایشان حضور یابم، از تألیفات ایشان که مورد نیاز جامعه عراق آن روز بود، استفاده کردم

اگر آیات دارای موضوع واحد را در یکجا گرد آورد و آن ها را با یکدیگر مقایسه کند، به اندیشه های جدیدی دست می یابد.

در این مورد می توان رابطه میان اراده

الهی و اراده بشری و تأثیر

سلوک انسانی بر

اراده الهی را مثال

زد؛ در قرآن کریم از یک سو

آیاتی را می بینیم که بر آزادی اراده انسان

تأکید می کنند و از سوی دیگر آیاتی دیگر بر

اراده الهی دلالت دارند. اگر بخواهیم هر یک از

این آیات را به صورت جداگانه تفسیر کنیم سخت است که

به نتیجه ای یگانه و روشن در این زمینه برسیم، اما اگر این

آیات را با هم پیوند داده و میان آن ها مقایسه کنیم و از این

مقایسه و نتیجه گیری، می توانیم حقیقت قرآنی این موضوع

را دریابیم. همچنین از دیگر نمونه هایی که در ذیل این

موضوع قرار می گیرد، ذم و مدح دنیا در متون مختلف

اسلامی است و ما نمی توانیم به نتیجه واحدی در این

زمینه دست یابیم، مگر آن که تمام این گفته ها

را گردآوری کرده و بررسی کنیم، آن هنگام

است که می توانیم نظریه اسلام و در واقع

نظریه قرآن کریم را

پیرامون دنیا

استخراج کنیم.

وی در پایان خاطرنشان

کرد: اگر شخصی در پیروی از شهید صدر به

تکمیل این طرح بپردازد، خدمت بزرگی به

علوم و پژوهش های قرآنی می کند. خداوند قاتلان

این شهید بزرگوار را لعنت کند که با شهادت وی، مکتب اسلام

را از وجود این شهید بزرگوار محروم کردند.





## شهید صدر معتقد بود تا موضوعات جدید را بر قرآن عرضه نکنیم، نمی‌توانیم آن را به سخن درآوریم

و گفت: یکی از نوآوری‌های شهید صدر نظریه «توالد ذاتی» است که در کتاب *الانس المتطقیة للاستقراء* مطرح کرده است و با بزرگان فلسفه علم درگیر شده است و آراء و اندیشه‌های فیلسوفان غربی را در مورد نقد قراز داده و در نهایت خود نظریه پردازی کرده است. موضوع بحث این است که از قدیم‌الایام فلاسفه بحث کرده‌اند که آیا «استقرای ناقص» مفید یقین است یا خیر؟ همه متفکران اسلامی از قرایی و ابن سینا گرفته تا ملاصدرا بر این باورند که اگر یک قضیه کلی را به استقرای ناقص ضمیمه کنیم، استقرای ناقص تبدیل به تجربه می‌شود و تجربه مفید یقین است.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی اظهار کرد: برخی از غربیان؛ مثل هیوم، جان استوارت میل و فرانسیس بیکن نقدهایی نسبت به این نظریه داشته و دیدگاه دیگری را مطرح کرده‌اند که شهید صدر در کتاب مذکور، نظریه فلاسفه اسلامی را بیان و نقد می‌کند و معتقد است قضایای کلی «الاتفاق لا یكون دائمیا و لا اکثریا» و «حکم الامثال فی ما یجوز فی ما یجوز واحد» برخلاف نظریه مشهور فلاسفه مسلمان نه بدهی‌اند و نه در جای خود به اثبات رسیده‌اند تا استقرای ناقص را به تجربه تبدیل کنند. شهید صدر بعد از اینکه فلاسفه مسلمان را در مورد استقرای ناقص می‌کند، سراغ فلاسفه غربی مثل فرانسیس بیکن می‌رود و جداول سه‌گانه او را مطرح می‌کند و نظریه جان استوارت میل، هیوم و باخ را مطرح و نقد می‌کند، البته شخصیت‌های دیگری بوده‌اند که در این باب نظریاتی داشتند؛ مثل پوپر و لاکاتوش که ظاهراً شهید صدر در آن زمان به نظریات آن‌ها دسترسی نداشته است و لذا در مورد نظریات این

حجت‌الاسلام و المسلمین عبدالحسین خسروپناه، عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، با بیان مطلب فوق، گفت: شهید صدر فراتر از یک شخصیت مستعد است، او یک نابغه بود؛ یعنی زمانی که اندیشه‌های وی مورد مطالعه واقع می‌شود، با این که سن کمی داشت، ولی مقام علمی و الهی از خود به یادگار گذاشت و این نشان از این دارد که این شخصیت از نوعی فوق‌العاده برخوردار بود.



به اعتقاد شهید صدر، تا موضوعات جدید را بر قرآن کریم عرضه نکنیم، قرآن کریم را نمی‌توان استنطاق کرد و به نطق درآورد. در واقع زمانی قرآن کریم به نطق درمی‌آید و مسائل باطنی خودش را به ما عرضه می‌کند که ما موضوعات جدید را به قرآن کریم عرضه کنیم.



وی با بیان این مطلب که شهید صدر یک اندیشمند جامع‌نگر بود، اظهار کرد: وی در عرصه‌های مختلف علمی تحقیق کرد و برخلاف روش سنتی حوزه که عمدتاً در آن زمان به فقه و اصول پرداخته می‌شد، در حوزه‌های دیگر معرفتی؛ مثل فلسفه، کلام، تفسیر و تاریخ تحقیق‌های خوبی انجام داد و صاحب نظر بود. گاهی شهید صدر یک سخنرانی در موضوعی می‌کرد و آن سخنرانی در بر دارنده نوآوری بود؛ یعنی مشخص بود که بدون مطالعه و تحقیق این سخنرانی را انجام نداده است.



شهید صدر در کتاب *الأسس المنطقیة* با بزرگان فلسفه علم درگیر شد خسروپناه در مقام برشمردن اندیشه‌های جدید شهید صدر برآمد



فیلسوفان مطلبی ندارد.

خسروپناه در مورد کتاب الاسس المنطقية اظهار کرد: شهید صدر بعد از این که در ربیع کتاب الاسس المنطقية تمام آرای این اندیشمندان را مطرح و نقد می کند، در مابقی کتاب به بیان و تبیین نظریات خود می پردازد. شهید صدر معتقد است که ما با استقرای ناقص و حساب احتمالات می توانیم به ظن برسیم نه یقین، ولی از علم اجمالی که یکی از بحث های مهم در اصول فقه است کمک می گیرد و ظن زاییده استقراء را تبدیل به یقین می کند، اما می گوید این یقین، یقین منطقی نیست، بلکه یقین، یقین موضوعی است و با این یقین که ایشان تبیین کرده است، مسئله استقرای ناقص را از ظن به یقین تبدیل می کند؛ یعنی مشکل استقراء را که ظنی است، با تئوری توالد ذاتی به مرحله یقین می رساند و تمام آرای دیگران را که برای حل این معضل مطرح شده بود نیز نقد می کند.

خسروپناه در مورد نحوه شکل گیری این کتاب گفت: شهید صدر در درس خارج علم اصول که تدریس می کرد، این بحث را مطرح می کند، ولی بعد از چند جلسه متوجه می شود که مطلب برای طلبه ها سنگین است؛ لذا این مبحث را در کلاسی اختصاصی برای آیت الله سیدکاظم حائری مطرح می کند، از این رو آیت الله حائری تنها شاگردی است که این مباحث را از استاد خود؛ شهید صدر فرامی گیرد که محصول این درس ها کتاب الاسس المنطقية للاستقراء می شود.

شهید صدر بعد از این که در ربیع کتاب الاسس المنطقية تمام آرای این اندیشمندان را مطرح و نقد می کند، در مابقی کتاب به بیان و تبیین نظریات خود می پردازد

توضیح می دهد و هم نظریه شناخت مارکسیستی و لیبرالی را نقد می کند. خسروپناه افزود: می دانید که کانت تأثیر بسزایی در غرب داشته و گفته می شود که مکتبی فلسفی در غرب نبوده است، مگر این که از کانت تأثیر پذیرفته باشد و لذا شهید صدر فلسفه کانت را با قدرت و قوت نقد می کند و می گوید همه این فیلسوفان خیال می کنند رئالیست و واقع گرا هستند، در حالی که اینان سر از شکاکیت و ایده آلیسم درمی آورند.

تلقی متمایز و مبتکرانه شهید صدر در تفسیر موضوعی قرآن کریم این مدرس حوزه و دانشگاه در مورد نوآوری شهید صدر در تفسیر قرآن کریم اظهار کرد: نمونه دیگر نوآوری آیت الله شهید سید محمد باقر صدر در حوزه تفسیر قرآن کریم است. او برای اولین بار تفسیر را تقسیم به ترتیبی و موضوعی می کند، اما تلقی خاصی از تفسیر موضوعی دارد؛ یعنی تفسیر موضوعی ای که او تعریف می کند، غیر از تفسیر موضوعی است که دیگران گفته اند. خسروپناه در مورد روش تفسیر موضوعی که بین علما مشهور است، چنین اظهار کرد: روش تفسیر موضوعی که بین اندیشمندان متداول است بدین گونه است که موضوعی را از خود قرآن کریم انتخاب کرده و مباحث حول آن موضوع را که در قرآن کریم آمده، بیان و بررسی می کنند؛ مثلاً موضوعی مثل توحید را که در آیات شریفه مطرح شده، با توجه به آیات دیگر در ارتباط با این موضوع، بررسی کرده اند که تفسیر موضوعی آیات عظام جوادی آملی و سبحانی از همین گونه است.

فلسفتنا: کتابی با شیوه ای متمایز از کتب دیگر فیلسوفان مسلمان این مدرس دانشگاه در مورد نوآوری های شهید صدر، به کتاب فلسفتنا اشاره و اظهار کرد: شهید صدر کتابی با نام فلسفتنا دارد که برخلاف سبک فلاسفه قدیم، آن را به دو بخش تبدیل کرده است؛ بخش اول به «نظریة المعرفة» و یا «تئوری شناخت» و بخش دوم به هستی شناسی و جهان بینی اختصاص دارد. شهید صدر در بخش اول کتاب مباحث معرفت شناسی و تئوری شناخت را مطرح و شناخت شناسی را مقدم بر هستی شناسی بحث می کند که این از ابداعاتی بود که شهید صدر در فلسفتنا مطرح کرده است. نوآوری دیگر او در این کتاب این است که قدم به قدم فلسفه اسلامی را با فلسفه های غرب به ویژه مارکسیسم درگیر می کند و در نهایت نظریه ایجایی خودش را بیان می کند؛ یعنی هم نظریه شناخت اسلامی را





## شهید صدر با دسیسه چینی امریکا و صهیونیسم شهید شد

الحديث» (زبان‌شناسی عربی و علم زبان‌شناسی جدید) نوشته است. گفت‌وگو با حجت‌الاسلام حسینی تبریزی، درباره شهید صدر از آن جهت حائز اهمیت است که سید شهید از شاگردان پدر او بوده و از نزدیک، زندگی، اندیشه‌ها و افکار شهید صدر را لمس کرده و در جریان دیدارها و نشست‌های شهید صدر با امام موسی صدر و تلاش این دو عالم فرزانه برای تقویت جنبش‌های اسلامی بوده است.



شهید صدر و امام موسی صدر از مبارزانی بودند که برای آینده شیعیان در جوامع اسلامی مبتلا شده به سیاست غرب، برنامه‌ریزی و از جنبش‌های دانشجویان مسلمان و جوانان مبارز حمایت می‌کردند، این تحرکات باعث شد که صهیونیست‌ها و غرب به شدت بترسند و برای شهادت آنان برنامه‌ریزی کنند، در حالی که شهید صدر نیز این مسئله را می‌دانست، زیرا صدام کوچکتر از آن بود که بتواند شهید صدر را به شهادت برساند، بلکه شهادت وی و روبرو شدن امام موسی صدر با دسیسه چینی امریکا و رژیم صهیونیستی انجام شد.



حجت‌الاسلام حسینی تبریزی، در ابتدا به تاریخچه حوزه علمیه نجف اشرف اشاره کرد و گفت: گفته می‌شود شیخ طوسی پس از سفر از بغداد به نجف اشرف آن را تأسیس کرد. اگر چه برخی تأسیس حوزه علمیه نجف اشرف را به امام صادق (ع) نیز نسبت می‌دهند. قبل از

حجت‌الاسلام و المسلمین «سید محمدعلی حسینی قائم‌مقام تبریزی»، در سال ۱۳۱۹ هجری شمسی در شهر نجف اشرف دیده به جهان گشود. پدرش آیت‌الله سیدهادی حسینی تبریزی از شاگردان آیت‌الله سیدعلی قاضی بود که از مشهورترین شاگردانش می‌توان به شهید سیدمحمدباقر صدر و آیت‌الله سیدمحمد کلانتر اشاره کرد. اولین اثر تحقیقی سیدمحمدعلی حسینی تبریزی، «دراسات و تحقیقات فی التراث الاسلامی» است. او همچنین تقریرات مرحوم پدرش در فقه و اصول را با عنوان «أمالی الیهادی؛ مباحث فقهیه فی الالتزام و المعاملات و مبانی أصولیة فی الاحکام و العبادات» در سال ۱۹۷۵ میلادی در بیروت منتشر کرد. او اوایل انقلاب اسلامی به ایران برگشت. از اساتید برجسته او در کلام و فلسفه، می‌توان به مرحوم علامه جعفری، مرحوم دکتر مهدی حائری یزدی و آیت‌الله سیدرضی شیرازی اشاره کرد. هم‌اکنون بیش از ۱۰ سال است که با هماهنگی امور مساجد در مسجد امام رضا (ع) شهرک اکباتان تهران مشغول هدایت جوانان و راهنمایی دانشجویان و طلاب مستعد است. او همچنین به صورت هفتگی ادبیات آئینی و مباحث زبان‌شناسی نوین را از شبکه ماهواره‌ای الکوثر بررسی می‌کند. سیدمحمدعلی حسینی تبریزی، دانش‌آموخته رشته زبان‌شناسی کاربردی دانشگاه «سنت آندروس» انگلستان است که در این زمینه دو کتاب با عنوان «علم اللغة التوحیدی بین النظرية والتطبيق» (زبان‌شناسی توحیدی میان نظریه‌پردازی و کاربردی‌کردن) و «فقه اللغة العربية و علم اللغة





داشت، نتوانست آموزش علوم دینی و حوزوی را به شهید صدر ادامه دهد و پس از آن شهید صدر به فراگیری علوم دینی نزد استاد فاضل «سیدمرتضی آل یاسین» پرداخت که او از علمای بزرگ بود.

حجت الاسلام حسینی تبریزی تصریح کرد: پس از آن که شهید صدر از نظر علمی رشد و نمو پیدا کرد، کتابها و تألیفات متعددی نوشت که مهم ترین و مشهورترین آنها کتاب اقتصادنا است که همگان به ارزش و اهمیت این کتاب واقف هستند و در حقیقت این کتاب دشمنان جهان اسلام به ویژه مکاتب مارکسیستی و سرمایه داری را به شدت ترساند، زیرا کتاب موضوع محوری است که به نظام اقتصادی پرداخته و آن را مطابق با معیارها و ارزش های اسلامی تبیین کرده است.

وی افزود: شهید صدر ادیب و شاعر نیز بود و با سایر اساتید و علمای زمان خود فرق داشت. با فرهنگ ملت های غیر مسلمان نیز آشنایی داشت و علوم اقتصادی، اجتماعی و فلسفه آنان را آموخته بود، به طوری یکی از بزرگان زمان وی می گوید «من کمونیسم را از کتاب اقتصادنا ی شهید صدر فهمیدم». شهید صدر همچنین مردی جامع نگر بود، به طوری که در زمینه اقتصاد و سرمایه بسیار بهتر از متخصصان در این زمینه سخن می گفت و کتاب های ارزشمندی در عرصه های مختلف زندگی تألیف کرد. شهید صدر از طریق شرکت در نشست ها و همایش ها، جنبش های بیداری اسلامی را تشویق و برای نشر افکار و اندیشه های شیعی تلاش زیادی کرد و حزب «الدعوة الاسلامیة» در عراق را تأسیس کرد. پس از آن عراق شاهد جنبش ها و خیزش های سیاسی زیادی بود و احزاب و سازمان های زیادی شکل گرفت که متأسفانه برخی از این احزاب و جریان های سیاسی برای تخریب یکدیگر فعالیت می کردند و شعارهایی سر می دادند که مغایر با آرمان ها و ارزش های ملت عراق بود، اما در آن زمان حوزه علمیه نجف اشرف برای کنترل اوضاع تلاش کرد و شرایطی برای حمایت از اقدامات روشنگرانه شهید صدر و خواهرش «بنت الهدی صدر» که جنبش بیداری عظیمی در کاظمین ایجاد کردند، فراهم آورد. حسینی تبریزی در پایان خاطرنشان کرد: بنت الهدی صدر، خواهر شهید صدر در شهر کاظمین عراق، جنبشی ایجاد کرد که انتشار گسترده ای در مدارس و محافل عراق یافت، اما نظام صدام ملعون، فرصت کامل کردن این مسیر را به او نداد. شهید صدر به اقدامات و گفته های مخالفان خود توجهی نشان نمی داد و در این زمینه مبالغه نمی کرد، بلکه از فعالان و مبارزانی بود که در راه بیداری و نهضت اسلامی در عراق، خواهرش بنت الهدی در کنار وی به شهادت رسید؛ همچون حضرت زینب (س) که در کنار برادرش امام حسین (ع) ایستاد.

راه اندازی حوزه علمیه شهر مقدس قم، مردم از کشورهای مختلف جهان از جمله ایران، لبنان، پاکستان و کشورهای آفریقایی برای آموزش علوم دینی و حوزوی و یادگیری فقه و اصول به نجف اشرف سفر می کردند، زیرا علما و فضایی بزرگ در رشته های مختلف علوم و معارف اسلامی، فقه و اصول و پژوهش های دینی و حوزوی در حوزه علمیه نجف تدریس می کردند.

وی در ادامه به ارتباط نزدیک آیت الله سید محمد باقر صدر و امام موسی صدر اشاره کرد و گفت: هر دو از مبارزانی بودند که برای آینده شیعیان در جوامع اسلامی مبتلا شده به سیاست غرب، برنامه ریزی و از جنبش های دانشجویان مسلمان و جوانان مبارز حمایت می کردند، بنابراین این تحركات باعث شد که صهیونیست ها و غرب به شدت بترسند و برای شهادت آن ها برنامه ریزی کنند، در حالی که شهید سید محمد باقر صدر نیز این مسئله را می دانست، زیرا «صدام حسین» کوچکتر از آن بود که بتواند شهید صدر را به شهادت برساند، بلکه شهادت وی و ربوده شدن امام موسی صدر با دسیسه چینی امریکا و رژیم صهیونیستی انجام شد. امریکا و کشورهای استکباری، روحیه جهاد و هدایت مردم را در شهید صدر احساس کردند و از هیچ تلاشی برای به شهادت رساندن او فروگذار نکردند.

حسینی تبریزی در ادامه یادآور شد: یک شب در لبنان، من و سید محمد باقر صدر در منزل امام موسی صدر بودیم که در این محفل، امام موسی صدر و شهید صدر درباره مسائل و موضوعات روز جهان اسلام و شیعیان بحث و تبادل نظر می کردند که شهید صدر گفت کتابی به نام اجتماعات تألیف کرده ام که این کتاب به زودی چاپ خواهد شد، اما به دلایل نامعلومی تاکنون خبری از این کتاب نیست و پس از شهادت ایشان نیز کتابی با این عنوان به چاپ نرسیده است.

این استاد حوزه علمیه به سیره شهید صدر اشاره کرد و گفت: خانواده آیت الله سید محمد باقر صدر از خانواده ای ریشه دار و با اصل و نسب در عراق بودند و خانواده و نزدیکان ایشان آشنایی کافی با فقه، سیاست و علوم دینی مختلف داشتند که از جمله این بزرگان می توان به سید عبدالحسین شرف الدین، امام موسی صدر و سید اسماعیل صدر برادر شهید سید محمد باقر صدر اشاره کرد. شهید صدر در حالی که تنها ۱۳ سال داشت، کتابی در زمینه منطق نوشت که آن را در حوزه علمیه شهر کاظمین تدریس می کرد، زیرا در آن زمان حوزه علمیه کاظمین مانند حوزه علمیه نجف از اعتبار زیادی برخوردار بود و استادان و فضایی زیادی در آنجا حضور داشتند. پس از مدتی، شهید صدر برای تکمیل تحصیلات حوزوی عازم نجف اشرف شد. پدرم آیت الله سید هادی حسینی تبریزی پس از مدتی به علت شرایط خاصی که





## شهید صدر تفسیر موضوعی قرآن را ابزاری برای شناخت و دستیابی به پاسخ‌های روزمره می‌دانست

شهید صدر تفسیر موضوعی قرآن را ابزاری برای شناخت و دستیابی به پاسخ‌های روزمره می‌دانست و به دنبال آن بود که پدیده‌ها و مشکلات را موضوع بحث قرار دهد و با رعایت شرایطی که برای آن عنوان می‌کرد، سراغ قرآن برود تا پاسخ سؤالاتش را پیدا کند.



حجت‌الاسلام و المسلمین «احمد مبلغی»، رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، باین بیان مطلب گفت: شخصیت‌های متفکر و مبدع قبل از اینکه سراغ خود علم برونند، به سراغ روش علم می‌روند و آن را پر ظرفیت‌ترین و مؤثرترین خاستگاه برای نوآوری می‌بینند. تحول در دیدگاه‌ها و نظریات مربوط به علم، منوط به نوآوری در روش علم است و روش تفسیر موضوعی که قبل از شهید صدر نیز مورد توجه بود، در دیدگاه او تبدیل به روشی فعال، پویا، اثرگذار و منتهی به نتایج عظیم و پاسخگو به حوادث نوظهور شد.

وی افزود: شهید صدر در حوزه فلسفه، فقه، منطق استنباط، دانش اصول، اقتصاد اسلامی و افکار سیاسی دارای اندیشه‌های مؤثر بود و هر کجا که حضور علمی داشت با طرحی نو در انداخت و یا طرح‌های موجود را تحول و تطوری قابل توجه بخشید.

مبلغی در ادامه با اشاره به اینکه شهید صدر چند عنصر را در تفسیر موضوعی لازم‌الرعاية می‌داند تا به کمک آن‌ها بتوان تفسیر موضوعی دقیق، صحیح و مؤثر ارائه کرد، افزود: شهید صدر معتقد است نباید در ابتدا و قبل از هر چیز سراغ آیه قرآن رفت و با موضوعی را به صورت انتزاعی در قرآن بی‌گیری کرد، بلکه جست‌وجوگر باید در گام نخست، خاستگاه‌هایی مانند طبیعت، هستی، پدیده‌های اجتماعی و مشکلات زندگی بشر را در نظر بگیرد و بشناسد و پس از اینکه نسبت به آن‌ها دغدغه پیدا کرد، برای یافتن پاسخ سراغ آیات قرآن برود. عنصر دومی که بر اساس آراء شهید صدر، باید به عنوان خاستگاه و نقطه عزیمت در رجوع به قرآن مطرح شود، این است که به افکار و دیدگاه‌های دانشمندان در موضوع مورد نظر معطوف شویم تا پرونده‌ای از دغدغه‌ها و دیدگاه‌ها به صورت علمی، تخصصی و دقیق درباره موضوع مورد بحث شکل گیرد.

رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی گفت: پژوهشگر، بحث‌کننده و جست‌وجوگر عرصه تفسیر باید به وضعیت تاریخی موضوع نیز توجه کند تا بتواند در فضایی آزاد، بر موضوع مورد نظرش احاطه و اشراف پیدا کند و در حصار قالب‌های کلیشه‌ای و محدود قرار نگیرد و پس از طی این مراحل است که جست‌وجوگر می‌تواند به قرآن رجوع کند و پاسخ‌های خود را از قرآن بگیرد و در حقیقت تا زمانی که نگاه پژوهشگر به موضوع غنی نباشد، نمی‌تواند از عهده این کار به خوبی برآید. شهید صدر رجوع به قرآن را زمانی مفید می‌دانست که رجوع کننده دارای سؤالی پیرامون موضوعی مشخص بوده و سؤال وی انتزاعی و جعلی نباشد، بلکه از متن مناسبات اجتماعی و دیدگاه‌های واقع‌گرایانه جوشیده باشد و از خلال پرونده‌ای که پیرامون موضوع وجود دارد، بیرون آمده باشد، در آن صورت است که پژوهشگر می‌تواند جواب درست را از قرآن بگیرد.

وی تصریح کرد: شهید صدر مناسبات اجتماعی دوران معاصر خود را خوب می‌شناخت؛ دارای اندیشه‌های مصلحانه و خواهان ایجاد تحول در جامعه خود بود و از فضای بسته فاصله می‌گرفت و به همین دلیل بر بار علمی تفسیر تأکید داشت و به دنبال این بود که از رهگذر تفسیر، ویژگی پاسخگو بودن قرآن را به اثبات رساند. شهید صدر تفسیر موضوعی قرآن را ابزاری برای شناخت و دستیابی به پاسخ‌های روزمره می‌دانست و به دنبال آن بود که پدیده‌ها و مشکلات را موضوع بحث قرار دهد و با رعایت شرایطی که برای آن عنوان می‌کرد، سراغ قرآن برود تا پاسخ سؤالاتش را پیدا کند، اما مفسرانی که با اذهان انتزاعی و به دور از مشکلات اجتماعی و بدون رعایت شرایط مناسب سراغ قرآن می‌روند، قرآن هیچگاه برای آن‌ها به عنوان مرجع الهام‌بخش و پاسخ دهنده نخواهد بود.

مبلغی در پایان با اشاره به اینکه شهید صدر شخصیتی است که ابعاد ناشناخته زیادی دارد، خاطر نشان کرد: شهید صدر در حوزه‌های مختلف، قدرت ابداع و نوآوری داشت و برای شناخت بهتر آراء و اندیشه‌های این شخصیت گرانقدر و بهره‌گیری بهتر از آن‌ها باید سعی کرد تا آثار ایشان در مجامع و مراکز مختلف عرضه و تدریس شود.





## شهید صدر در آخرین درس تفسیرش از حوزه اندیشه فاصله گرفت و به مسائل شهودی رسید

شهید صدر در آخرین سخنرانی خود در زمینه تفسیر موضوعی، از حوزه اندیشه و تفکر کمی فاصله می‌گیرد و به قلب، مسائل شهودی و نیز عرفان عملی نظر دارد و مطالب جالبی درباره تلفیق میان عقل، قلب، فکر و عرفان بیان می‌کند.

محمدعلی آذرشب، استاد دانشگاه تهران، داور بین‌المللی مسابقات قرآن، رئیس مرکز مطالعات فرهنگی ایران و عرب و عضو هیئت امنای دانشکده‌های علوم قرآنی ضمن بیان این مطلب گفت: شهید صدر در سال‌های واپسین حیات پربرکت خود، چندین جلسه سخنرانی علمی پیرامون تفسیر موضوعی ارائه داد که به روش‌شناسی علمی این نوع تفسیر می‌پردازد و در آخرین سخنرانی این دوره، اندکی از مسائل عقلی و منطقی فاصله گرفت و پارافراتر گذاشت و به حوزه عرفان و قلب روی آورد.

وی افزود: مجموع این سخنرانی‌های پربار و ارزشمند علمی، در قالب کتابی به نام المدرسة القرآنیة ارائه شد که ترجمه آن به فارسی و زبان‌های دیگر نیز موجود است. شهید مفسر در این کتاب به تعریف، ارزیابی و شناخت ابزارهای دستیابی به تفسیر موضوعی و

دکتر محمدعلی آذرشب در سال ۱۳۲۶ ش در کربلای معلی به دنیا آمد و لیسانس خود را در زبان عربی و علوم قرآنی از دانشگاه «اصول‌الدین» بغداد گرفت. رشته زبان و ادبیات عرب را در دانشگاه تهران گذراند و درجه دکترای خود را از دانشکده علوم الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران در رشته فرهنگ عربی و علوم قرآنی گرفت. این استاد دانشگاه تهران، سابقه رایزنی فرهنگی ایران در سوریه و سودان و سردبیری مجله‌هایی همچون «ثقافتنا» را که با همکاری سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و «رسالة التقرب» و «ثقافة التقرب» که با همکاری مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی منتشر می‌شود، در پرونده خود دارد. از دکتر آذرشب تاکنون بالغ بر ۵۸ کتاب و ۷۰ مقاله علمی – پژوهشی منتشر شده است. از کتاب‌های او هم می‌توان به ایران تحت رایة القرآن، الاسلام یقاوم، سقوط حزب توده، تاریخ ادبیات عرب تا پایان دوره اموی و ترجمه آثاری از فارسی به عربی، به ویژه آثار امام خمینی(ره)، مقام معظم رهبری و برخی از شخصیت‌های جمهوری اسلامی اشاره کرد.



سپس به مقایسه آن با تفسیر ترتیبی می‌پردازد. شهید صدر علاوه بر ارزش و اعتباری که برای تفسیر ترتیبی یا تجزیلی قائل بود، تفسیر موضوعی را نیز بسیار پراهمیت و لازم می‌دانست؛ چرا که این نوع تفسیر، پاسخگوی نیازهای جامعه است و در شرایطی که جامعه اسلامی به نظریه‌های قرآنی در مورد مسائل مختلف روز احتیاج دارد، بسیار کارآمد و مفید است.

این استاد زبان و ادبیات عرب دانشگاه تهران

تأکید کرد: با توجه به اهمیت تفسیر موضوعی نزد شهید صدر، ایشان برای مفسر موضوعی و کسی که می‌خواهد این

نوع تفسیر را ارائه دهد

نیز شرایط ویژه‌ای

قائل است که مهمترین

این ویژگی‌ها عبارتند از اشراف و احاطه کامل و جامع به موضوع مورد نظر، مطالعات وسیع و گسترده در آن حوزه و دانستن اینکه

به دنبال پاسخ برای چه سؤالی است و هدف و مقصودش

از آن سؤال چیست. از دیدگاه شهید صدر، مفسر موضوعی باید اطلاعات و دانش کافی از موضوع مورد نظرش داشته باشد و کسی که اطلاعات نادرست و یا ناکافی از موضوعی داشته باشد، نمی‌تواند و نباید این کار را برعهده گیرد.

آز شب ادامه داد: دومین نکته مهمی که شهید صدر درباره شرایط و ویژگی‌های مفسر موضوعی بیان می‌کند، این است که مفسر موضوعی باید در محضر قرآن، شاگردی دانا باشد و نه استاد؛ بدین معنی که به هیچ وجه نباید افکار و خواسته‌های خود را بر قرآن تحمیل کند و یا آیات قرآن را به

سوی افکار و نظریات شخصی خویش سوق و مسائل ذهنی و مورد علاقه خود را معیار تفسیر قرار دهد، بلکه مفسر موضوعی باید در صدد یافتن پاسخ قرآن کریم برای موضوع با ارزش و عالمانه‌ای که در ذهنش به عنوان سؤال ایجاد شده، باشد.

وی با اشاره به کتاب‌های اقتصاددانان و فلسفتناکه توسط شهید صدر به رشته تحریر درآمده است، گفت: در تألیف دیگری از ایشان به نام مجتمعتناکه براساس سخنرانی‌های

اخیر ایشان نگاشته شده است. شهید صدر به بررسی طرح کلی جامعه اسلامی از دیدگاه قرآن می‌پردازد و می‌گوید جامعه اسلامی چه شکل و فرمی دارد و جهت‌دهی‌ها، حرکت و سمت و سو و قوانین تاریخی که بر جامعه اسلامی حکومت می‌کند، چگونه و اصول و پایه آن کدام است. مکاتب مختلف در مورد اصول و عوامل حرکت تاریخ، هر يك نظری دارند و شهید صدر در همین زمینه مطالب مهم و زیبایی در

رابطه با قوانین و سنن حرکت جامعه از دیدگاه

قرآن بیان می‌کند و به صورت دقیق، عالمانه

و اصولی این اندیشه قرآنی را که انسان

عامل حرکت تاریخ است، بررسی و

پاسخ را پیدا می‌کند.

این داور

بین‌المللی مسابقات

قرآن گفت: مهمترین سؤال مطرح شده

توسط شهید صدر در جامعه آن زمان این

بود که جامعه اسلامی از چه تشکیل شده

است و چه شکلی دارد و نظر قرآن نسبت به نقش فرد

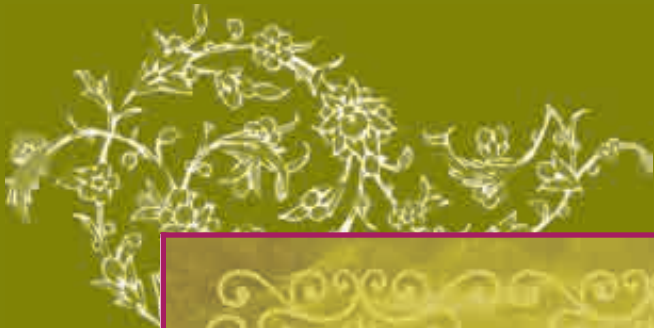
در جامعه، ترکیب جامعه و حرکت جامعه چیست که همین بررسی‌ها می‌تواند الهام‌بخش مطالعات اسلامی در حوزه جامعه‌شناسی در کشور ما نیز باشد تا بتوان جامعه اسلامی را براساس دیدگاه قرآنی تحلیل کرد. با توجه به اینکه

جامعه‌شناسی در کشور ما بر پایه نظریات غرب بنا نهاده شده و همانطور که مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) اشاره فرمودند علوم انسانی از نظر کمی گسترش پیدا کرد، اما برای ارتقای سطح کیفی آن باید کارهای بیشتری انجام داد.

وی در پایان خاطرنشان کرد: در فضای خفقان‌آور سی سال گذشته جامعه عراق، شهید صدر تلاش می‌کرد از سویی عظمت اسلام را به عنوان دینی جامع که پاسخگوی تمام نیازها و مشکلات اعم از اجتماعی، اقتصادی و فلسفی در اعصار و زمان‌های گوناگون است، نمایان و از سوی دیگر با هجوم شبهات و اندیشه‌های مارکسیستی مقابله کند و پاسخ‌گوی نیازهای فکری جامعه اسلامی آن زمان باشد و آن را از آفت اندیشه‌های بیگانه مصون نگه دارد.

نکته مهمی که شهید صدر درباره شرایط و ویژگی‌های مفسر موضوعی بیان می‌کند، این است که مفسر موضوعی باید در محضر قرآن، شاگردی دانا باشد و نه استاد





## شهید صدر با استناد به قرآن آزادی را قالبی می‌دانست که به محتوا نیاز دارد

بنابراین اگر بخواهیم نامی برای این تفسیر موضوعی بگذاریم، شاید مناسب‌ترین آن تفسیر موضوعی استنتاجی باشد.

وی به بررسی مسئله تفسیر پرداخت و گفت: تفسیر قرآن را می‌توان به دو بخش ترتیبی و موضوعی تقسیم کرد که در تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم شروع می‌شود و هدف از آن روشن‌گری هدف هر آیه با توجه به سیاق و قرائن است، به طوری که مفسر از ابتدای قرآن شروع می‌کند و تا انتهای قرآن پیش می‌رود، تفسیر ترتیبی مشکلاتی دارد که پراکندگی معارف، عدم دستیابی به یک اندیشه منسجم و بروز مشکلات مذهبی از جمله این اشکالات است.

این محقق و مدرس حوزه علمیه مشهد تصریح کرد: فایده تفسیر ترتیبی این است که تمامی قرآن کریم آیه به آیه تفسیر می‌شود، اما تفسیر موضوعی اقسامی دارد و هدف از آن، بررسی

شهید صدر ذیل عنوان سنت‌های تاریخی در قرآن و با استناد به آیات ۴۱ سوره عنکبوت و ۳۹ سوره نور، در تحلیل مسئله آزادی می‌گوید: آزادی قالب است نه محتوا، زیرا قالب آزادی به محتوا احتیاج دارد و ما اگر قالب را داشته باشیم، اما محتوا و مضمون را نداشته باشیم، ثمره آن گرفتاری‌های امروز غرب است.

حجت‌الاسلام و المسلمین «ابراهیم یعقوبیان»، پژوهشگر علوم قرآنی و استاد حوزه و دانشگاه ضمن بیان این مطلب گفت: تفسیر موضوعی اقسام متفاوتی دارد که السنن‌التاریخیه فی القرآن آیت‌الله شهید صدر را باید بخشی از تفسیر موضوعی استنتاجی دانست، زیرا مباحث و موضوعات آن، ارتباط و پیوندی با مباحث علم جامعه‌شناسی و موضوعات مختلف دارد که شهید صدر این موضوعات را به قرآن کریم عرضه و احکام قرآن را در موضوعات مختلف سنت‌های تاریخ از قرآن استخراج کرد،

جامع موضوعات از دیدگاه قرآن کریم است و آن را به اعتبار سبک و روش به اقسامی تقسیم کرده‌اند که گاهی اوقات بررسی مفردات قرآن است، مانند «مفردات راغب اصفهانی» که تمامی کلمات هم‌خانواده را یک‌جا معنا کرده‌است. گاهی اوقات نیز تفسیر موضوعی، موضوع و حکم، هر دو را از قرآن می‌گیرد و به دو شیوه کار می‌کند که از آن به شیوه استقرائی تعبیر می‌شود که با استقراء تام است و یا استقراء ناقص. در این نوع تفسیر، مفسر موضوع و حکم را از قرآن می‌گیرد و تمام آیات پیرامون موضوع را جمع و راجع به آن موضوع بحث می‌کند که به عنوان نمونه کتاب پیام قرآن که با نظارت آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی نوشته شده است، کتاب منشور جاوید قرآن به زبان فارسی و مفاهیم القرآن‌الکریم به زبان عربی که هر دو از آیت‌الله‌العظمی سبحانی است، این‌ها را می‌توان از استقراء تام دانست؛ یعنی حکم و موضوع به قرآن عرضه و تمامی آیات جمع و بررسی می‌شود، اما در استقرای ناقص، مفسر راجع به یک موضوع و حکمی، تمامی آیات را جمع نمی‌کند که کتاب معارف قرآن آیت‌الله مصباح یزدی را می‌توان در مقوله استقرای ناقص شمرد.

وی افزود: یک نوع تفسیر موضوعی قرآن کریم نیز هست که از آن به عنوان تفسیر استنتاجی نام می‌برند که در واقع، موضوع را از خارج و از علمی مانند جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و علوم تربیتی و انواع علوم انسانی و حتی علوم تجربی می‌گیرد و بعد حکم این موضوع را از قرآن به دست می‌آورد که اصطلاحاً از آن به عنوان «تفسیر موضوعی استنتاجی» نام می‌برند. یک نوع تفسیر دیگر هم هست که «تفسیر موضوعی زنجیره‌ای» می‌نامند که چندین موضوع و ارتباط آن‌ها با یکدیگر بررسی می‌شود که به عنوان مثال مفسر، موضوع ایمان، تقوی و عمل صالح را مورد بررسی قرار می‌دهد و آیاتی را که در قرآن کریم با این سه موضوع هست، استخراج می‌کند و به تفسیر آن‌ها می‌پردازد که از آن به عنوان تفسیر موضوعی ارتباطی و یا زنجیره‌ای یاد می‌شود. «تفسیر موضوعی تطبیقی» نیز از دیگر بخش‌های تفسیر موضوعی قرآن است که در آن مفسر، یک موضوع را علاوه بر قرآن، در سایر کتاب‌های آسمانی نیز بررسی می‌کند، به طوری که آیات قرآن را راجع به یک موضوع جمع و از تورات و انجیل نیز در رابطه با همان موضوع مطالبی را گردآوری می‌کند که به عنوان مثال، مفسر، نظریه قرآن راجع به خلقت انسان را بررسی و همین موضوع را در تورات و انجیل نیز به صورت تطبیقی مطالعه می‌کند.

یعقوبیان در ادامه سخنانش به بیاناتی از شهید صدر درباره تفسیر موضوعی اشاره کرد و گفت: آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر در این زمینه می‌فرماید: «قرآن کریم در ابتدا به دو شیوه تفسیر می‌شد که یکی

شیوه تجزیئی (ترتیبی) و دیگری شیوه موضوعی است، البته شیوه موضوعی، زمان آن با تأخیر است و مفسر در تفسیر تجزیئی، آیات را یک به یک تفسیر می‌کند و به تبیین معانی لغات و الفاظ می‌پردازد و تفسیر ترتیبی هم اقسامی دارد که برخی در آن تنها به جنبه ادبی و بلاغت می‌پردازند و برخی نیز به معانی آیات براساس روایات توجه می‌کنند و برخی نیز عقل را دخالت می‌دهند و عده‌ای در تفسیر ترتیبی عقاید مذهبی را بر قرآن تحمیل می‌کنند.»

**شهید صدر تفسیر ترتیبی را برای آیات قرآن مناسب نمی‌داند**  
حجت‌الاسلام یعقوبیان تصریح کرد: شهید صدر تفسیر ترتیبی را تفسیر مناسبی برای قرآن نمی‌داند و تأکید داشت که تفسیر ترتیبی فهم ناقصی از قرآن دارد و انباشت معلومات و اطلاعات بدون پیوند مطالب است و لذا حتی قائل به این بود که تفسیر تجزیئی خطر تفسیر به‌رأی را دارد؛ یعنی مفسر براساس مسلک و مکتب عقیدتی خودش سراغ آیات می‌رود و عقاید خود را بر قرآن تحمیل می‌کند، اما در تفسیر موضوعی، انتخاب موضوع و جمع‌آوری آیات پیرامون موضوع، همه از خود قرآن صورت می‌گیرد و یا اگر موضوعی از خارج باشد، حکم آن از مجموع آیات قرآن گرفته می‌شود و خطر تفسیر موضوعی به مراتب از تفسیر تجزیئی کمتر است.

وی به مسئله نوآوری شهید صدر در زمینه اصول اشاره و عنوان کرد: مرحوم صدر «حق الطاعة» را که مسلکی در علم اصول است، پی‌گیری کرد و با استناد به این مسلک حتی قاعده «قیح عقاب بلا بیان» را زیر سؤال برد. شهید صدر روی مسلک حق الطاعة اصرار داشت که حق مولویت مولا اقتضا دارد که در مواردی که در شبهات حکمی، یک جایی احساس می‌کنیم که آیا یک عملی حرام است یا نیست، اصل این قاعده ایجاب می‌کند که حتی اگر دلیلی نداشتیم، پس باید احتیاط کنیم و نمی‌توانیم به قاعده «قیح عقاب بلا بیان» استناد کنیم و مرتکب آن عمل قبیح شویم که این گزاره از نوآوری‌های شهید صدر در زمینه اصول است. کتاب فلسفتنا شهید صدر در واقع نقدی بر ماتریالیسم دیالکتیک و تاریخی است و از کتاب‌هایی است که برخی معتقدند ماتریالیسم دیالکتیک از وقتی که به وجود آمد، چنین نقدی به خود ندید.

### نقد آزادی‌های غلط غرب

وی همچنین در ادامه افزود: شهید سیدمحمدباقر صدر در ذیل عنوان سنت‌های تاریخی در قرآن با استناد به آیات قرآن کریم از جمله آیه ۴۱ سوره عنکبوت و آیه ۳۹ سوره نور، بحث‌های ارزشمندی درباره مسئله آزادی انسان مطرح می‌کند و آزادی‌های غلط و بدون محتوای





کریم عرضه و از دل آیات قرآن راهکارهای مهمی استخراج کرده است. وی در پاسخ به سؤال که آیا شهید صدر از طریق تفسیر موضوعی توانست صورتی نو از فهم قرآن ارائه و به بسیاری از یافته‌ها، نیازها و مقتضیات زمان پاسخ دهد؟، گفت: آیت‌الله صدر هنگامی که مباحث تفسیری خود را آغاز کرد، در نظر داشت موضوعات متعددی را بحث و بررسی و آن را بر قرآن عرضه کند، به طوری که این مجموعه مباحث بتواند تأثیر مهمی در جامعه داشته باشد و در همین راستا، نخستین موضوعی را که بحث کرد، موضوع سنت‌های تاریخی در قرآن کریم بود، اما محاصره طولانی مدت و زندانی شدن و به شهادت رسیدن او توسط نیروهای رژیم بعثی عراق، مانع از آن شد که بتواند تفسیر موضوعی جامعی را از قرآن که در بردارنده تمامی نیازها و مقتضیات زمان باشد، ارائه دهد.

این پژوهشگر علوم قرآنی اضافه کرد: در کتاب سنت‌های تاریخی در قرآن کریم عناصر اجتماعی قرآن، نقش انسان در حرکت تاریخ، نقش ایده‌آل‌گزینی، خطر سیر همه به سوی ایده‌آل مطلق و انعکاس رابطه انسان با طبیعت در رابطه انسان با انسان و قانون‌های ثابت و متغیر در اسلام تحلیل شده است که البته در زمینه قوانین ثابت و متغیر اسلام، مرحوم شهید استاد مطهری در کتاب اسلام و مقتضیات زمان هم بحث خوبی در این زمینه دارد. اگر آیت‌الله صدر فرصت می‌یافت که مباحث تفسیری خود را تکمیل کند، مباحث و تحلیل‌های ارزشمند او می‌توانست به حرکت جامعه سمت و سو و جهت دهد. تفسیر موضوعی شهید صدر اگر در دانشگاه‌ها و مراکز علمی و تحقیقاتی بحث و بررسی شود، افق جدیدی را پیش روی پژوهشگران و محققان قرار می‌دهد. در حقیقت، شهید صدر در حوزه علوم قرآن، اندیشه‌های بسیار ارزشمندی دارد که می‌تواند در جهان اسلام بسیار تأثیرگذار باشد، همان‌طور که وی در حوزه علم اصول، ابتکارات جدیدی عرضه کرد.

ابراهیم یعقوبیان در پایان خاطرنشان کرد: آیت‌الله صدر در مقابل حکومت ظالم و فاسد عراق ایستاد و به حمایت از نهضت امام خمینی (ره) پرداخت، و با وجود مراجع و بزرگان آن زمان، دست از روشنگری برنداشت، حتی ذهن‌ها را متوجه امام خمینی (ره) کرد و تأکید داشت که ما مأمور هستیم از امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی ایران حمایت کنیم. این مرجع نستوه جهان اسلام در جهت روشنگری افکار و تقویت و هدایت اندیشه‌ها تلاش‌های زیادی انجام و جامعه را به سمت هدایت و کمال سوق داد. شهید صدر بسیار زمان‌شناس بود و مسئولیت هدایت مردم را به دوش گرفت، به طوری که نوادری را در دوره‌های پس از ائمه معصومین (ع) می‌توان یافت که این‌گونه به هدایت و روشنگری مردم و هدایت جامعه اهتمام داشته باشند.

غرب را به نقد می‌کشد. مرحوم صدر مسئله آزادی را یکی از مهم‌ترین مباحث روز جهان اسلام و تمامی جوامع می‌داند و با استناد به آیات شریفه قرآن کریم، بحث‌هایی را مطرح می‌کند که این مباحث برای امروز جهان اسلام و جامعه ایران بسیار قابل تأمل است. شهید صدر در تحلیل مسئله آزادی می‌گوید که آزادی نباید تنها رهایی از بندها باشد، زیرا رهایی از بندها تنها می‌تواند چارچوبی برای پیشرفت باشد، اما تکامل صالح انسان نیاز به محتوا و مضمون دارد و در پرتو این محتوا و مضمون، پیشرفت صالح انسان محقق می‌شود.

یعقوبیان در ادامه تصریح کرد: شهید صدر در بحث سنت‌های تاریخی در قرآن به مسئله آزادی در دوران اروپای متجدد بعد از دوره رنسانس که یکی از شعارهای دوره رنسانس و دوره پس از رنسانس جهان غرب بود، اشاره می‌کند و معتقد است غربی‌ها با طرح مسئله آزادی می‌خواستند از فشار کلیسای کاتولیک نجات پیدا کنند، بنابراین این شعار آزادی را مطرح کردند، اما آزادی قالب است نه محتوا، زیرا قالب آزادی به محتوا احتیاج دارد و ما اگر قالب را داشته باشیم، اما محتوا و مضمون را نداشته باشیم، ثمره آن گرفتاری‌های امروز غرب است.

این مدرس حوزه علمیه مشهد یادآور شد: آیت‌الله صدر نقش انسان در حرکت تاریخ و دیدگاه قرآن کریم را با استناد به آیه ۱۱ سوره رعد «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» در حقیقت خداوند حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند» تحلیل می‌کند. او با استناد به این آیه شریفه می‌فرماید: تغییر اوضاع و امور اجتماعی هر قومی، رونمای آن قوم است، اما تغییر بنیادین، تغییری است که در خود قوم پدید آمده باشد و هر تغییر دیگری از این تغییر بنیادین سرچشمه می‌گیرد که نبی اکرم (ص) از تغییرات زیربنایی به عنوان «جهاد اکبر» یاد می‌کند و تغییرات رونمایی را «جهاد اصغر» می‌نامد.

#### مباحث اجتماعی شهید صدر باید در دانشکده‌های علوم

##### اجتماعی بحث و تحقیق شود

یعقوبیان تأکید کرد: شهید صدر بحث نقش انسان در حرکت تاریخ را به زیبایی به قرآن کریم عرضه می‌کند و از دل آیات و حتی با بهره‌گیری از روایات و احادیث نکات بسیار مهمی را در تفسیر این موضوع ارائه می‌دهد. او با توجه به ذهن نقادی که دارد، نوآوری‌های زیادی را در عرصه علوم مختلف عرضه کرده است. بنابراین، تدریس تفسیر موضوعی شهید صدر در دانشکده‌های علوم قرآنی بسیار حائز اهمیت است و بهتر است که اندیشه‌های آیت‌الله صدر در سایر حوزه‌های علوم انسانی تدریس و مباحث اجتماعی ایشان در دانشکده‌های علوم اجتماعی جوامع اسلامی بحث و تحقیق شود، زیرا آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر بسیاری از مباحث و موضوعات اجتماعی را به قرآن

# تدریس تفسیر قرآن در مکتب نجف از ابتکارات شهید صدر بود



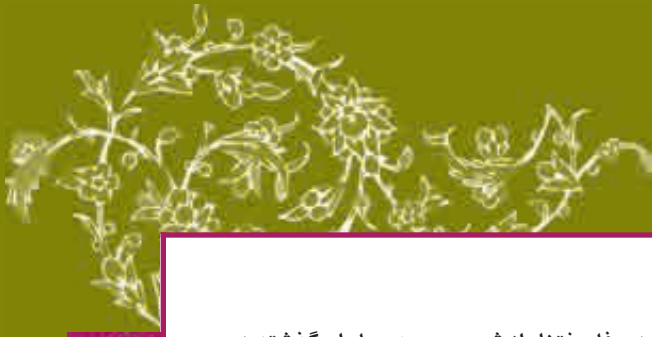
است. اهمیت دادن به پژوهش‌های اعتقادی و آشنایی با شبهات و پاسخ به آن‌ها، دفاع از مذهب اعتقادی اهل‌بیت(ع)، ایجاد فضایی مناسب برای پژوهشگران در فعالیت‌های اعتقادی، جمع‌آوری اطلاعات در مورد شیعه و مخالفانش در جهان و ارسال کتاب‌های این مرکز به کشورهای مختلف به صورت رایگان از جمله فعالیت‌های این مرکز است.

حجت‌الاسلام و المسلمین محمد الحسون تبریزی، در سال ۱۹۵۹ میلادی در نجف اشرف متولد شد و مقاطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان را در نجف گذراند، سپس در دانشکده مهندسی کشاورزی دانشگاه بغداد مشغول به تحصیل شد. او که دارای اصالتی ایرانی و از شهر تبریز است، در سال ۱۹۸۰ میلادی از سوی نظام بعث عراق به ایران تبعید شد و پس از آن، در سال ۱۹۸۱ میلادی به تحصیل دروس و علوم حوزوی روی آورد و به مدت چهار سال در درس خارج فقه آیت‌الله هاشمی شاهرودی حاضر شد، او همچنین در درس فقه مرحوم آیت‌الله میرزا جواد تبریزی و درس اصول آیت‌الله وحید خراسانی حاضر شد. الحسون پس از گذراندن دروس حوزوی، به تحقیق و پژوهش پرداخت و تاکنون مجموعه کتاب‌ها و مقالاتی از او چاپ شده است و نزدیک به ۶۰ اثر تألیفی، تحقیق و مقاله علمی دارد و در همایش‌های علمی و نمایشگاه‌های کتاب بیش از ۱۶ کشور جهان حضور پیدا کرده و به تبلیغ اسلام و مذهب اهل‌بیت(ع) پرداخته است و اکنون نیز به عنوان مدیر مرکز پژوهش‌های اعتقادی قم به نشر مذهب اهل‌بیت(ع) می‌پردازد. مرکز پژوهش‌های اعتقادی در سال ۱۳۷۷ هجری شمسی با پی‌گیری «سید جواد شهرستانی» وکیل آیت‌الله‌العظمی سیستانی تأسیس شد. راه‌اندازی کتابخانه، جمع‌آوری شبهات و پاسخگویی به آن‌ها و برگزاری همایش‌های اعتقادی از جمله فعالیت‌های این مرکز بوده

سخنرانی‌هایی که شهید صدر با موضوع تفسیر قرآن کریم ارائه داد، از ابتکارات او بود، زیرا در حوزه علمیه نجف اشرف مرسوم نبود که یک مرجع تقلید تفسیر قرآن تدریس کند، زیرا اساتید و مجتهدان حوزه علمیه نجف تنها به تدریس فقه و اصول اهتمام داشتند و تدریس تفسیر قرآن را عیب می‌دانستند.

حجت‌الاسلام الحسون تبریزی با بیان مطلب فوق گفت: شهید صدر به تدریس تفسیر قرآن کریم به عنوان یک درس مستقل پرداخت، زیرا گفتن این موضوع که آیت‌الله صدر به تدریس درسی تخصصی در زمینه تفسیر قرآن کریم پرداخته است، مسئله‌ای دور از واقعیت است، بلکه وی تنها ۱۴ جلسه سخنرانی قرآنی برگزار کرده است که حضور در این سخنرانی‌های قرآنی، عمومی و برای تمامی طلبه‌ها آزاد بوده است.





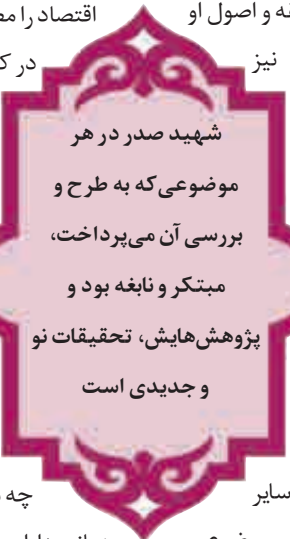
وی افزود: شهید صدر فردی خلاق و مبتکر در زمینه تفسیر موضوعی قرآن بود و در جلسات قرآنی خود از پرداختن به تفسیر سنتی و ترتیبی قرآن خودداری کرد و آیاتی از قرآن کریم را به شیوه موضوعی تفسیر کرد و در حقیقت اگر می توانست این جلسات قرآنی را ادامه دهد و به تفسیر موضوعی قرآن بپردازد، میراث قرآنی عمیق و ارزشمندی برای ما به جامی گذاشت، اما وی همچون درس های فقه و اصول، درصدد تفسیر قرآن کریم نبود، بلکه تنها مبادرت به ارائه سخنرانی ها و جلسات قرآنی کرد که در همین ۱۴ جلسه قرآنی، میراث ارزشمندی برای ما به جا گذاشت که در کتاب *المدرسة القرآنية* گردآوری شده است.

شهید صدر در فلسفتنا از شیوه پیچیده علمای گذشته دوری کرد محمد الحسون در ادامه شهید صدر را از نواخ زمان و الگویی واقع گرا و نوگرا در عرصه های مختلف علمی و فکری، از جمله حوزه تفسیر قرآن کریم دانست و گفت: شهید صدر در هر موضوعی که به طرح و بررسی آن می پرداخت، مبتکر و نابغه بود و پژوهش هایش، تحقیقات نوو جدیدی است. آیت الله صدر در کتاب *فلسفتنا* مباحث و موضوعات جدیدی نیز در زمینه فلسفه اسلامی مطرح کرد و توانست فلسفه اسلامی را با اسلوب و سبکی همسو با مقتضیات معاصر و به دور از اسلوب و روش پیچیده علمای گذشته ارائه کند.

تفسیر موضوعی دیدگاه جامع قرآن را از يك موضوع ارائه می دهد حجت الاسلام حسون همچنین تصریح کرد: در جلسات قرآنی شهید صدر، علاوه بر طلبه هایی که در درس خارج فقه و اصول او حاضر می شدند، طلبه هایی که دروس سطوح نیز می خواندند، حضور داشتند. آیت الله صدر به بی فایده و بی اهمیت بودن تفسیر ترتیبی یا سنتی قرآن کریم اعتقاد نداشت، بلکه بر این باور بود که تفسیر موضوعی قرآن کریم دیدگاه جامع و تکامل یافته ای از يك موضوع معین به خواننده را ارائه می دهد، اما تفاوتی که در این زمینه وجود دارد، این است که تفسیر ترتیبی آیه را با توجه به خود آن آیه تفسیر می کند و ارتباطی با سایر آیات مرتبط با آن موضوع برقرار نمی کند، اما در تفسیر موضوعی، آیات تنها برحسب ترتیب آن ها تفسیر نمی شود، بلکه مفسر موضوعی، آیات مرتبط با يك موضوع را گرد هم می آورد و دیدگاه و نظریه قرآنی نسبت به آن موضوع را کشف می کند.

مدیر مرکز پژوهش های اعتقادی به کتاب *اقتصادنا* شهید صدر اشاره کرد و گفت: آیت الله صدر در این کتاب، اصول و مبانی اساسی اقتصاد را مطرح کرد و ریشه های مشکلات اقتصادی جهان را نیز در کتاب *البنک اللاربوی* (بانکداری بدون ربا) بررسی کرد. او در کتاب *بانکداری بدون ربا* توضیح داد که چگونه می توانیم بانکداری اسلامی به دور از ربا داشته باشیم، زیرا ربا در نزد تمامی مسلمانان از مسائل تحریم شده است.

حجت الاسلام حسون در پاسخ به این پرسش که علت اعلام مرجعیت از سوی شهید صدر با وجود بزرگی همچون آیت الله خوئی چه بود؟، گفت: پیروان مکتب اهل بیت (ع) در هر عصر و زمانی دارای مراجع بزرگی بوده اند و مرجعیت امتداد خط مکتب اهل بیت (ع) است و به نظر می رسد اعلام مرجعیت شهید صدر مسئله ای طبیعی بوده است، زیرا در هر زمانی که مراجعی از دنیا می روند و به لقاء الله می پیوندند، مراجع دیگری هستند که تصدی گر مرجعیت شده و جایگزین این مراجع شوند. در طول تاریخ تشیع، مراجع بزرگی بوده اند که از آنان به عنوان مرجع عام تعبیر می شده که این مراجع در سراسر جهان مقلدانی داشته اند، اما در کنار این مرجعیت عام، مراجع به مراتب کوچکتری اعلام مرجعیت می کردند که پس از فوت آنان، این مرجع کوچکتر جایگزین آنان می شد. در زمان شهید صدر، مرجعیت امام خمینی (ره) و مرجعیت آیت الله خوئی مرجعیت عام در سراسر جهان بود و آیت الله صدر هنگامی که مرجعیت خود را مطرح کرد، مرجعیتش در تعارض و مغایرت با مرجعیت عام این دو بزرگوار نبود، بلکه این مسئله، امری طبیعی



شهید صدر در هر موضوعی که به طرح و بررسی آن می پرداخت، مبتکر و نابغه بود و پژوهش هایش، تحقیقات نو و جدیدی است

برای پیروان مکتب اهل بیت (ع) است که در هر زمانی که يك مرجعیت عام باشد، مراجع جوان و به مراتب با پیروان کمتری اعلام مرجعیت کنند.

وی در ادامه به تحلیل دیدگاه‌های اجتماعی شهید صدر در زمینه تعامل افراد در جامعه پرداخت و گفت: شهید صدر می‌خواست که شیوه‌ای در روابط و تعامل اجتماعی تعیین کند و براساس آن چه از شاگردان ایشان شنیده‌ایم، درصدد بود دیدگاه‌های اجتماعی خود را در کتابی با عنوان مجتمعا به سبک کتاب‌های فلسفتنا و اقتصادنا تألیف کند و چارچوب و مبانی کلی این کتاب را تدوین کرد و می‌خواست در این کتاب، دیدگاه اسلام در زمینه روابط اجتماعی را تبیین و در آن، رابطه دو فرد را که دارای مبانی اعتقادی مشترک هستند، بیان کند.

الحسون در تشریح نظریات اجتماعی آیت‌الله صدر گفت: شهید صدر همچنین نظریات و اندیشه‌هایی را براساس معیارها و مبانی اسلامی، در زمینه چگونگی رابطه و تعامل فرد با شخصی که با او در اعتقادات اختلاف دارد، بیان کرد، به این معنا که فردی شیعی و پیرو مکتب اهل بیت (ع) با فرد پیرو مکتب اهل سنت چه رابطه و تعاملی باید داشته باشد. شهید صدر دایره بحث روابط اجتماعی را گسترده‌تر می‌کند و مباحثی

در زمینه نحوه تعامل و ارتباط فرد مسلمان با غیر مسلمان و رابطه مسلمان با فرد یهودی و مسیحی بیان می‌کند. ایشان حتی رابطه انسانی را که به وجود خداوند متعال ایمان و اعتقاد دارد با انسان کافر و ملحد بیان می‌کند و در دیدگاه‌های اجتماعی خود، مباحثی در زمینه نحوه تعامل اجتماعی افراد و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در جامعه دارد و درصدد بود این نظریات و اندیشه‌های اجتماعی خود را در کتابی مستقل به نام مجتمعا منتشر و آن را بر جامعه اسلامی عرضه کند که متأسفانه به طور کامل توفیق بیان این مطالب را نیافت.

**قرآن نزد پیروان مذهب اهل بیت (ع) منبع اصلی شریعت اسلامی است**

محمد الحسون در پاسخ به این پرسش که آیا می‌توان جلسات قرآنی شهید صدر را واکنشی به ادعای برخی کینه‌توزان که مدعی بودند قرآن کریم در دروس اصلی حوزه‌های علمیه جایگاهی نیافته

است، دانست؟، گفت: من این ادعا را قبول ندارم و این تهمت ناروا و باطل از سوی کینه‌توزان و مغرضان به پیروان مذهب اهل بیت (ع) است، زیرا منبع اصلی شریعت اسلامی نزد شیعیان قرآن کریم است و هم‌اکنون اگر نگاهی به حوزه‌های علمیه بیندازیم، مشاهده می‌کنیم که چگونه در حوزه علمیه بر قرآن تکیه می‌شود، پس چگونه دشمنان مغرض، پیروان مذهب اهل بیت (ع) را متهم می‌کنند که حوزه‌های علمیه شیعی نسبت به قرآن بی‌توجه هستند. قرآن نزد پیروان مذهب اهل بیت (ع) منبع اصلی شریعت اسلامی است و سنت و احادیث نیز در درجه دوم منبع شریعت اسلامی شمرده می‌شوند که منظور از احادیث و روایات نزد ما، احادیث و روایات نبی اکرم (ص)، حضرت زهرا (س) و روایات معصومین (ع) است.

این پژوهشگر شیعی یادآور شد: ادعاهایی که از سوی برخی

مغرضان و کینه‌توزان مطرح می‌شود، مبنی بر این که پیروان مکتب اهل بیت (ع) قرآن را ترک کرده‌اند و به آن توجهی نمی‌کنند، تهمت باطل و نادرست است، زیرا مجتهد شیعی اگر بخواهد حکم شرعی را استنباط کند و حکم مسئله‌ای را بداند، در درجه نخست باید به قرآن کریم رجوع کند.

شهید صدر همچنین نظریات و اندیشه‌هایی را براساس معیارها و مبانی اسلامی، در زمینه چگونگی رابطه و تعامل فرد با شخصی که با او در اعتقادات اختلاف دارد، بیان کرد

#### علمیه نجف بود

محمد حسون یادآور شد: شهید صدر سخنرانی‌هایی با موضوع تفسیر قرآن کریم ارائه داد که این مسئله ابتکار جدیدی از سوی او بود، زیرا در حوزه علمیه نجف اشرف مرسوم نبود که يك مرجع تقلید، تفسیر قرآن تدریس کند و سخنران‌هایی در زمینه تفسیر قرآن کریم ارائه دهد، زیرا اساتید حوزه و مجتهدان در حوزه علمیه نجف تنها به تدریس فقه و اصول اهتمام داشتند و تدریس تفسیر قرآن را عیب می‌دانستند.

مدیر مرکز پژوهش‌های اعتقادی در پایان خاطرنشان کرد: من شاهد حوادث و اتفاقات و بازداشت آیت‌الله صدر بودم و هنگامی که ایشان به شهادت رسید، من در سال دوم دانشکده مهندسی کشاورزی دانشگاه بغداد در حال تدریس بودم و در هیئت‌هایی که برای اعلام بیعت با شهید صدر می‌رفتند، شرکت می‌کردم. همچنین رابطه نزدیکی با آیت‌الله صدر داشتم و در بسیاری از امور و مسائل شرعی و اجتماعی از ایشان سؤال می‌کردم که شهید صدر نیز با گشاده‌رویی به این پرسش‌ها پاسخ می‌داد.





از راست: آیت الله هاشمی شاهرودی، سید مرتضی مستجابی، سید محمود الخطیب، شهید صدر، سید محمد صدر

## چکیده ای از مطالب فصل چهارم

در پایان سلسله گفت‌وگوها و نشست‌هایی که با شخصیت‌های صاحب‌نظر ایرانی انجام شد، می‌توان به این نتیجه دست پیدا کرد که آیت‌الله شهید سید محمدباقر صدر، تفسیر موضوعی قرآن کریم را تنها راه دست‌یابی به نظریات اساسی اسلام و قرآن درباره موضوعات مختلف زندگی در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، سنت‌های تاریخی و مسائل مختلف می‌داند و از مهم‌ترین ویژگی‌های اندیشه‌ها و افکار و مکتب فکری شهید صدر می‌توان به جامعیت و دانشنامه‌ای بودن، ظرافت و دقت در بحث و تحلیل، ابداع و نوآوری، شیوه موضوعی و نگاه کلی، سازگاری و تناسب پژوهش، انتخاب شیوه مناسب برای استدلال در هر موضوع، جمع میان شیوه منطقی و رعایت احساسات انسانی



اشاره کرد. موضوعات مهم مورد توجه این گروه از مصاحبه‌شوندگان را می‌توان در تبیین ماهیت تفسیر موضوعی، علل گرایش شهید صدر به تفسیر موضوعی جستجو کرد که چکیده آن از نظر می‌گذرد

حجت الاسلام والمسلمین «ابراهیم یعقوبیان» پژوهشگر علوم قرآنی و استاد حوزه و دانشگاه نیز درباره علت گرایش شهید صدر به تفسیر موضوعی قرآن می‌گوید: شهید صدر تفسیر ترقیبی را تفسیر مناسبی برای قرآن نمی‌دانست و تأکید داشت که تفسیر ترقیبی فهم ناقصی از قرآن دارد و انباشت معلومات و اطلاعات بدون پیوند



مطالب است و لذا حتی شهید صدر قائل به این بود که تفسیر تجزیاتی خطر تفسیر به‌رای را دارد، یعنی مفسر بر اساس مسلک و مکتب عقیدتی خودش سراغ آیات می‌رود و عقاید خود را بر قرآن تحمیل می‌کند، اما در تفسیر موضوعی، انتخاب موضوع و جمع‌آوری آیات پیرامون موضوع، همه از خود قرآن صورت می‌گیرد و یا اگر موضوعی از خارج باشد حکم آن از مجموع آیات قرآن گرفته می‌شود و خطر تفسیر موضوعی به مراتب از تفسیر تجزیاتی کمتر است.

استنتاجی قرآن می‌گوید: شهید صدر بر این اعتقاد بود که باید موضوعات جدید را بر قرآن کریم عرضه کرد، چون در غیر این صورت نمی‌توان به استنتاج قرآن کریم دست یافت و تنها در صورت عرضه موضوعات مختلف اجتماعی و زندگی می‌توان قرآن کریم را به پاسخگویی در برابر مسائل و ادانت.

شبهه تفسیری آیت‌الله شهید سید محمد باقر صدر در «السنن التاریخیه فی القرآن» را می‌توان بخشی از تفسیر موضوعی استنتاجی شمرد

وی سنت‌های تاریخی شهید صدر را بخشی از تفسیر موضوعی استنتاجی می‌داند و خاطر نشان می‌کند: شبهه تفسیری آیت‌الله شهید سید محمد باقر صدر در «السنن التاریخیه فی القرآن» را می‌توان بخشی از تفسیر موضوعی استنتاجی شمرد، زیرا شهید صدر موضوعات و مباحث مختلف را بر قرآن عرضه و احکام قرآن درباره موضوعات مختلف سنت‌های تاریخی را تبیین کرده است. آیت‌الله «محمد مهدی آصفی» نماینده مقام معظم رهبری در حوزه علمیه نجف اشرف، رئیس هیأت علمی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و استاد حوزه علمیه نجف در این باره می‌گوید: تفسیر موضوعی قرآن شهید صدر به تبیین مدلولات جزئی آیات قرآنی بسنده نمی‌کند، بلکه برای یافتن نظریه‌ای قرآنی تلاش می‌کند، نظریه‌ای که در چارچوب آن هر یک از این مدلولات جایگاه مناسب خود را می‌یابند و در همین راستا به استنباط نظریه‌های قرآنی پیرامون موضوعاتی همچون نبوت، مکتب اقتصادی، سنن تاریخ و آسمان‌ها و زمین می‌پردازد.

شهید صدر از نظر علمی رشد و نمو پیدا کرد، کتاب‌ها و تألیفات متعددی نوشت که مهم‌ترین و مشهورترین آن‌ها کتاب «اقتصادنا» است که همگان به ارزش و اهمیت این کتاب واقف هستند و در حقیقت این کتاب دشمنان جهان اسلام به ویژه مکاتب مارکسیستی و سرمایه‌داری را به شدت ترساند، زیرا کتابی موضوع محور است که به اقتصاد، نظام و سیستم آن پرداخته است و نظام اقتصادی را مطابق با معیارهای و ارزش‌های اسلامی تبیین کرد.

تفسیر موضوعی قرآن شهید صدر به تبیین مدلولات جزئی آیات قرآنی بسنده نمی‌کند، بلکه برای یافتن نظریه‌ای قرآنی تلاش می‌کند

«محمد الحسون»، مدیر مرکز پژوهش‌های اعتقادی ترس رژیم بعث از مرجعیت عام را علت به شهادت رساندن شهید صدر می‌داند و می‌گوید: رژیم بعثی عراق و استعمار جهانی زمانی که متنبه شدند که شهید سید محمد باقر صدر مرجعیت خود را مطرح کرد تا در آینده مرجعی عام باشد، بسیار ترسیدند زیرا مبارزات سیاسی و اندیشه‌های روشنگرایانه و نفوذ وی در میان امت اسلام تهدیدی جدی برای آنان شمرده می‌شود و همین امر علت به شهادت رسیدن وی بود.

حجت‌الاسلام و المسلمین «عبدالحسین خسروپناه»، عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی نیز درباره





دوره پنجم

راهی

سال پنجم

شماره ۷۶

۲۸ اسفند ۱۳۸۸

۱۱۹



مقالات

پژوهی تفسیر موضوعی علامه شهید صدر





## ویژگی‌های فکری و علمی مکتب علامه صدر

### در نگاه آیت الله هاشمی شاهرودی

بودن از مهم‌ترین ویژگی‌های مکتب شهید صدر است، زیرا شهید صدر در مکتب علمی و فکری خود تمامی شاخه‌های دانش اسلامی و بشری را در بر گرفته است و دارای ابعاد و جوانب مختلفی است. به طوری که علاوه بر علوم اسلامی از قبیل فقه و اصول، ابتکارات علمی ارزشمندی در زمینه منطق، فلسفه، عقاید اسلامی، علوم قرآن، اقتصاد، تاریخ، حقوق، سیاست مالی و بانکداری، شیوه‌های آموزش و تربیت حوزوی، شیوه‌های حکومت اسلامی و فعالیت سیاسی دارد.

۲ - ظرافت و دقت در بحث و تحلیل: دقت در بحث و پژوهش علمی از مهم‌ترین ویژگی پژوهش‌ها و تحقیقات شهید صدر به شمار می‌آید و این ویژگی در تمامی نوشته‌ها و تألیفات شهید صدر به درجه عالی می‌رسد، به طوری که وقتی به مسئله‌ای علمی به ویژه در زمینه فقه و اصول می‌پردازد، تحلیل‌ها و احتمالاتی را مطرح می‌کند که عقل و اندیشه را به حیرت وامی‌دارد.

۳ - ابداع و نوآوری: حرکت و پیشرفت علوم و معارف بشری بر پدیده نوآوری و تجدید به دست علما و محققان بستگی دارد و شهید سیدمحمدباقر صدر از توانمندی زیادی در زمینه نوآوری و تجدید برخوردار بود، به طوری که علوم و نظریاتی را در زمینه داده‌ها یا در سطح روش و استنتاج مورد بررسی قرار می‌داد و پیوسته تلاش می‌کرد که این علوم و نظریه‌های علمی را بسط و توسعه دهد. از نتایج و ثمره‌های ویژگی ممتاز مکتب

شهید صدر این بود که افق‌ها و چشم‌اندازهایی از دانش بشری به روی او گشوده شد که قبل از مکتب او تکرار نشده بود، این ابداع و نوآوری در پژوهش‌های اقتصادی وی زیاد به چشم می‌خورد، به گونه‌ای که او موضوعات و مباحث جدیدی را در فقه اسلامی بررسی و مکتب اقتصاد اسلامی را کشف می‌کند و استدلال‌ها و نظریات ابتکاری در زمینه بانکداری اسلامی بدون ربا مطرح می‌کند، به طوری که در این عرصه مبتکری است که پیش از او کسی این موضوعات را مطرح نکرده بود. شهید صدر در شیوه موضوعی خود در تفسیر و تاریخ نیز ابتکارات ارزشمندی دارد، به گونه‌ای که توانست نظریه قرآن کریم و رسالت اسلامی نسبت به

آن چه می‌خوانید ترجمه خلاصه‌ای از مقاله «المعالم الفكرية والعلمية لمدرسة السيد الشهيد محمدباقر الصدر» (ویژگی‌های فکری و علمی مکتب آیت‌الله شهید سیدمحمدباقر صدر) به قلم آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی، رئیس پیشین قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران و از شاگردان و دانش‌آموختگان مکتب شهید صدر است. این مقاله که در مجله «المنهاج» (مجله‌ای است در زمینه اندیشه اسلامی که به همت مرکز پژوهش‌های اسلامی «الغدیر» و با اشراف آیت‌الله هاشمی شاهرودی و سردبیری «حیدر حب‌الله» در بیروت منتشر می‌شود) چاپ شد، مهم‌ترین ویژگی‌ها و ابعاد علمی و فکری مکتب شهید صدر را بررسی کرده است.

آیت‌الله العظمی شهید سیدمحمدباقر صدر خواهان کاربردی کردن شیوه موضوعی در تمامی عرصه‌های دانش نه تنها در زمینه اقتصاد، بلکه در زمینه‌های مختلف تفسیر، تاریخ و بررسی سیره بزرگان و علما بود و نمونه ارزشمندی از کاربردی کردن شیوه موضوعی در پژوهش‌های خود را در پژوهش بررسی «تاریخ ائمه اهل بیت (ع)» ارائه داد. نقش شهید سیدمحمدباقر صدر در تحکیم ستون‌های اسلام و تدوین قوانین اسلام در دو سطح علمی و فکری در جهان اسلام به ویژه در عراق بر کسی پوشیده نیست، تا جایی که جنبش اسلام با خون پاک این شهید به اوج رسید و حقیقتاً می‌توان محمدباقر صدر را سید شهداء عصر خود نامید.

اگر چه بررسی تمامی ابعاد این اندیشمند ربانی در این پژوهش مختصر امکان‌پذیر نیست، اما این موضوع مانع از این نمی‌شود که ما مهم‌ترین ویژگی‌های مکتب علمی و فکری شهید صدر را بررسی نکنیم. شهید صدر در زندگی کوتاه و پربرکت خود، علما و اندیشمندان با فرهنگ و آگاهی از مکتب وی بهره‌مند شدند. مهم‌ترین امتیازات و ویژگی‌های مکتب شهید صدر که در تاریخ علم و ایمان جاودان و پیشرو خواهد ماند، به این شرح است:

۱ - جامعیت و دانشنامه‌ای



موضوعات مختلف زندگی و هستی را کشف و در پژوهش‌های ارزشمند خود در کتاب سنت‌های تاریخی در قرآن برای این موضوع تأکید کند.

۴- شیوه موضوعی و نگاه کلی: این خصیصه به طور واضح در پژوهش‌های شهید صدر در زمینه تفسیر موضوعی قرآن کریم و همچنین در زمینه اقتصاد مشاهده می‌شود، به گونه‌ای که شهید صدر موضوعات را به شیوه متکامل و جامع و تحت عناوین جدید بررسی می‌کند. شهید صدر خواهان کاربردی کردن این شیوه در تمامی عرصه‌های دانش و نه فقط در زمینه اقتصاد، بلکه در زمینه‌های مختلف تفسیر و تاریخ و بررسی سیره بزرگان شد و نمونه ارزشمندی از کاربردی کردن شیوه موضوعی را در پژوهش‌های خود در موضوع «تاریخ ائمه اهل بیت (ع)» ارائه داد، به طوری که در این باره می‌گوید: «این گرایش جدید، زندگی هر امام و تاریخ آن را بر اساس یک نگاه کلی به جای نگاه جزئی بررسی می‌کند و به ائمه معصوم (ع) به عنوان یک کلیت وابسته به هم می‌نگرد، به طوری که این کلیت را بررسی و ویژگی‌های عمومی و اهداف مشترک آن را کشف می‌کند و در نتیجه نقشی را که ائمه معصوم (ع) در حیات اسلامی ایفا کردند، تبیین می‌کند. این شیوه موضوعی در رساله فقهی شهید صدر با نام الفتاوی الواضحة و سخنرانی وی برای طلاب نجف اشرف در زمینه تفسیر موضوعی قرآن کریم نمایان است. به طوری که بر اهمیت خروج از واقعیت برای رسیدن به متن قرآن و فقه آن تأکید می‌کند. شهید صدر می‌گوید: «تفسیر از واقعیت شروع می‌شود و به قرآن منتهی می‌شود و نظر به‌ای را که معتقد است تفسیر از قرآن شروع و به قرآن ختم می‌شود رازد می‌کند، زیرا این خوانش و قرانت به دور از واقعیت و جدای از میراث تجربه بشری است، بلکه فرایند تفسیر از واقعیت شروع و به قرآن ختم می‌شود. هدف شهید صدر از کاربردی کردن شیوه موضوعی، همچنان که در المدرسة القرآنیة می‌فرماید، رسیدن به نظریه قرآنی درباره نبوت، شیوه و مذهب اقتصادی، سنت‌های تاریخی و آسمان و زمین و مسائل زندگی و هستی است.

۵- سازگاری و تناسب پژوهش و انتخاب شیوه مناسب برای استدلال در هر موضوع از دیگر ویژگی‌های اندیشه و افکار شهید صدر است که در شیوه علمی و فنی خود برای بررسی موضوعات مختلف به کار می‌گیرد. بنابراین پرداختن شهید صدر به پژوهش‌هایی درباره علم اصول و فقه، نسبت به پژوهش‌ها و تحقیقات قبل از خود از نظر روشمندی و ترتیب فنی بحث بسیار

ممتاز است، به گونه‌ای که مشاهده می‌کنید در مسائل و موضوعات پیچیده‌ای که فهم آن دشوار است و در آن خلط مبحث و اشتباه زیاد می‌شود، مسئله را تنظیم می‌کند و آن را به شیوه علمی و موضوعی توضیح می‌دهد، به گونه‌ای که پژوهشگر متخصصی نظیر او یافت نمی‌شود.

۶- جمع میان شیوه منطقی و رعایت احساسات انسانی: گرایش برهانی و منطقی شهید صدر در تفکر و اندیشه و بررسی مسائل علمی با وجدان و احساسات وی تطابق و انسجام دارد. شهید صدر تنها به روایت نظریه بدون دلیل و استدلال بسنده نمی‌کرد، بلکه استدلال و برهان‌های قانع‌کننده‌ای برای هر فرضیه‌ای ارائه می‌داد؛ این ویژگی، اندیشه‌ها و آراء فکری مکتب شهید صدر را دارای صیغه علمی و منطقی توانمندی کرد، به طوری که نقد مکتب و افکار شهید صدر را بسیار دشوار ساخته است.

۷- جمع میان ذوق فنی و احساس عقلانی: ذوق احساسی ذاتی در انسان است که بر اساس آن زیبایی امور و تناسب و هماهنگی آن را درک می‌کند و ذهنیت عقلانی نیز مسئله دیگری است که انسان به وسیله آن سرشت، اوضاع و ارکانی که عرف و عقلانیت بر اساس آن شکل می‌گیرد را درک می‌کند و بر اساس این ذهنیت عقلانی، بنای بسیاری از نظریات و افکار در زمینه پژوهش‌های مختلف مانند پژوهش‌های دینی، حقوقی و ادبی ایجاد می‌شود.

۸- ارزش علمی و تمدنی مکتب آیت‌الله العظمی شهید محمدباقر صدر: شهید صدر چالش‌ها و مشکلات تمدن معاصر را درک کرد و از مهم‌ترین ویژگی‌های مکتب او این بود که با شیوه علمی توانست از ضربه تمدن مادی به انسان عصر جدید ممانعت کند و بی‌ارزش بودن و عدم توانایی تمدن مادی برای حل مشکلاتی که انسان معاصر به آن گرفتار شده است را اثبات کند؛ بنابراین سقوط اردوگاه سوسیالیسم و از هم‌پاشیدگی نظام سیاسی آن صحت نقد شهید صدر به اصول فلسفی که این مکتب بر آن بر استوار بود را ثابت کرد. همچنین اردوگاه سرمایه‌داری نیز از جمله دردها و مصیبت‌هایی که به بار آورد، این بود که فلسفه مادی‌گرایانه خود را روز به روز به ویژه در میان دولت‌های فقیر توسعه و گسترش داد که شهید صدر توانست با اتخاذ شیوه علمی و منطقی، اطمینان و اعتماد به اسلام و مبانی شریعت اسلامی را برگرداند و نظریات اسلام در زمینه‌های مختلف از جمله اقتصاد و سیاست و سازگاری آن با واقعیت جوامع اسلامی را تبیین کرد.

منبع: مجله المنهاج، ش ۱۷، صص ۲۲-۱۳

# نظریه سیاسی علامه صدر از منظر شهید سید محمد باقر حکیم

شهید محراب آیت الله

سید محمد باقر حکیم از شاگردان

میرز شهید صدر بود که در پژوهشی

جامع، «نظریه سیاسی شهید صدر» را

مورد بررسی و تحلیل علمی قرار داده است.

سید محمد باقر حکیم، شهید صدر را در بازنگری کتاب‌های

اقتصادنا و فلسفتنا یاری کرده است، به طوری که سید شهید از

حکیم به عنوان «العضد المفدی» (بازوی توانمند) خود یاد می‌کند.

از سید محمد باقر حکیم نیز آثاری همچون تفسیر سورة الحمد،

القصص القرآنیة، علوم القرآن، الهدف من نزول القرآن، الوحدة الإسلامية

من منظور الثقلین، المستشرقون و شبهاتهم حول القرآن و المجتمع

الإنسانی فی القرآن الکریم به یادگار مانده است. آنچه می‌خوانید ترجمه

خلاصه‌ای از مقاله نظریه سیاسی شهید صدر به قلم شهید حکیم است.



آیت الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر در نظریه سیاسی خود،

ولی فقیه را محور و رکن اساسی در روابط سیاسی و نهضت بیداری و

جنبش اسلامی می‌داند، به طوری که ولی فقیه از يك سو جنبش اسلامی

را رهبری می‌کند و از سوی دیگر بر آن، نظارت سیاسی و فکری دارد.

هنگامی که می‌خواهیم نظریه شهید صدر در زمینه فعالیت سیاسی را

تحلیل و تبیین کنیم، باید توجه کنیم که اصطلاح «نظریه سیاسی» در

اینجا به دو جنبه مرتبط است که یکی به حکومت و دولت مرتبط می‌شود

و دیگری به فعالیت سیاسی و چارچوب کلی آن در جامعه و امت مرتبط

می‌شود. در این پژوهش تلاش می‌کنیم که جنبه دوم نظریه سیاسی که

منظور از آن فعالیت سیاسی و

جنبشی با هدف ایجاد نوعی

حرکت و پویایی سیاسی در جامعه

اسلامی است را بررسی کنیم که هدف از

این جنبش سیاسی، اعمال فرآیند تغییر و هدایت

مردم است؛ همچنین شهید صدر معتقد است که فعالیت

سیاسی باید بر اساس ضوابط، معیارها و اخلاق اسلامی که در

قرآن کریم و شریعت اسلامی به آن‌ها اشاره شده است، باشد.

شهید صدر در اواخر زندگی خود جزوه‌هایی با عنوان را الاسلام یقود

الحیة (اسلام؛ راهنمای زندگی)، خلافة الانسان و شهادة الانبیاء (خلافت

انسان و گواهی انبیاء) و تصور عن دستور الجمهوریة الاسلامیة (نگاهی به

قانون اساسی جمهوری اسلامی) منتشر کرد که به طور اجمالی دیدگاه‌ها

و نظریات خود در زمینه فعالیت سیاسی و حزبی را تشریح کرد. برای

شناخت ویژگی‌های نظریه سیاسی شهید صدر باید افکار و اندیشه‌های

فکری و فعالیت‌های سیاسی وی را ابتدا مورد واکاوی دقیق قرار دهیم.

در زمینه کارها و فعالیت‌های سیاسی شهید صدر می‌توان به مشارکت

وی در تأسیس «حزب الدعوة الاسلامیة» در سال ۱۹۵۸ میلادی و مشارکت

در تأسیس «جماعة العلماء المسلمین» در نجف اشرف و ارجاع دادن

بسیاری از مسائل و امور روز به مرجعیت آیت الله العظمی سید محسن

حکیم و نظارت کامل او بر جنبش بیداری فکری اسلامی عراق اشاره کرد.

شهید صدر نگاه خود به نظریه سیاسی را با تکیه بر مبانی و مسائل فقهی

آغاز کرد و در رساله‌ای که در زمینه دیدگاه سیاسی خود نوشت، تمامی

استدلال‌های فقها در زمینه فرمول ویژه حکومت اسلامی مورد نظر آنان را





تحلیل و بررسی می‌کند.

شهید صدر با بهره‌گیری از آیه ۲۸ سوره شوری (و امرهم شوری بینهم) که در آن دلالتی در زمینه امکان برپایی حکومت اسلامی بر پایه مشاوره و مشورت مطرح

شده است، ایجاد دولت اسلامی را مسئله مهمی از امور مسلمانان می‌داند که مسلمانان نمی‌توانند نسبت به آن در جامعه بی‌توجه باشند، زیرا سهل‌انگاری در این زمینه اصل دین را تهدید می‌کند و منجر به سیطره کفار و عقاید آنان بر جامعه اسلامی می‌شود.

شهید صدر در نظریه سیاسی خود امر به معروف و نهی از منکر و دعوت به اسلام و دین را از مهم‌ترین واجبات اسلامی می‌داند، این در حالی است که شیوه معین و چارچوب سیاسی کلی مشخصی برای این دعوت وجود ندارد و ما می‌توانیم هر شیوه مؤثر در این زمینه را که به مسلمانان قدرت و توان برای تحقق هدف و انجام واجبات اسلامی می‌دهد را یکبار گیریم.

آیت‌الله صدر معتقد است فقها در طول تاریخ اسلامی نقش ممتاز و بارزی در مسائل مختلف داشته‌اند و جایگاه ممتاز آنان را در سطح نظریه‌پردازی به‌ویژه در زمینه استنباط احکام شرعی و قضاوت اسلامی می‌توان مشاهده کنیم. شهید صدر در حزب «الدعوة الاسلامیه» که خود از مؤسسان آن بود، دعوت به اسلام را برمی‌گزیند و در «جماعة العلماء المسلمین» برای شکل‌گیری حکومت اسلامی براساس مشورت و دموکراسی کثرت‌گرا و در چارچوب ضوابط اسلامی تلاش می‌کند و فقها در این حزب و حکومت اسلامی نقشی تخصصی در مسائل اسلامی دارند. براساس دکتربین شهید صدر، اداره کشور توسط متخصصانی در امور سیاست، جامعه، اقتصاد، نظامی و مالی اداره

می‌شود، اما فقها برای تضمین مسیر اسلامی این نظام بر فعالیت‌های آن نظارت دارند، بدون این که فقها نقش خاصی در رهبری و مدیریت اسلامی داشته باشند؛

شهید صدر تأکید می‌کند امکان استفاده از انرژی و توان عظیم مراجع و حوزه‌های علمیه و فقها در تبلیغ و نیداری اسلامی و مدیریت کشورهای اسلامی وجود دارد.

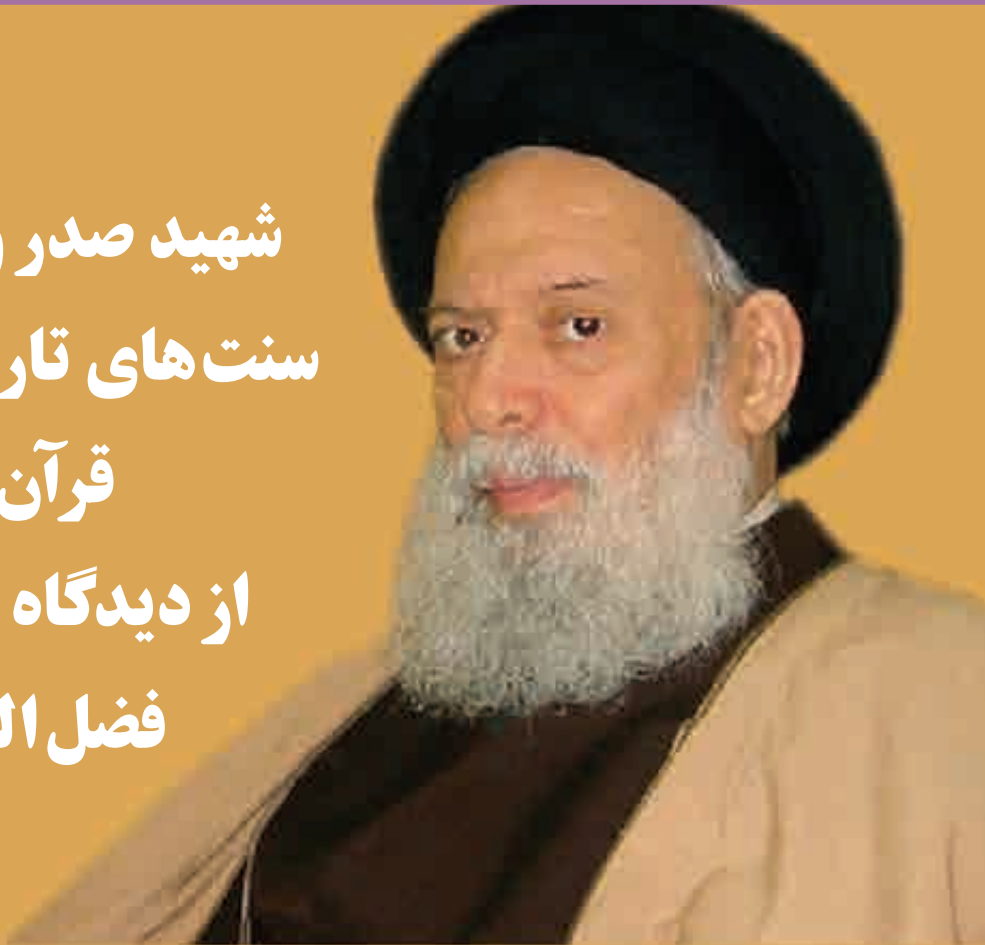
این نتیجه‌ای که شهید صدر به آن رسیده، طبیعتاً مشروعیت فعالیت حزبی را از طریق انتخاب آن از سوی امت اسلام و با استناد به آیه قرآنی ۲۸ سوره شوری امکان‌پذیر می‌داند، به گونه‌ای که امت اسلام در زمینه فعالیت حزبی مختار باشند و تعدد احزاب و تشکیلات سیاسی نیز امکان‌پذیر است.

#### نظریه ولایت فقیه و مرجعیت نزد شهید صدر

پای‌بندی به نظریه ولایت فقیه نزد شهید سید محمدباقر صدر بیانگر توسعه کیفی نظریه سیاسی وی است. وی معتقد است که نقش رهبری و مرجعیت در فتوا و در امور سیاسی و اجتماعی بسیار حائز اهمیت است و مرجعیت دینی و ولایت فقیه، جنبش‌بیداری اسلامی را از انحراف حفظ می‌کند. نظریه سیاسی نزد شهید صدر دارای ویژگی‌های آشکار و روشنی است، به گونه‌ای که ولایت فقیه را محور اساسی در روابط سیاسی و بیداری و جنبش اسلامی می‌داند، زیرا ولایت فقیه از یک سو جنبش اسلامی را رهبری می‌کند و از سوی دیگر بر آن نظارت سیاسی و فکری دارد.



# شهید صدر و کشف سنت‌های تاریخی در قرآن از دیدگاه علامه فضل الله



شهید صدر توانست برای اندیشه پویای خود در زمینه تفسیر عمیق مفاهیم و ارزش‌های اسلامی، حرکت انسان در زندگی و روش اقتصادی اسلام، افق‌های تازه‌ای بگشاید. مرحوم صدر به شناسایی و کشف سنت‌های تاریخی در قرآن پرداخت، به نحوی که انسان احساس می‌کند وقتی به حرکت تاریخ می‌پردازد، حتی اگر این حرکت نابسامان به نظر آید، ولی این نابسامانی هم تابع یک نظم است، زیرا سنت‌های تاریخی بر حرکت انسان سایه افکنده است و خطوط کلی را برای حرکت آگاهانه و ناآگاهانه انسان نشان می‌دهد. همچنین قوانین حتمی که خداوند در طبیعت نهاده و در زندگی آن را به جریان انداخته است، در موجود زنده همیشه آگاهانه نیست، بلکه نظمی دقیق بر آن حاکم است، البته اراده هم می‌تواند نقشی در این بین داشته باشد، به نحوی که اراده او نیز بخشی از همین سنت‌های تاریخی به شمار می‌آید.

شهید صدر بعضی از این قوانین را کشف و آن‌ها را ثابت و ریشه‌دار کرد، به عبارت دیگر توانست مبنایی را برای ریشه‌دار ساختن پیدا کند و از این قاعده ریشه‌دار، برای کشف‌های تازه استفاده کند. از این رو احساس ما این است که اندیشه اسلامی پیش از آمدن

در سال ۱۳۸۰ هجری قمری «جماعة العلماء المسلمین» مجله‌ای فرهنگی - اسلامی با نام «الأضواء» با نظارت شهید صدر راه‌اندازی کرد که سید محمد حسین فضل‌الله در کنار علامه سید محمد باقر صدر و شیخ محمد مهدی شمس‌الدین از مدیران آن بود. سرمقاله این مجله را شهید صدر با عنوان «رسالتنا» می‌نوشت و فضل‌الله هم در ستونی با عنوان «کلمتنا» قلم‌فرسایی می‌کرد که حاصل آن کتاب «قضایانا علی ضوء الاسلام» شد. حاصل رایزنی‌ها و هم‌فکری‌های فضل‌الله و شهید صدر، پیدایش نخستین جنبش اسلامی شیعی در عراق با نام «حزب الدعوة الاسلامیة» بود. علامه فضل‌الله در مقاله زیر به بررسی افکار و شخصیت علامه شهید صدر پرداخته است.

آیت‌الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر به کشف سنت‌های تاریخی قرآن می‌پردازد و حرکت تاریخ را طوری تحلیل می‌کند که این حرکت حتی اگر نابسامان به نظر آید، ولی این نابسامانی هم تابع یک نظم است، البته شهید صدر معتقد است که اراده هم می‌تواند در این میان نقشی داشته باشد، به نحوی که این اراده بخشی از سنت‌های تاریخی قرآن به شمار می‌آید.





وجود دارد و باید آن را نظم دهد و مدیریت کند. نقش دوم، نقش گواهی است. انسان گواه است و فردای قیامت در برابر خداوند گواهی می‌دهد، روزی که تمامی مردم در آن گرد هم می‌آیند، او گواه است و برای همه تجربیات انسانی اعم از مثبت و منفی گواهی می‌دهد، خداوند این گواهی و خلافت را در وجود پیامبران و اولیای خود گرد آورده است. در اندیشه اسلامی به ویژه اندیشه شیعی این سؤال مطرح است که در غیبت کسانی که خداوند آنان را گواه و خلیفه قرار داده است، چه کسانی ولایت دارند؟ آیا ولایت از آن امت اسلامی است یا فقیه؟ ما می‌دانیم که اندیشه اسلامی در این میان نظریه ولایت فقیه را که ولایت را برای فقیه می‌داند، مطرح می‌کند. اما در این زمینه شهید صدر جزئیات تازه‌ای را مطرح و به دو آیه قرآن کریم اشاره می‌کند: «وَأْمُرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» (شوری/۳۸) برخلاف بسیاری از فقهای سنتی ایشان از این آیه این گونه برداشت می‌کنند که مسئله شورا همان‌گونه که مسئله لازم در میان جامعه اسلامی است، باید به عنوان حکومت و حکومت‌داری هم باشد، بنابراین شورا عنوان قانون‌گذاری جامعه اسلامی است، بنابراین در اجتهاد، مجتهدان امت اسلامی باید از مشورت استفاده کنند، همین طور به این آیه قرآنی اشاره می‌کند:

«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (توبه/۷۱)  
در اینجا ولایت به معنای یاری و همکاری نیست، بلکه همان معنای فقهی آن است که به بعضی از زنان و مردان این ولایت داده شده است، بنابراین یک گروه از مردان و زنان مؤمن بر گروهی دیگر از زنان و مردان ولایت دارند. پس نقش مرجع این است که امت اسلامی را به سوی آزادی اراده و آزادی جامعه از پیروی نظام ستمگر رهبری کند و در این باره همان گونه که اشاره داشتیم به همان دو آیه استدلال می‌کند.

خلاصه اندیشه شهید صدر در این باره این است که نقش مرجع همان گواهی و نقش امت همان خلافت است، اما اگر امت نتواند نقش خلافت خود را به انجام برساند، مرجع عهده‌دار این امر می‌شود تا این که امت را به سوی آزادی رهبری کند تا تحت نظارت مرجع، بعداً امت عهده‌دار این نقش شود، زیرا نقش فقیه نقش گواهی و شهادت است.

سید محمدباقر صدر چیزی بود و بعد از آمدن او چیز دیگری شد. سید محمدباقر صدر انسانی نبود که تنها تفکرات ذهنی داشته باشد و یا این که تنها به کشف و پی‌گیری مسائل علمی بپردازد، بلکه او انسان مسئولیت‌مداری در زندگی بود و معتقد بود که اسلام تنها یک اندیشه نیست که بتوان با آن کتاب‌ها نوشت و عرصه‌های علمی و فرهنگی را از آن پرکرد، بلکه اسلام از همان زمان حضرت محمد (ص) و اهل بیت (ع) در باورها پویایی داشت و بر زبان‌ها جاری بود و در تمامی جنبه‌های منفی و مثبت زندگی جریان داشت.

کسانی که قرآن را از طریق کتاب‌های لغت یا نظریه‌های فلسفی می‌فهمند، هیچ‌گاه پویایی زندگی و چالش‌هایی را که در زندگی وجود دارد درک نمی‌کنند. اینان ممکن است که واژه‌های قرآنی را بفهمند، ولی روح قرآن را درک نمی‌کنند. انقلابی‌گری سید صدر در خط سیاسی اسلام، حالت سنتی نداشت که در آن فردی به صورت سنتی به یک جنبش اسلامی می‌پیوندد، بلکه روح او انقلابی‌گری بود و معتقد بود که انقلاب‌گری یک روش فکری نیست که آن را بگیریم و مانند

مسلمانان صدر اسلام در امر جنگ و صلح و یا روش دعوت و یا روابط، آن‌ها را مورد استفاده قرار دهیم، بلکه ما باید خطوط کلی را بگیریم، اما جزئیات بستگی به شرایط دارد و ما برای خود جزئیات و شرایط خاص خود را داریم، بنابراین روش گفتار ما با روش گفتار آنان تفاوت دارد، زیرا ذهنیت فرهنگی ما با تمامی نقاط مثبت و منفی آن با ذهنیت فرهنگی آنان فرق دارد.

بنابراین شهید صدر، نشانه‌ها و ویژگی‌های جنبش اسلامی را ترسیم کرد و شروع به برنامه‌ریزی فکری برای آن‌ها کرد و به صورت عملی آن‌ها را به مرحله اجرا درآورد و عملاً پا به میدان عمل نهاد و شهادت او اوج این پویایی به شمار می‌آید، شهادت او عنوانی بزرگ برای انسانی است که همان‌گونه که برای جهاد می‌اندیشید، برای زندگی نیز اندیشه می‌کرد. از این رو انسانی بود که آینده را با خون سرخ خود نوشت پس از آن که اندیشه اسلامی را با قلم خود به نگارش درآورد.

پس از این که جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت، برخی علما از شهید صدر خواستند که خطوط کلی جمهوری اسلامی را ترسیم کند، ایشان این اندیشه تاریخی را داشتند که وقتی خداوند انسان را آفرید دو نقش را به او داد؛ یکی نقش خلافت است، زیرا انسان خلیفه خداوند در روی زمین است: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره/۳۰) خلیفه خداوند بر روی زمین و تمامی چیزهایی که در آن

خلاصه اندیشه شهید صدر  
در این باره این است که  
نقش مرجع همان گواهی و  
نقش امت همان خلافت  
است، اما اگر امت نتواند  
نقش خلافت خود را به  
انجام برساند، مرجع  
عهده‌دار این امر می‌شود



## نظریه پردازی اقتصادی شهید صدر

### از نگاه علامه الفضلی

از آثار الفضلی عبارتند از: مبانی علم فقه در سه جزء، مبانی اصول فقه، خلاصه علم کلام، خلاصه منطق، تربیت دینی، پژوهشی روشمند برای اصول عقاید اسلامی، در انتظار امام زمان (عج)، حکومت اسلامی، نهضت امام حسین (ع) در سایه متون و مستندات آن و اندیشه‌ها و آراء در عقاید، زبان و ادبیات.



در پایان قرن دوم و آغاز قرن سوم هجری، اندیشه اسلامی برگرفته از قرآن کریم و سنت نبوی (ص) به دست اندیشمندان مسلمان از جمله ائمه اهل بیت (ع)، صحابه پیامبر (ص) و تابعین به علوم قانونمند تبدیل شد و این علوم دارای قواعد، اصول، انشعابات متعدد و مختلفی شد.

علم فقه در رأس علوم قرار دارد و این علمی است که به بررسی احکام شرعی فرعی که به ساماندهی ارتباط انسان با خداوند متعال و سایر انسان‌ها مربوط است، اختصاص دارد و علمای مسلمان به

عبدالهادی الفضلی از علمای شیعه عربستان است که در سال ۱۳۴۵ هجری قمری در شهر بصره عراق متولد شد و در سال ۱۳۹۱ هجری قمری عراق را به قصد شهر جده عربستان ترک کرد و به تدریس صرف و نحو در دانشگاه «ملک عبدالعزیز» جده پرداخت، پس از آن از سوی دانشگاه ملک عبدالعزیز به دانشکده دارالعلوم دانشگاه قاهره ملحق و در سال ۱۳۹۶ هجری قمری در رشته زبان عربی به دریافت مدرک دکتری نائل شد؛ علامه عبدالهادی الفضلی در سال ۱۴۰۹ هجری قمری بازنشسته شد و هم‌اکنون در شهر «الدمام» در المنطقة الشرقية عربستان سکونت دارد. علامه الفضلی در فقه نزد علامه سیدمحمدباقر صدر تلمذ کرده است. شهید صدر در نامه به علامه الفضلی می‌نویسد: «امثال شما که بزرگان حوزه علمیه به شمار می‌آیید، زمینه‌ای را فراهم کرده‌اید که دانشجویان تلاش خاص خود به این سطح عظیم علمی، فرهنگی، ادبی و به این فضیلت مهم دست پیدا کند و شما از مفاخر و امیدهای حوزه علمیه به شمار می‌آیید». برخی





اطلاعات عظیم فرهنگی شهید صدر، دیدگاه وی نسبت به زندگی، فهم واقعیت فقه اسلامی، پیگیری دستاوردهای درگیری و اختلاف فکری جهان از جمله عواملی بود که شهید صدر را در ابتکارات علمی وی در کتاب اقتصادنا یاری کرد.

شهید صدر فقیهی مجتهد در دو سطح نظریه پردازی و عملی بود و سطح نظریه پردازی یعنی این که ابزارهای اجتهاد را در اختیار داشت و از قدرت استنباط بهره مند بود؛ سطح عملی یعنی تعامل او نسبت به زندگی و تلاش برای فهم حوادث و تحولات علمی و غیرعلمی جهان. او از طریق ایمان و شناخت واقعیت فقه اسلامی به این نظریه ممتاز رسید که نظام اسلامی با تمام ابعاد آن برای زندگی بنا شده است و آن فقه مدون در متون فقهی نیست، بلکه دایره آن بسیار وسیع تر است و شامل جامعه، اقتصاد و سیاست نیز می شود.

شهید صدر در کتاب اقتصادنا معتقد است که اقتصاد اسلامی بر سه مبنای اساسی استوار است که این سه مبنا عبارت است از: ۱- اصل مالکیت دوگانه که از مالکیت خصوصی یا فردی، مالکیت عمومی یا مردمی و مالکیت دولتی تشکیل می شود و این سه مالکیت جمعا اصل مالکیت در اقتصاد اسلامی را تشکیل می دهد، ۲- اصل آزادی اقتصادی در دامنه محدود و این آزادی به معنای اعمال فعالیت اقتصادی اما در حدود ارزش های معنوی و اخلاقی مورد نظر اسلام ۳- اصل عدالت اجتماعی که این اصل در نظام توزیع ثروت مالی نمایانگر می شود که بر اصل همبستگی عمومی و اصل توزان اجتماعی استوار است.

شهید صدر مشکلات اقتصادی در زندگی مسلمانان را در عصر حاضر در دو اصل می داند که یکی سوء توزیع ثروت در کشورهای اسلامی و دیگری سستی مسلمانان در سرمایه گذاری منابع مالی در طبیعت است.

منبع: مجله الفکر الجدید، سال چهارم، ش ۱۳ - ۱۴  
حزیران ۱۹۹۶م / صفر ۱۴۱۶هـ

بررسی و تدریس علم فقه پرداختند و کتب و دانشنامه های کوچک و بزرگی در این زمینه تألیف کردند.

آغاز تدوین فقه اسلامی نزد اهل تسنن به پایان قرن دوم و آغاز قرن سوم هجری می رسد، اما آغاز تألیفات فقهی نزد شیعیان امامیه از آغاز عهد غیبت کبری در سال ۳۲۹ هجری که سال وفات «أبو الحسن علی بن محمد السمری» آخرین نمایندگان

خاص امام زمان (عج) است، برمی گردد و در حقیقت تألیفات فقهی نزد شیعیان امامیه از نظر باب بندی و شیوه بیان تحت تأثیر تألیفات فقهی نزد اهل تسنن است.

در قرن دهم هجری، «أبو الحسن علی بن عبدالعالی الکرکی» معروف به محقق ثانی، متوفی به سال ۹۴۰ هجری قمری، کتابی در فقه اقتصادی تألیف کرد و در قرن چهاردهم هجری نیز میرزا محمدحسین نائینی که از شاگردان مرجع دینی آیت الله شیخ محمدکاظم خراسانی بود، کتابی در زمینه فقه سیاسی به زبان فارسی تألیف کرد که این کتاب به زبان عربی ترجمه شد.

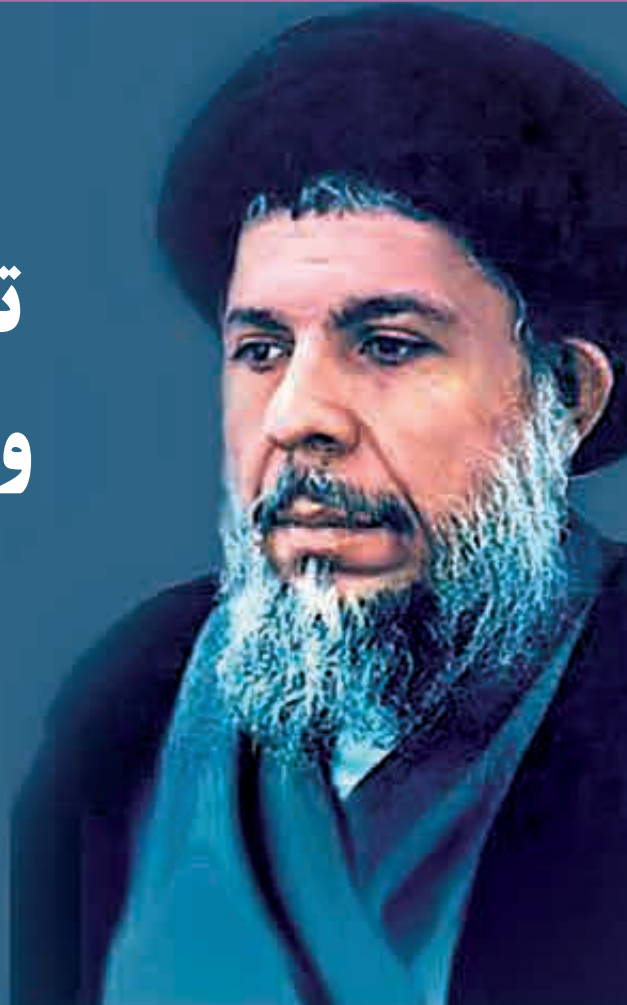
همچنین پس از انقلاب ۱۹۵۸ میلادی در عراق، موانع برای ورود کمونیست ها به عرصه فرهنگی عراق از طریق اندیشه های کمونیستی به ویژه در زمینه اقتصاد برطرف شد که با عقاید و

آموزه های شریعت اسلامی مغایرت داشت، به همین منظور شهید صدر کتاب مشهور خود اقتصادنا را تألیف کرد که در مقابل هجوم اندیشه های کمونیستی ایستاد و نظریه اقتصاد اسلامی را با این هدف که اندیشمندان مسلمان از اقتصاد کمونیستی تأثیر نپذیرند، تألیف کرد. ساختن تمدن اسلام و زندگی در سایه این تمدن با هدف بهره گیری از عدالت اسلامی به دور از مشکلات سرمایه داری و سوسیالیستی از دیگر اهداف شهید صدر از نگارش کتاب اقتصادنا است.

قبل از پرداختن به نظریه اقتصادی شهید صدر در کتاب مشهور اقتصادنا، شایسته است به عواملی اشاره کنیم که شهید صدر را در ابتکارات علمی او در این کتاب و خارج شدنش از دایره تألیف فقهی به تألیف در فقه اقتصادی یاری کرد. اجتهاد منحصر به فرد،

شهید صدر مشکلات اقتصادی در زندگی مسلمانان را در عصر حاضر در دو اصل می داند که یکی سوء توزیع ثروت در کشورهای اسلامی و دیگری سستی مسلمانان در سرمایه گذاری منابع مالی در طبیعت است

شهید صدر فقیهی مجتهد در دو سطح نظریه پردازی و عملی بود و سطح نظریه پردازی یعنی این که ابزارهای اجتهاد را در اختیار داشت و از قدرت استنباط بهره مند بود



# تأملاتی در اندیشه و رفتار علامه صدر

## به قلم ابراهیم الجعفری

کریم سؤال می‌کند و با آن به گفت‌وگو می‌نشیند تا پاسخ و یافته‌های آن موضوع را از قرآن کریم بگیرد، بنابراین شهید صدر با تمامی عرصه‌های زندگی تعامل دارد و با چالش‌های زندگی مواجه می‌شود. شهید صدر معتقد است که قرآن کتاب زندگی است و تمامی جوانب زندگی را پوشش می‌دهد و این چیزی است که امیر مؤمنان (ع) از آن به عنوان «استنطاق» یاد می‌کند: «ذلک القرآن فاستنطقوه». شهید صدر بر تفسیر موضوعی خود نام «التوحیدی» می‌گذارد، زیرا این نوع تفسیر به مفهوم دستیابی به مرکب نظری قرآنی می‌پردازد. مرکب نظری قرآنی تمامی دلالت‌ها و مفاهیم دقیقی که تفسیر ترتیبی به آن می‌پردازد را در برمی‌گیرد و این تعبیر «مرکب نظری قرآنی» هم‌اکنون از آن به‌عنوان نظریه تعبیر می‌شود، به‌گونه‌ای که مفسر بر مجموعه‌ای از نظریات قرآنی آگاهی پیدا می‌کند که هر نظریه واحد به یک موضوع معین توجه دارد که نبوت، سنت‌های تاریخی و روابط اجتماعی از جمله این نظریات است. این یعنی این‌که حرکت مفسر حرکتی توحیدی در این مسیر و روند است که این حرکت توحیدی، مفسر را وادار می‌کند با تمامی داده‌ها برای پشت سر گذاشتن موانع و رقابت با عنصر زمان در آن واحد شروع به فعالیت کند.

شهید صدر همچنین در بررسی سیره مطهر ائمه اطهار (ع) نیز سلسله سخنرانی‌ها و تحلیلات ارزشمندی در این زمینه دارد و معتقد است که نگاه ما در این زمینه باید نگاهی جامع‌نگر باشد، به‌طوری که تمامی مراحل زندگی ائمه را در برگیرد، زیرا ائمه (ع) هر

«ابراهیم الجعفری» رئیس جریان اصلاح ملی، نخست وزیر پیشین عراق و دبیرکل سابق حزب «الدعوة الإسلامية» که از یاران اولیه شهید صدر در این حزب بود، مقاله‌ای با عنوان «الإمام الصدر: تأملات فی فکرة و سلوکه» (تأملاتی در اندیشه و رفتار علامه صدر) نگاشته است که این نوشتار در پایگاه اطلاع‌رسانی «شبكة العراق الثقافية» منتشر شده که ترجمه خلاصه آن از نظراتان می‌گذرد.

آیت‌الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر استعداد و نبوغ منحصر به فردی در زمینه‌های فلسفه، اقتصاد، جامعه‌شناسی، فقه، اصول، سیاست، تاریخ و تفسیر موضوعی داشت. آیت‌الله صدر در تفسیر قرآن کریم، نام تفسیر موضوعی توحیدی را برای تفسیر خود انتخاب کرد و این تسمیه از طبیعت‌گرایی و دیدگاهی که مرحوم صدر در تفسیر بر آن تکیه کرده است، الهام می‌گرفت. کلمه موضوعی در این نوع تفسیر به روند گفت‌وگو میان مفسر و قرآن کریم اطلاق می‌شود که مفسر از واقعیت شروع می‌کند و به قرآن ختم می‌شود و هر موضوعی که از آن می‌گذرد را بررسی و درباره آن موضوع از قرآن





آیت‌الله صدر اندیشه مهدویت را در دو سطح اسلامی و علمی بررسی کرده است و می‌گوید: بیش از ۶۰۰۰ روایت در منابع اهل سنت و تشیع درباره حضرت ولی عصر (عج) آمده است که این رقم بسیار بزرگی است که بطیران را در سایر مسائل بدیهی اسلام نمی‌توان یافت و همچنین، حقیقت علمی و تاریخی نیز به این مسئله اشاره دارد که حضرت حجت (عج) ۷۰ سال در طول غیبت صغری با چهار نماینده خود که نقش میانجی عیان است و امام را داشته‌اند، در ارتباط بوده‌اند.

جامعیت و دانشنامه‌ای بودن، نوگرایی و ابداع در اندیشه‌ها چه از نظر محتوا و چه از نظر سبک و ترتیب، تطبیقی بودن اندیشه‌ها درباره مکاتب و نظریات دیگران، مستدل و منطقی و مستحکم بودن استدلال‌ها، نظام‌مند بودن طرز تفکر و قدرت ترسیم مکتب و شیوایی و خدایت‌نیایی از نظر تعبیر و جمله‌بندی، و علیرز و ورود و خروج در مطلب و تعظیم مقدمات و نتیجه‌گیری‌ها، از جمله ویژگی‌های آراء و اندیشه‌های آیت‌الله العظمی شهید سیدمحمدباقر صدر بود.

شهید صدر همچنین در بررسی سیره مطهر ائمه اطهار (ع) نیز سلسله سخنرانی‌ها و تحلیل‌ات ارزشمندی در این زمینه دارد و معتقد است که نگاه ما در این زمینه باید نگاهی جامع‌نگر باشد.

آیت‌الله العظمی شهید سیدمحمدباقر صدر استعداد و نبوغ منحصر به فردی در زمینه‌های فلسفه، اقتصاد، جامعه‌شناسی، فقه، اصول، سیاست، تاریخ و تفسیر موضوعی داشت.

چند که نام آنان متعدد باشد و مزاحم زندگی آنان بی در بی دوره‌های آنان متفاوت، اما در شرایط مختلف از یک موضوع سخن می‌گویند. به همین خاطر شهید صدر معتقد است که ائمه (ع) از سه مرحله گذشتند و ویژگی‌های هر مرحله را با ویژگی‌های موضوعی تعیین و نقش ائمه (ع) در هر مرحله را تبیین کرده که چگونه به نقش مهم خود در حفظ شریعت و تعمیق آن و انجام فعالیت‌های سیاسی به شیوه‌ای که این فعالیت‌های سیاسی خطری حقیقی صد حاکمان زمان خود بود، آگاه بودند.

بنابراین در نگاهی تحلیلی در فهم موضوعی دوره‌های مختلف ائمه (ع) متوجه می‌شویم که او از نگاه سنی به فهم سیره ائمه (ع) دوری خسته، زیرا در نگاه به زندگی هر امام، شرایط سیاسی و اجتماعی او را در نظر می‌گیرند، مثلاً در بررسی زندگی امام حسین (ع) و امام حسن (ع) تأکید می‌کند که تفسیرهایی که برخی ارائه داده‌اند منتهی بر این است که موضوع امام حسین (ع) مسالمت‌آمیز و موضوع امام حسین (ع) انقلابی بود. ارد می‌کند و می‌گوید: این مسئله به ذات این دو امام بر نمی‌گردد، بلکه اتخاذ این مواضع برگرفته از شرایط سیاسی و اجتماعی زمان امام حسن (ع) و امام حسین (ع) است.

# مکتب فکری

## شهید صدر

### از نظر محمد عبداللاوی

استفاده از پایه‌های غیر اسلامی اندیشه‌ای اسلامی بنیان نهد، سعی کرد تا در جست‌وجوی چنین پایه‌هایی از دل اسلام باشد. شهید صدر یکی از همین دست اندیشمندان است که تلاش کرد تا از افتادن در دام پایه‌های غربی برهد و به جای آن با احتیاط و دقت مفاهیمی قرآنی را استنباط کند که اصول روشمند خاصی برای هرگونه تئوری‌پردازی اجتماعی و سیاسی براساس بنیان‌های اسلامی باشند و در همین راستا کوشید تا این پایه‌های اسلامی را در چارچوبی فراگیرتر و به مثابه یک کل به هم پیوسته ببیند.

اندیشه سیاسی و اجتماعی از دید شهید صدر جزئی از یک کل فراگیرتر بود که گسستن آن از این کل اشتباهی روش‌شناختی است، او بر این اساس کوشید تا تئوری خود را در این حوزه براساس همین دیدگاه مبتنی بر یک پارچگی و به هم پیوستگی میان کل اجزای شریعت اسلامی بنیان نهد. شهید صدر با بریدن از فقه فروع که مانعی بر سر راه هرگونه تئوری‌پردازی در حوزه اسلامی بود و با اصرار بر به‌کارگیری اصول فقه توانست به سطح مفهوم‌سازی به‌عنوان گام نخست در فرآیند پایه‌ریزی یک مکتب اجتماعی سیاسی برسد، چرا که اصول فقه تنها راه برای رسیدن به آن است که اندیشه اسلامی به سطح طرح به هم پیوسته و نه جزءنگرانه قضایا برسد و دوری از همین اصول فقه با این چشم‌انداز و چنگ‌زدن به فقه فروع تاکنون مانع از طرح این‌گونه قضایا و رسیدن

شهید صدر یکی از همین دست اندیشمندان است که تلاش کرد تا از افتادن در دام پایه‌های غربی برهد و به جای آن با احتیاط و دقت مفاهیمی قرآنی را استنباط کند

«محمد عبداللاوی» اندیشمند الجزایری که نگارنده کتاب *دراسات فی المدرسة الفكرية للإمام الشهيد السيد محمد باقر الصدر* است، از جمله افرادی است که پیرامون اندیشه‌های شهید صدر به تحقیق پرداخته و کتاب وی از جمله کتاب‌هایی است که به صورت فراگیر به تمام جنبه‌های زندگی شهید صدر می‌پردازد و شامل مطالعاتی عمیق پیرامون مکتب فکری - فلسفی شهید صدر و مقایسه آن با تئوری‌های جدید فکری در جهان معاصر است.



نوشته‌ها و مؤلفات شهید محمد باقر صدر نشان از مرحله جدیدی در تحول اندیشه اسلامی از سطح فرهنگ و اصولی عام و کلی به سطح تئوری‌پردازی و ساختن مفاهیم جدید و نقد تئوری‌ها و مکاتب جامعه‌شناختی و سیاسی غرب دارد. اندیشه اسلامی جدید از همان آغاز و همراه با سید جمال‌الدین اسدآبادی قابلیت‌های بالای خود را در ابراز مفاهیم قرآنی مربوط به تاریخ و جامعه نشان داده و توانسته اوضاع و احوال اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مردمان مسلمان را با زبان برآمده از قرآن کریم بیان کند، پس از آن اما اندیشه اسلامی گامی به جلونهاد و از چشم‌اندازی قرآنی به برخورد با مکاتب سیاسی و اجتماعی غرب پرداخت و هم‌زمان در پی آن برآمد تا از لابه‌لای آیات و آموزه‌های قرآنی نشانه‌های یک تئوری اسلامی را مشخص کند و به جای آن که با





است که تنها به متن می پردازد و به آن اهمیت می دهد، برعکس می توان اندیشه های اجتماعی و سیاسی شهید صدر را اندیشه ای اجتهادی توصیف کرد که برای واقعیت ارزش بسیاری قائل است به شرط آن که در هر حال تئوری ما از چارچوب اسلام بیرون نرود.

او با اولویت دادن به آموزه های دینی برواقعیت، از افتادن به دام توجیه واقعیت رها شد و به راه اندیشه تحول خواه افتاد؛ اندیشه ای که راه بیرون رفتن از حالت عقب ماندگی را در بازگشت به متن و عصر پیامبر(ص) می بیند، شهید صدر مفهوم اندیشه اسلامی را با دقت مورد تعریف قرار داد و تئوری و روشی جایگزین ارائه داد، روشی که مبتنی بر عقلانیت مرتبط با متن بود، عقلانیتی گشوده که توان فهم افق واقعیت را دارد.

از دید شهید صدر اندیشه اسلامی تا آن گاه که از چشم انداز اصول فقه به مفهوم سازی نپردازد، تولید اندیشه اجتماعی و سیاسی از آن دست را نخواهد داشت

از دید شهید صدر اندیشه اسلامی تا آن گاه که از چشم انداز اصول فقه به مفهوم سازی نپردازد، تولید اندیشه اجتماعی و سیاسی از آن دست را نخواهد داشت که بتواند جوامع مسلمان را به جلو ببرد و سبب نوزایش این جوامع شود، مفهوم سازی که تنها از دل اصول فقه ممکن است. ما تنها با فعال کردن فقه از راه اصول فقه و اجتهاد است که می توانیم راه را بر نگارش اندیشه اجتماعی و سیاسی متناسب با روزگار نهموار کنیم.

به چارچوب تئوری پردازی کلی و دست یابی به مکتبی مستقل می شد.

اندیشه شهید صدر بر پایه اصول فقه توانست به سطح بالایی برسد که در آن ما شاهد در آمیختن فقه و فلسفه هستیم و بر پایه هایی از این دست بود که شهید صدر در مرحله ای در ادامه کار سید جمال الدین توانست چارچوبی برای تئوری های اجتماعی سیاسی ایجاد کند و به مشکلات نوین زندگی بشری از منظری اسلامی پاسخ گوید، پاسخ هایی که البته اگر چه از حدود تنگ

و باریک اندیشه پیشینیان که مبتنی بر فقه فروع بود بیرون می رفت، اما بیرون از چارچوب اسلام نبود و مبتنی بر مسئله رابطه میان متن مقدس و عقل و واقعیت بود. از دید شهید صدر هیچ تفاوتی میان فقه و نوآوری نبود و مسئله مکتب اجتماعی باید در چارچوب رابطه میان احکام ثابت و رویدادهای متغیر مطرح می شد و این نقطه تفاوت میان اندیشه اسلامی و اندیشه مدرن گرایان است.

از دید مدرن گرایان مسائل نوین جامع را باید برای یافتن پاسخ درست از چشم انداز اثبات گرایانه مورد بررسی قرار داد، حال آن که شهید صدر در پی طرح مسائل اسلامی نو در چارچوبی برآمده از دل اسلام بود، چارچوبی که در آن اولویت با متن بود.

البته این به آن معنا نیست که روش شهید صدر روشی يك سويه

# شهید صدر

## نظریه پرداز اسلام نوگرا بود

متن زیر ترجمه خلاصه‌ای از مقاله «عبدالجبار الشراة»، استاد

استثنایی تمام زمینه‌ها را در برمی‌گیرد. شهید صدر با یک دید فرازمانی به پرورش نسلی شایسته از دانشمندان، اصلاح روش‌های تدریس حوزه علمیه و افزایش توان استنباط تحلیلی در میان پژوهشگران حوزوی روی می‌آورد و ساختاری نوین را به این نهاد مرجع تقدیم می‌کند تا حوزه بتواند رهبری و کنترل جنبش ملت اسلامی و آینده آن را در اختیار داشته باشد. شهید محمدباقر صدر علاوه بر پایه‌ریزی یک جنبش اسلامی، تمام امکانات لازم برای توسعه و رشد آن میان تمام طبقات روشنفکران و حوزویان را فراهم کرد و همچنین پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به دست امام راحل (ره)، با تکیه بر اعتبار مرجعیت دینی و فکری خویش برای تأسیس یک حکومت اسلامی تلاش کرد.

مطالعات اسلامی و از فعالان مرکز اسلامی «اهل البیت (ع)» در سیدنی پایتخت استرالیا است که تأثیر شخصیت مبارز شهید محمدباقر صدر در بیداری اسلامی، حفظ وحدت امت مسلمان و نیز تأکید بر جنبه تقریبی آن بزرگمرد را بررسی می‌کند. عبدالجبار الشراة زاده عراق و مقیم سیدنی است. وی کتاب ارزشمند نشأة التشیع و الشعیبة اثر آیت‌الله العظمی سید محمدباقر صدر را تحقیق، تصحیح و شرح کرده است و همچنین در سال ۱۹۹۵ به همراه محمدجواد الطریحی، قصی الشاکری و با حمایت حجت‌الاسلام سید جواد شهرستانی، وکیل آیت‌الله سیستانی، مدرسه الإمام علی (ع) را در قم بنیان نهاد.



شهید صدر تا زمان شهادت، در حمل این مسئولیت امین باقی ماند و تا آن هنگام که در مسیر مبارزات خویش برای تعالی اسلام به مقام رفیع شهادت نائل شد، برای حفظ قدرت و وحدت اسلامی در برابر نیروهای کفر جهانی تلاش می‌کرد. روش شهید صدر برای استمرار و تقویت فعالیت‌های خویش نشأت گرفته از حقیقتی است که بیان می‌کند؛ موفقیت هر ایده‌ای، به ایمان به حقیقت آن ایده توسط طراحان آن بستگی دارد و این ایمان و باور عمیق، اخلاص عمل و جدیت در استمرار را به وجود می‌آورد و همین باور عمیق ایشان نسبت به حقیقت اندیشه‌های ناب خویش است که باعث برجستگی فعالیت‌ها و جنبش او شد.

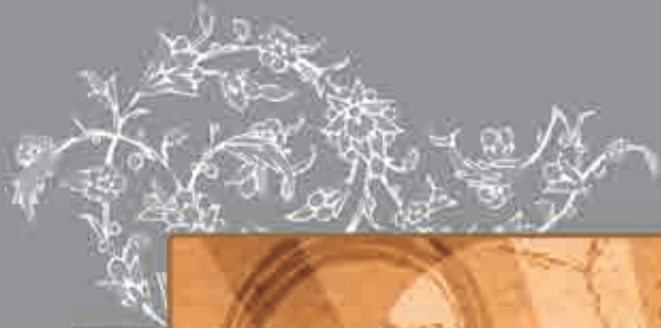
بنابراین اگر خواستار کشف روش شهید صدر برای حفظ وحدت، تقریب و همسازگرایی میان مذاهب اسلامی هستیم، ایشان با تأکید بر همگرایی اسلامی جدا از گرایش‌های شخصی، طرح نظام اسلامی مستقل در برابر دیگر نظام‌های جهانی را ارائه کرده است.

آیت‌الله العظمی شهید محمدباقر صدر باعث تداوم بیداری اسلامی شد، فعالیت‌های فکری و انقلابی شهید صدر قاطعانه نمایان می‌کند که ایشان نظریه‌پرداز اسلام نوگراست و کمتر کسی را در تاریخ اسلام می‌توان یافت که در شرایط سخت به چنین فعالیت‌هایی بپردازد. ایشان همواره برای آگاهی ملل مسلمان و رهایی آن از سیطره استکبار جهانی و دست‌نشانده‌های آن، در تلاش و مبارزه و صاحب پایه‌های یک «رهبری تاریخی» برای ایجاد شرایط یک انقلاب فراگیر بود.

شهید صدر پاسخی آگاه در برابر تهاجم غرب و نقد آن بود که به ارائه جایگزین فکری و فرهنگی در برابر فرهنگ غربی پرداخت و با برنامه‌ریزی و تلاش مستمر خویش توانست سستی‌های ملت مسلمان در برابر نفوذ اندیشه‌های استکبار را استحکام بخشد و استراتژی دشمنان در راستای تضعیف بیداری اسلامی را از کار بیندازد. در چشم اندازی دقیق به جنبش شهید صدر، اندیشه استراتژیک ایشان را به وضوح می‌توان دریافت که به شیوه‌ای

شهید صدر با تأکید بر همگرایی اسلامی جدا از گرایش‌های شخصی، طرح نظام اسلامی مستقل در برابر دیگر نظام‌های جهانی را ارائه کرده است





دوره شانزدهم

راهی

سال پنجم

شماره ۷۶

۲۸ آبانماه ۱۳۸۸

۱۳۳



ما قاله التلاميذ عن الاستاذ

مجلس تالیف و نشر کتب و نشرات اسلامیة - قم



أكد أمين المجمع العالمي لتقريب المذاهب الإسلامية "الشيخ محمد علي التسخيري" أن رغبة الشهيد الصدر بالشؤون الفلسفية والاجتماعية ونظرته الى الإسلام كمبدأ لحل قضايا الإنسانية دفعته الى انتهاج التفسير الموضوعي للقرآن الكريم.



وقال آية الله محمد علي التسخيري في الحوار الذي أجرته معه وكالة الأنباء القرآنية: إن هذا الميل الذي كان لدى الشهيد الصدر كان يناسب المنهج المبني على النظرة الموضوعية للقرآن الكريم. وأضاف الشيخ التسخيري الذي يعد من طلبة الشهيد الصدر: إن الشهيد الصدر كان ينظم الآيات القرآنية المتعلقة بموضوع واحد ويجمعها في فريق واحد ليستخرج من مجموع هذه الآيات الرأي القرآني فيما يتعلق بالموضوع الذي يبتغي دراسته كطريق لحل القضايا العالقة أمام الإنسانية.

وتابع آية الله التسخيري قوله: ثمة علاقة وثيقة بين منهج الشهيد الصدر الفكري وميله نحو التفسير الموضوعي للقرآن الكريم لأن الشهيد الصدر وعلى غرار العلامة الطباطبائي كان يتمتع بنظرة إسلامية أصيلة وشمولية وهذه النظرة الشمولية التي تنظر الى الروايات المختلفة للحصول على إجابة عن الأسئلة تقتضي تفسيراً موضوعياً للقرآن الكريم.

وحول مقترح قدمه الشهيد الصدر له وللشيخ "محمد رضا النعماني" لتأليف كتاب "المختصر المفيد في تفسير القرآن المجيد" ومميزات هذا التفسير قال الشيخ التسخيري: إننا واجهنا في ذلك الوقت تفسيراً مختصراً للقرآن الكريم مزيفاً طبع في سوريا فاقترح علينا الشهيد الأستاذ أن نكتب تفسيراً مختصراً وشاملاً في نفس الوقت للمصحف الشريف يقع على أساس تعاليم أهل البيت عليهم السلام ويتمتع ببعد تقريبي يؤكد على التقارب بين المذاهب الإسلامية فانكفنا على كتابته مدة ٣٠ عاماً ونأمل أن يصدر التفسير بنهاية هذا العام.

وأضاف آية الله التسخيري: إن من سمات هذا التفسير هو الإيجاز حيث يتضمن صفحة واحدة من التفسير مقابل كل صفحة من المصحف الشريف كما أنه يتمتع بدراسة النص القرآني من المناحي المختلفة ومنها البعد الاجتماعي للتعاليم القرآنية.

وأردف أمين المجمع العالمي لتقريب المذاهب الإسلامية القول: إن هذا التفسير يستند الى أحاديث النبي (ص) والأئمة (ع) واستخدمنا فيه تفاسير مهمة كمصادر أولية منها تفسير "الميزان" للعلامة الطباطبائي و"في ظلال القرآن" للسيد قطب مؤكداً أن المختصر المفيد في تفسير القرآن المجيد يتميز بالدقيق في سياق الآيات الاجتماعي والثقافي.

وأشار الشيخ التسخيري الى الخصال التقريبية التي ميزت آراء الشهيد الصدر وقال: إن الشهيد الصدر كان يرجو تطبيق الشريعة الإسلامية في أنحاء العالم الإسلامي وإنه فرح لدى سماعه خبر انتصار الثورة الإسلامية

# رغبات الشهيد الصدر الاجتماعية والفلسفية دفعته الى التفسير الموضوعي

وأعلن أنه جاهز ليقدم الغالي والنفيس من أجل هذه الثورة. وأضاف الشهيد الصدر أن من الطبيعي أن يكون الشهيد الصدر بنظرته الشاملة الى الإنسانية واهتمامه بقضايا العالم الإسلامي داعياً الى تقارب المذاهب الإسلامية والإهتمام بالفقه المقارن، مبيناً أن الشهيد الصدر من رواد تحقيق الوحدة في العالم الإسلامي ويمكن مقارنة آراءه في هذا المجال بآراء الشهيد مطهري والإمام الخميني حيث هناك اتفاق في المبادئ بينه وبين هؤلاء الكبار وأتمنى أن يدرك العالم الإسلامي عمق الحاجة الى الفكر التقريبي الذي كان يقدمه الشهيد والذي يؤكد على أهمية التقارب بين الأشقاء المسلمين. وفي معرض كلامه عن كيفية تعرفه على الشهيد الصدر والتحاقه بمحاضرات الشهيد في النجف الأشرف قال الشيخ التسخيري: إنني تعرفت على الشهيد قبل أربعين عاماً وحضرت محاضراته في أصول الفقه وتعلقت بعمق رؤيته ونظرياته وأخلاقه السامية ومعنوياته العالية وإيمانه بالإسلام فقرأت أصول الفقه لديه.

وأضاف الشيخ التسخيري أنه تتلمذ على يد الشهيد الصدر في الفقه إضافة الى تلقيه دروس الأصول على يد الشهيد قائلاً: تأثرت بنظرته الثاقبة الى الأمور واتخذت منه الكثير مما يخص الإقتصاد الإسلامي والصيرفة





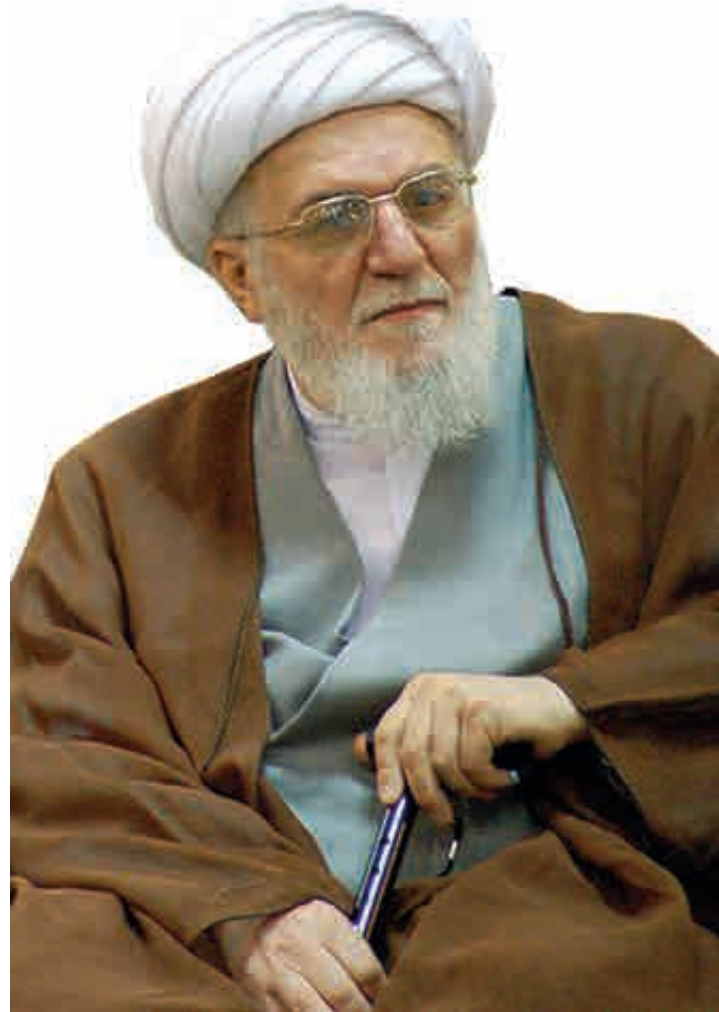
كما أتم تعلمون وعلمتمونا أن الشهيد الصدر في مسألة المنهج التفسيري وإبداع الشهيد وإمامه بقضية التفسير الموضوعي، وفق لإقامة أربع عشرة جلسة قرآنية وطبعت مباحث هذه الجلسات في كتاب "المدرسة القرآنية"، فشهد الصدر تبنى التفسير الموضوعي، بدايةً ما هو المقصود من التفسير الموضوعي الذي بحث عنه الشهيد الصدر وما هو دليل رغبة الشهيد الصدر في طرح هذا الموضوع وهل حضرتتم في هذه الجلسات؟

هذه الجلسات كانت في أيام عطل الدراسة الحوزوية وأنا أيام العطل لم أكن في النجف ولم أحضر دروس السيد الشهيد وفي أيام العطل، أنا كنت في الحلة والكاظمية وكانت نشاطاتي واسعة خارج الحوزة وكنت وكيل السيد محسن الحكيم (قده) عدداً من السنين، على كل حال كانت عندي نشاطات اجتماعية واسعة وما استطعت أن أحضر هذه الدروس.

السيد الشهيد كان عنده تنظير، هذا التنظير الذي نرى في بعض كتابات العلماء السابقين إشارات خفية جداً إليه، هذا التنظير بشكل واضح ودقيق، نافع للأمة الإسلامية ونحن نرى هذا التنظير عند الشهيد الصدر في "اقتصادنا" وفي كتاب "البنك اللاروي" وفي كتابات متفرقة من السيد الشهيد، يمكننا أن نقول أن التفسير الموضوعي هو جانب من التنظير الذي تفرّد به السيد الشهيد، نحن نعلم بأن الذين كتبوا حول الاقتصاد الإسلامي كثيرون ولكنه ماذا كتبوا، كل واحد منهم كتب جانباً بسيطاً منعزلاً عن الجوانب الأخرى، لأننا لانشاهد التنظير في كل الكتابات التي كتبت في الجوانب المختلفة الاقتصادية الإسلامية بالشكل الذي جاء بأبدع صورة في اقتصادنا أو في البنك اللاروي.

بالنسبة إلى التفسير الموضوعي، ركز السيد الصدر على مسألة استنطاق القرآن الكريم في هذه الدروس، واستنطاق القرآن يكون مفتاحاً لحل مختلف المسائل الاجتماعية في القرون المختلفة، السيد الشهيد استنطق القرآن في المواضيع المختلفة، وما أكثر المواضيع التي نحتاج فيها إلى استنطاق القرآن، وما معنا الاستنطاق، استنطاق القرآن يعني أنه موضوع جديد حدث جاء في هذا العصر ولا بد أن نأخذ رؤية الإسلام في هذا الموضوع، هذا الموضوع لم يكن في عهد النبي (ص) والأئمة (عليهم السلام)، حتى يكون مصادر لمعربة النظرية الإسلامية في هذا الموضوع، هنا نحن نحتاج إلى استنطاق القرآن الكريم.

وإذا تمكنا من معرفة طريقة الاستنطاق التي بينها ووضحها السيد الشهيد في هذه الدروس فحينئذ هذا مفتاح لمسائل كثيرة ولذلك المسألة التي جاء بها السيد الشهيد في هذه الدروس مسألة عامة ومسألة طريقة استنطاق القرآن في أي موضوع لحد الآن لم يحدث وسوف يمكن أن يحدث في الأزمنة المقبلة ومفتاح استنطاق القرآن في تلك المواضيع السيد أعطاه في هذه الدروس ولذلك هذه الدروس كانت ضرورة من الضرورات التي السيد الشهيد كان يحس بها ويدركها وكان يرى على نفسه أن يعطي هذا المفتاح للأجيال القادمة.



الإسلامية والسنة والتفسير والفلسفة مما يجعلني أقول إنه أروى روعي العطشى بنهيل معلوماته في هذا المجال وإنني أدين له بكل ما لدي من خبرة وعلم في هذه المجالات.

وفي نهاية هذا الحوار أشار سماحته الى ما قام به المجمع العالمي لتقريب المذاهب الإسلامية في سبيل تبين آراء الشهيد الصدر وقال: إن المجمع قام بخطوات مهمة في هذا المجال حيث قام مركز الدراسات التابع للمجمع مؤخراً بإصدار كتاب "مجتمعنا" لتبيين رؤية الشهيد الصدر الاجتماعية كما يقوم عدد من الباحثين في المجمع على تقديم رؤاه الاقتصادية التي طرحها في كتاب "اقتصادنا" وبقية آراءه التي تخص تقريب المذاهب الإسلامية مبيناً آراء الشهيد الصدر أرض خصبة يمكن استثمارها في تحقيق التقارب بين المذاهب الإسلامية المختلفة.

كما تعلمون إن الجمهورية الإسلامية الإيرانية غيرت الموازين وكل القضايا العالمية وانتعشت الصحة الإسلامية بانتصار الثورة الإسلامية، لكن هذا الجانب يحتاج إلى فكر واطروحات، من أعطى هذه الأطروحات التي هي شاملة لجميع جوانب الحياة وهذه الأطروحات ممن؟ هذه من السيد الشهيد ولذلك العداء خارجياً وداخلياً شئ طبيعي بالنسبة إلى هذا الوجود.



دوريات

راهب

سال پنجم

شماره ۲۶

۲۸ اسفند ۱۳۸۸

۱۳۶



## الشهيد الصدر ركز على إستنطاق القرآن لحل المسائل الإجتماعية

### أستاذنا الشهيد تفرد بالتنظير

للإيرانيين نحو ۱۹۷۰ ميلادية، واستقر في قم، كما سافر السيد الأشكوري مدة الى مدينة قزوین بصفته إمام جمعة، وبعد الثورة الإسلامية عمل في القضاء وبعض المناصب الأخرى وأخيراً، اعتمده آية الله السيد كاظم الحائري وكبلاً عاماً في العراق ومسؤول مكتبه في النجف، ولكنه لم يستطع مواصلة عمله بسبب الظروف هناك، فعاد الى قم المشرفة.



أكد سماحة السيد «نور الدين الأشكوري» من تلامذة الشهيد الصدر (قدس سره) أن الشهيد ركز في تفسيره الموضوعي للقرآن الكريم على أن استنطاق القرآن يكون مفتاحاً لحل المسائل الاجتماعية المختلفة، لذا السيد الشهيد استنطق القرآن في المواضيع المختلفة.

اليكم تفاصيل هذا اللقاء..

من فضلكم تحدثوا لنا عن العلاقة التي جمعتكم مع الشهيد

وحول ذلك أجرينا حواراً خاصاً في مقر مركز الأبحاث والدراسات التخصصية لسيد الشهيد الصدر في مدينة قم المقدسة مع سماحة السيد نور الدين الأشكوري المدير والمشرف على هذا المركز ومن التلامذة القدامى لآية الله العظمى السيد محمد باقر الصدر، حيث تطرق سماحته في هذا الحوار إلى ذكرياته مع الشهيد الصدر الأول والجلسات القرآنية لسيد الشهيد وتفسيره الموضوعي.

فقد بدأ السيد الشهيد بحث الخارج في سنة ۱۹۵۹ ميلادية، وكان تلامذته بضعة نفرات، ومنهم آية الله الشيخ «مفيد الفقيه»، والشيخ «عبدالعال مظفر»، والسيد «ذیشان حيدر جوادي»، ثم توسع درسه قليلاً فصار بضعة عشر نفرًا، منهم آية الله الفقيه السيد «عبد الغني الأردبيلي»، والسيد «نور الدين الأشكوري»، وكان الأخير محباً للسيد الأستاذ منقطعاً إليه، وقد أقنع آية الله السيد «كاظم الشيرازي الحائري» بحضور درسه، ثم أقنع آية الله السيد «محمود الهاشمي الشاهرودي» وكان السيد الشهيد يحبه ويعتمد عليه في الإهتمام بحاجات طلبته المعنوية والمعيشية.

وقد غادر السيد نور الدين الأشكوري العراق، في حملة التسفير





وكانت للسيد الشهيد تبنيات مختلفة ولذلك تلامذة آية الله السيد محمد باقر الصدر أصبح كل واحد منهم معلماً من الأعلام في أي مكان وفي أي حوزة، رغم أنهم مهجورون، غرباء وما أعطي لهم فرصة وساحة في مدينة قم، أما الإنسان حينما ينظر إلى الجمهورية الإسلامية الإيرانية، فيرى أن عدداً من طلاب السيد الشهيد - طلاب بلاواسطة وطلاب مع الواسطة - احتلوا أهم المراكز في الجمهورية الإسلامية من حيث الفكر، من حيث القضاء ومع أن طلاب السيد الشهيد مع الأسف الشديد لم تعط الفرص لهم أن يستقوا من معين الشهيد الصدر وما كان من الممكن أن يقوم طلاب السيد الشهيد بدور لأن يعرفوا أبعاد السيد الشهيد بصورة شاملة ولذلك نحن أخذنا منه القليل وأنا شخصياً آسف من هذه الناحية، اسفاً شديداً، حينما أرى أنني كنت سنين مصاحباً للسيد الشهيد و قريباً منه شخصياً وفي الحقيقة، السيد الشهيد كنز لا ينفى وعلى كل حال الأعداء أخذوا منا هذا الكنز.

حينما ننظر إلى نبوغ الشهيد

وطلابه، يتبادر إلى الذهن

هذا السؤال: لماذا هذا

العداء كله مع الشهيد الصدر؟،

والعداء كان نوعين: نوع من البعثيين، والعداء الآخر

هو من داخل الإطار الشيعي ومن داخل الحوزة

العلمية. وشهدنا مثلاً ظهور بعض الكتابات

مثل «الحق المبين» وما شابه ذلك وهذا العداء كأنه ممتد مع

مشروع الشهيد الصدر، كيف تحللون هذه القضية؟ طبعاً هناك

عوامل لهذا العداء، إحدى هذه العوامل مستبطنة في السؤال، السيد

الشهيد «كان نابغاً» والله تعالى تفضل عليه بالكثير الكثير وما حصل

عليه الآخرون، لأن إنسان بهذه الدرجة من الشمول وبهذا المستوى

من النبوغ يحسده كثير والحسد طبيعي وأنه يبرز بالأشكال المختلفة،

وهناك سبب آخر وهو «الكفر العالمي» بأجنحته وألوانه المختلفة،

لا يمكن أن يتحمل إنساناً أعطي للإسلام صورة ناصعة شاملة واسعة

يمكن أن يواجه كل الحضارة البشرية الموجودة وكل الأفكار الغربية

الموجودة.

ويا ترى هل من الممكن أن العدو العالمي والكفر العالمي

والصهيوني يسكت وحينما لايسكت تبرز بأشكال مختلفة

وبشخصيات مختلفة وحتى شخصيات إسلامية نرى بأنهم عملاء

هولاء، لا بد أن يركزوا على هذا الوجود ولما أقول على هذا الوجود لا

شخص السيد الشهيد، لأن السيد الصدر الان ذهب الى ربه، أما

شخصيته وما أعطى الأمة وما بقي منه منوراً للمجتمعات الإسلامية

هو الموضوع الذي يركزون عليه الأعداء، والشهيد الصدر غير من

الصدر فترة الدراسة التي حضرتها آنذاك وذكريات عن حضوركم عند الشهيد و ما هي الدروس التي تلقيتها من الشهيد الصدر الأول؟

كان إرتباطي بالسيد الشهيد في درس الكفاية وطلبنا أنا و«السيد فخرالدين الموسوي» أحد الطلبة اللبنانيين في النجف من الشهيد درس الكفاية وحضرت درس الكفاية لفترة قليلة وبعد ذلك بدأنا بدرس الخارج حيث أنني في أي درس كنت أحضر، كانت لي علاقة وثيقة بالاستاذ واهتمام من الاستاذ بالنسبة لي، لأنني بذلك الوقت، كنت حاضراً لدروس الكبار من العلماء في النجف وعند حضوري في درس السيد الشهيد رأيت أنه ليس هناك مقارنة بين الدرس الشهيد وسائر الدروس الأخرى من الناحية العلمية ومن ناحية التقرير والبيان ومن ناحية الاهتمام من الاستاذ بالنسبة إلى التلميذ.

وهذه الأوصاف لاحظتها في لقاءاتي الأولى مع

السيد الشهيد. درس الكفاية للسيد الشهيد أصبح

درساً يلم عدداً من الفضلاء من الإيرانيين واللبنانيين

وبعض العراقيين وأنا كنت متبنياً

ومهماً كثيراً للحضور في

الدرس وتسجيله وفي

ذاك الزمان لم يكن من المتعارف

تسجيل الدرس بل لم يكن هناك تقبل في

الأوساط النجفية درس يسجل، لأن الأجواء العامة

لا تسمح بالتصوير والتسجيل ولكنه نحن دون أن

يعلم الطلاب، نفتح المسجل وكنا نسجل الدرس، على كل

حال هذه الاهتمامات كانت منا نحن وأكثر الاهتمامات مني ومن

المرحوم «السيد عبدالغني الأردبيلي» وكانت هناك أبوة وبنوة بيننا

وبين السيد الشهيد وتجاوز مرحلة الاستاذ والتلميذ.

المدة التي أنا كنت في النجف قبل أن أذهب إلى «الحلة» كنت

أحضر درس السيد الشهيد وترى في هذا الدرس (درس الكفاية) آية

الله السيد «كاظم الحائري» وآية الله السيد «محمود الهاشمي» وعدد

من الطلاب الأوائل، وكنا مسحورين بكل جوانبه، بالنواحي العلمية

وهذا واضح لأنه من النواحي العلمية كان للشهيد الصدر نبوغ خاص،

وفي الحقيقة اصطلاح «التفوق» للسيد الشهيد على أقرانه هو تعبير

غير صالح لأن الشهيد الصدر الأول كان إنساناً نابغاً والآخرون لم يكونوا

هكذا وهذه من الناحية العلمية وهناك الناحية الشمولية عند السيد

الصدر وهذه الشمولية ليست في الأفكار والعلوم الإسلامية فحسب

وإنما الشمولية في كل الجوانب والمسائل الأخلاقية والشمولية في

الاهتمامات والاطروحات والان إتضح للعالم الإسلامي هذه الشمولية

وكانت للسيد الشهيد تبنيات مختلفة، تبنى تغيير الحوزة العلمية وتبنى

تغيير العراق، تبنى مواجهة الكفر في مواجهة فكرية وسياسية.

#### وفي الحقيقة اصطلاح

«التفوق» للسيد الشهيد

على أقرانه هو تعبير

غير صالح لأن الشهيد

الصدر الأول كان إنساناً نابغاً

والآخرون لم يكونوا هكذا



الامور كلها والحالة الاسلامية أصبحت حالة شاملة للعالم كله، وطبعاً هنا لا بد من الإشارة إلى أن هناك الإمام الخميني (ره) والسيد الشهيد الصدر (ره) كل منهما تبنيتهم تبنيات عالمية ولكنه هذا من ناحية وذلك من ناحية.

### الشهيد الصدر ما خطي خطوة إلا رأى الحاجة الإسلامية إليها

وصرح سماحة «السيد نور الدين الأشكوري» مدير مركز الأبحاث والدراسات التخصصية للشهيد الصدر في مستمر حديثه «أن آية الله السيد محمد باقر الصدر ما خطي خطوة وما تكلم بكلام وما أخذ قلماً بيده وما تبنى تبنياً إلا أنه رأى الحاجة الإسلامية إليها وعبودية لله تعالى وطلباً لمرضاته» متطرقاً سماحته إلى نشاطات وكيفية تأسيس مركز الأبحاث والدراسات التخصصية للسيد الشهيد والميزات التي تميز بها الشهيد محمد باقر الصدر.

### تفضلوا بنبذة حول نشاطات مركز الأبحاث والدراسات التخصصية

للسهيد الصدر، متى بدأ عمله هذا المركز، من هم الناشطون في تأسيسه، ما هي نشاطاته، هل هناك جهات تدعم المؤسسة؟ أقيم مؤتمر عالمي للسيد الشهيد عام ٢٠٠٠ في طهران، حيث أنه كان مؤتمراً عظيماً في العالم الإسلامي من حيث تكريم الشخصيات، ودعي عدد من كبار الأساتذة والكتاب والعلماء من مختلف البلاد الشرقية والغربية إلى هذا المؤتمر ووصل إلينا حوالي مئتان وعشر مقالات في الجوانب المختلفة وهذه المقالات قسم منها مقالات علمية عظيمة نافعة والمؤتمر أقيم علي مدي ثلاثة أيام صباحاً وعصراً وليلاً والعجيب أنه في الايام الثلاثة وفي الأوقات الثلاثة، الازدحام والتوجه كان أكثر من المتعارف.

ولدت من هذا المؤتمر هذه المؤسسة، أي عدد من طلاب السيد الشهيد كانوا مصريين على أن المؤتمر ينتهي، ولم يعمل شيئاً بالنسبة إلى ما يستحقه فكر السيد الشهيد لذا أسسنا هذه المؤسسة وفي الحقيقة مركز الأبحاث والدراسات التخصصية للسيد الشهيد لم يؤسسها رابطة الثقافة والعلاقات الإسلامية والمجمع العالمي لأهل البيت (ع) والمجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الإسلامية وما إلى ذلك من المنظمات المختلفة، وإنما أسسه عدد من طلبة الشهيد.

ومع الأسف الشديد، لم يكن هناك من يتبنى لهذه المؤسسة وحتى الآن لم تتبناها جهة من الجهات المالية والمادية، أما من الناحية الفكرية تواجد عدد من طلاب وتلامذة السيد الشهيد في المؤسسة تواجداً علمياً والمؤسسة فيها هيئة أمناء تشكلت من أربعة عشر عضواً وكان من أعضاء هذه المؤسسة المرحوم العلامة السيد

مرتضى العسكري (ره) وآية الله الشهيد السيد باقر الحكيم (ره) إلى جانب آية الله الشيخ محمد تقى مصباح يزدي، وعدداً من طلاب السيد الشهيد وهذه الهيئة عينت خمسة اشخاص كهيئة الإدارة وهيئة الإدارة عينوا مديراً، ومن ناحية إدارة المؤسسة وأنا أتولي هذه المهمة ومن الناحية العلمية عدد من مجتهدى طلبة السيد الشهيد يتبنون هذه المؤسسة.

توجد الآن مجموعة كبيرة من آثار السيد الشهيد في المؤسسة وهذه الكثرة من المصنفات لا توجد في العالم كله وعظمة المؤسسة تكون بهذه الآثار التي لولا المؤسسة ما كانت تجتمع في محل واحد ومجموعتان كبيرتان جداً من هذه الآثار كانت عند شخص وأشخاص والآن صارت هذه الآثار في المؤسسة، ولذلك الآثار التي كانت في معرض احتمال فيها التلف، تخللت وهذه أول أهمية لهذه المؤسسة، ثم تمكن مركز الأبحاث والدراسات التخصصية للسيد الشهيد من طباعة الآثار المطبوعة للشهيد الصدر بعد تهذيبها وترتيبها بطباعة جيدة وتصحيح تحت اشراف طلاب السيد الشهيد وهذه هي المجموعة التي طبعتها وحققتها المؤسسة وعدد من هذه الكتب أصبحت كتباً مرتبة منقحة منسقة، وعدد من الكتب التي كانت ضائعة في الكتابات والأشرطة والمجلات الآن هذه كلها أصبحت حية ومتواجدة تحت تصرف الكتاب والإسلاميين.

ونحن فتحنا موقعاً في الانترنت والآن بدأنا بإعطاء هذه الآثار شيئاً فشيئاً في الموقع ونحن في بداية تأسيس هذا الموقع الذي يعتبر أثرى الموقع بالنسبة إلى مواقع السيد الشهيد ونحن مشغولون بالنسبة إلى آثار السيد الشهيد وفي المستقبل عندنا بعض الكتب التي الآن في دور التحقيق والتهذيب سوف نطبعها بأشكال مختلفة ونعرضها للمجتمع وهذه المؤسسة مركز لكل من يريد أن يدرس أفكار السيد الشهيد ويحتاج إلى بعض الآثار.

توجد الآن مجموعة كبيرة من آثار السيد الشهيد في المؤسسة وهذه الكثرة من المصنفات لا توجد في العالم كله

### هل يتعاون مركز الأبحاث والدراسات التخصصية

للسهيد السيد محمد باقر الصدر مع طلاب الجامعات لكتابة الأطروحات الجامعية حول الأفكار وآثار الشهيد الصدر؟ نحن بهذا الصد ونريد أن نتعاون، لكن الشيء الذي الآن نفعله في هذا المجال، ليس واحداً بالألف، ونحن الآن جالسون هنا وننتظر طالب يأتي ويطلب منا بعض الكتب والآثار والمجلات حتي نكون في خدمته، وفي كثير من الأحيان، علي سبيل الصدفة شخص عرف أن هناك مؤسسة وفيها الآثار المرتبطة بآية الله العظمي الشهيد السيد محمد باقر الصدر، لكن على هذه المؤسسة ان تتبني الارتباط مع الجامعات المختلفة في مختلف البلدان الإسلامية لتسهيل دراسة الطلاب في المواضيع المتعلقة بالسيد الشهيد وهذا يحتاج إلى





دوره ١٣٩

رايه

سال پنجم

شماره ٧٦

٢٨ اسفند ١٣٨٨

١٣٩



الإدارة والميزانية الكبيرة وأنا آسف جداً ولا أعرف كيف أبدي أسفي بأن هذه الآثار بهذه الضخامة موجودة والحاجة الإسلامية للعالم الإسلامي بهذه الأفكار والآثار إلى هذه الدرجة لكن ليس هناك حركة لهذه المؤسسة بالمستوي المطلوب.

نحن نتحرك ونفخر بأننا قبل كل شيء احتفظنا بهذه الآثار وفي الوقت الحالي آثار السيد الشهيد الصدر موجودة في مختلف البلاد وبمختلف اللغات في أوروبا وأمريكا والقارات المختلفة ونحن لا بد أن نجتمع هذه الآثار وتجميع هذه الآثار يمكن ولكن يحتاج إلى تشكيل وميزانية كبيرة وهذا ما نعانيه.

الكتب والتبنيات وهذه كلها ميزات للشهيد الصدر، لكن هناك ميزة له هي أن الشهيد الصدر ما خطي خطوة وما تكلم بكلام وما أخذ قلماً بيده وما كتب شيئاً وما تبني تبنياً إلا أنه رأى الحاجة الإسلامية إليها وعبودية لله تعالى وطلباً لمرضاته، وأنا توصيتي لنفسي بالدرجة الأولى ولكل من يسمع كلامي، علينا أن نتأسى بالسيد الشهيد في هذه الميزة ونحن لا يمكننا أن نكون نابغين ونصل إلى المكان الذي وصل إليه السيد الشهيد ولا يمكن أن تكون لنا عطاءات مثل عطاءات السيد الشهيد ولكن هذه الميزة يمكننا أن نتأسى بها.

أنا أعتقد أن أحسن رؤية التي حتى الان طرحت في موضوع السنن التاريخية للقرآن الكريم هي الرؤية التي ذكرها السيد الشهيد

كتاب «فلسفتنا» للشهيد الصدر هو أول كتاب للسيد وكما تعلمون وكما نعلم أراد أن الكتاب الذي اشتهر به السيد في كل العالم وأعطاه منزلة في العالم الإسلامي لا يكون باسمه ويطبع باسم جماعة العلماء المسلمين ولكن الاختلاف بينه وبين بعض جماعة العلماء في فصول من الكتاب، ألزم السيد أن يطبع الكتاب باسمه وهذا عظيم جداً وهذا عبدالله وهذا انسان يمكننا أن نسميه عبدالله وما أعظم سمة لرسول الله (ص) ورسول الله هذه منزلته وأكبر من هذه المنزلة أنه كان اماماً وتعرفون أن منزلة الامام فوق منزلة النبوة والرسالة ونحن في التشهد نقول: «وأشهد أن محمداً عبده ورسوله».

كيف قرأتم «السنن التاريخية في القرآن» أنا أعتقد أن أحسن رؤية التي حتى الان طرحت في موضوع السنن التاريخية للقرآن الكريم هي الرؤية التي ذكرها السيد الشهيد، وفي المستقبل اذا استمرت الدراسة في موضوع السنن التاريخية في القرآن الكريم، من الممكن أن يتكامل هذا الموضوع.

للسيد الشهيد الصدر (أعلى الله مقامه) ميزة وهي من أكبر ميزات الشهيد، الصدر الأول عنده النبوغ الذي لا يحصل وهذا موهبة من الله تعالى وما وهبها الله إلا لعدد قليل من البشر والسيد الشهيد له هذه



# الشهيد الصدر أرائنا شمولية الإسلام حين تطرق الى الإقتصاد الإسلامي

أكد الباحث في الحوزة العلمية السيد منذر الحكيم أن الشهيد الصدر (رض) حين ألف كتاب 'اقتصادنا' بين فيه مبادئ الإقتصاد الإسلامي وعمل على الكشف عن عظمة الشريعة الإسلامية كشرية شاملة وردح الشبهات التي كان يكتلها الماركسيون للإسلام.



وقال تلميذ الشهيد الصدر وأحد الباحثين في الحوزة العلمية السيد منذر الحكيم ذلك في الجلسة الأولى من ندوة دراسة الشخصية القرآنية للشهيد الصدر والتي اقيمت في قاعة الاجتماعات في وكالة الأنباء القرآنية. مؤكداً أن المجتمع الإسلامي يدين بالكثير من النظريات والمؤلفات والآراء المتوفرة اليوم لرؤية الشهيد الصدر ومنهجته الدقيقة.

وأجاب السيد منذر الحكيم حول هل كانت آراء الشهيد الصدر ومنهجه في طرح موضوعات جديدة مفيدة في تقديم حل لقضايانا المعاصرة: إن الظروف المناسبة لو تهيأت لفهم آراء الشهيد الصدر ونظرياته فإن منهجه سوف يؤدي دوراً مهماً في سبيل الإجابة عن عقثنيات العصر بل ويستطيع أن يفتح فكر الصدر آفاقاً جديدة أمامنا ولكن الواقع أن الظروف اللازمة لما توفر بعد للإستفادة من تراثه الفكري و تفعيله في حل قضايانا المعاصرة.







" جاء نتيجة هذه الظروف الملحة التي استوعبها الشهيد الصدر مما جعله يقدم القول في الفرع الإقتصادي على القول في الأصل الإجتماعي.

وذكر السيد منذر الحكيم أن الظروف السائدة آنذاك في العراق جعلت الشهيد يكتب كتاباته في تبين الطرح الإسلامي للمجتمع وقضاياها و من هذه البحوث كتاب "الإسلام يقود الحياة" والذي كتبه الشهيد بعد انتصار الثورة الإسلامية في إيران وأهداه الى الإمام الخميني وهو كتاب قيّم جداً يعرض أبعاداً مهمّة للمجتمع الإسلامي كما قدم أسسه ومبانيه في "المدرسة القرآنية" (وهي مجموعة من ١٤ محاضرة في تفسير القرآن الكريم).

#### الشهيد الصدر قدم نظاماً قرآنياً للمجتمع الإسلامي

وقال سماحته إن خطاب آية الله العظمى "الشهيد محمد باقر الصدر" كان خطاباً عاماً يشمل الإنسانية جمعاء ولم يكن ليحدد نفسه ضمن إطار شيعي أو إقليمي وقد قدم نظاماً مستنداً في أصوله الى القرآن الكريم للمجتمع الإسلامي.

وقد تناولت الندوة جهود الشهيد الصدر في سبيل تقديم نظام سياسي واقتصادي وفق المعايير الإسلامية، وتأثير الشهيد على الصوحة الإسلامية في العراق، ومساعيه في سبيل تطوير التفسير القرآني وتحديثه ونظرية الشهيد الصدر في المجال القرآني.

وذكر السيد منذر الحكيم خلال الندوة أن الشهيد الصدر تعمق في بعض المناحي من التعاليم القرآنية التي لم يتطرق اليه أحد قبله وأبدع فيها وقدم خطاباً عاماً يشمل البشرية جمعاء حيث يتجاوز الحدود الدينية والمذهبية ويستطيع الناس في كل مكان الاستفادة منه.

كما اضاف السيد منذر الحكيم أن من الموضوعات التي تطرق اليها الشهيد الصدر واستعملته جمهورية الإسلامية الإيرانية هي الخطاب الذي قدمه الشهيد حول النظام السياسي الشيعي في عهد غيبة الإمام المعصوم حيث لم يكن قبله من أحد تطرق اليه.

واشار السيد الحكيم الى التغافل عن آراء الشهيد الصدر خاصة فيما يتعلق بتفسير القرآن مؤكداً أن بعض ذلك راجع الى أدبه الراقي الذي لم يستوعبها المجتمع مشدداً على أن أدب الشهيد يخدم الغايات التي ترمي اليها الحوزات العلمية.

#### الشهيد الصدر رائد في مجال استخدام الأفكار المستوحاة من

##### التعاليم القرآنية

من خصوصيات منهج وطريقة آية الله العظمى الشهيد السعيد

وأشار الحكيم الى مناحي الجدة في آراء الشهيد الصدر مؤكداً أن إحدى هذه المناحي هي طريقته في طرح قضية السنن التاريخية وإبداعه في هذا المجال حيث أضاف الشهيد الى السنتين التاريخيتين اللتين تكلم عنهما مفسرو السلف - وهما السنن المطلقة والسنن المشروطة والمقيدة - سنة ثالثة هي السنة التاريخية الموضوعية وهي تقابل السنن المشروطة التي يمكن أن يتخلف الإنسان عنها بإرادته والسنن المطلقة التي لا سبيل الى الخروج عليها فإن الشهيد الصدر يتكلم عن سنن موضوعية وهي سنن يمكن أن ينقضها الإنسان على المدى القصير ولكنها في المدى البعيد لا يمكن التخلف عنها ومنها سنة التدين حيث هناك نماذج لبعض الحكومات التي حاولت حذف الدين عن المجتمع ومنع ممارسته ونجحت على المدى القصير ولكن الزمن أكد أن شيئاً كهذا لا يمكن حدوثه.

وأشار منذر الحكيم الى أن الشهيد الصدر دخل النظرية الإجتماعية من بوابة خلافة الإنسان لله تعالى وهي سنة موضوعية أيضاً مؤكداً أن أثر الشهيد الصدر على الأفراد يختلف حسب اختلاف مستوى الأشخاص ولا يقتصر على تلامذة الشهيد وإنما يتجاوزهم ليشمل من تأثروا به دون أن يحضروا محاضراته.

وفي إشارة الى عبقرية الشهيد الصدر قال الحكيم: إن عبقرية الشهيد فاقت حدود عصره وقد طرح الشهيد الصدر نظريات متقدمة لم تفهم الا بعد مرور سنين على استشهاده ومن هذه النظريات نظرية الشهيد الصدر في الإستقراء التي تبلورت عبر مباحثاته مع بعض تلامذته وهي نظرية في غاية التعقيد لا يستطيع الغور فيها الا المتمكنون من المعرفة الإسلامية.

وقال مؤلف كتاب "مجتمعنا في فكر وتراث الشهيد السيد محمدباقر الصدر" إنه سعى في كتابه هذا الى إعادة قراءة آراء الشهيد الصدر المستوحاة من القرآن الكريم في المجتمع وهو يتناول بحوثاً منها: ماهي مواصفات الأسس النظرية للمجتمع القرآني؟ وكيفية اكتشاف النظرية الإجتماعية القرآنية مثل هذا المجتمع؟ وهي بحوث بدء بطرحها الشهيد الصدر في كتابه فلسفتنا ثم اقتصادنا ثم سائر كتبه ولكن استشهاده حال دون إتمامها وبحث تفاصيلها.

وقال مدير قسم فقه الأسرة في جامعة المصطفى(ص) العالمية إن الشهيد الصدر تطرق في كتابه "إقتصادنا" الى النظام الإقتصادي منظورا اليه من منطلق النظرية الإجتماعية القرآنية، مؤكداً أن الضرورة الملحة في التصدي للآراء الماركسية جعلت الشهيد يوجّه بحوث مجتمعنا باتجاه اقتصادنا.

وأشار السيد الحكيم الى أن تقدم الكتاب هذا على كتاب "مجتمعنا



"محمد باقر الصدر" (قدس الله نفسه الزكية) في التفسير الموضوعي الإستعانت به بالتعاليم القرآنية في المواد الأولية وهيكل جميع المباحث والأفكار التي جعله رائداً أمام سائر المفسرين الموضوعيين كما أن الجمهورية الإسلامية الإيرانية مديونة للحراك ونشاط القرآني والفكري للسيد الصدر.

وقال السيد "منذر الحكيم": إنه قبل أن يتلمذ على يد الشهيد الصدر قد تعرف وإطلع على كتاباته وتلامذته في النجف الأشرف وكان يحضر في مجالسه الخاصة والخارجة عن الدرس ومن ثم فقد تمكن من الحضور والمشاركة في الصفوف الخاصة بدروس خارج الفقه والأصول للعلامة ومنذ ذلك الوقت وحتى الآن وهو يقرأ كتابات الشهيد الصدر معبراً عن إعجابه بأفكار وآراء وأسلوب الشهيد الصدر.

وأضاف الحكيم بأن الفضل في وجود النظريات والآراء والتأليفات الراهنة لدى المجتمع العلمي والحوزوي والجامعي والأكاديمي يعود إلى بركات هذا الشهيد الجليل وتركيزه الدقيق على البحث الأساسي والمهم "المتودولوجي". وأشار بالخصوصية العلمية لهذا الشهيد وأسلوبه في استدراك واستنباط المفاهيم والقضايا وأعرب عن ثقته بأن الشهيد الصدر مع أن فترة عمره كانت قصيرة وتأليفاته المحدودة إلا أنه لا تزال لا توجد أفكار تعوض أفكاره في مجالات الاقتصاد والفلسفة والتاريخ وعلم الاجتماع.

وأشار الحكيم إلى الشخصية العلمية للشهيد الصدر وقال: إن التأليفات والأفكار والنظريات العلمية والفقهية للشهيد الصدر لم تترجم بشكل مناسب ودقيق وخاصة منها المترجمة إلى اللغة الفارسية. إن تأليفات الشهيد الصدر تتميز بالإبداع والقوة والأسلوب العلمي وانتقد الترجمات التي تمت عن هذه التأليفات وقال إنها ضعيفة وركيكة ولا تعبر عن أفكار المؤلف بشكل صحيح.

وصرح السيد منذر الحكيم بأن تأليفات الصدر والعديد من أفكاره وآرائه القيمة والمهمة لا تزال مهجورة في الحوزات العلمية والجامعات وأشار إلى بعض تأليفات الشهيد الصدر مثل "الأسس المنطقية للإستقراء" الذي ترجمه السيد "محسن غرويان" إلى الفارسية وأرجع الأسباب في ذلك إلى عدم تمكن الأساتذة والمدرسين على تعلم وتدريس هذه الكتب ومحتوياتها العلمية والفقهية.

وفي مجال آخر من هذه الندوة أدلى السيد منذر الحكيم بشرح ملخص لموضوع "التفسير الموضوعي" للشهيد الصدر وقال: إن

التفسير الموضوعي له ثلاثة معاني ومفاهيم: المعنى والمفهوم الأول يستخدم من قبل بعض المفسرين المعاصرين والقائم على تبيين وتفكيك المواضيع والمحاور الرئيسية الموجودة في السورة القرآنية وعلى سبيل المثال يمكننا الإشارة إلى أداء "محمد عبدالله دراز" في كتاب "النبا العظيم" والذي يطرح بصفة تفسيراً موضوعياً.

وفي الوقت نفسه يمكن القول بأن أثره يعد تصنيفاً وتفسيراً حسب التوالى والترتيب للمواضيع المطروحة في إحدى السور القرآنية.

وأما المعنى الثاني للتفسير الموضوعي يتضمن اختيار موضوع واستخراج جميع أو بعض الآيات المتضمنة لهذا الموضوع و ثم ترتيب تلك الآيات بشكل منطقي إلى جانب بعضها البعض وإيجاد بحث منظوم وحول الموضوع المختار ويعود تاريخ هكذا نوع من التفسير الموضوعي إلى عهد إصدار الأحاديث والرويات عن آل البيت

(عليهم السلام) لأن هذا الأسلوب قد استخدم في الكثير من الرويات والأحاديث المتواترة عن الأئمة (ع).

وأشار السيد الحكيم إلى خطبة أمير المؤمنين على ابن أبي طالب (عليه السلام) في نهج البلاغة التي تصف المتقين أو سائر المواضيع القرآنية وأعتبر الرويات التي تبين الجهاد أو حديث العقل والجهل للإمام موسى الكاظم (عليه السلام) إلى هشام بن الحكم وقال أنها تأتي في إطار المفهوم الثاني للتفسير. وأضاف السيد منذر الحكيم أن تفسير الأئمة بهذا الأسلوب يشكل مصدراً للبركة في أداء المفسرين المعاصرين وقال: إنه يمكن تصنيف أعمال المفسرين المعاصرين في سياق المفهوم الثاني للتفسير الموضوعي.

وبالنسبة للمعنى الثالث للتفسير الموضوعي اعتبره الحكيم بأنه يأتي ضمن الرؤية الإبداعية للشهيد الصدر وبالإمكان تبيينه كما يلي: يتناول المفسر الشهيد الصدر في كتاب "المدرسة القرآنية" والذي يتضمن ١٤ جلسة من سلسلة بحوثه حول التفسير الموضوعي البحث حول المتودولوجيا العلمية للتفسير الترتيبي والموضوعي ويعني التقييم والتعريف والتعرف على آليات التوصل إلى التفسير الموضوعي ومن ثم مقارنته مع التفسير الترتيبي.

وأعتبر السيد منذر الحكيم قمة الإبداع للشهيد الصدر في مجال التفسير الموضوعي بأنها تتمثل في العبور من مرحلة التنظير وتقديم هيكل للنظام الاجتماعي مضيافاً: إن الجمهورية الإسلامية مديونة للحركة العلمية والتمتامية مع الزمان لهذا الشهيد الجليل.

وأعتبر الحكيم أن أساس هذا النظام السياسي في الدستور رهن

ان التأليفات والأفكار  
والنظريات العلمية والفقهية  
للسهيد الصدر لم تترجم  
بشكل مناسب ودقيق  
وخاصة منها المترجمة إلى  
اللغة الفارسية





علمية منها: النظرية الاجتماعية في فكر الشهيد السيد محمد باقر الصدر / مجتمعنا في تراث الشهيد السيد محمد باقر الصدر / موسوعة أعلام الهداية ( ١٤ مجلد) / موسوعه " تاريخ الإسلام (٤ مجلدات) / قبسات من سيرة القادة الهداة (مجلدين) / تفسير القرآن الكريم / المرجعية الشاملة للقرآن الكريم / القرآن والمنهج العلمي / القرآن الكريم ومبدأ التفقه في الدين / مبدأ الهداية الربانية / المنهج القرآني لصياغة التاريخ / مبادئ النظرية الاجتماعية في القرآن الكريم / مبادئ ومعالم النظام الاجتماعي الإسلامي / معالم المجتمع المسلم في سورة الحمد / الوحدة الإسلامية في فاتحة الكتاب / سورة العلق الإنطلاقة الأولى للثقافة الإسلامية / عبر القرآن الكريم / المعالم العامة لنظام الأسرة في القرآن الكريم / المدخل إلى مبادئ ومعالم النظرية التربوية والنظام التربوي الإسلامي في ضوء القرآن الكريم / أضواء على منهج القرآن الكريم في معالجة قضايا المرأة.

وينشط ويتعاون السيد منذر الحكيم مع العشرات من المؤسسات ومراكز الأبحاث مثل جامعة آل البيت (عليهم السلام) العالمية وإدارة التخطيط والتعليم في مجمع الأفكار الإسلامية ومركز الإدارة للحوزات العلمية للسيدات وإدارة فقه الأسرة في جامعة المصطفى (ص) العالمية وإدارة الفقه في القسم الافتراضي لجامعة المصطفى (ص) العالمية.

بأحدى الكتابات لهذا المفكر الشهيد والتي قبل إعداد الدستور والمصادقة عليه تم تقديمها الى مؤسس الثورة الإسلامية الإيرانية، الامام الخميني (رحمة الله عليه) قصد الاعتماد عليها في كتابة الدستور.

وأضاف منذر الحكيم قائلاً: في الواقع أن هذه الكتابات كانت تمثل طرحاً لنظام سياسي إسلامي حديث في زمن غيبة الامام المهدي (عجل الله تعالى فرجه) ويقوم على اساس نظرية تم التوصل إليها في علم الاجتماع القرآني.

يذكر أن في هذه السلسلة من الاجتماعات التي نظمت برعاية القسم الدولي لوكاله للانباء القرآنية العالمية (إيكنا) وبحضور الخبراء وتلامذة هذا العلامة الجليل والفاضل للعالم الإسلامي واستهدفت لدراسة الأفكار القرآنية وتفسيره الموضوعي.

× ولد سماحة الأستاذ السيد منذر الحكيم في مدينة كربلاء في عام ١٣٣٢ش وتلقى العلوم الدينية في حوزة النجف الاشرف وحوزة قم وتعلم فيهما عند الأساتذة العظام مثل الإمام الخميني (قدس)، آية الله العظمى السيد ابوالقاسم الخوئي، آية الله العظمى الشهيد السيد محمد باقر الصدر، آية الله العظمى ميرزا هاشم الأملي، آية الله العظمى الشيخ حسين وحيد الخراساني، آية الله جوادي آملی، آية الله خزعلي و...

له نشاطات علمية من تدريس في جامعات والحوزات العلمية وأثار علمية و تالیفات أكثر من اربعين مجلد كتاب وأكثر من مائة مقالات



دوريات

راية

سال پنجم

شماره ٧٦٥

٢٨ اسفند ١٣٨٨

١٤٤



## الشهيد الصدر.. أول منظر للتفسير الموضوعي للقرآن الكريم

وذلك دفعنا لنجتمع بأحد تلامذة الشهيد الصدر وهو آية الله "محسن الأراكي" ليقدّم لنا بعض الضوء على شخصية الشهيد الصدر. وبدأت الندوة أعمالها بكلمة للشيخ الأراكي الذي أشار إلى تفاصيل تعرفه على الشهيد الصدر والظروف السياسية التي كان يعيشها العراق أثناء حياة الشهيد مؤكداً أن التواجد ضمن حلقة دروس الشهيد الصدر آنذاك كان يعدّ مثابرة كبيرة وذلك نظراً للضغوط الذي كان يتعرض لها الشهيد وكل من يحضر دروسه.

رأى آية الله "محسن الأراكي" أنه بعد ماض بعيد من التفسير الموضوعي المبعثر فإن الشهيد الصدر كان أول من قام بالتنظير والتأطير لهذا النوع من التفسير وأقام له منهجاً خاصاً به.

الكلام عن الشهيد الصدر صعب للذين ليست لديهم دراسات معمقة في هذا المجال وإن ذلك يقع على عاتق تلامذته الذين حضروا مجلسه ودروسه لكي يقوموا بتبيين آراءه ومناحي شخصيته.





وخلال هذا اللقاء قال سماحته حول تعرفه على الشيخ الشهيد: إن ذلك يرجع إلى بدايات دخولي الحوزة العلمية حيث تعرفت على كتبه وقبل أربعين عاما درست كتاب "المدرسة القرآنية" للشهيد محمد باقر الصدر تحت إشراف آية الله الشيخ "محمد علي تسخيري" ثم بدأت بدراسة كتبه الأخرى كـ "اقتصادنا" و"فلسفتنا".

وحين سألناه عن لقاءه الأول بالشهيد الصدر قال الأراكي: إن لقائي الأول بالشهيد الصدر يرجع إلى قبل ٤٠ سنة حيث كنت مرافقا إذ رأيته في زقاق فلسمت عليه وأجاب علي سلامي سلاما حارا وترحيبا ثم ذهب يتكلم معي قسطا من الدرب حتى وصلنا إلى مفترق طرق فاستأذنتني أن يفترق عني ومنذ ذلك الوقت وأنا انجذبت إليه وإلى سلوكه الذي كان يشبه سلوك الأنبياء.

وأشار فضيلته إلى سمات الشهيد الأخلاقية وتواضعه ومحبهته التي كان يغمر بها الجميع حتى أعدائه فيجذبهم إليه مؤكداً أن تفاصيل أخلاقه وسلوكه كلها كانت تدل على انجذاب الشهيد إلى الله وامحائه في الوجود الإلهي وكان يمكن للجالس في دروسه ومحاضراته أن يحس أنه جالس إلى دروس كبار أولياء الله.

وشبه آية الله أراكي استشهاد الشهيد الصدر باستشهاد جده الإمام الحسين (ع) حيث اختار كل منهما الشهادة علما بالمصير حتى يظل الإسلام خالدا في العراق وتمحي عنه سيطرة البعثيين وقد اختار الشهيد الإستشهاد في سبيل الله لكي يمنع البعثيين من إكمال مهمتهم في دحر الإسلام في العراق مضيفاً أن من أوجه الشبه بين استشهاد الشهيد الصدر واستشهاد جده الحسين (ع) أن كليهما تحملا العطش والجوع قبل الإستشهاد حيث كان البعثيون فرضوا حصارا على بيت الشهيد الصدر امتد ستة أشهر فواجه الشهيد شحا في الماء والغذاء.

وحسب الشيخ الأراكي أنه يروى أن الشهيد رأى ذات يوم من أيام الحصار الذي كان يفرضه البعث عليه أن أحد الجنود البعثيين عطشانا فاقتدى بجده الحسين الذي أروى سجانته الحرن يزيد الرياحي وأمر أن يسقى ذلك الجندي بشربة ماء وذلك على الرغم من شح المياه والتي كان سببها وجود هؤلاء الجنود على الباب والذين كان يحن إليهم الشهيد بمحبته الإلهية.

كما أشار إلى مظلومية الشهيد الصدر بين العلماء من أبناء جيله قائلا: إن الكثير منهم قد شن هجوما لاذعا على الشهيد الصدر حيث يذكر أن خطيبا في التجف كان يخطب في الناس فدخل المجلس

وفي إشارة إلى خليقات الشهيد الصدر قال سماحته إن الأستاذ الشهيد كان يتمتع بخصال أخلاقية أشبه بأخلاق الأنبياء وذلك هو السر في بقاء آرائه وخلودها بعد استشهادها حيث كان الشهيد مسلحا بكل معاني الكلمة مؤكداً أنه اختار الشهادة طريقا لنفسه على غرار الامام الحسين (ع) لكي يخلد بذلك الإسلام والقيم الإسلامية في المجتمع العراقي خاصة وفي المجتمع الإسلامي عامة.

وأضاف فضيلة أن من سمات الشهيد الصدر التي تنم عن عبقريته أنه تعمق في كثير من العلوم الدقيقة وغير الدينية وتخصص فيها من غير أن يشرف عليه أستاذ مبينا أن للشهيد اليد الطويلة في كثير من الفروع المعرفية وتدل على ذلك كتاباته في هذه العلوم والتي لا تخلو من إبداع.

وأكد الأراكي خلال هذه الندوة أن الشهيد الصدر مفكر ذو

تفكير منظم ومنطقي تدقق كثيرا في القرآن الكريم وتعاليمه واستخدم القرآن الكريم في سبيل الإجابة عن أسئلة كان يميلها علينا الحاضر.

وقال الشيخ الأراكي: إن الشهيد

الصدر كان يرى التاريخ خاضعا لقوانين صارمة وذلك على العكس من مفكرى مدرسة قم من أمثال العلامة الطباطبائي والشيخ مطهرى الذين كانوا يؤكدون دور الأسباب الإنسانية في التاريخ حيث كان الشهيد الصدر إلى جانب علماء آخرين ك محمد تقى اصفهاني وميرزا النائيني والسيد ابوالقاسم الخوئي باعتبارهم من مدرسة التجف يذهب إلى تحكيم قوانين التاريخ في الأفراد.

#### مؤلفات الشهيد الصدر وضعت أسساً جديدة في المعارف

##### الإسلامية

كما أكد سماحته أن مؤلفات الشهيد الصدر ولاسيما كتابه "الأسس المنطقية للإستقراء" من أهم المؤلفات التي تمت في الآونة الأخيرة في العالم الإسلامي حيث تعمل على المبادئ المعرفية ووضع الجديد من الأسس في هذا المجال.

وقال العضو السابق في مجلس خبراء القيادة ومؤسس المركز الإسلامي بلندن والعضو في المجلس الأعلى للمجمع العالمي لأهل البيت (عليهم السلام) آية الله الشيخ محسن الأراكي ذلك مؤكداً مظلومية الشهيد السيد محمد باقر الصدر في الإعلام إذ يمكن أن يكون تغافل الإعلام للشهيد الصدر راجعا إلى عدم إبرازه مفسرا وهو محيي التفسير الموضوعي للقرآن الكريم وفقا لمتطلبات العصر.

أن تفاصيل أخلاقه  
وسلوكه كلها كانت تدل  
على انجذاب الشهيد إلى  
الله وامحائه في الوجود  
الإلهي



عدد من تلامذة الشهيد الصدر الذي كان حينذاك حيا فالتقف الخطيب الشيخ الشهيد بالنقد اللاذع قائلا إن هناك اليوم من بين من يدعى العلم بالدين من يهين الإسلام عبر قياسه بمدارس إلحادية كالشيوعية والرأسمالية في إشارة الى محاولات الشهيد الصدر في عرض الآراء الإسلامية مقابل المدارس الأخرى والتي كانت تهدف أساسا الى إبراز أفضلية المذهب الإسلامي في الإقتصاد والمعرفة وماشابه ذلك.

وفي إشارة الى الميزات التي امتاز بها الشهيد الصدر قال الشيخ الأراكي: إن من أهم هذه الميزات هي سيطرته الكاملة على الفقه حيث لم يكن لأحد السبيل الى الشك في ذلك فقد كان الشهيد عالما بزوايا الأمور الفقهية وخفايا آراء الفقهاء والى جانب ذلك يمكن الإشارة الى سيطرته على الفلسفة حيث تشير كتاباته الى هذه السيطرة التامة.

وقال متابعا: إن الميزة الأخرى النابعة من عبقرية الشهيد

الصدر هي تعلمه لبعض العلوم والمعارف دونما الرجوع الى معلم يعلمه ذلك فقد تعلم الأصول والرياضيات بهذه الطريقة الذاتية التعليم ومن العجائب أنه تبحر في الرياضيات تبحرا يجعله مرادفا كبار هذا العلم وقادرا على حل المشكل من مسائلها والدليل على ذلك هو كتابه "الأسس المنطقية للإستقراء".

وحول كتاب "الأسس المنطقية للإستقراء" قال

الشيخ محسن الأراكي: إن هذا الكتاب من شأنه أن يغير مبادئ المعرفة ويضع أصولا جديدة للمعرفيات مبينا أن هذا الكتاب هو من أعظم ما كتب في الفترة الأخيرة في العالم الإسلامي والدليل الدامغ على عظمة هذا الكتاب ومكانته هو انتشاره الكبير رغم أنه صعب وموجه للمختصين فقط.

وذكر أن الشهيد الصدر وخلافا للمنهج المعتاد لدى فلاسفتنا من أمثال الشهيد مطهري والعلامة الطباطبائي فقد كان يرى أن إثبات وجود الله عبر المنهج التجريبي أمر ممكن فقدم في هذا السبيل منهجه الخاص في الإستقراء مؤكدا أن الشهيد الصدر أرجع الى الإستقراء قيمته ومكانته فأدخله الى علوم كالفقه والأصول فقدم الكثير من النتائج المبهرة في هذا المجال.

الشهيد الصدر لم يكن يعتقد بسيطرة العلية على التاريخ والسلوك الإنساني

أكد سماحته "إن آية الله الشهيد السيد محمد باقر الصدر (رض) لم يكن يذهب الى سيطرة السببية وقانون العلية على التاريخ والسلوك الإسلامي مثله في ذلك مثل بقية علماء مدرسة النجف من أمثال آية الله "محمدتقي إصفهاني" و"ميرزا النائيني" و"السيد ابوالقاسم الخوئي" (رحمهم الله).

وفي عرض لآراء علماء مدرسة النجف الأشرف عامة والشهيد الصدر خاصة فيما يتعلق بموضوع العلية والسببية وأثره في التاريخ والسلوك الإنساني قال الشيخ الأراكي: إن الشهيد الصدر كان ينظر الى التاريخ على أنه مقنن ولكنه كان يرى أن جذور هذا القانون هي أغلبية حيث أن أحداث التاريخ لاتحكمها علاقة حتمية وقطعية وهذا هو رأي علماء مدرسة النجف الذين لا يذهبون الى سيطرة

قانون العلية والسببية على التاريخ ولا يرون القانون السببي العام شاملا للسلوك الإرادي.

واضاف الشيخ الأراكي بالقول: إن ذلك في تعارض مع ما يذهب اليه جمهور العلماء في مدرسة قم وأعلامها من أمثال العلامة الطباطبائي والإمام الخميني والشهيد مطهري (رحمهم الله) حيث كانوا يرون التاريخ تحت ظل قانون السببية.

كما أشار سماحته الى أن الشهيد الصدر كان يرى التاريخ مقننا بقوانين ولكنه كان يذهب الى أن هذه القوانين ليست حتمية وإنما أغلبية ومن هذا الباب يدخل الشهيد الى تفسير مجريات التاريخ مستخدما في ذلك آيات قرآنية ليدون نظريته في هذا المجال وكان ينوي تفصيل نظريته الى التاريخ في كتابه "مجتمعنا" الذي لم تسنح له الفرصة لكتابته وقيل إنه كتب الكتاب في زمن الحصار البعثي المفروض على بيته ولكن القوات البعثية أعدمت الكتاب بعد استشهاده.

وحسب آية الله الأراكي فإن لشهيد الصدر مبحثا آخر فسر من خلاله وباستخدام الآيات القرآنية الأحداث المعاصرة محاولا استخدام القرآن في فهم الأحداث اليومية وجمعت مباحثه ومحاضراته في كراسات شكلت كتاب "الإسلام يقود الحياة" الذي يقع في خمسة مجلدات وهو آخر ما طبع رسميا من الشهيد بعد

أن الشهيد الصدر وخلافا للمنهج المعتاد لدى فلاسفتنا من أمثال الشهيد مطهري والعلامة الطباطبائي فقد كان يرى أن إثبات وجود الله عبر المنهج التجريبي أمر ممكن





من اليمين: السيد محمد جعفر الصدر (رجل الشهيد)، الشهيد صدر، السيد مهدي الصدر، السيد محمود الهاشمي الشاهرودي، السيد محمد علي الخارزي، السيد محمود الخليلي

نرى انطباقا بين رأى الشهيد الصدر حول خلافة الإنسان العامة وحول رأى الغربيين حول الديمقراطية قال الشيخ الأراكي: إن ثمة شبهة بين هذين الرأيين إلا أن الشهيد كان يذهب الى شهادة الأنبياء، على هذا الدور الخليفي ووصايتهم على هذا الدور الذي لم يكتمل لولاهم مبينا أنه كان يذهب الى تضلع الأوصياء والفقهاء بهذا الدور بعد زمن النبوات.

وصرح آية الله الشيخ محسن الأراكي أن استاذنا الشهيد السيد الصدر كان يرى أن أصل ولاية الفقيه مبني على هذا الدور الإشرافي معتقدا أن الولي الفقيه يتضلع بدور أكبر من الإشراف حيث يرعى الخلافة العامة ويقودها حتى يستطيع الإنسان - الخليفة بذلك تأدية دوره الخليفي وتحقيق مايتغيه هذا الدور،

وفي الختام رحب الشيخ محسن الأراكي بمبادرة وكالة إيكننا بدراسة مختلف المناحي العلمية والسياسية والقرآنية للشهيد الصدر حاسبا هذه الخطوة خطوة إيجابية في الطريق الصحيح ومؤكدا أن هذه المبادرة في حاجة الى دعم أكبر من المؤسسات ومراكز البحوث وتغطية من جانب المؤسسات الإعلامية.

انتصار الثورة الاسلامية في إيران وفيه كثير من الإجابات عن حاجات الثورة الإسلامية..

كما أشار فضيلته الى مباحث قيمة من الشهيد الصدر في كتابه "خلافة الإنسان وشهادة الأنبياء" طرح من خلالها الشهيد نظرية خلافة الإنسان من خلال الآيات القرآنية حيث كان ينظر الى خلافة الإنسان على أنها خلافة عامة معناها أن الإنسان بمختلف أعرافه خليفة لله على الأرض والخلافة هذه سارية المفعول في كل أفراد البشر وليس للأنبياء دور الا دور الشاهد على هذا الدور الذي يقع على عاتق كل الناس من مختلف الطبقات دون النظر الى كماليهم.

وتابع سماحته القول: إنه خلافا لما يقوله الأغلبون من العلماء في خلافة الأنبياء والإنسان الكامل حيث يفسرون الآية القرآنية التي تقول "إني جاعل في الأرض خليفة" بأن المراد منها الأنبياء والأولياء، الذين يقع على عاتقهم فرض التشريع وإصدار القوانين فإن الشهيد الصدر كان يذهب الى أن المراد بهذه الآية هو الإنسان عامة حيث يكون خليفة لله تعالى في الأرض وله قدرة التشريع.

وفي معرض جوابه عن سؤال وجه اليه عما إذا كنا نستطيع أن



## كان الشهيد الصدر يرمي إلى تنشيط الفقه الشيعي من خلال طرح المرجعية الموضوعية

كان أبا ومربيا وكان يهتم بتربية طلابه من جميع النواحي كما كان قائدا روحيا ومعنويا للطلاب وغيرهم من أفراد المجتمع وكان يتوقع أن يحقق إنتصارات إسلامية عظيمة ولو كان على قيد الحياة، لكن يحقق ذلك بالتأكيد، هذا بالإضافة إلى ما قام به من تأليفات كثيرة جدا وعلى مستوى عال من الفكر الإسلامي وفي مدة عمره القصير استطاع أن يخلف مؤلفات فكرية عميقة كثيرة جدا واستطاع أن يؤثر بفكره الثاقب وبنظرياته المختلفة ويبداعته العلمية في أعماق المجتمع الإسلامي.

كان آية الله السيد علي أكبر الحائري قبل مهاجرته إلى إيران يدرس عند الشهيد الصدر في مدينة النجف الأشرف لمدة أكثر من خمس سنوات، ثم هاجر إلى إيران وبعد سقوط النظام البائد رجع إلى النجف الأشرف وبدأ التدريس في بحث الخارج أصولا وفقها في الحوزة العلمية في النجف الأشرف. ومن أهم مؤلفاته هي الشرح على الحلقة الثالثة لكتاب "دروس في علم الأصول" للشهيد السيد محمد باقر الصدر إلى جانب مؤلفات أخرى في علم الأصول ومقالات مختلفة فكرية منشورة في المجلات شتى.

كيف استطاع الشهيد الصدر أن يطوّر المرجعية من الحالة التقليدية إلى أن سمّاها بالجهاز المرجعي أو بالنظام المرجعي، وجعل فيها وكلاء وما شابه؟

كان أستاذنا الشهيد (رض) يقسم مراحل المرجعية إلى ثلاثة أقسام وهذا التقسيم موجود في إحدى محاضراته بعنوان "المحنة" أو "المفهوم القرآني للمحنة"، حيث تعرض فيها لتفاصيل مراحل المرجعية عند الشيعة ودور الشهيد هو إستضافة المرحلة الرابعة لهذه المراحل الثلاث وتطوير المرجعية الذاتية إلى المرجعية الموضوعية، إذ أن المرجعية الموجودة في يومنا هذا مرجعية ذاتية

أكد آية الله السيد علي أكبر الحائري أن الشهيد الصدر كان يرى أنه من الصالح أن يطور المرجعية الذاتية المتقومة بذات الشخص المرجع إلى المرجعية الموضوعية التي تتمثل في المرجعية للجنة العلمائية وكان يستهدف من طرح هذه الأطروحة تنشيط فقه الشيعة.

لوسمحتم تحدثوا لنا حول العلاقة التي جمعتمكم والشهيد الصدر؟ درست وتعلمت عند الشهيد الصدر لمدة أكثر من خمس سنوات، سيدنا الشهيد محمد باقر الصدر لم يكن أستاذا فحسب، بل





يبحث موضوع التفسير الموضوعي فبدل يومين من أسبوع درس الفقه بالتفسير (كان رحمه الله يدرس الفقه يومياً من السبت إلى الأربعاء) طرح هذا البرنامج استمر لمدة ١٤ جلسة وخلال ٧ أسابيع، حيث سجلت هذه الجلسات الـ ١٤ وخلال هذه المدة استطاع أن يلقي محاضرات تفسيرية في أعلى مستوى وطرح نظريات أبدع فيها ويوضح الفرق بين التفسير الترتيبي والتفسير التجزيئي.

كان الشهيد الصدر يرحح أسلوب التفسير الموضوعي على أسلوب التفسير التجزيئي، حيث كان يقول إن أسلوب التفسير التجزيئي في يومنا هذا يبدأ من بداية القرآن الكريم آية آية حتى نهاية القرآن الكريم بينما الأولى من هذا، أن يختار موضوع معين و تجمع الآيات المرتبطة بهذا الموضوع المعين مستقلاً عن باقي الآيات ويفسر الموضوع في ضوء القرآن الكريم وفي هذه الحالة كل موضوع بإمكانه أن يطرح على القرآن الكريم.

إن الموضوع الذي طرحه على القرآن الكريم لتطبيق نظرية التفسير الموضوعي هو موضوع "السنن التاريخية" واستنطق القرآن الكريم حوله حيث "أنه القرآن الكريم ماذا يعطينا من نظريات وقواعد جارية في التطور التاريخي" وهذا كان تطبيقاً للتفسير الموضوعي على هذا الموضوع بالذات وكل هذا كان خلال ١٤ محاضرة ولكن الأعداء لن يعطوه فرصة الإستمرار وبعد ذلك حدث ما حدث ثم اعتقل السيد الصدر وبعد ذلك استشهد (رض).

**هل كان لتطرق الشهيد الصدر في موضوع التفسير الموضوعي وقع في الصحوة الإسلامية؟**

نظراً لأهميه أسلوب التفسير الموضوعي وإهتمامه بواقع المجتمع والحياة من منظار القرآن الكريم قطعاً طرح هذا الموضوع من جملة النقاط المهمة والمؤثرة في الساحة العامة و بين المثقفين وأيضاً في القواعد الشيعية والإسلامية التي إنجزت الصحوة الإسلامية.

**هل لديكم ذكريات من تلك الآونة؟**

كل حياتي مع الشهيد الصدر ذكريات.. هو دائماً كان يصير على الجانب الروحي والمعنوي؛ أتذكر مرة في ليلة قدر قضيتها معه في حرم امير المؤمنين (عليه السلام) فتأثرت من معنوياته فصارت تنزل دموعي وفي تلك الليلة، طرح علي سؤالاً بأن ما هي أفضل الأعمال تقرباً في ليلة القدر؟ فأجابني: "إن ما يبدو لي أن الأعمال تختلف شخص إلى الآخر إذ أن بعض الأشخاص يتأثرون بالدعاء وبعض الأشخاص يتأثرون بتلاوة القرآن والبعض يتأثرون بالمناجاة، فأفضل الأعمال إلى كل شخص في ليلة القدر لعله هو ما يربطه بالله تعالى..". فالجواب من هذا القبيل لطيف و ظريف.

متقومة بذات الشخص المرجع، لكن الشهيد الصدر كان يرى أنه من الصالح أن يجعلها في مرجعية اللجنة العلمائية حيث تنبثق من هذه المجموعة لجان أخرى، كل لجنة تقوم بجانب من جوانب نشاط المرجعية ويقودوا نشاط اللجنة في شتى الجوانب التي تنضوي تحت نشاط المرجعية وبالتالي وكلائهم في أنحاء العالم المختلفة ينضمون تحت هذه اللجان بشكل من الأشكال.

وكان الشهيد الصدر يستهدف من خلال طرح هذه النظرية تطور المرجعية من وضعها الموجود في يومنا هذا إلى مرحلة جديدة، لذا كتب كراس في هذه الأطروحة تحت عنوان "المرجعية الصالحة والموضوعية" وهذا الكراس منشور في بعض الكتب والمجلات وفي الواقع هذه الأطروحة ترمي إلى تنشيط فقه الشيعة.

**ما هي العوائق التي كان يواجهها الشهيد الصدر في الحوزة العلمية بسبب مشروعه المنفتح والحديث آنذاك؟**

كانت العوائق تنقسم إلى قسمين: هناك عوائق كان يشكلها العدو البعثي وهي ما تعرفونها من معاداة وضغوطات وتعذيبات التي كانت الحكومة الطاغية تمارسه عليه، كما كانت هناك ضغوطات تمارسه ضده الجهلة غير الأعداء من الحوزة العلمية ومن المرجعيات الموجودة. إضافة إلى العوائق الكثيرة لانحسب أن ندخل في تفصيلها، إذ أن إثارته لا يكمن فيها مصلحة لنا وللمرجعية وللشيعة بصورة عامة وكانت ومضت والله تعالى لا يعيدها ولا يكررها على مرجع آخر، إن شاء الله.

**ما هي العلاقة التي كانت تربط الشهيد بالمراجع الكبار مثل السيد الخوئي (ره) والإمام الخميني (رض)؟**

كان أستاذنا الشهيد الصدر في محاولة دائمة لتحسين علاقته مع جميع المراجع ولاسيما المراجع الواعين مثل الإمام الخميني (رض) والسيد الشهيد كان تلميذ السيد الخوئي وكان يعبر عنه بـ «السيد الأستاذ» وكان يلتقي مراراً وكراراً بالمراجع و يسعى أن يجعل علاقته بالمراجع الآخرين علاقة طيبة ومفيدة ومثمرة.

**كما تعلمون في عصرنا الحاضر إن شهيد الأمة الشهيد محمد باقر الصدر يعد من السباقين إلى طرح نظرية التفسير الموضوعي في الأندية العلمية والمعاهد الدينية والشرعية.. كيف استطاع أن يكرس مجهوده وأفكاره وأمانيه التي كان يترقبها ألا وهي تكريس وتبسيط الضوء على مبان علمية رصينة في خلايا المجتمع الإيماني؟**

طرح السيد الشهيد محمد باقر الصدر فكرة التفسير الموضوعي ضمن المحاضرات التي ألقاها في أواخر حياته ورأى من المصلحة أن



## الهمّ الأساسي للشهيد الصدر كان البناء المنهجي للحوزات العلمية



بذل قصاري جهده في الإمتثال بالرسول الأكرم (ص) وأهل بيته وإعادة الدور المركزي إلي المرجعية الدينية وإصلاح الأضرار التي تسبب بها إبتعاد الناس عن الشريعة والتعاليم الدينية.

وقال آية الله الناصري إن من دواعي الشرف له ٢٥ عاما من التتلمذ ومجاورة الشهيد الصدر وتلقي العلوم من ينبوع الشهيد مؤكداً أن من أفضل ما حصل في حياته هو ملازمة دروس الشيخ الشهيد في الفقه وأصول الفقه والذي كان يقيمها الشهيد الصدر عام ١٩٦٦ في مدينة النجف الأشرف.

وأشار الشيخ الناصري إلي أن الشهيد الصدر كان يبدي إهتماما كبيرا بالقضايا الإسلامية التي لم تجد صدى مناسباً بشأنها في الحوزات العلمية ومن هذه القضايا موضوع القرآن الكريم الذي كان يراه الشهيد جديرا بإهتمام أكبر من الحوزات العلمية وفي سبيل ذلك قام الشهيد الصدر بتشجيع تلامذته علي البحوث والدراسات القرآنية.

وكنموذج علي هذا التشجيع أشار إمام الجمعة في الناصرية إلي أن الشهيد الصدر هو الذي حثه علي تأليف "مختصر مجمع البيان في تفسير القرآن" وهو من أهم المصادر التفسيرية في ثمانية مجلدات مؤكداً أن الشهيد الصدر هو من حثني علي دخول مجال العلوم القرآنية لأنه كان يرى أن القرآن هو السبيل الوحيد لانبعاث الأمة الإسلامية وأمانة الله ورسوله بين أمتة.

وأكد آية الله الناصري أنه يدين بجمع كتبه إلي الشهيد الصدر وآراءه مشيراً إلي أن من الكتب التي كتبها متأثراً بالشهيد وإهتماماته "التفسير

آية الله الشيخ محمد باقر الناصري، أحد تلامذة الشهيد الصدر وهو الآن إمام الجمعة في مدينة الناصرية ولد في العراق عام ١٩٣١ وأدى دوراً فاعلاً في تنفيذ المواد التي إقترحها الشهيد الصدر لإصلاح الحوزات العلمية وتأثر كثيراً بآراء أستاذه محمد باقر الصدر مما يمكننا من القول إنه بعد حامل إهتمامات الشهيد الصدر إلي يومنا هذا. وبعد إستشهاد الشهيد الصدر علي يد عناصر البعث إضطرت نتيجة للضغوط التي مارسها النظام البعثي ضده إلي مغادرة العراق حيث أمضى سنوات من النفي في سوريا وبريطانيا وله عدد من المؤلفات منها "مختصر مجمع البيان في تفسير القرآن" و"دراسات في التاريخ الإسلامي" و"علي ونظام الحكم في الإسلام" و"التفسير المقارن" و"التفسير الموضوعي للقرآن" و"صور دامية من تاريخ الشيعة والتشيع".



إن من أهم القضايا التي شغلت بال الشهيد "محمد باقر الصدر" تعزيز بنية الحوزة العلمية كالورث الوحيد لمدرسة الرسول الأكرم (ص) وأهل البيت (عليهم السلام) ومن أجل ذلك فقد أبدى إهتماما كبيرا بإصلاح المنهج في الحوزات العلمية مما أثار حفيظة البعض من ذوي الفكر المرتجع

آية الله الشيخ "محمد باقر الناصري" كبير علماء جنوب العراق وإمام الجمعة في مدينة "الناصرية" جنوب العراق قال مبيناً أن الشهيد الصدر





أن الشهيد كان مهتما إلى حد بعيد بحيوية المجتمع الإسلامي وتحكيم أواصره ومن أجل ذلك طرح مشروع المرجعية الموضوعية والمرجعية الرشيدة تأكيداً منه على تنفيذ إصلاحات وتمتين الوحدة الإسلامية. وازداد آية الله الناصري: إن نظام البعث في العراق أدرك مكانة الشهيد الصدر السامية وأهمية آراءه في توعية الأمة الإسلامية ورأي الخطر الذي تمثله آراء الشهيد على استقرار نظامه الإستبدادي ولذلك فقد شن هجوماً على آراء وشخصية الشهيد الصدر والذي إنتهت به إستشهاده وحرمان الأمة الإسلامية من آراءه القيمة.

وأكد الشيخ الناصري ضرورة التمسك بالأفضل والأفصح وقال: إن شخصية الشهيد الصدر كانت على درجة عالية من الجاذبية حيث كانت تستقطب المخاطب وتشده إلى نفسها فينجذب إليها المستمع ويتبعها دون أن يدل ذلك على أنانية لدى الأستاذ الشهيد محمد باقر الصدر.

وأكد آية الله الناصري أن السيد محمد باقر الصدر كان نقطة قوة الفكر الإسلامي في الزمن المعاصر مما يجعل من دراسة شخصية الشهيد فرضا على الرجال والنساء من المسلمين وخاصة منهم تلامذة الشهيد مصرحاً أن على هؤلاء تبين نقاط القوة في شخصية الشهيد الصدر والقيام بنشر أعماله وآراءه السامية التي ندين لها بكل ما نقدم اليوم من آراء فقهية وفكرية مستجدة.

وقال إمام الجمعة في مدينة الناصرية العراقية: إن الشهيد الصدر كان تجسيد الإسلام مبنياً على الشهيد مثل الإسلام في كل سلوكياته وحمي النبي وأهل البيت في جميع تصرفاته مبدياً إخلاصه التام للتمسك بالحديث النبوي الشريف القائل "إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله وأهل بيتي". وحول الزوايا الروحية والعبادية لدى الشهيد الصدر قال الشيخ الناصري: إن من يقوم بدراسة الحياة العبادية لدى الشهيد الصدر سوف يظن أن الشهيد نذر حياته كلها للعبادة والتبتل إلى الله وهذا ما يؤكده أقرباء الشهيد الذين يبينون أن حياة الشهيد كلها كانت في طاعة الله وقد تجلت هذه الطاعة في جميع مناحي حياة الشهيد طيلة حياته. وفي نهاية الحوار قال آية الله الناصري: إنني لازمت الشهيد الصدر في كثير من محطات حياته في العراق وأثناء سفره إلى بيت الله وإستطيع القول "إن حياة الشهيد كانت سمته الأساسية البساطة والزهد الذي أبداه الشهيد إزاء المظاهر الدنيوية حيث كان الشهيد الصدر يبتعد عن زخرفات الدنيا ويهدف إلى رضا الله ويجعل من تعالي الإسلام نصب عينيه".

الموضوعي المقارن" في ٨ مجلدات و"إختصار وتلخيص تفسير التبيان للشيخ الطوسي" في ٣ مجلدات والكثير مما كتبه في التفسير الموضوعي للقرآن الكريم والذي كان يؤكد الشهيد الصدر ويراه ذا أهمية عالية في سلم الفكر الإسلامي.

وفي صعيد آخر من حوارنا أشار الشيخ الناصري إلى الهموم الفكرية للشهيد الصدر قائلاً إن الشهيد الصدر كان يتمتع بفكر إسلامي تاريخي شامل حيث يمكن الإشارة إلى إهتمامه بتأسيس حكومة إسلامية مما دفعه إلى كتابة كتابه "الإسلام يقود الحياة" والذي كتبه أو أن إنتصار الثورة الإسلامية في إيران وقدّم فيه إجابات على أسئلة تتعلق بموضوع الحكم الإسلامي وحيثياته مما ساعد كثيراً الحكومة الإسلامية الحديثة العهد في إيران.

وقال آية الله الناصري: إن الشهيد الصدر كان مصلحاً أخلاقياً يسعى إلى تربية جيل من المفكرين الملتزمين بالأخلاق والحيوية الفكرية لأنه كان يرى أن التقهقر الأخلاقي والإبتعاد عن التعاليم الدينية تؤدبان بالمجتمع الي خلاً لا يسده شيء.

وفي إشارة إلى جهود الشهيد الصدر في سبيل إصلاح الأخطاء التي أحدثتها الحكومات المتتالية في مجري الفكر السياسي في الإسلام قال آية الله الناصري: إن الآراء السياسية للشهيد الصدر تشكلت تحت ظل التعاليم الإسلامية ولذلك فقد إنجذب إليها الكثيرون حتى من أعدائه من الزمرة البعثية الذين لم يستطيعوا غض الطرف على طرافة آراءه وكنتم إنجذابهم إليها.

وشرح الشيخ الناصري أن للشهيد الصدر حقاً كبيراً على الأمة الإسلامية بسبب صرخاته الإصلاحية وجهوده التي بذلها في سبيل سد الثغرة بين مختلف مكونات الأمة الإسلامية وتتجلى ميوله التقريبية التي إتسمت بها حياته في دعوته الشهيرة التي أطلقها قائلاً "يا أبناء علي والحسين ويا أبناء أبي بكر وعمر إن المعركة ليست بين الشيعة والحكم السني".

وأردف آية الله الناصري قائلاً: إن الشهيد الصدر مصدر فخر واعتزاز الأمة الإسلامية جمعاء ولم يقدر أحد شخصيته الفكرية حق تقديرها إلى الآن وتقع على عاتق الجميع وخاصة تلامذته مسؤولية كبيرة في عرض آراءه والتعريف بها لكي يتسنى للجميع من أفراد الأمة الإسلامية الإستفادة من آراءه الإصلاحية العميقة وخاصة فيما يتعلق بالقرآن الكريم.

وتابع تلميذ الشهيد الصدر: إن آية الله العظمى الشهيد محمد باقر الصدر كان موسوعة إسلامية يستطيع الباحثون العثور على مختلف مناحي الفكر الإسلامي لديه وإننا لم نقدره حق قدره إلى يومنا هذا مؤكداً

إن آية الله العظمى الشهيد محمد باقر الصدر كان موسوعة إسلامية يستطيع الباحثون العثور على مختلف مناحي الفكر الإسلامي لديه



# الشهيد الصدر يؤكد على صياغة فقهية جديدة مستوعبة لحاجات الفرد والمجتمع والدولة كان السيد الخميني على دراية تامة بمستوى الشهيد الصدر



الصدر مجموعة محاضرات في تفسير القرآن، وقد نحى في هذه المحاضرات منحى «التفسير الموضوعي للقرآن».

فإليكم نص الحوار:

هل حضرتكم في دروس الشهيد الصدر؟ لو سمحتم تحدثوا لنا عن العلاقة التي جمعتمكم والشهيد الصدر؟ هل لديكم ذكريات من تلك الآونة؟ قرأت للشهيد الصدر منذ كنت طالباً في المرحلة الثانوية وكنت مشدوداً إلى فكره وطروحاته، وقد تشكل في داخلي عشق كبير إلى هذا العالم الرباني وكانت فرحتي كبيرة جداً يوم قررت الهجرة إلى النجف الأشرف في أواسط الستينات لأتي سوف ألتقيه، سوف أنظر إليه، سوف أجلس بين يديه.. وتحققت الأمنية الكبيرة وجلست بين يديه، وقبّلت بكل حبّ يده الطاهرة.

في اللقاء الأول كنت مأسوراً لمشاعر وأحاسيس لا أملك القدرة على التعبير عنها، لأتّها أكبر من الكلمات، واستمرت الزيارات إلى مجلسه ولا زلت أتذكر بركات تلك الزيارات، كان مجلسه مجلس فقه، وعلم، وثقافة، وأخلاق، وتوجيه، وبناء، إن من يلتقي السيد الصدر لا يملك إلا أن يكون مشدوداً إليه، وإلى روحانيته المتدققة، وإلى بسماته المملوءة بالحب، وإلى كلماته الحانية، وإلى أخلاقه الربانية، وإلى تواضعه الذي يأسر القلوب.

أما عن التحاقى بدروسه الأصولية والفقهية - دروس الخارج - فبعد أن قطعت شوطاً من الدراسة في مرحلة السطوح إستشرت سماحة السيد في أن ألتحق بدروسه الأصولية والفقهية، فشجّعتني، وهكذا بدأ مشواراً جديداً في العلاقة مع أستاذنا الشهيد الصدر.. وقد كانت هذه الدروس المباركة فرصة طيبة للتعرف على أبرز تلامذة الشهيد الصدر، وقد تكوّنت معهم علاقات حميمة ووثيقة رغم الفارق الكبير في السن وفي المستوى.

ويمتاز العلامة السيد عبدالله الغريفي بمكانة إجتماعية كبيرة في البحرين وصدى قوي وبدوره البين وكلماته المؤثرة، إستطاع أن يخرج جيلاً مؤمناً رسالياً واعياً يحمل بين طياته مفاهيم الإسلام ونور الإيمان وفكر القرآن هذا كله ليس بغريب على سماحة السيد فهو تلميذ وتربية آية الله العظمى السيد محمد باقر الصدر (ره).

وصرح "العلامة الغريفي" أصغر تلامذة الشهيد الصدر آنذاك، إلى أن الشهيد الصدر (ره) لقد أسس فقهياً لمشروعه التغييرى فصنّف الفقه إلى ثلاثة مستويات: (فقه الفرد/ فقه المجتمع/ فقه الدولة) وأكد ضرورة صياغة الفقه صياغة جديدة مستوعبة لحاجات الفرد والمجتمع والدولة.

كما أكد "العلامة الغريفي" أن منهج الشهيد الصدر التفسيريّ حرك أسلوباً يعتمد لغة البحث العلمي الأكاديمي في معالجة المفاهيم القرآنية والمفاهيم الإسلامية ويمكن للمتتبع لكتابات الشهيد الصدر المتنوعة أن يكتشف المنهجية العلمية المتقدمة التي مارسها السيد الشهيد مما أعطى لنتاجاته الفكرية دوراً تأسيسياً واضحاً.

وقال العلامة السيد عبدالله حول الجوانب المؤثرة في شخصية المفكر العملاق السيد الشهيد محمد باقر الصدر (ره): للشهيد السيد





دوره ١٥٣

راهنما

سال پنجم

شماره ٧٦

٢٨ اسفند ١٣٨٨

١٥٣

انطلاقاً من قناعاته بضرورة أن تكون هناك مرجعية مركزية قوية ورغم إتساع قاعدة التقليد للشهيد الصدر بعد وفاة السيد الحكيم، إلا أنه بقي داعماً لمرجعية السيد الخوئي، إلا أن الأوضاع والمتغيرات وضرورات الواقع العام للأمة، كل ذلك فرض على الشهيد الصدر قناعة أن يُشهر مرجعيته، خاصة وأن مرجعية السيد الخوئي أصبحت محاطة بأوضاع لم تسمح لها أن تتصدى لقضايا الواقع الثقافية والاجتماعية والسياسية، مما اضطر الشهيد الصدر أن يتصدى علناً للمرجعية مع إحتفاظه الكبير بمقام السيد الخوئي ومقام المراجع الآخرين.

ولم يزعج هذا التصدي أحداً من المراجع البارزين في ذلك الوقت كالسيد الخوئي والسيد الخميني وغيرهما حيث أن العلاقة استمرت بدرجاتها المتميزة.. نعم يُمكن أن نُسجل هنا أن بعض حواشي المراجع والذين لم يستوعبوا الأهداف لحركة الشهيد الصدر قد أبدوا انزعاجاً واضحاً من إعلان مرجعية الشهيد الصدر، بل ومارسوا دوراً مضاداً لهذه المرجعية.

ما هي العلاقة التي كانت تربط الشهيد الصدر بباقي المراجع في النجف الأشرف؟ ما هي الأقوال والرؤود على إعلان مرجعية الشهيد السعيد آنذاك؟

العلاقة مع المراجع الكبار المعروفين في تلك المرحلة كانت علاقة قوية جداً و متميزة؛ فالشَّهيد الصدر عالمٌ كبيرٌ ومفكّرٌ بارز، ومجاهدٌ صلب فمِن الطبيعي أن يحظى بالمكانة اللائقة به في أوساط المراجع والفقهاء والعلماء والمفكرين ومن الواضح تلك العلاقة المتميزة جداً بين الشَّهيد الصدر والمرجع الديني الكبير المشهور "السيد محسن الحكيم"، ويكفي أن نفهم هذه العلاقة من خلال ارتباط ثلاثة من أُنجال السيد الحكيم ارتباطاً وثيقاً بالسيد الصدر وهم: "السيد محمد باقر الحكيم"، "السيد مهدي الحكيم"، "السيد عبد العزيز الحكيم".

أمّا علاقة السيد الصدر بالمرجع الكبير زعيم الحوزة العلمية "السيد الخوئي" واضحة جداً، فالشَّهيد يحظى بتقديرٍ متميزٍ من سماحة السيد الخوئي رغم المحاولات التي أرادت أن توقع انفصاماً في هذه العلاقة، وكذلك العلاقة مع المرجع الديني الكبير والفقهاء الثائر "السيد الخميني"، كانت علاقة في غاية القوة فكان الشَّهيد الصدر على بصيرة تامّة بحركة السيد الخميني الجهادية وكان السيد الخميني على دراية تامّة بمستوى الشَّهيد الصدر وبدوره الجهادي الرائد.

أمّا إعلان مرجعية الشَّهيد الصدر، ففي أيام مرجعية السيد الحكيم لم يُعلن الشَّهيد الصدر عن مرجعيته، لأنّه كان يرى ضرورة التأكيد والدعم لمرجعية مركزية كبيرة، نعم كان للشَّهيد الصدر مقلدون في حدودٍ معينة، إلا أن هذا ما كان - في نظر الشَّهيد الصدر - مبرراً لأن يُشهر مرجعيته.

وبعد رحيل السيد الحكيم تمركزت المرجعية لدى السيد الخوئي رغم وجود مراجع كبار آخرين وقد ساهم الشَّهيد الصدر في الدعم والتأييد لهذه المركزية



الإنجذاب.. هل هو التواضع والأريحية؟ ربما يكون لذلك تأثير.. إلا أن  
للجذب سرّاً أعمق وأعمق، إنّه «الربانيّة والروحانيّة» المتجذّرة في  
شخصيّة الشّهيد السيد الصّدر رضوان الله عليه.. ليست ربّانية  
وروحانيّة متصنّعه ومتكلّفة ومرائيّة إنّها الربّانيّة والروحانيّة الصادقة  
التي أصبحت جزءاً في كينونته، وملكّة في طباعه وأخلاقه  
وسلوكيّاته، ونلحظ ذلك من خلال المحطّات التالية:

المحطّة الأولى: خشوعه وانقطاعه إلى الله تعالى في العبادة..

يحدّثنا "الشيخ النعماني" وهو من المرافقين

للسهيد الصّدر: "فكان - يعني السيد الصّدر -

في أحيان كثيرة يجلس في مصلاه فكنت

أجلس خلفه، وقد دخل وقت الصّلاة،

بل قد يمضي على دخول وقتها أكثر

من نصف ساعة، والسيد جالس مطرّق

برأسه يفكر، ثمّ فجأة ينهض فيؤدّي

الصّلاة، هذه الأمور وغيرها دفعتني في

يوم من الأيام للإستفسار منه عن سبب

هذه الظّاهرة.. فقال رضوان الله عليه: (إنّي

آليت على نفسي منذ الصّغر أن لا أصلي إلّا بحضور

قلبٍ وانقطاع، فاضطرّ في بعض الأحيان إلى الانتظار

حتى أتمكّن من طرد الأفكار التي في ذهني حتى

تحصل لي حالة الصّفاء والانقطاع وعندها أقوم

للصّلاة). هكذا كانت حالة الشّهيد الصّدر في صلاته،

وفي دعائه، وفي تلاوته للقرآن، انقطاع تامّ إلى الله

تعالى، وذويان وانصهار وخشوع وتضرّع.

المحطّة الثانية: أخلاقه الربّانيّة

والروحانيّة مع طلابه:

أحاطهم بحبّه

وعطفه وأبوّته

ورعايته،

ممكن أن نتحدّثوا لنا عن الجانب الروحيّ والعباديّ في حياة

الشّهيد الصّدر؟

الشّهيد الصّدر يملك شخصيّةً جذّابةً، ما سرّ هذه الجاذبيّة؟ هل

هو مجرد العلم والفكر والثقافة؟ كثيرون يملكون العلم والفكر

والثقافة ولا تجد نفسك تنجذب إليهم هذا الإنجذاب.. هل هو القدرة

المتميّزة في الحديث والكلام؟ كثيرون

يملكون هذه القدرة، ولا تجد نفسك

تنجذب إليهم هذا







البعد الثاني: تطوير أهداف المرجعية؛ إن حركة الواقع في مستجداته ومتغيراته وتحدياته تفرض الحاجة إلى تطوير الأهداف التفصيلية للمرجعية، إن الهدف الاستراتيجي المركزي للمرجعية هدف ثابت، إلا أن الأهداف المرحلية والأهداف التفصيلية أهداف متحركة ومتغيرة، مما يفرض عملاً متحركاً لتطوير هذه الأهداف، مما يعطي للمرجعية قدرتها على التواصل مع كل المراحل وكل الأوضاع و أما البعد الثالث: تطوير أسلوب عمل المرجعية؛ ومن خلال هذا الهمم جاءت أطروحة الشهيد الصدر حول «المرجعية الصالحة»، وقد حدد أهدافها، ومراحلها، وهيكلتها وأكتفي هنا بالإشارة إلى الهيكلية.

إن فكرة تطوير أسلوب العمل المرجعي تستهدف عند الشهيد الصدر ثلاثة أمور: الأمر الأول: إيجاد جهاز عملي تخطيطي وتنفيذي؛ ويقوم على أساس الكفاءة، التخصص، وتقسيم العمل وهذا الجهاز يُشكل البديل للحاشية (جهاز عفوي مرتجل) ويشمل الجهاز المرجعي المقترح على لجان متعددة منها:

١. لجان لتسيير الوضع الحوزوي (تنظيم الدراسة/ الإشراف/ المناهج) / ٢. لجنة الإنتاج العلمي / ٣. لجنة أو لجان مسؤولة عن شؤون الوكلاء وعلماء المناطق / ٤. لجنة الاتصالات والعلاقات / ٥. لجنة رعاية العمل الإسلامي / ٦. اللجنة المالية.
- الأمر الثاني: تشكيل مجلس المرجعية؛ ويضم: العلماء، القوى الممثلة للمرجعية، جميع لجان الجهاز العملي التخطيطي والتنفيذي وهكذا يتكوّن الامتداد الأفقي للمرجعية / ويتمركز العمل / وتشارك جميع القوى / ويتحرك الأسلوب الموضوعي في ممارسة العمل المرجعي بدلاً من الأسلوب الفردي (المرجعية الذاتية).

الأمر الثالث: الامتداد الزمني للمرجعية الصالحة؛ المرجع الجديد يبدأ ممارسة مسؤولياته من حيث إنتهى المرجع السابق بدأً من أن يبدأ من نقطة الصفر / يُتاح للمرجع الجديد الاحتفاظ بجهود المرجع السابق / في إطار المرجعية الموضوعية لا يوجد المرجع فقط بل يوجد المرجع كذات، ويوجد الموضوع وهو المجلس بما يضم من جهاز يمارس العمل المرجعي الرشيدي.

اقتراحات: أضاف الشهيد الصدر - بعد ذلك - بعض الاقتراحات لمشروع المرجعية الموضوعية، منها: أ- اقتراح إنشاء حوزات علمية فرعية في المناطق من أجل رفق الحوزة العلمية الأم / ب- اقتراح إيجاد علماء في الفقه والأصول والمفاهيم الإسلامية في سائر الأصناف والفصائل (الأطباء / المهندسين / المدرسين) / ج- ربط الجانب المالي للوكلاء وعلماء المناطق بالمرجعية مباشرة عن طريق

وأفاض عليهم من خلال أخلاقه الربانية والروحانية، ومن خلال توجيهاته الروحية والأخلاقية والتربوية، ومن خلال إرشاداته العلمية والفكرية والثقافية، ما كان يريد لطلابه أن يكونوا طلاب فقه وأصول فقط، أراد لهم أن يكونوا علماء ربانيين، حملة رسالة، ودعاة هداية، وصناع أمة، كان رضوان الله عليه يؤكد لطلابه أنهم أبناؤه وأنهم امتداد له، ولكن ليس امتداداً شخصياً بل هو الامتداد الروحي والأخلاقي والعلمي والفكري والرسالي والجهادي.

### المحطة الثالثة: نكران الذات

إنها الربانية والروحانية الصادقة.. ما كان الشهيد الصدر إلا مشدوداً إلى الله تعالى، طامعاً في رضاه، لا يبحث عن دنيا، وعن هوى، ولا عن شهرة، لأنه واثق كل الوثوق أن لا قيمة لشهرة يعقبها خسران في الآخرة، فكان لا يحب العناوين، كان لا يكتب على مؤلفاته إلا عبارة "محمد باقر الصدر".

قصّة الشهيد الصدر وكتاب (فلسفتنا): يقول الشهيد الصدر: «حينما طبع هذا الكتاب (فلسفتنا) لم أكن أعرف أنه سيكون له هذا الصيت العظيم في العالم والدوي في المجتمعات البشرية، مما يؤدي إلى إشتهار من يُسبب إليه الكتاب، وكنت أفكر أحياناً فيما لو كنت مطلعاً على ذلك وعلى مدى تأثيره في إعلاء شأن مؤلفه لدى الناس؛ فهل كنت مستعداً لطبعه بإسم جماعة العلماء وليس بإسمي كما كنت مستعداً لذلك أو لا؟ وأكاد أبكي خشية أنني لو كنت مطلعاً على ذلك لم أكن مستعداً لطبعه بغير اسمي».

كيف أن الشهيد الصدر قد طور المرجعية من الحالة التقليدية إلى أن سماها بالجهاز المرجعي أو بالنظام المرجعي، وجعل فيها وكلاء وما شابه؟

كان إتحاه الشهيد الصدر ليس في تغيير «الصيغة المرجعية» فهذه الصيغة ثابتة ومحددة شرعاً تمثل «مركز النيابة عن الإمام الغائب» والمتمثلة في الفقهاء العدول المؤهلين، وإنما كان همّه في التطوير يتجه إلى الأبعاد التالية: البعد الأول: تطوير الكفاءات الذاتية بما يتناسب والمسؤوليات الكبيرة؛

فإن المرجعية في مضمونها القيادي وفي مسؤولياتها المتجددة وفي تحدياتها المتحركة تفرض التوفر على مجموعة كفاءات ضرورية إلى جانب الكفاءة الأصولية والفقهية (الكفاءة الاجتهادية) وإلى جانب كفاءة العدالة والتقوى.

كان إتحاه الشهيد الصدر ليس في تغيير «الصيغة المرجعية» فهذه الصيغة ثابتة



راتب شهري يكفل حاجات العالم وعطاءً مرناً وغير محدّد للعمل الإسلامي في المنطقة.

اتّسم شهيد الأمة الصدر الأول بالطابع الشمولي، ما جعله كما يقول البعض «مؤسساً ومؤصّلاً للخطاب الإسلامي الجديد، فهو لم يقتصر على النقد المنهجي للفكر الغربي وإسقاطاته في الفكر العربي الحديث إنّما تجاوز ذلك إلى العمل على إعادة الثقة بالعناصر والمقومات الذاتية للأمة المسلمة، وبعث عناصر الحياة، واستدعاء روح الإبداع الكامنة في تراثها وماضيها» ما هي رؤيتكم بهذا الشأن وهل يمكن استخدام ما قدّمه الشهيد الصدر للهجمة الغربية المعادية للإسلام حالياً؟

الشمولية في منهج الشهيد الصدر؛ يمكن أن نتعرف على الملامح العامة لمشروع الشهيد الصدر التغييري من خلال العناصر التالية: العنصر الأول: النهج التغييري؛ من خلال قراءته لواقع الأمة وجد الشهيد الصدر أنّ هناك مساحتين مختلفتين في هذا الواقع: المساحة الأولى: الواقع الفردي للمسلمين؛ وهذا الواقع ظلّ محكوماً - على نحو الإجمال - للإسلام أي أنّ الإسلام بقي الموجه لهذا الواقع وهذا لا يعني عدم وجود انحرافات عن تعاليم الدين والمساحة الثانية: الواقع النظامي للمسلمين؛ وتعني هذه المساحة «واقع الأنظمة السياسية والاقتصادية والتعليمية والثقافية والإعلامية التي تحكم المسلمين» وهذه المساحة أصابها المسخ والتحريف والابتعاد عن الإسلام.

من هناك كان (التغيير) هو الخيار الذي أعتّمه مشروع الشهيد الصدر، حيث أنّ النهج الترميمي لا ينفع لإعادة صياغة الواقع بكلّ مكوناته الثقافية والاجتماعية والاقتصادية والسياسية وهذا لا يعني أنّ الشهيد الصدر لا يرى ضرورة الاهتمام بالواقع الفردي للأمة، فهو يرى ضرورة بناء الأمة وتوعيتها وتعبئتها وإدخالها في ساحة العمل والصراع السياسي والاجتماعي.

العنصر الثاني: الشمولية؛ إعادة صياغة الواقع بكلّ امتداداته ومكوناته، وأهمّ المفاصل التي ينتظمها المشروع التغييري: المفصل العقيدي / المفصل الفكري والثقافي / المفصل الروحي والأخلاقي / المفصل الاجتماعي / المفصل الاقتصادي / المفصل التربوي / المفصل السياسي.

العنصر الثالث: التأسيس الفقهي؛ لقد أسّس الشهيد الصدر فقهيّاً لمشروعه التغييري، فهو يصنّف الفقه إلى ثلاثة مستويات: (فقه الفرد/ فقه المجتمع/ فقه الدولة) وقد كتب عدّة أبحاث تناولت ضرورة تطوير الذهنية الاجتهادية وضرورة تطوير المنهج الاستنباطي، ما أكّد على ضرورة صياغة الفقه صياغة جديدة

مستوعبة لحاجات الفرد والمجتمع والدولة.

العنصر الرابع: الأخلاقية والروحانية؛ لتعامل مع المسألة الروحية والأخلاقية له ثلاث صيغ: ١. فصل المسألة الروحية والأخلاقية عن حركة الواقع (روحانية جامدة) وهذه الصيغة مرفوضة عند الشهيد الصدر / ٢. إلغاء المسألة الروحية والأخلاقية في حركة الواقع (حركية بلا روحانية) وهذه الصيغة أيضاً مرفوضة عند الشهيد الصدر / ٣. الروحانية المتحركة وهذه الصيغة تُعطي للمسألة الروحية دورها الفاعل في حركة الواقع الثقافي والاجتماعي والسياسي وتُعطي لحركة الواقع صبغته الروحية والأخلاقية وهذه الصيغة هي التي يؤكّد عليها مشروع الشهيد الصدر.

العنصر الخامس: ضرورة صياغة وعي الأمة؛ فما لم يتشكّل هذا الوعي فإنّ حركة المشروع التغييري سوف لن تتفعل، فالأمة الصالحة هي أحد مكونات التغيير في مشروع الشهيد الصدر وأما مرتكزات التغيير في مشروع الشهيد الصدر هي المبدأ الصالح / القيادة الصالحة / الأمة الصالحة.

العنصر السادس: المرجعية الصالحة الكفوءة؛ وقد تقدّم الحديث عن مشروع الشهيد الصدر حول المرجعية. منهج الشهيد الصدر في التفسير حرك أسلوباً أكاديمياً في معالجة المفاهيم القرآنية

كيف يميز الشهيد الصدر التفسير الموضوعي عن التفسير الأخرى؟

أوضح السيد الصدر الفارق بين الاتجاه الموضوعي في التفسير، والاتجاه التجزيئي من خلال عدّة نقاط نشير إلى بعضها: النقطة الأولى: الاتجاه الموضوعي في التفسير يبدأ بالواقع الخارجي وبحصيلته التجربة البشرية، وبما طرحه التطبيق التاريخي من أسئلة ومن نقاط فراغ، ثمّ يعود إلى القرآن ليستنتق ومن خلال الإستنتاج يتلقّى الأجوبة من القرآن، أما الاتجاه التجزيئي فيبدأ من القرآن وينتهي بالقرآن، ليس فيه حركة من الواقع إلى القرآن، ومن القرآن إلى الواقع.

النقطة الثانية: الاتجاه التجزيئي يكتفي بإبراز المدلولات التفصيلية للآيات القرآنية، بينما التفسير الموضوعي يتطلّع إلى ما هو أوسع من ذلك، حيث يُحاول أن يتوصّل إلى مركب نظري قرآني، يحتلّ في إطاره كلّ واحدٍ من تلك المدلولات التفصيلية موقعه المناسب، وهذا ما تُسميه بلغة اليوم بالنظرية، يصل إلى نظرية قرآنية عن التوحيد، نظرية قرآنية عن النبوة، نظرية قرآنية عن المذهب الإقتصادي، نظرية قرآنية عن سنن التاريخ... وهكذا. النقطة الثالثة: المنهج الموضوعي يقوم على أساس الموضوعات في حقول العقيدة والاجتماع وغيرهما والمنهج التجزيئي يتناول آيات القرآن آية آية..





أدوات التفسير: «أن يستوعب - يعني المفسر - ما أثارته تجارب الفكر الإنساني حول الموضوع محل البحث من مشاكل، وما قدمه الفكر الإنساني من حلول، وما طرحه التطبيق التاريخي من أسئلة ومن نقاط فراغ، لي طرح بعد ذلك بين يدي النص موضوعاً جاهزاً مشرباً بعدد كبير من الأفكار والمواقف البشرية» ويقول: «ومن هنا كانت نتائج التفسير الموضوعي نتائج مرتبطة دائماً بتبار التجربة البشرية».

٣- التجديد والإبداع: يقول الشهيد الصدر وهو يتحدث عن الميزة الحيوية لهذا المنهج في كونه «القادر على التجدد والإبداع باستمرار، باعتبار أن التجربة البشرية تغني هذا التفسير بما تقدمه من مواد تُطرح بين يدي القرآن الكريم لكي يستطيع هذا المفسر أن يستنتق أجوبته عليها».

ما هي مميزات الشهيد الصدر التي تتسم بالإبداع والتجديد؟  
توفر الشهيد الصدر على مجموعة مميزات جعلت من نتاجاته وطروحاته تتسم بالإبداع والتجديد، من هذه المميزات: (١) الأصالة / (٢) القدرات العقلية والعلمية الفائقة / (٣) العقل المنهجي / (٤) الكفاءة النفسية المتميزة: (الإخلاص المنقطع النظير لله تعالى، صلابة الإرادة، القدرة على الصبر وتحمل المعاناة، الثقة بالنفس، الأمل والطموح، الحركة الرسالية) / (٥) الإمكانيات التعبيرية الكبيرة.

وقد برزت إبداعاته واضحة فيما طرحه من نظريات علمية في مجالات الفقه والأصول والفلسفة والعقائد، والاقتصاد والتفسير، وفي كل المجالات التي عالجه، وكذلك فيما طرحه من مشروعات تتصل بالحوزة والمناهج، والمرجعية، والمنبر الحسيني، والعمل الإسلامي، وهكذا كانت اهتمامات الشهيد في صياغة مشروع تغييري تجديدي شمولي، وحينما نقرأ للشهيد الصدر نجد أن كتاباته وحدات متكاملة ينتظمها مشروع واحد، وليست كتابات تجزئية متفرقة، ورغم إشكالات الواقع وتحدياته، إلا أن إيمان الشهيد، وبصيرته، ووعيه، وإصراره وعزيمته وقدراته قد جعلته ينطلق بمشروعه دون تردد أو وجل، وقد كلفه هذا المشروع في بعض مفاصله حياته ودمه، فمضى شهيداً لتكون الشهادة إحدى مكونات هذا المشروع.

هل طرح منهج التفسير الموضوعي من قبل الشهيد الصدر  
إستنتاج التأثير في الصحوة العلمية الإسلامية؟  
تقدم القول أن أحد عناصر المشروع التغييري عند الشهيد الصدر هو ضرورة صوغ وعي الأمة، فما لم يتشكل هذا الوعي فلن تتكون الأمة الصالحة؛ إن مركزات التغيير عند الشهيد الصدر ثلاثة: المبدأ الصالح، القيادة الصالحة والأمة الصالحة ولكي نكتشف التأثير الكبير للمنهج الموضوعي عند الشهيد الصدر في خلق الصحوة الإسلامية نلاحظ:

النقطة الرابعة: المنهج الموضوعي منهج توحيد، لأنه: أولاً: يوحد بين التجربة البشرية وبين القرآن الكريم / ثانياً: يوحد بين مدلولات الآيات التي تشترك في الموضوع في مركب نظري واحد، ليخلص بالتالي إلى تحديد إطار نظرية واضحة ترسمها تلك المجموعة القرآنية ككل بالنسبة إلى ذلك الموضوع.

النقطة الخامسة: الاتجاهان الموضوعي والتجريبي ليس بينهما فصل حدّي على مستوى الواقع العملي والممارسات التاريخية لعملية التفسير، فالإتجاه الموضوعي في حاجة إلى المدلولات التجزئية في الآيات، كما أن المفسر التجريبي قد يعثر أثناء عملية بحثه على حقيقة قرآنية، فالإتجاه الموضوعي ليس بديلاً عن الإتجاه التجريبي، ويبقى الإتجاهان متمايزان في الملامح والأهداف والنتائج.

أكد الشهيد الصدر - من أجل اكتشاف النظرية الإسلامية - على أمرين: ١. الأحكام؛ وهي التي تحدد التكاليف العملية التي ترشد حركة الإنسان في مختلف المجالات و ٢. المفاهيم؛ وهي مجموعة التصورات الإسلامية التي تفسر الواقع الكوني أو الاجتماعي أو التشريعي وبعبارة أخرى، المفاهيم تصورات إسلامية في تفسير الكون وظواهره، أو المجتمع وعلاقاته، أو أي حكم من أحكام الشريعة، وقد استطاع الشهيد الصدر من خلال منهجه الموضوعي في تفسير القرآن أن يكتشف العلاقة بين المفاهيم والأحكام أو بين النظرية القرآنية والتشريع الإسلامي.

يقول الشهيد في المدرسة القرآنية: «هذه النظرية القرآنية في تحليل عناصر المجتمع وفهم المجتمع فهماً موضوعياً تشكل أساساً للإتجاه العام في التشريع الإسلامي، فإن التشريع الإسلامي في إتجاهاته العامة، وخطوطه العريضة يتأثر ويتفاعل مع وجهة النظر القرآنية إلى المجتمع وعناصره، وأدوار هذه العناصر والعلاقات المتبادلة بينها»، وهكذا تبرز القيمة الكبيرة للتفسير الموضوعي: أ. في إنتاج المفاهيم الإسلامية / ب. في صوغ الأحكام الشرعية التي تمنهج حركة الإنسان في كل مساراته العملية العبادية والأخلاقية والاجتماعية والإقتصادية والسياسية، وبمقدار ما تنو وتتطور الرؤية القرآنية ينعكس ذلك على بناء الوعي الإسلامي، وترشيد حركة الواقع.

سماحة السيد كيف تقرأ معطيات منهج التفسير الموضوعي؟  
من الواضح جداً أن لهذا المنهج معطياته الكبيرة منها:  
١- اكتشاف النظريات القرآنية والإسلامية؛ يقول الشهيد الصدر وهو يتحدث عن هذا المنهج: «وهذا هو الطريق الوحيد للحصول على النظريات الأساسية للإسلام والقرآن تجاه موضوعات الحياة المختلفة».

٢- الاستعانة بالتجربة البشرية؛ يقول الشهيد الصدر وهو يحدد



أولاً: لقد ساهم المنهج الموضوعي عند الشهيد الصدر مساهمة فعالة في إنتاج الرؤى والمفاهيم القرآنية، ومن الطبيعي جداً أن هذا الإنتاج له أثره الواضح على صنع الوعي عند الأمة، وكلما كان الإنتاج للرؤى والمفاهيم القرآنية والإسلامية أكثر نضجاً، وأكثر عمقاً كان الصنع لوعي الأمة أقوى وأوضح وأعمق.

وثانياً: لقد أراد الشهيد الصدر لمنهجه الموضوعي في التفسير أن يستنطق النظريات القرآنية في مجالات العقيدة، والأحكام، والأخلاق، والاجتماع، والاقتصاد، والسياسة، وفي كل المجالات التي تتسع لها مساحة الإسلام، وتمتد إليها معالجته، وهنا يبرز الدور الكبير لهذا المنهج في خلق الوعي بكل امتداداته العقيدية والثقافية والفقهية والروحية والأخلاقية، والاجتماعية، والسياسية، فالمنهج الموضوعي في شموليته أضفى شمولية على الوعي وعلى الصحو الإسلامية.

لقد أسس المنهج الموضوعي في التفسير عند الشهيد الصدر لحركة علمية أكاديمية، تعتمد أدوات البحث العلمي والأكاديمي، كون اكتشاف النظريات لا يمكن التوفّر عليه من خلال قراءات تجزيئية متفرقة، وإنما من خلال تجميع الوحدات لتشكّل منتجاً واحداً هو «النظرية» وهذا في حاجة إلى ممارسة علمية أكاديمية متطورة، وليس مجرد تجميع نصوص قرآنية تتحدث عن عنوان واحد...

ربما وجدت كتابات حاولت أن تختار عناوين قرآنية محدّدة، وأن تستقصي ما ورد حولها من آيات قرآنية، وقد تُفهرس لهذه الآيات، إلا أن هذا العمل لا يرقى إلى مستوى اكتشاف النظرية القرآنية، إن منهج الشهيد الصدر التفسيري حرك أسلوباً يعتمد لغة البحث العلمي الأكاديمي في معالجة المفاهيم القرآنية والمفاهيم الإسلامية ويمكن للمتتبع لكتابات الشهيد الصدر المتنوعة أن يكتشف المنهجية العلمية المتقدّمة التي مارسها السيد الشهيد ممّا أعطى لنتائج الفكرية دوراً تأسيسياً واضحاً.

#### هل هناك تأثيرات للمنهج التفسيري عند الشهيد الصدر على

##### الواقع الديني؟

وأما تأثيرات المنهج التفسيري عند الشهيد الصدر على الواقع الديني فواضحة، لأن هذا الواقع خاضع لدرجات الوعي، ومستويات الثقافة عند الناس، فكلمّا استطعنا أن نؤصل لهذا الوعي ولهذه الثقافة قرآنيًا وإسلاميًا، وكلّما استطعنا أن نؤسس لمشروع تغييرية يعتمد منهج القرآن والإسلام، وكلّما استطعنا أن نضغ قيادات مؤهلة قرآنيًا وإسلاميًا فإنّ كل ذلك سوف ينعكس عملياً على كل الواقع الديني في أبعاده العقيدية والثقافية والروحية والأخلاقية والاجتماعية والسياسية...

ما هي إبداعات السيد الشهيد في مجال التفسير الموضوعي؟ يتجلّى الإبداع الصّدي في مجال التفسير الموضوعي من خلال البُعدين التاليين:

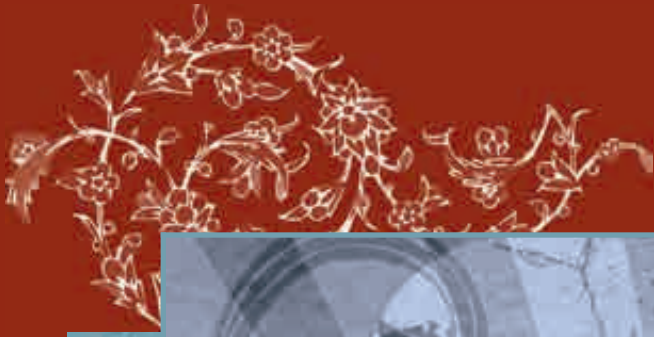
البُعد الأول: التأسيس العلمي لمنهج التفسير الموضوعي؛ ربّما سبقت الشهيد الصدر محاولات في التفسير الموضوعي، فوجدنا من تناول «الأخلاق في القرآن» و«التربية في القرآن» و«الجهاد في القرآن» و«التقوى في القرآن» و«الصلاة في القرآن» و«العدل في القرآن» و«المرأة في القرآن» و«التوحيد في القرآن» و«النبوة في القرآن» و«الإمامة في القرآن» و«المعاد في القرآن» و«الإنسان في القرآن» و«اليهود في القرآن» وقد أطلق على ذلك «التفسير الموضوعي» كونه يعالج موضوعاً معيّنًا واحدًا.

إلا أن هذه الكتابات لم تؤسس لمنهج تفسيري له مكوّناته وصفاته وملامحه وأدواته، كما هو مشروع الشهيد الصدر، ثم إن هذه الكتابات لم تحاول أن تكتشف نظريات قرآنية، بقدر ما هو تجميع وفهرسة للآيات القرآنية ذات الصلة بالعنوان الواحد، وربّما تقدّمت بعض الكتابات أكثر من ذلك في استنتاجاتها ومعالجاتها (يقراً: المدخل إلى التفسير الموضوعي للدكتور عبد الستار فتح الله (١٩٨٦))، بينما تجاوز الشهيد الصدر عملية التجميع والفهرسة والاستنتاجات العادية والمعالجات السريعة إلى اكتشاف النظرية وكذلك السيد محمد حسين فضل الله في كتابه «أسلوب الدعوة في القرآن» و«الحوار في القرآن» حاول أن يستنبط النظرية القرآنية.

البُعد الثاني: التطبيقات التي مارسها الشهيد الصدر في مجال التفسير الموضوعي بشكل مستقل أو من خلال أبحاثه الأخرى ونُشير إلى نماذج من هذه التطبيقات: (١) دراسات اجتماعية: «خلافة الإنسان وشهادة الأنبياء»، «الإنسان المعاصر والمشكلة الاجتماعية» و«السنن التاريخية في القرآن الكريم» / (٢) دراسات اقتصادية ومصرفية: حاول الشهيد الصدر أن يطبّق منهجه التفسيري في دراساته الاقتصادية والمصرفية: «اقتصادنا» حيث حاول اكتشاف النظرية الاقتصادية في الإسلام، وتناول عناوين كثيرة (الملكيّة / الإنتاج / التوزيع): «الصورة الكاملة للاقتصاد في المجتمع الإسلامي»، «البنك اللاربوي في الإسلام» و«الأسس العامة للبنك الإسلامي في المجتمع الإسلامي» / (٣) دراسات حول نظرية الشورى، ونظرية ولاية الفقيه / (٤) دراسات أخرى انعكس تأثير المنهج التفسيري عليها.

فبالتالي لا أشك أن تجربة الشهيد الصدر محلّ اعتزاز وإكبار العلماء الأعلام أمثال (مكارم الشيرازي والسبحاني، ومصباح اليزدي، وجواد آمل، والسيد فضل الله) والذين مارسوا أسلوب التفسير الموضوعي.





دوره پنجم

راهبچه

سال پنجم

شماره ۷۶

۲۸ اسفند ۱۳۸۸

۱۵۹



التفسير الموضوعي للشهيد الصدر  
في رؤية الخبراء الدوليين



## القرآن والإستدلال؛ آليات الشهيد الصدر للإقناع

أكد المختص التونسي بالدراسات الشيعية الدكتور "السيد محمد التيجاني السماوي الحسني" ان الشهيد الصدر إستند إلي فهم دقيق للتشيع وأكد إحترام القيم الإسلامية لدي مختلف الفرق الإسلامية وشدد علي أن القرآن الكريم والحجة والبرهان هي الآليات الضرورية لكل إقناع. مبينا أن تأثير آراء الشهيد الصدر لاينحصر في الساحة الشيعية بل وتجاوزها ليكون علما ضمن الفضاء الإسلامي كله.

وصرح التيجاني السماوي أن الأيام الأربعة التي

كنت فيها مع الشهيد الصدر وحواراتي معه حول

القضايا الاعتقادية المختلفة

ومشاهدتي لكلامه مع الناس

حول القضايا شتي إلي

جانب لقائي بالمرجع الديني آية الله

العظمي "السيد الخوئي" كان لها أثر عظيم في تغلبي

علي حالة الشك والريبة التي كنت أعانيها في مجال

المعتقدات الدينية وهي التي قررت مصيري بعد ذلك.

وفي كتابه الشهير "ثم إهتديت" يقدم التيجاني السماوي شرحا

مبسوطا عن لقاءه بالشهيد الصدر ومدى تأثره به حيث يقول إنه أهم

مفكر ترك فيه تأثيرا وهو النموذج السامي في الأخلاق وكان يجذب

الآخرين إلي نفسه بأخلاقه الحميدة وكان يذهب في إجاباته علي

أسئلة الناس مذهب العقل والإستناد الي النص القرآني وسنة

النبي(ص).

وإن كتبه واجهت  
إقبالا واسعا بين  
القراء في الدول  
العربية"، لاسيما في  
تونس

واضاف التيجاني السماوي "إن

الشهيد الصدر كان يؤكد

احترام آراء كل الفرق

والمذاهب الإسلامية ويرى ضرورة

تقديم فهم معمق ودقيق للشيعه"، مشددا علي أن

الشهيد كان يري في القرآن الكريم والبرهان

والحجة أفضل أدوات لإقناع الباحثين عن الحق.

وأشار التيجاني إلي أن "الشهيد الصدر تناول ضمن مؤلفاته قضايا

لم يتناولها قبله أحد من الفقهاء وإن ذلك جعله ذا مكانة سامية بين

المفكرين والفلاسفة في العالم السني وإن كتبه واجهت إقبالا واسعا

بين القراء في الدول العربية"، لاسيما في تونس التي قام التيجاني

بنشر أعمال الشهيد الصدر فيها.

وتابع التيجاني القول "إن لقائي الأول والأخير بالشهيد الصدر تم





# للتاريخ دور محوري في التفسير الموضوعي للقرآن الكريم عند الشهيد الصدر



الأستاذ الدكتور عيسى حسن الحكيم من مواليد النجف الشرف، أستاذ أكاديمي في جامعة الكوفة، رئيس جامعة الكوفة سابقاً وله حوالي ثلاثون كتاباً مطبوعاً وأشرف الأستاذ الحكيم على رسائل الماجستير والدكتوراه وشارك في المؤتمرات الكثيرة داخل العراق وخارجه، وهو أيضاً رئيس مؤسسة "التراث النجفي"، إليكم نص هذا الحوار.

أنّ الساحة التاريخية لها سننٌ، ولها ضوابط، كما يكون هناك سننٌ وضوابط لكلّ الساحات الكونية الأخرى. وتحدث الأستاذ الدكتور عيسى حسن الحكيم "المورخ والمفكر العراقي، رئيس جامعة الكوفة سابقاً ورئيس مؤسسة "التراث النجفي" حول فلسفة التاريخ والسنن التاريخية في القرآن عند الشهيد الصدر وأيضاً علاقته التاريخية مع المراجع الآخرين.

أكد الأستاذ الدكتور "عيسى حسن الحكيم" المورخ والمفكر العراقي على أن آية الله العظمى الشهيد السيد محمد باقر الصدر كانت له معلومات واسعة في مجال التاريخ وهذه المعلومات القيمة ساعدته في التفسير الموضوعي للقرآن الكريم وتحليل موضوع أسباب نزول القرآن، بحيث نستطيع أن نقول بأن للتاريخ دوراً محورياً في التفسير الموضوعي للقرآن عند الشهيد الصدر.

سماحة الدكتور الحكيم يبدو أن آية الله العظمى الشهيد السيد محمد باقر الصدر حلل فلسفة التاريخ كموضوع في التفسير الموضوعي للقرآن الكريم، ما هو رأيكم في هذا المجال؟ حينما يدخل الانسان في موضوع التفسير، إن معظم التفسير هو يختص بالتاريخ، لأن التاريخ يرتبط بالأنبياء وتوالي الأنبياء والأمم

يؤكد الشهيد الصدر أنّ السنن التاريخية عبارة عن الضوابط والقوانين التي تتحكم في عملية التاريخ، وإنّ القرآن أوّل كتاب أكد هذا المفهوم، معتبراً أنّ البحث في سنن التاريخ مرتبطاً ارتباطاً عضوياً شديداً بكتاب الله بوصفه كتاب هدى وإخراج للناس من الظلمات إلى النور. ويستخلص ان الآيات القرآنية تثبت المفهوم القرآني الذي يؤكد





والشعوب، لأن المفسر حينما يقرأ مسأله نزول الايات القرآنية  
واسباب النزول وتحليل الآية الكريمة هو تلقائيا سوف  
لايفصل عن التاريخ.

إن التفسير هو عبارة عن القضايا الواقعية  
والحقيقية طالما تتعلق بتاريخ الأمم  
وتاريخ الشعوب اضافة إلى تاريخ النبوة  
والرسالة الاسلامية السمحاء.

فكان السيد الشهيد لحكم  
الاطلاع الواسع في مجال التاريخ،  
حاول أن يربط القضايا التفسيرية  
بالقضايا التاريخية وبالعلوم المعاصرة،  
السيد الشهيد في موضوع التفسير ما كان  
بعيدا عن الأدب والفلسفة ولذلك هو شخصية  
متعددة الجوانب، وهذه التعددية في الحقيقة  
أدت إلى اتسام الشهيد الصدر بصفة انفرادية وهذه  
المعالم الانفرادية توجد في تأليفاته منها  
«فلسفتنا»، «اقتصادنا» والمواضيع الأخرى التي كان  
يكتبها في مجلة الاضواء.

للسهيد الصدر هناك موضوع تحت عنوان  
"السنن التاريخية في القرآن الكريم" يا حبذا تعطون  
رؤية عن هذا الموضوع؟

الواقع أنه هنا ما نسمي بتفسيرات التاريخ،  
يعني التاريخ له تفسيرات عديدة مرة  
هو يفسر التاريخ تفسيراً





بعضها تيارات يسارية وبعضها تيارات إسلامية. فشهد الصدر تبني التيار الإسلامي وكان من مؤسسي "جماعة علماء المسلمين" في النجف الأشرف وهذه الجماعة كان لها دور فكري كبير في مقاومة التيارات الفكرية المنحرفة التي شهدتها الساحة العراقية آنذاك.

وكانت جريدة "الأضواء" التي يشرف عليها الشهيد الصدر هي الرسالة الإسلامية التي كانت تنشر أفكار الشهيد الصدر في المجالات العلمية، والفكرية والسياسية، والشهيد الصدر برز على مسرح الساحة العلمية والفكرية والسياسية في الوقت الذي كانت المرجعية العليا في الإمام الحكيم (رحمة الله عليه).

بعد وفاة الإمام الحكيم في سنة ۱۹۷۰ ميلادي، اتجهت الأنظار إلى الشهيد الصدر على رغم من وجود سماحة آية الله العظمي الخوئي وعدد كبير من مراجع الدين وهنا أصبح الشهيد الصدر تولى وتبوأ مكانة اجتماعية كبيرة جدا ولفت حوله الجماهير وهذا الالتفات أخاف السلطة وحينما أخافت السلطة القائمة آنذاك، بدأت السلطة تضع العراقيين بوجه أي توسع يقوم به الشهيد الصدر.

وفي ذلك الوقت، أقدمت السلطة على إعدام أول مجموعة من أنصار الشهيد الصدر عام ۱۹۷۴ فهذه الرسالة التي أقدمت عليها السلطة كرسالة التخويف لسماحة السيد رحمة الله عليه، وهي محاولة لإيقاف نشاطاته السياسية والفكرية، لكن السيد الشهيد بقي على خطه هذا وبدأت المضايقة أكبر عليه حينما نجحت الثورة الإسلامية في إيران وبشكل كبير وسماحة السيد أيد المسار الفكري لهذه الثورة كما تشير الرسائل المتبادلة بينه وبين الإمام الخميني (ره) إلى هذا الموضوع.

هل اصطدم الشهيد الصدر مع المراجع والشخصيات، وكيف كان تعامله مع باقي المراجع، هل تؤيدون أنه كان هناك نوع

من الصراع بين الشهيد الصدر وأستاذة الإمام الخوئي؟ بعد إعلان الحرب الطالمة على الجمهورية الإسلامية الإيرانية،

دينيا عقائدياً ونسبته نحن المورخون في مسألة مشيئة الله فوق كل شيء، الله هو محرك التاريخ والدين هو محرك التاريخ. هذا الجانب من فلسفة التاريخ.

ويحاول السيد الشهيد الصدر أن يأتي بتفسيرات أخرى هذا ما نسميه في التاريخ التفسير المركب يعني هذا التفسير الجامع يشمل الجانب الاقتصادي، الجغرافي والاجتماعي ويحاول الشهيد الصدر أن يربط بين التفسير الديني والتفسير الأخرى من خلال البحوث التفسيرية.

هل استطاع الشهيد الصدر في ربط بين الحقائق الثلاث (كما يسميها في بحث السنن التاريخية للقرآن ذات الطابع العلمي وذات الطابع الرياني وذات الطابع الانساني)؟

إن الشهيد الصدر في موضوع السنن التاريخية للقرآن الكريم يبين الحقائق الثلاث وفي الحقيقة العلمية يبين القاعدة التي تمتاز بها الحقيقة العلمية وفي الحقيقة الربانية بشرح الحكمة الالهية والتدبير الالهى في مجال التاريخ وفي الحقيقة الانسانية يؤكد على هذا المحور أن العزم القاطع والميل إلى الحرية والدور البناء لا يتفصل عن ذات الانسان.

من الواضح أن الشهيد الصدر ألم بهذه القضايا اماماً تاماً ولو تطرق أحد الباحثين إلى دراسة وتبيان فلسفة التاريخ عند الشهيد الصدر، أعتقد يتوفق توفقاً كاملاً.

من الواضح أن الشهيد الصدر ألم بهذه القضايا اماماً تاماً ولو تطرق أحد الباحثين إلى دراسة وتبيان فلسفة التاريخ عند الشهيد الصدر، أعتقد يتوفق توفقاً كاملاً

كما تعلمون أن السيد الشهيد الصدر أبدع وأنجز كثيراً وكان صاحب مكانة مرموقة في الحوزة العلمية، إذا أردنا أن نلقي نظرة تاريخية إلى الشهيد الصدر نرى أنه عاصر الكثير من العلماء الكبار والمراجع العظام، برأيكم معاصرة الشهيد الصدر مع المراجع الكبار هل كانت لها تأثير وكانت لها تداعيات على الشهيد الصدر لحضوره في المجتمع علمياً؟

لاشك أن الشهيد الصدر برز في مسرح الأحداث بعد قيام ثورة ۱۹۸۵ ميلادي في العراق، في هذه الفترة الزمنية ظهرت تيارات فكرية



فأزادت السلطة من بعض رجال الدين أن يقفوا إلى جانبها فكان السيد الشهيد الصدر من المعارضين إلى هذا الجانب وإلى إثر هذا، قامت السلطة باعتقاله أكثر من مرة، لكن لو نظرنا إلى الموروث الذي تركه الشهيد الصدر نجده موروثاً متميزاً واستفد منه علماء كثيرون في العالم الإسلامي.

لا أقول أن هناك اختلافات عميقة أو كبيرة، وإنما هي وجهات النظر، وجهات النظر قد تكون مختلفة أو آراء مختلفة، يعني هذا يريد كذا وذلك يريد كذا. كما تعلمون أن الظروف العامة التي مر بها العراق، ظروف عسيرة جداً، فأنا في رأيي أعتقد أن هذا كان نوعاً من تعدد اجتهادات وليس الصراعات والاختلافات.

ابتعد الشهيد الصدر عن السرد التاريخي، بل استطاع أن يحلل المطالب تحليلاً علمياً فلسفياً، وهذه هي الخصيصة التي ميز بها الشهيد الصدر عن غيره من مراجع الدين والعلماء.

سفاحة الدكتور هل لما أبدع وأنجزه الشهيد الصدر في مجال التاريخ وفلسفة التاريخ، في الوقت الحالي، مكانة في المحافل العلمية في العراق والعالم الإسلامي؟

نحن في جامعة الكوفة قدمنا لينا الرسائل الكبيرة عن التاريخ وفلسفة التاريخ عند السيد الشهيد الصدر وحصل الطلاب على شهادة الماجستير والدكتوراة في هذا الموضوع والان موضع الدراسة، فأما الكتب التي ألقت حول شخصيته فهي كثيرة بالنسبة إلى موضوع التاريخ وفلسفة التاريخ، لكن مصنفات وتأليفات الشهيد الصدر يجب أن تحلل وتفسر متناسب مع مقتضيات العصر.

فضلية الدكتور كما هو معلوم أن السيد الشهيد الصدر لم يفرد تأليفاً خاصاً بفلسفة التاريخ، أولاً تفضلوا بالإجابة إلى أن هذا الأمر يرجع إلى أية العوامل وثانياً ما هو الموروث العلمي في مجال فلسفة التاريخ من خلال كتابات الإمام الصدر ونقد نهاية التاريخ؟

لو نظرنا كتابات و تأليفات الشهيد الصدر في مجال التاريخ، نجد فيها عمقاً كبيراً بأن هذه التأليفات كتبت على أساس المدرسة النجفية، لأن معظم رجال العلم والدين هم يكتبون في الفقه والأصول بدرجة أولى، أما الجانب التاريخي يمكن أن أقول في الدرجة الثانية بنسبة لمراجع الدين.

قدمت رسالة إلى جامعة بغداد عن الشيخ الطوسي عام ۱۹۷۴ ميلادي وبينت في هذه الرسالة أن السيد الشهيد استعن في كتابه "المعالم الجديدة للأصول" الذي يمتاز بالجوانب التاريخية المهمة من الشيخ الطوسي

هل لديكم ذكريات من حضوركم و محالستكم مع الشهيد الصدر؟ أنا قدمت رسالة إلى جامعة بغداد عن الشيخ الطوسي عام ۱۹۷۴ ميلادي وبينت في هذه الرسالة أن السيد الشهيد استعن في كتابه "المعالم الجديدة للأصول" الذي يمتاز بالجوانب التاريخية المهمة من الشيخ الطوسي وحينما قدمت هذه الرسالة المطبوعة، وطبعت بعد مرور سنة عام ۱۹۷۵ ميلادي، يعني بعد المناقشة بعام واحد، إلى الشهيد الصدر وطلبت منه أن يأتي رأياً في ما تحتوي هذه الرسالة من قضايا ووجه لي الانتقادات والمقترحات واستفد كثيراً من ملاحظاته حتى عند طبع الرسالة.

أما السيد الشهيد الصدر تخطى هذا الجانب، وجاء بالكتابات العميقة وفيها بعد فلسفي وهذه تبرز في كتابه المهم والعظيم "فدك في التاريخ"، وهذا الكتاب في الحقيقة كتاب تاريخي فلسفي تحليلي يوضح للإنسان كيفية فهم التاريخ وكيفية فهم التاريخ الإسلامي وابتعد الشهيد الصدر عن السرد التاريخي، بل استطاع أن يحلل المطالب تحليلاً علمياً فلسفياً، وهذه هي الخصيصة التي ميز بها الشهيد الصدر عن غيره من مراجع الدين والعلماء.

كلمة أخيرة أنا أعتقد أن السيد الشهيد يجب أن يُدرس دراسة عصرية وحينما أقول عصرية يعني بروح محايدة وبروح موضوعية وأعتقد أنه حتى الآن لم نجد دراسة من هذا اللون وأيضاً السيدة "بنت الهدى" شقيقة آية الله العظمى الشهيد السيد محمد باقر الصدر أيضاً لم تُدرس كفكرة تسوية هنا دراسة مستفيضة متكاملة..





## نظرية البنك اللاربوي؛ عالجت الأزمة العالمية بعد طرحها بثلاثة عقود



نجد أن الشهيد الصدر الذي في الواقع هو إمتداد لمدرسة إستمدت إلي بيت أهل العصمة والطهارة (عليهم السلام) يحاكي هذا الزمن ويعالج مشاكله فلذلك إن تمسكت هذه الأجيال بالشهيد الصدر أو إن إستعرضنا فكره لهذه الأجيال نجد علاجاً لكثير من المشاكل التي نعاني منها في هذا العصر.

من المسؤول عن غياب الشهيد الصدر عن ثقافة الأجيال؟  
لاشك إذا أردنا أن ننظر لماذا يتم تغييب مثل هذه النماذج نجد المسؤولية مشتركة ويشترك فيها الكل من حيث التغييب لكن هناك نسب متفاوتة؛ بعض الأحيان قد يكون هناك نوع من الأنظمة أو الأجواء السياسية أو لربما اللامبالية التي لا تهتم بعناصر كالشهيد الصدر وطبيعة الفكر النير والممتاز الذي طرحه، لكنني أتصور أنه الأجيال لابد أن تستلهم من واقعها طبيعة الشخصيات التي لابد أن تقتدي فيها فمن هنا جاءت الفكرة أنه إذا اردنا الإرتباط بشخصيات مثل الشهيد الصدر لابد أن نبحث عن هذه الشخصية في كتاباتها وآرائها وثم نستلهمها في كل موقف من المواقف التي نواجهها في الحياة، بلاشك أن هناك أطراف مستفيدة بشكل كبير من غياب هذا الفكر الممتاز لكن هناك أطراف تجاهلت ولم تعي، وهنا يأتي دور الإعلام والمؤسسات العلمية أو المؤسسات المعنية بالنشر والثقافة

صرح أ.د. "علي العلي" الباحث الكويتي والرئيس المفوض الإقليمي لجامعة "كلمنتز" في انكلترا في منطقة إيران والخليج الفارسي، والعضو في مجلة "تأصيل الحوار" أن الشهيد الصدر فكر حي، سابق زمانه بطرح أطروحات إسلامية هامة يقصد من خلالها معالجة قضايا كبيرة ومن جملة هذه الأطروحات هي أطروحة "البنك اللاربوي" التي بلاشك بين ثمارها الآن وبعد وجود الأزمة العالمية.

وفيما يلي نص الحوار:

لماذا هناك حاجة ماسة وضرورية علي أن تفتتح اجيالنا على مشروع الشهيد الصدر؟

لاشك أن الأجيال المعاصرة - وهذه لوتعرض علي كل العصور - لابد أن يكون لها قدوة وبطبيعة الحال كلما كانت القدوة مواكبة ومعاصرة لهذه الأجيال يمكن لها تأثيراً أكبر بمحاكاتها الواقع ومعرفة مشاكل هؤلاء الأجيال وطبيعة الإرتباط بهم؛ من هنا

إهتمام بهذه الشخصية، شهيد محمد باقر الصدر فكر حي لم يتجاوز ٣ عقود في واقع الأمر، عالج قضايا كبيرة وطرح أطروحات إسلامية كبيرة، من جملة هذه الأطروحات هي أطروحة "البنك اللاربوي" التي بلاشك بين ثمارها الآن، لأن - لربما - في حينها لم يلتفت البعض أهمية وجود إقتصاد أو بنوك تؤسس علي رؤية إقتصادية إسلامية لكن الآن وبعد وجود الأزمة العالمية إتضح أهمية معالجة هذه الفكرة وكان المصدر الأول في التعاطي معها هو الشهيد الصدر فهذا الرجل العظيم سابق زمانه وأسس لرؤية إسلامية كبيرة تدل علي شمولية دين الإسلام.

هل يمكن إستخدام ماقدمه الشهيد السعيد من خلال فكره

الشمولي للهجمة الغربية المعادية للإسلام حالياً؟

لاشك أن الشهيد الصدر إنطلق من ثوابت صحيحة مئة بالمئة، هذا الرجل إستلهم مدرسة أهل البيت و شرط أصولها أركاناً لحركته الفكرية وبهذه الأركان قرأ الفكر المعاصر بشكل جيد، عاصر الشهيد الصدر الحركة الشيوعية والماركسيسية وحركات أخرى خارجة عن نطاق ظل التشريع الإسلامي وإستلهم المشاكل المعاصرة و ثم إنطلاقاً من الأصول التي

أسس لها والأركان التي بني عليها حاول أن يعالج هذه المشاكل، فلماذا نجد أطروحته ممكن أن تخدم العقود أخرى من الزمن وضمن معالجاته يبين أن التشريع حي وقادر أن يتعاطي وذكرنا سابقاً أطروحة البنك اللاربوي وكتاب "إقتصادنا" وكتب وأطروحات أخرى عمرها لا يرتبط بعقد من الزمان ولا ترتبط بالواقع المعاصر بل قد تتعلق بكل الأسس التي ممكن أن نبني عليها كما في أطروحة "الأسس المنطقية للإستقراء".

برأيكم.. الشهيد الصدر من خلال طرح التفسير الموضوعي هل إستطاع التأثير على نمو وتطوير المفاهيم القرآنية وأيضاً تطبيق التعاليم القرآنية في المجتمع؟

الشهيد الصدر من خلال الأطروحة التي قدمها في تفسيره الموضوعي إستنطق نقطة رئيسية أو ممكن أن نسميها إبداعية وهي بيان السنن التاريخية في القرآن الكريم وكذلك أوضح طبيعة

التعاطي مع المفردة القرآنية من حيث الموضوع وليس من حيث أن تكون مفردة فقط (كما يوجد في التفسير التجزيئي) فلذلك نجد البناء الذي أسس له في أطروحته علي شكل محاضرات معينة كانت لها دور فاعل في كيفية قرائتنا للنص القرآني وأيضاً المفردة القرآنية هذا من جهة ومن جهة ثانية بناء علي ضوء الأسس المنطقية أو الأسس والسنن التاريخية التي تأتي في القرآن وإتفاته لمفاتيح قرائة الزمن وقراءة القرآن أو أنه كيف يخاطبنا القرآن في هذا الزمن أو الزمن الماضي أو في الزمن اللاحق، أعطي المفتاح الذي ممكن أن نفتح بوابات علاج القرآن للمشكلات التي نعيشها في هذا الزمن أو ماتلانا من زمن أو مايلحق، فنجد أن ما قام به الشهيد الصدر أنه أعطانا المفاتيح التي ممكن أن نستلهم من خلالها البوابات والكنوز التي ممكن أن يعطينا القرآن رؤية فيها لعلاج مشاكلنا المعاصرة.

ماهي إبداعات السيد الشهيد الصدر في مجال

التفسير الموضوعي وماهي

الأقوال التي تشيد

بالسيد الشهيد من

متخصصين في مجال علوم القرآن؟

الإبداع الذي تمحور فيه الشهيد الصدر في هذه

الرؤية لا يمكن أن يقرأ من دون أن يقرأ تراث الفكر

الشهيد الصدر بالكامل؛ شهيد الصدر وضع أسس كثيرة في

مبانيه وطبق هذه الأسس من خلال كتبه، تدريساته وأطروحاته،

فيما يخص المجال القرآني النتاج الفكري والعلمي لكل باحث

إسلامي وكل شخصية مثل الشهيد الصدر وغيرها لا بد أن ينصب في

النهاية علي قرائة النص القرآني لأنه هو الدستور الذي نتعاطي معه

زماناً ومكاناً وهو الذي نستلهم منه كل رؤيتنا إضافة إلي ما نجد في

كلمات الرسول الأكرم (ص) والأئمة المعصومين (عليهم السلام)،

فوجد الشهيد الصدر عندما أسس التفسير الموضوعي وأعطانا رؤيته

في التفسير الموضوعي قاصدا موضوع السنن التاريخية في القرآن

لا يمكن أن نغفل عن كتاب "الأسس المنطقية للإستقراء" الذي

وضع فيه الرؤية الكيفية لإستقراء الأمور وبناء رؤية تستخدم نظرية

المعرفة والبناء المعرفي والإجتماعي وأيضاً يجب أن لاننسي

طبيعة علاجه للمسائل العلمية والإجتماعية وقرائتنا إلي مؤلفاته

الشهيد الصدر من خلال  
الأطروحة التي قدمها في  
تفسيره الموضوعي  
إستنطق نقطة رئيسية أو  
ممكن أن نسميها إبداعية  
وهي بيان السنن  
التاريخية في القرآن  
الكريم





دوره ٢٤

رايه

سال پنجم

شماره ٧٦

٢٨ اسفند ١٣٨٨

١٦٧

الأخري كـ"اقتصادنا" و"رسالتنا" .. كل هذه الأمور تشكل منظومة فكر الشهيد الصدر.

الإبداع الذي طرحه الشهيد الصدر هو أنه قدم الأطروحة وأعطانا النظرية وطبق هذه النظرية من خلال تفسيره الموضوعي، بعبارة أخري أسس أستاذنا الشهيد الصدر رؤية نظرية .. طبقها من خلال بحوثه العلمية، كما في شرحه للأصول الفقه وبنائه لتأسيس أصول الفقه، أعطانا النتيجة التي ممكن من خلالها نتعامل مع القرآن ومن هذا تجدون أن الشهيد الصدر تقدم لنا منظومة متكاملة تقصد تجربة

التعاطي مع  
المشكلات  
المعاصرة

الإسلامية في كثير من أمورها تلتقي مع أطروحة الشهيد الصدر، إذن كانت هناك حركة متكاملة مابين المرجعيات في عطاء.

ومن ثم يبقى الدور علينا نحن أن نستلهم هذه الإبداعات ونفعلها في الواقع الاجتماعي.

### كيف طور الشهيد الصدر المرجعية من الحالة التقليدية

إلى أن سماها بالجهاز المرجعي أو بالنظام المرجعي، وجعل فيها وكلاء وما شابه؟

يمكن تتحدثوا لنا عن الجانب الروحي والعبادي في حياة الشهيد الصدر؟

إذا أردنا أن ننظر للشهيد الصدر في واقعه كشخصية سواء كان من تلامذته أم ممن عاصره أو ممن إرتبط به نجد أن هذا الرجل مع ما إكتنزه من علم وافرومع ما إنتشر من خلاله فكره في الإقتصاد والسياسة والتفسير والفلسفة والمعرفة كان يتسم بالتواضع والزهد بشكل كبير وأنه حتي من حيث توظيف الأموال التي كانت تأتي له تنصرف مباشرة نحو الوجوه الشرعية وطبيعة مستلزمات الحوزة العلمية أو مايرتبط من مهام ومشاريع إسلامية فلم يكتنز الشهيد شيئاً لنفسه ومن هنا نجد أن هذا الرجل كان يمثل التواضع مع عمق علمه ومرجعيته وهذه ليست مسألة عادية ومن جهة أخرى عرف عن الشهيد الصدر أنه زاهد أكثر من أن يكون متواضعا فلذلك نري بيته في النجف واضحا معالمه كذلك.

إن الشهيد الصدر عندما تولى المرجعية صاغ أولويات هذه المرجعية بصياغة تختلف عن الصياغة المألوفة أو السائدة.. بلاشك أن المرجعيات لها أولوياتها تحدثها، الشهيد الصدر في طبيعة أطروحته كمرجع ذو فكر شمولي تبني مشروعا إسلاميا أصيلا ينطلق من مدرسة أهل البيت (عليهم السلام) فلذلك نجد بعد إنطلاقه بهذه الرؤية طرح نظريته في الإقتصاد كمرجع، وضع نظريته في التفسير كمرجع، وضع نظريته في المعرفة كمرجع، وضع نظريته في كيفية إرسال رسالتنا والتمهيد لها كمرجع وأيضا هو كمرجع عندما وضع أسس في كيفية بناء الداخل الحوزوي وفي أصول الفقه وكذلك في الفتاوي الواضحة كتعليقته علي "العروة الوثقى"، فنجد الأولويات التي تبناها الشهيد الصدر لربما كانت تحاكي الواقع أكثر مما تحاكي النظريات ومن هنا إنطلقت مرجعيته بهذه الإتجاهات كلها بذات بعد عملي وميداني واضح المعالم.

فنري أن أطروحة الإمام الخميني(ره) في قيام الثورة الإسلامية وإنشاء فقه الدولة وتأسيس دولة إسلامية علي ضوء النظرية الإسلامية في كثير من أمورها تلتقي مع أطروحة الشهيد الصدر

والكلمة الأخيرة أشكر وكالة الأنباء القرآنية العالمية حيث تتفرد في هذا المشروع لأنها تبرز كيفية محاكاة علماء الشيعة مع مدرسة أهل البيت (عليهم السلام) من خلال إمتدادها المعاصر بعلمائها وكيف حاكوا القرآن وكيف إستلهموا من القرآن قواعد للإستمرارية ولبناء المجتمع وها هي أطروحة الشهيد الصدر في الإقتصاد وهو يحاكي القرآن وكذلك أطروحته في معرفة المعرفة والتعامل مع الناس وطبيعة تأسيس رؤية إسلامية متكاملة كلها مستلهمة من القرآن فهي رد واضح وعملي علي من يدعي أن مدرسة أهل البيت لاتتعاطي مع القرآن الكريم بشكل.

لابد أن لا يغفل أن المرجعيات الأخرى كان لها دورها لكن قرائتها للأولويات تختلف ومن هنا كانت الصياغة التي يمثلها الشهيد الصدر صياغة أصيلة ميدانية ممكن أن تحاكي الواقع وإستنهت كثير من النخب والمفكرين المعاصرين، ومن جهة أخرى نشاهد أن فكره الممتاز بدأ يحاكي المراجع الآخرين كما في مرجعية الإمام الخميني(ره) وبدأ يؤسس لما يمكن أن يقوم به الإمام الخميني(ره) من رؤية، فنري أن أطروحة الإمام الخميني(ره) في قيام الثورة الإسلامية وإنشاء فقه الدولة وتأسيس دولة إسلامية علي ضوء النظرية



السفير العراقي لدى طهران في حوار خاص:

## الشهيد الصدر الاول كان روحية الخطاب الاسلامي



أكد السفير العراقي لدى طهران محمد مجيد الشيخ ان الشهيد المجاهد السيد محمد باقر الصدر كان عنوان الشهادة والفداء من اجل الامة الاسلامية وروحية الخطاب الاسلامي وكان مدرسة تخرج على يده افاضل العلماء .



وقال السيد محمد مجيد الشيخ في حوار اجري معه

حول شخصية الشهيد محمد باقر الصدر: نعم كان خطاب سماحة آية الله الشهيد محمد باقر الصدر (قده) الموجه الى الامة الاسلامية والعالم الاسلامي كان خطاب لكل المسلمين فلم يكن يخاطب ابناء المذهب الشيعي فقط وانما المسلمين كافة فكان هو من فجر الخطاب بوجه الطاغية صدام والذي كلفه حياته التي وهبها الشهيد لهذه الامة لتكون له روح الثورة الوطنية التي بذل نفسه ودمه وصعد على مشانق الطغاة كي يثبت للامة انه كان مسلم من ابناء الامة التي انتموا اليها.

وتابع السفير العراقي: نعم كانت ثورة وطنية لتقول كلمة الحق صوتها، فكان الاعداء يخافون خطابة ولو كان بسيط الى انه يدمر الطاغوت وجذوره. فكان الشهيد يتعالى بكل صفاته من العلوم الاسلامية وكان مرجعا عظيما خسرت الامة جمعا كحاضر بينهم لكن دماء الشهداء التي سالت من اجل قضايا الدين اصبح الان نصر لنا وذكرنا الاتنسي.

واضاف مجيد الشيخ: اذن كان الشهيد آية الله محمد باقر الصدر (قده) مفجر الثورة الاولى في العراق وكان له الدور الاول في التخلص من نظام معادي لاهل البيت عليهم السلام.

وقال السفير العراقي بطهران: والان بعد ما تحقق نصر الامة من الخلاص من طاغوت عصره فكل هذا اتى بصبر الامة ودماء شهداها، فكان سماحة السيد آية الله محمد باقر الحكيم (قده) يقيم في النجف الاشرف وكان بجواره اصحابه من كبار وعظام المراجع ومنهم آية الله الامام السيد الخميني (قده) وابه الله السيد محسن الحكيم (قده) وكثيرين فكانت ثورة الامام الخميني (قده) آتية من منطلق الخطاب الاسلامي ضد طاغوت ايران وحكم الشاه آنذاك.

وحول دور المرجعية على الصعيد الجهادي قال: فكان دور المرجعية حاضر وموجود على الساحة الجهادية وقد ذكرت هذه الاقوال في كتب عدده وهي معلومة لدى اكثرهم.. فكان منطلق فكر الخطابة لدى الامام الخميني (قده) ايضا خطابا جماهيريا موجه الى الامة الاسلامية جمعا. كذلك آية الله السيد الحكيم (قده) كان له الدور في تطوير الحركة الجهادية في مضمون الخطاب، فكان السيد الحكيم (قده) يريد ان يتطور وان يبرز دور الحركة العلمية والحوزة العلمية، فقد كان لديه مشروع تطوير الحوزة العلمية الشريفة لتدعم الحركة المستقبلية للفكر والمذهب الاسلامي كي تقوى ويبرز لها دور في العالم فكان يقول "اريد ان تكون مثل الفاتيكان لتكون واجهة يعلمها كل العالم ويهابها كل الطغاة".

وقال الاستاذ محمد الشيخ: ان الشهيد الاول السيد محمد باقر الصدر (قده) كان يريد من الحوزة اكثر من ذلك فكان طموحه قدس سره الشريف بان يرتقى بزيادة ورفد الحركة العلمية لطلبة الحوزة التي تنجب اهل العلم والعلماء واهل البطولات والشهادات شهادة الكلمة التي يخافها الطواغيت مثل صدام وغيرهم مما وقفوا ضد العلم والعلماء من اهل البيت عليهم السلام واتباعهم الذين سبقونا الشهادة.

وختم السيد محمد مجيد الشيخ سفير جمهورية العراق لدى طهران قوله: اريد ان اقول ان الشعوب لها الدور في بناء الدولة وتقوية نظام الحكم فالشعب هو الاساس والصبر مفتاح كل فرج فماذا فعل صدام بعد اعدام اهل العلم والقران واين هو بعد خمسة وثلاثين سنة من حكمه اذله الله في الدنيا والاخرة، و يجب اعتماد الحكام لابناء شعوبهم وان يعطوهم الفرصة الاكبر وان يسمعوا اقوالهم اي الراي والراي الاخر.

العدد ١٦٩

سنة ١٤٤٠

سال پنجم

شماره ٧٦

٢٨ اسفند ١٣٨٨

١٦٩



العدد ١٧٠

راهب

سال پنجم

شماره ٧٦

٢٨ اسفند ١٣٨٨

١٧٠

العدد العاشر لتكريم المرجع الشهيدي السيد محمد باقر الصدر

## مشروع السيد الصدر كان ضرورة لتطوير الدرس القرآني لأنه قوة التفسير الموضوعي في سائر أعماله

عجب لشهادة هؤلاء العظام الذين أمضوا عمراً في الجهاد في سبيل الأهداف الإسلامية.

بناء على ذلك، سلطنا الضوء على سيرته الحافلة ومسيرته الراقدة من خلال سلسلة حوارات مع الاساتذة والمفكرين إحياء لذكره وتعظيماً لمواقفه الرشيدة.

الشيخ "حيدر حب الله" من مواليد لبنان يحمل درجة ماجستير في علوم القرآن والحديث من كلية أصول الدين في إيران، وأستاذ في تاريخ أصول الفقه وعلم الكلام الجديد وقد تلقى دراساته العليا على يد أبرز علماء الشيعة المعاصرين، أمثال الشيخ "وحيد الخراساني" و"السيد محمود الهاشمي الشاهرودي" والشيخ "عبدالله جوادي الأملي" الذي تلقى عنه دروس التفسير.

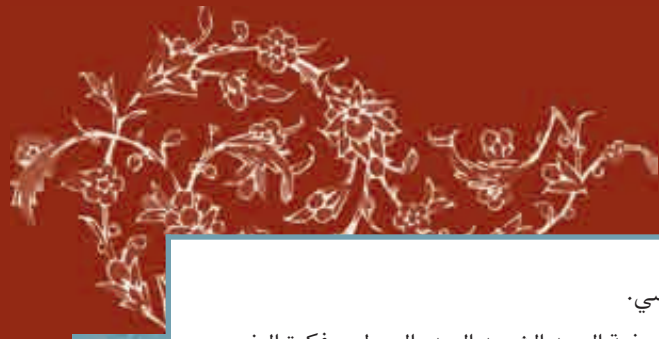
يرأس حب الله تحرير مجلة "المنهاج" و"نصوص معاصرة"، كما أنه عضو هيئة تحرير في أبرز الدوريات الإيرانية المعاصرة، مثل مجلة "ميقات الحج" و"أصداء" و"فقه أهل البيت"، وهو عضو الهيئة الإستشارية لمرفاً الكلمة للحوار والتأصيل الإسلامي في إيران.

أكد الأستاذ الشيخ «حيدر حب الله» أن السيد الشهيد محمد باقر الصدر (ره) طرح قضية تعارض علم أصول الفقه، حيث كان المقصود من التعارض للكتاب الكريم هو معارضة روح القرآن، وهذه نظرية هامة جداً ولها تأثيرات واسعة، لكن من النادر أن نجد تطبيقات لهذا المفهوم البالغ الأهمية في أعمال السيد الصدر في الفقه وغيره.

إن العلامة المرجع السيد محمد باقر الصدر المفكر الشهيد، أشهر من أن يعرف، فالإحجام عن تعريفه أجدى وهو يحق كان جامعة علم متنقلة، حيث قال فيه الإمام الخميني (ره) "كان السيد محمد باقر الصدر مفكراً إسلامياً فذاً، وكان مؤملاً أن ينتفع الإسلام من وجوده بقدر أكبر، وأنا أمل أن يقرأ المسلمون و يدرسوا كتب هذا الرجل العظيم".

لقد كان الشهيد الصدر شخصية علمية، ومجاهداً مضحياً من مفاخر الحوزات العلمية ومراجع الدين والمفكرين المسلمين، فلا





المستوى النفسى.

وحول مبرر رغبة السيد الشهيد الصدر إلى طرح فكرة التفسير الموضوعي وإعراضه عن الأسلوب التقليدي في التفسير، أي التفسير الترتيبي التجزيئي الذي يبحث في النص ويشرح مفرداته وأحكامه، قال حب الله: إن المبرر لهذه القضية يكمن في عدة أمور؛ أولاً: النزعة الواقعية في فكر السيد الصدر؛ فعندما طرح الصدر فكرة التفسير الموضوعي كان يريد من ذلك أن يحلّ مشكلةً في الواقع، إنه يقول: فلنذهب إلى الواقع لنسأله عن مشاكله وعن أزماته ومعضلاته، ثم نأخذ هذه المشكلة ونحملها. بعد وعيها وفهمها جيداً - إلى النص، فنلقبها عليه، لنسأله وننتظر ماذا يجب.

وأضاف سماحته أن هذا النوع من التفكير يجعل الباحث واقعياً؛ لأنه لا يريد أن يفكك نصاً فحسب؛ فالتدبر في القرآن الكريم لم يكن في هوموم السيد الشهيد مطلباً ذاتياً مستقلاً قائماً بنفسه، وإنما هو وسيلة لحلّ مشكلٍ ما على أرض الواقع، ولتحصيل كمالٍ ما مفقود فيه، ولدراء نقصٍ ما أو سدّ ثغرة قائمة؛ فليس المهم أن أذهب إلى القرآن ثم أتأمل فيه لمجرد التأمل، وأن أستطيع أن أفهم نصّاً هنا أو نصّاً آخر هناك بما لا يمكنه أن يقدمنى إلى الأمام، سواء كنت فرداً أم جماعة أم أمة، لا على المستوى الروحي ولا على المستوى النفسى ولا على المستوى الإجتماعى ولا السياسى ولا الإقتصادى؛ فالقضية ليست قضية إنتقالات ذهنية وحركة تفكير وتحليل للنصوص، إنها لا تقف هنا، بل تعبر إلى محاولة حلّ مشكلٍ ما موجود على أرض الواقع.

الموضوع في كلمة التفسير الموضوعي يُقصد به الواقع في مقابل الذات

وتابع الشيخ "حيدر حب الله" القول: أظنّ أن ما يدفع مثل السيد الصدر إلى الخوض في مجال التفسير الموضوعي، هي هذه النزعة الواقعية؛ لأنّ الموضوع في كلمة التفسير الموضوعي يُقصد به الواقع في مقابل الذات، حسب الإصطلاح الفلسفي في الفلسفة الحديثة والمعاصرة، أي أنا أذهب إلى الموضوع الذي هو الخارج، ثم آخذ منه مشكلته لأعرضها على النص؛ فالذهنية هنا هي ذهنية إنسان يريد أن يحلّ مشكلة، أو يحقق تكاملاً على أرض الواقع، وليست ذهنية إنسان يريد فقط أن يفكك نصوصاً أو يحلّل كلمات أو يقارب مقاطع

فيما يلي نص المقابلة التي اجريت مع الشيخ "حيدر حب الله" المفكر الشيعي والباحث في العلوم الإسلامية:

في مستهل حديثه، أكد الشيخ حيدر حب الله أن السيد محمد باقر الصدر (ره) كان يمتاز بميزات عديدة جعلته محط أنظار الآخرين، أبرزها البعد المنهجي في تفكيره والتنظيم الفائق لأفكاره، وقدرته على إستخدام منهج تفكير جديدة يمكن دراسة الإسلام من خلالها، وإشرافه على المشهد الفكري الإسلامي من الأعلى، وإنتقاله من الجانب الفرضي في فهم الإسلام إلى الجانب العملائي، حيث لم يقف عند الفروض والإفتراضات التي يطلقها الباحث في زوايا بيته ومنزله وبين كتبه وكراريسه، وإنما يعمد إلى ملاحظة الواقع العملي لتلبية حاجاته ومتطلباته، وهذا ما يجعله واقعياً على إرتباط مباشر بالتحوّلات والمتغيرات، ليحمل نتيجة ذلك فكراً قادراً على أن يبقى في ظلّ هذه المتغيّرات بدل أن يخضع للزوال داخلها.

ما يميز الشهيد الصدر هو إدراكه الواعي للأولويات الفكرية والثقافية في اللحظة التاريخية الحرجة للأمة الإسلامية.

وأضاف الشيخ حب الله قائلاً: ما يميز

السيد الشهيد الصدر وأمثاله

من العلماء النهضويين هو

إدراكهم الواعي للأولويات

الفكرية والثقافية في اللحظة التاريخية الحرجة

للأمة الإسلامية، فقد إستطاع أن يوجّه خطابه إلى

شريحة الشباب في الوقت عينه الذي إستطاع فيه أن

يوجهه إلى المثقفين والمفكرين والعلماء وأصحاب الرأي في

الأمة وإنّ شمولية الخطاب هذه مكنته من فعل التأثير الكبير وأعطته

ميزة قلّ نظيرها في أوساط العلماء والباحثين المعاصرين له.

موجز القول: إنّ السيد الصدر إمتاز بما يسمح له بإنتاج فكر قادر

على إدارة الموقف، وعلى إيجاد الفعل وصنع الواقع، بدلاً أن يكون

في موقع الإنفعال والتلقّي ولقد قاد هذا النوع من التفكير علماء

المسلمين المحدثين والمعاصرين إلى الإمساك بزمام الأمور، وخلق

واقع جديد، بدل الدوران في فلك واقع يخلقه الآخر المختلف، فأن

تكون في الواقع شىء وأن تصنع أنت هذا الواقع شىء آخر.

إضافة إلى هذه الميزات الفكرية عند الشهيد الصدر، هناك

خصائص أخلاقية جعلت منه إنساناً ومربيّاً وأباً رحيماً، ممّا مكّنه من

أن يمتلك موقع الريادة والقيادة في الأمة؛ لأنّ القيادة تحتاج إلى

حُلم وسعة صدر، ولا يمكن أن تنجح في ظلّ ضيق وخنق على

ما يميز الشهيد الصدر هو إدراكه الواعي للأولويات الفكرية والثقافية في اللحظة التاريخية الحرجة للأمة الإسلامية

لفظية.

هذه فيما أظن نقطة أساسية، على خلاف التفسير الترتيبي؛ لأنه غير قادر على أن يفعل ذلك بجدارة، إنه قادر على أن يضيء على نص هنا أو آية هناك، وعلى كلمة هنا ومفردة هناك، لكن الأمر لا يقف عند هذا الحد، فإذا استطعت اليوم أن أفسر القرآن تفسيراً ترتيبياً فإن هذا لا يمكنني لوحده – وإن كان ضرورياً ومطلوباً – من حل معضلات الواقع البالغة التعقيد في عصرنا، يجب أن أفكر أكثر في هذا الموضوع؛ لأنني ما دمت لا أدرك الواقع ولا أذهب إلى النص بذهنية المشكلة التي أعيشها فقد لا أتفتت إلى الأجوبة التي يحملها النص لقضايا الواقع وإشكالياته.

ثانياً: إن التفسير الترتيبي تم الإشتغال عليه منذ قديم الأيام وبشكل موسع ومكثف، رغم أنه ما زال يعاني من ثغرات، وهنا نجد السيد الصدر يرسم الأولويات في ذهنه؛ فبدل أن يستغرق في إعادة النظر في التفاسير الترتيبية التي بذلت عليها جهود جبارة، حاول أن يطرق مجالاً لم تبذل جهوداً فيه، أي بدل أن يكمل جهود الآخرين حاول أن يؤسس وجوداً نوع من التفسير ليس له وجود يُذكر، وكأنه يريد أن يقول: إذا لم أشتغل بالتفسير الترتيبي فبالإمكان أن يستمر ويتواصل بجهود الآخرين؛ لأن أرضيته ناجزة، أما إذا تركت التفسير الموضوعي فإنه لا يوجد لي ضمان في أن هذا التفسير سيولد أو سيشهد مزيداً من التقدم وسيحل لي المزيد من المشكلات، هذا الرسم للأولويات أظنه لعب دوراً كبيراً في ذهنية النهضويين الإسلاميين كالسيد الصدر.

ثالثاً: إن السيد الصدر لم يكن يريد أن ينظر إلى القرآن بوصفه وحدات مقطعة مجزئة؛ لذلك نجده عندما تحدث عن التفسير الموضوعي ألفت النظر - في بعض كلماته - إلى أن الموضوعية هنا تعني أيضاً ضم آيات متعددة لموقف القرآن من قضية ما، فكأنني أريد هنا أن استشرف من الأعلى وأفهم ما هو المراد القرآني من مسألة ما وفقاً لمجموع نصوصه المتصلة بزوايا تلك المسألة، إنها بالفعل رؤية متكاملة.

ولدى اجابته على سؤال عن: ما مدى توفيق السيد الشهيد الصدر في استخدامه منهج التفسير الموضوعي لحل المشكلات المعاصرة، أكد الشيخ "حيدر حب الله" أن التجربة التي خاضها السيد الصدر في مجال التفسير



الموضوعي لا تسمح لنا بأن نتحدث عن نجاح أو إخفاق مطلقين، أي لا نستطيع أن نملك جواباً حاسماً على هذا الموضوع؛ لأن الأعمال التي قدمها في هذا المجال كانت محدودة جداً، هناك بدايات أولى ومراحل جنينية أطلقها الصدر هنا؛ فما وفق فيه هو:

أولاً: إثارة هذا الموضوع؛ فإن طرحه كان حاجة، وكان خطوة مميزة في سياق تطوير الدرس القرآني عموماً وثانياً: محاولة التفكير في تعريفه؛ لأن الكثير من مشاكلنا تنتج عن عدم تحديد المفاهيم بدقة، وقد حاول السيد الصدر في جملة وافية من كلماته أن يحدد بدقة ما هو المقصود من هذا النوع من التفسير؟ وما هي الحاجة إليه؟ وما هي ضرورات تكونه في وعينا الإسلامي.

وتابع سماحته القول: أعتقد أنه في هاتين النقطتين كان موفقاً إلى حد كبير جداً، أما فيما يرجع إلى تطبيق هذه النظرية على

فالتدبر في القرآن الكريم لم يكن في هموم السيد الشهيد مطلباً ذاتياً مستقلاً قائماً بنفسه، وإنما هو وسيلة لحل مشكل ما على أرض الواقع، ولتحصيل كمال ما مفقود فيه، ولدرء نقص ما أو سد ثغرة قائمة





١٧٣

رايحه

سال پنجم

شماره ٧٦

٢٨ اسفند ١٣٨٨

١٧٣

القرآن.. عندما ندخل في هذه المجالات لا نجد ذهنية التفسير الموضوعي حاضرة بقوة، نحن نجد الذهنية الواقعية حاضرة بقوة، لكن ذهنية التفسير الموضوعي ومعالم هذا التفسير لا نجده قد فرض نفسه في دراسات السيد الصدر الأخرى، ربما يكون سبب ذلك أن النظرية كانت جديدة وفي طور البناء، ومن الطبيعي في هذه الحال أن لا نجد الكثير من تطبيقاتها حتى عند أصحابها أنفسهم.

### نظرية الشهيد الصدر في الفقه تقصد أن التعارض مع الكتاب الكريم هو معارضة روح القرآن

أضف إلى ذلك أن المجالات التي أراد السيد الصدر أن يستخدم فيها التفسير الموضوعي كانت محدودة في الإطار غير المدرسي للدراسات الإسلامية، فالسيد الصدر طرح في مباحث التعارض من علم أصول الفقه نظرية ترى أن المقصود من التعارض مع الكتاب الكريم هو معارضة روح القرآن، وهذه نظرية هامة جداً ولها تأثيرات واسعة، لكن من النادر أن نجد تطبيقات لهذا المفهوم البالغ الأهمية في أعمال السيد الصدر في الفقه وغيره.

كما قلت، تفسيري لهذا الأمر يعود إلى أن ولادة النظرية تحتاج إلى فترة زمنية حتى يمكن تنشيطها وتفعيلها على أرض التطبيق، إضافة إلى الموانع والمخاوف من تطبيق نظرية جديدة في مجالات تعرف بريادة المنهج المدرسي الكلاسيكي فيها، ولعل هذا ما يدفع بعض المراجعين لمجمل أعمال السيد الصدر إلى الاعتقاد بأنه تعامل مع المباحث الإسلامية بذهنية تقليدية مدرسية تارةً وجديدة تارةً أخرى، مما قد يوحي بقدر من الازدواجية؛ فأعماله لخارج الحوزات تأخذ طابعاً مختلفاً ليس في الخطاب فقط وإنما في بعض البنيات الفكرية أيضاً.



الواقع فأظن أن الجانب الذي طبّق فيه السيد الشهيد هذه النظرية بدرجة كبيرة كان محدوداً والنماذج كانت محدودة أيضاً لا تسمح لنا بإعتبار التجربة بمثابة تجربة كبيرة قابلة لأن نحكمها في أنها وفقت أو لم توفق، لقد كانت الجهود في بداياتها ونجحت على مستوى إثارة المفهوم وشرحه وتفكيكه، وإيجاد بعض التطبيقات البسيطة له.

وأضاف الشيخ «حيدر حب الله» قائلاً: الشيء الذي أود أن أشير إليه - وهذه من المفارقات العجيبة التي نشهدها في أعمال

السيد الصدر وسأشرح بعض ما أظن أنه سبب لها. أنه لا نجد للتفسير الموضوعي عند السيد الصدر أي

حضور على الإطلاق في سائر أعماله، وأعني هنا على المستوى التفسيري لا على المستوى الفكري، فعندما ندخل في علم أصول الفقه أو علم الفقه نفسه، أو علم التاريخ، أو حتى علوم

السياق الماركسي دفع الشهيد الصدر للبحث في

السنن التاريخية

وحول قدرة الشهيد الصدر على أن يرفد الدراسات القرآنية بتطوير أجاب الأستاذ «حيدر حب الله»: إن هذا مما لا شك فيه؛ لأننا نجد اليوم أن ذهنية التفسير الموضوعي أخذت بالحضور في أوساط المفكرين والباحثين، وهناك دراسات كثيرة تحاول أن تتحرّك في إطار التفسير

الموضوعي بعضها كانت في حياة السيد الصدر وبعضها جاءت بعده، ولا شك أننا اليوم بننا نجد المئات من الأعمال الفكرية من الدراسات

أنه لا نجد للتفسير الموضوعي عند السيد الصدر أي حضور على الإطلاق في سائر أعماله، وأعني هنا على المستوى التفسيري لا على المستوى الفكري



التي تأخذ فكرة ما وإشكالية ما ثم تقوم بعرضها على القرآن الكريم لتحاول التفتيش عن الحلول التي يقدمها القرآن في هذا المجال أو ذلك، خذ مثلاً على ذلك مسألة التعددية الدينية، فهناك من قام بعرض هذه الإشكالية المستجدة في عالم الفكر الإنساني على القرآن، ومحاولة التماس أجوبة لها، وهل قدم القرآن في هذا المجال شيئاً أم أنه لم يقدم شيئاً؟

وتابع فضيلته: لا شك في أن ذهنية التفسيري الموضوعي قد أخذت وضعها في الميدان الثقافي وفي الأجواء الدينية والدراسات القرآنية، لكن لأن الدراسات القرآنية عموماً في مشهدنا الإسلامي - ولاسيما الشيعي منه - ما تزال لا تحظى بالموقع المناسب لها، لذا كان من الطبيعي أن يكون التأثير محدوداً في إطار حركة تطوّر الدراسات القرآنية نفسها، فما دامت هذه الدراسات لا تشهد تطوّر كبيراً وقفزات نوعية هائلة فإن حركة التفسيري الموضوعي في تأثيراتها سوف تكون على هذه الشاكلة أيضاً.

ولاشك في أن ذهنية التفسيري الموضوعي قد أخذت وضعها في الميدان الثقافي وفي الأجواء الدينية والدراسات القرآنية، لكن لأن الدراسات القرآنية عموماً في مشهدنا الإسلامي - ولاسيما الشيعي منه - ما تزال لا تحظى بالموقع المناسب لها، لذا كان من الطبيعي أن يكون التأثير محدوداً في إطار حركة تطوّر الدراسات القرآنية نفسها، فما دامت هذه الدراسات لا تشهد تطوّر كبيراً وقفزات نوعية هائلة فإن حركة التفسيري الموضوعي في تأثيراتها سوف تكون على هذه الشاكلة أيضاً.

وفيما يتعلق بتطبيق التعاليم القرآنية في المجتمع قال حب الله: إن ذهنية التفسيري الموضوعي وحركته مثلت دوراً في تقريب فهم الإسلام إلى الواقع، وبدأت شرائح المجتمع تعي الإسلام وفق ذهنية العصر الجديد والعقل المعاصر، وهذا على خلاف التفسيري التجزيئي، إذ لا يستطيع أن يقدم هذه الخدمة، فهو قد يسمح للمفسرين الكبار بفهم مجمل التركيبة القرآنية، أما التفسيري الموضوعي فبإمكانه أن

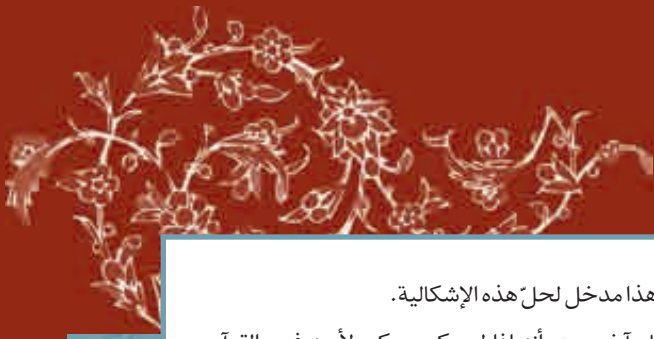
ويمدد المفاهيم القرآنية وينشرها على نطاق واسع؛ لأن كل فكرة بالإمكان عرضها على القرآن وتقديم أجوبة لها، فكل إنسان متخصص في مجال بإمكانه أن يحصل على أجوبة القرآن في هذا المجال من خلال دراسات التفسيري الموضوعي.

وأضاف سماحته: أما دراسات التفسيري التجزيئي فلا تستطيع أن تقدم له أجوبة إلا إذا كان متخصصاً في الدراسات القرآنية قادراً على أن يعرف مواقع الإجابة عن هذا الموضوع في متناثر التفسير هنا وهناك، في الآيات هنا وهناك، ولا شك أن التفسيري الموضوعي استطاع أن يقرب القرآن من الوعي الاجتماعي العام، وأن يُدنى مفاهيم القرآن من الإنسان المعاصر؛ لأنه استطاع أن يلامس همومه ويقترّب من قضاياها، فهذه نقطة بالغة الأهمية، إذ لو ظلّت التفسيرات على ذهنية التفسيري التجزيئي لربما ظللنا نعيش حالة الغربة والغيوبة القرآنية عن مجتمعاتنا الإسلامية وعن شبابنا كذلك.

التفسير الموضوعي شكل من أشكال النهضة الإسلامية الحديثة؛ لأنه يعطي المرجعية القرآنية بُعداً واقعياً وعملياً، إن التفسيري الموضوعي شكل من أشكال النهضة الإسلامية الحديثة؛ لأنه يعطي المرجعية القرآنية بُعداً واقعياً وعملياً، ويستطيع أن يقرب المفاهيم القرآنية من قضايا العصر، ويلامس

ويعطي المرجعية القرآنية بُعداً واقعياً وعملياً، ويستطيع أن يقرب المفاهيم القرآنية من قضايا العصر، ويلامس





القرآن الكريم، هذا مدخل لحلّ هذه الإشكالية.  
هناك مدخل آخر، وهو أنه إذا لم يكن يمكن لأحد فهم القرآن الكريم، إذ فكيف يمكن أن يخاطب الله تعالى العرب المشركين في ذلك الزمان ويتحدّاهم بالإتيان بمثله مادام القرآن عبارة عن طلاسّم؟! هذه نقطة أساسية جداً ومدخل عقلائي آخر طرحه بعض العلماء مثل "الشيخ جعفر كاشف الغطاء" وفي ذهني أنه تبعه عليه "السيد أبو القاسم الخوئي".

ومن المداخل الأخرى أنّه ما هو الموجب لأن نوقف عقولنا عن أن تفسّر النصّ القرآني ما دام نصّاً من النصوص؟ وإذا كان الموجب هو بعض الروايات فإنّ مراجعتها أفضت ببعض العلماء إلى اكتشاف أنّ أغلبيتها الساحقة - وهي في الأصل ليست كثيرة - ضعيفة السند، وفي كثير من الأحيان ضعيفة الدلالة أيضاً، بل لقد لاحظ السيد الشهيد الصدر نفسه أنّ الكثير من هذه الروايات وربما جميعها يشترك في روايتها أشخاصٌ متّهمون بأنهم ذوو نزعات باطنية و صوفية؛ ولذا ذهب الصدر إلى أنّ هذه الروايات يمكن أن تكون موضوعة من جانب هؤلاء؛ لأنهم لا يريدون لأحد أن يفهم ظواهر القرآن الكريم، وهم يرغبون في أن يقدّموا القرآن على أنه طلاسّم ومساحات مبهمّة غامضة، وأنّ خوضها منحصر بسفن التأوويل غير المتعارف عند العقلاء؛ لأنّ هذا النوع من التأوويل يسمح بتوظيف النصّ القرآني في استنتاجات لم يدلّ عليها هذا النصّ.

وتابع حبّ الله: إن هذه الملاحظة النقدية التي قدّمها الشهيد الصدر مهمة جداً؛ لأنّها تكشف لنا عن أن منشأ هذه الروايات - على تقدير صحّة الملاحظة - هو بعض التيارات الإسلامية، وهنا يشير السيد الصدر علامة استفهام كبيرة تتلخّص في السؤال التالي: ماهي هذه المصادفة في أننا لم نسمع "محمد بن مسلم" و"زرارة بن أعين" وغيرهم يروون لنا هذه الروايات وإنما سمعناها من أشخاص معروفين في التاريخ الإسلامي بأنهم أصحاب نزعات باطنية؟! واردف قائلاً: مدخل آخر أيضاً هو أنّ أهل البيت طالبونا بمحاكمة ما يأتي من روايات عنهم على أساس القرآن، فقالوا: اعرضوا كلماتنا على القرآن الكريم فما وافقه فخذوا به، وما عارضه فاطرحوه، فإذا كان يجب علينا في تقويم رواياتهم الواصلة إلينا أن نعرضها على القرآن الكريم فهذا يعني أننا نفهم القرآن، وإلا كيف نعرضها على القرآن الكريم؟! فمن الطبيعي أن تفرض مرجعية القرآن بمثابة مرجعية أولى في حين تفرض مرجعية الروايات الواصلة إلينا بمثابة مرجعية ثانية تأخذ

الإشكاليات التي تقع هنا وهناك في هذا الملف أو ذاك.. هذه كلّها تساعد على رقد حركة الصحوّة الإسلامية، فالعقل المعاصر والذهنية المثقفة والإنسان العملي الميدانيّ لم يكونوا ليستطيعوا تقبّل الصحوّة الإسلامية والاندماج بها إذا كان خطاب هذه النهضة تجزيئياً تقطيعياً متناثراً، لا يقدّم رؤية متكاملة عن واقع الحياة المعاصرة.

إنّ ذهنية الإنسان المعاصر هي ذهنية الرؤى الكلية، ذهنية الحلول القادرة على أن تأتي بنجاحات، والتفسير التجزيئي لا يستطيع أن يقوم بهذه العملية، ولو إستفادت الحركة الإسلامية من هذا التفسير فلن تخرج سوى بذهنية دينية مقطّعة، أشبه بجزر يتمّ التناقل بينها بواسطة جسور غير قوية، هذه نقطة أساسية يجب علينا أن نلتفت إليها وأن نفكر فيها جيّداً.

وفي رده على سؤال حول هل هناك أقوال وروايات تتحدّث عن منع التفسير، وخطر التفسير، وأنه لا يمكن لأحد أن يفسّر القرآن إلا من خوطب به من الرسول الكريم (ص) وأهل البيت (ع) وأنّ هذا من ضرب القرآن بالقرآن.. وأنه كيف حاول علماء الإمامية أن يردّوا على هذه الشبهة؟ قال الشيخ «حيدر حبّ الله»: هذه الإشكالية قديمة، وقد أعاد الإخباريون تنشيطها على نطاق واسع في القرنين العاشر والحادي عشر الهجريين في الساحة الشيعية، وقد تحدّثوا من خلال ذلك

عن أن الجهود البشرية في تفسير القرآن فعلٌ خاطئ، ولا ينبغي لنا أن نقوم بأيّ جهد بشري في مجال التفسير القرآني؛ لأنّ هذا الجهد مشوبٌ بكثير من الأخطاء، إذ أفعلينا أن نهتدي لمرجعية معصومة في التفسير، وليست هذه المرجعية المعصومة إلا أهل البيت (ع).

ليس هناك خلاف يُذكر في أنّ الاستفادة من السنّة في فهم القرآن فعل صائب، ولا يناقش العلماء في أنّه بإمكاننا أن نستفيد من السنّة الثابتة لفهم القرآن

الكريم؛ فإنّ الرسول وأهل بيته يشرحون الكتاب بأعمالهم وأقوالهم وحكمهم، هذا أمر لا شك فيه، إلا أنّ الكلام في أنه هل يجب الوقوف عند هذه النصوص الواصلة إلينا في مجال تفسير القرآن الكريم؟ هل يمكننا أن نعدّها إلى ممارسة الفعل العقلي والتفكير البشري في فهم هذا النص المقدّس؟.. هنا إستطاع بعض علماء الإمامية أن يحلّوا هذه القضية من خلال مداخل متعدّدة؛ فهناك الآيات والروايات التي تحث على تدبّر القرآن الكريم، كيف يمكن أن نؤمّر بالتدبر بالقرآن الكريم حتى في روايات أهل البيت والمفروض أننا لا نفهم القرآن نفسه؟! كان المفروض أن يقال: نحن نأمركم أن تتدبروا في كلماتنا التي تفسّر

إنّ ذهنية الإنسان المعاصر هي ذهنية الرؤى الكلية، ذهنية الحلول القادرة على أن تأتي بنجاحات، والتفسير التجزيئي لا يستطيع أن يقوم بهذه العملية



الشيخ محمد جوان مغنیه و الشهيد الصدر

القبيلة التي ألقاها في هذا المجال - أن يؤمن جواباً بدالتيه، إذا جاز التعبير، للنظرية الماركسية في فهم التاريخ.

وحول موضوع تدخل الخلفيات المعرفية للمفسر قال الاستاذ «حيدر حب الله»: إن هذا الموضوع ليس خاصاً بمجال التفسير الموضوعي، بل هو مشترك مع كل تفاسير النص، والدراسات الهرمنوطيقية المعاصرة عندما تتحدث عن تأثير القيليات المعرفية للمفسر لا تتحدث عن تفسير موضوعي أو تجزيئي، بل أي قراءة للنص تخضع للخلفية المعرفية التي يحملها القارئ، إذا طرح السؤال ربما لا يكون دقيقاً.

واضاف: نعم، يمكن أن يكون المراد أنه بما أن نزعة التفسير الموضوعي هي نزعة واقعية تشرع من المشكلة في الخارج، ثم تأتي إلى النص القرآني لتسأله عن هذه المشكلة، فمن الممكن أنني جعل الواقع بداية رحلتي قد أقع تحت تأثيره فأخذ مواقف مستعجلة مستوحاة في ذهني لحل مشكلة الواقع قبل أن أعرج على النص، وعندما آتي إلى النص وأنا متأثر بهذه المواقف المسسفة يخشى أن إسقاطها عليه ولو من حيث لا أشعر، نعم هذا خطأ يجب أن يسعى المفسر دائماً عندما يأخذ حملاته من الواقع ويتوجه بها نحو النص القرآني كي يكون سائلاً للنص فقط لا ملقياً، وأن يكون مستمعاً مسلماً.

وختم سماحة الشيخ «حيدر حب الله» كلامه قائلاً: إذن، الخطورة في التفسير الموضوعي أنك عندما تذهب إلى الواقع ويشعب ذهنك بأزمته، ربما يحصل في ذهنك بعض الحلول الشخصية لهذا الواقع، فتذهب إلى القرآن محاولاً التماس نفس هذه الحلول التي طرأت في ذهنك، لتتراهى لك في ثنائها، مما يوقعك في عملية إسقاط سلبي.

شرعيتها من المرجعية الأولى، وهذا معنى روايات العرض على الكتاب، وهي روايات فيها الصحيح سنداً بإقرار جميع علماء الإمامية وأضاف سماحته: لقد استطاعت هذه الحلول التي قدمها الشهيد الصدر وغيره من العلماء أن تدفع الفكر الشيعي لتخطي أزمة حظر التفسير القرآني، من هنا ذهب العلماء إلى أنه قد يقصد من هذه الروايات النهي عن التفسير المزاجي والإستسائي والفوضوي والذاتي، وما شابه ذلك من التفاسير التي كانت رائجة في القرون الهجرية الأولى على لطلق كبير، فأراد الدين وأهله أن يضعوا حداً لهذا النوع من فوضى التفسير الإسلامي.

وتابع: أظن أن السياق الذي دفع السيد الصدر للبحث في قضية السنن التاريخية في القرآن هو السياق الماركسي، لقد أراد أن يقدم جواباً قرآنيًا على النظرية الماركسية التي تتحدث عن أن التاريخ له قواعده وقوانينه، فاستفاد من منجزات الماركسيين واستطاع توظيف أفكارهم - مع اختلافه الجذري معهم - في مظالعة موضوع هام من زاوية قرآنية؛ فالمادية التاريخية تتحدث عن أن التاريخ يسير وفقاً لقوانين.

واضاف: وقد أخذ الصدر هذه النقطة من الفكر الماركسي وحاول أن يعرضها على القرآن، أي أراد أن يسأل القرآن: هل هناك سنن تاريخية؟ هل هناك قواعد تضبط حركة التاريخ والاجتماع البشري أم أن حركة التاريخ البشري هي حركة فوضوية تابعة للمصادفات؟ فوجد أن بالإمكان الحصول على جواب قرآني في هذا المجال؛ فقدم نظرية تاريخية قائمة على التفسير القرآني، واعتقد أنه نجح نجاحاً كبيراً جداً؛ إذ يندر أن نجد أحداً، فيما نعرف، استطاع أن يقدم - إلى جانب النقد - نظرية بديلة عن نظرية المادية التاريخية، فادرة على رسم صورة لقوانين التاريخ والاجتماع. لقد استطاع الصدر - رغم المحاضرات





العدد ١٧٧

راية

سال پنجم

شماره ٧٦

٢٨ اسفند ١٣٨٨

١٧٧



## أعمال الشهيد الصدر تعكس آلام المجتمعات الإسلامية

وقال الشيخ "حسين علي المصطفى" الذي ألف كتاب "حاشية علي الحلقة الأولى من أصول الشهيد الصدر" مبينا أن التدقيق في مؤلفات الشهيد الصدر وخاصة في ثلاثيته "فلسفتنا" و"اقتصادنا" و"الأسس الفلسفية للإستقراء" يبين بوضوح العمق الفكري والفلسفي الذي كان يتمتع به هذا المرجع الإسلامي.

وقال حسين المصطفى إن هذه الكتب الذي كتبها الشهيد في زمن كان يشهد إصطداما حادا بين الفرق الإسلامية من جهة والإتجاهات الماركسية من جهة أخرى تقدم صورة عصرية عن الإسلام مفندة بذلك المزاعم اليسارية حول قصور الإسلام وإرتجاعه وتشير إلي إحتكاك الشهيد الصدر بالواقع الفكري المسيطر علي زمنه.

وأبدي المصطفى أسفه لعدم وجود شخص من المعاصرين يعرف

الشيخ "حسين علي المصطفى" أحد علماء حوزة القطيف العلمية في المملكة العربية السعودية ومن الباحثين في مجال الفكر الإسلامي ولد عام ١٩٦٢ وأسس "دار المصطفى (ص) لتحقيق التراث" في مدينة قم المقدسة، كما شارك في تأليف "الموسوعة الإسلامية الكومبيوترية". ومن مؤلفاته "حاشية علي الحلقة الدولي من أصول الشهيد الصدر" و"علوم الحديث بين النظرية والتطبيق" و"مطارات في الدين والفكر والمجتمع" و"أسرار العبادات".



وأكد "الشيخ حسين المصطفى" إن تتبعنا لدراسات الشهيد محمد باقر الصدر ونتاجاته الفكرية يبين لنا بوضوح أن الشهيد لم ينتج مؤلفات تجريدية وإن أعماله تعكس آلام المجتمعات الإسلامية.

مقدما بذلك تفسيرا يستند إلى الواقع عن حالة المسلم الشيعي وما له وما عليه في النظام الإجتماعي الراهن من أجل القيام بخطوة في سبيل الحصول علي حكومة إسلامية.

وحول الآراء القرآنية للشهيد الصدر وإهتمامه بالشهيد بالبحوث القرآنية قال المصطفى إن الشهيد الصدر جعل الدراسات القرآنية علي سلم أولوياته ودعي إلي تفسير موضوعي للقرآن الكريم مقدما بذلك التعاليم القرآنية في حلة عصرية وأكثر حيوية كما أنه قام وخلال بحثه عن السنن التاريخية يربط السنن هذه بالحركات الإجتماعية والإرادة الإنسانية مما يدل علي سيطرته التامة علي الدراسات القرآنية.

وقال الشيخ حسين المصطفى إن التأكيد علي إهتمام الشهيد

الصدر بالتفسير الموضوعي ينبغي أن لا يوهنا أن الشهيد لم يكن يؤكد النظرة الشاملة إلي القرآن الكريم حيث أن الشهيد كان يري أن القرآن يتضمن حلولاً لكل مناحي الحياة البشرية ولكن الطريقة الصحيحة في تناول النص القرآني هو إرجاع القضايا المجتمعية إلي النص القرآني بغية الحصول علي إجابات شاملة لها.

وعلي الرغم من الخلافات الحادة بين الفكر الوهابي والفكر الشيعي إلا أن ثلاثية الشهيد الصدر وهي "فلسفتنا" و"اقتصادنا" و"البنك اللاروي في الإسلام" تعد من أهم المصادر الدراسية في جامعات المملكة العربية السعودية

مؤلفات الشهيد الصدر ألهمت الحركات الإسلامية

في السبعينيات والثمانينيات

كما أكد: إن دراسة الحركات الإسلامية التي ظهرت في العقد الثامن والتاسع من القرن المنصرم ترينا أن كتب المفكر الإسلامي الشهيد محمد باقر الصدر ألهمت هذه الحركات حيث أن الإحصاءات تبين أن مؤلفات الشهيد كانت الأعلى قراءة بين الحركات الإسلامية في تونس وذلك بعد المصحف الشريف.

واضاف أنه وعلي الرغم من الخلافات الحادة بين الفكر الوهابي والفكر الشيعي إلا أن ثلاثية الشهيد الصدر وهي "فلسفتنا" و"اقتصادنا" و"البنك اللاروي في الإسلام" تعد من أهم المصادر الدراسية في جامعات المملكة العربية السعودية مما يدل علي مدي نفوذ الفكر الصدري في العالم الإسلامي.

وقال الشيخ المصطفى إن العمق الفكري لمؤلفات الشهيد الصدر والرصانة التي تتمتع بها آراءه جعلاه من أهم الشخصيات الفكرية التي شهدها العالم الإسلامي وبل والعالم أجمع مبينا أن الشهيد الصدر كان نموذجاً للفقيه الشيعي الملتزم الذي حاول حل القضايا التي يعانيتها العالم الإسلامي بنظرة تتسم بشيء من الواقعية وهذا هو

تمام المعرفة آراء الشهيد الصدر قائلاً إن ما يعرفه الجيل المعاصر هو نبذة عن آراء الشهيد الصدر بقيت في الذاكرة العامة للعلماء وإنما لانعرف الكثير من آراءه التي من شأنها أن تحل الكثير من المشكلات التي نعانيها.

وأرجع الشيخ حسين المصطفى هذا الإهمال إلي ظاهرة مرضية يعاني منها الفكر الإسلامي وقال إن السعي الي إحياء آراء الشهيد الصدر يقدم ضمانات لبقاء الأبعاد القرآنية وتمتين العلاقات بين المفكرين والمجتمع الإسلامي عبر واقع شارك في بناءه الرسول (ص) والأنبياء الآخرين.

وعلي سؤال عن ضرورة تعرف الأجيال المعاصرة علي آراء الشهيد الصدر أجاب الشيخ المصطفى إن الإمام علي عليه السلام يقول في

خطبة له "بلى لا تخلو الأرض من قائم لله بحجة إما ظاهراً مشهوراً وإما خائفاً مغموراً لئلا تبطل حجج الله وبيناته وكم ذا وأين؟ أولئك والله الأقلون عدداً والأعظمون عند الله قدراً، يحفظ الله بهم حججه وبيناته حتى يودعوها نظرائهم ويزرعوها في قلوب أشباههم هجم بهم العلم على حقيقة البصيرة وباشروا روح اليقين وإستلنا ما إستوعره المترفون وأنسوا بما إستوحش منه الجاهلون وصحبوا الدنيا بأبدان أرواحها معلقة بالمحل الأعلى" مؤكداً أن الشهيد الصدر هو من حجج الله هذه التي ينبغي التعرف علي آراءها.

ورأي الشيخ شهبا بين حياة الشهيد الصدر وحياة الأنبياء وقال إننا لو تتبعنا حياة الأنبياء فسوف نري أن أحد مومهم الدعوة إلي التوحيد ومكافحة الكفار والمستكبرين وإنما نري نفس الإهتمامات في آراء الشهيد الصدر وحياته كما أن الشهيد الصدر وعلي غرار الأنبياء كان يبدي إهتماماً واسعاً بتربية جيل من المفكرين ليتقدموا بالمجتمع نحو الأفضل.

الشيخ حسين المصطفى قال إن آية الله الصدر من قلائل الفقهاء الذين طرحوا آراء مهمة تحرك المجتمع الإسلامي حيث قدم رأيه في أن الإسلام معتقد شامل يستطيع قيادة الحياة الإجتماعية علي جميع المستويات والإجابة علي كل حاجات الإنسان في المجتمع المعاصر.

وصرح المصطفى أن الشهيد الصدر قدم تحليلاً موضوعياً للنظام الإمامي كما تراه الشيعة كما قام بتحليل الفكرة المهدوية تحليلاً يتناسب مع حاجات العصر وفي إطار الحاجة الي وجود ملصح عالمي





العدد ١٧٩

العدد ١٧٩

سال پنجم

شماره ٧٦

٢٨ اسفند ١٣٨٨

١٧٩



الكتاب هو من أهم ما كتب في الفكر الإقتصادي الإسلامي ولقد جاء بسبب خلاف كلامي بين علماء الأزهر في مصر عقب إفتتاح صناديق التوفير ولكن بحوثهم لم تسفر عن شيء وربما جاء كتاب الشهيد الصدر للتصدي لهذا الخلاف ومحاولة رفعه مما جعل بعض المفكرين يصفون الشهيد بأنه كان أول منظر للحركات الإسلامية.

وأشار إلي مكانة السياسة في آراء الشهيد الصدر وقال إن الشهيد الصدر كان يرى أن الإسلام نظام متكامل يهدف إلي بناء حياة الإنسان في مختلف المجالات ولذلك فقد أولي الشهيد الصدر أولوية لهذا المجال وإن كتابيه "أسس الدولة الإسلامية" و"الإسلام يقود الحياة" هما تجل لآراءه السياسية ورؤيته لدور الإسلام في حل القضايا الإجتماعية والقيادة السياسية للمجتمع.

هذا الأستاذ في حوزة القطيف العلمية أشار في قسم آخر من هذا الحوار إلي الخطاب الوحدوي للشهيد الصدر وأهمية التأكيد علي هذا الخطاب مبينا أن الظروف القاسية التي مر بها المجتمع العراقي والشهيد الصدر والتي أدت إلي إستشهاده دفعته إلي طرح ضرورة الخطاب الوحدوي بين مكونات المجتمع الإسلامي كطريق للخروج من الأزمة التي يعيشها المسلمون في شتي أنحاء العالم.

وفي ختام هذا الحوار قال الشيخ حسين المصطفي إن من الدهش حقا أن يستطيع رجل عاش أقل من خمسين عاما بهذا الحجم الواسع من العمل العلمي والسياسي والأخلاقي ويقدم الي العالم جيلا من العلماء يقدمون الي يومنا هذا الجديد الي المجتمع الإسلامي.

السرفي تفاعل مؤلفاته مع الواقع. الشيخ المصطفي أكد أن الشهيد الصدر قام بتنظيم علمي الفقه وأصول الفقه مؤكدا أن الشهيد الصدر كان يعارض القراءة الراهنة لعلم الفقه وإنه سلك إتجاها خاصا في تدريس الفقه يتعارض مع ما هو موجود حاليا في منهج الكثير من العلماء التقليديين ومن سمات منهج الشهيد الصدر أنه يتفق تمام الإتفاق مع التطورات الجديدة خارج إطار الحوزات العلمية ويستجيب للحاجات الجديدة.

وأشار المصطفي إلي الإختلاف الموجود بين مبادئ التدريس لدي الحوزات العلمية والمبادئ المستند عليها في الجامعات والمراكز الأكاديمية وقال إن دراسة مختصرة من شأنها أن تبين لنا مدي الخلاف بين المؤسستين الجامعيتين ومناهجهما ويتجلي هذا العداء في سيرة الكثيرين من العلماء المجددين من أمثال الشهيد مطهري وعلي الرغم من هذا العداء إلا أن الشهيد الصدر قام بتأليف كتب في الفقه والأصول غيرت البنية الدراسية في الحوزات العلمية وأحدثت فيها تطورات نوعية.

وقال هذا الباحث السعودي إن الهدف من كتابة الشهيد الصدر لهذه المؤلفات هو أن الكتب الفقهية كانت تعاني من قدم ومر عليها الزمن مما دفع الشهيد الي إنتقاد هذه الكتب مع إحترامها وإقتراح كتب تضيف إلي الفقه التطورات التي حدثت في القرون الأخيرة وتؤكد أن الفقه يحتاج الي جانب تطوير المصادر تطويرا في المناهج الدراسية مما يواكب التطورات المعاصرة.

وفي إشارة الي "البنك اللاروي في الإسلام" قال المصطفي: إن هذا

جاء بسبب خلاف كلامي بين علماء الأزهر في مصر عقب إفتتاح صناديق التوفير ولكن بحوثهم لم تسفر عن شيء وربما جاء كتاب الشهيد الصدر للتصدي لهذا الخلاف ومحاولة رفعه مما جعل بعض المفكرين يصفون الشهيد بأنه كان أول منظر للحركات الإسلامية

# الشهيد الصدر يؤكد أن السنن التاريخية في القرآن من المؤثرات على حركة المجتمع



القرآن بثمانية قرون بدأت هذه المحاولات، بدأت على ايدي المسلمين انفسهم، فقام "ابن خلدون" بمحاولة لدراسة التاريخ وكشف سننه وقوانينه.

إن الشهيد الصدر في موضوع السنن التاريخية في القرآن الكريم استعرض ثلاث حقائق مهمة: الحقيقة الاولى: ان السنن القرآنية للتاريخ ذات طابع علمي؛ لأنها تتميز بالاطراد الذي يميز القانون العلمي، الحقيقة الثانية: انها ذات طابع رباني؛ لأنها تمثل حكمة الله وحسن تدبيره على الساحة التاريخية، الحقيقة الثالثة: انها ذات طابع انساني؛ لأنها لا تفصل الانسان عن دوره الايجابي ولا تعطل فيه ارادته وحرية اختياره، وانما تؤكد اكثر فأكثر مسؤوليته على الساحة التاريخية.

وتحدث "الشيخ حسن كريم ماجد الربيعي" الاكاديمي والحوزوي والاستاذ في الجامعة الإسلامية في النجف الاشرف والعضو في مؤسسة التراث النجفي حول التفسير الموضوعي للقرآن الكريم والسنن التاريخية في القرآن الكريم عند الشهيد الصدر.

برأيكم هل استطاع الشهيد الصدر بكتابه الثمين "السنن التاريخية في القرآن" ينقل للمخاطب نظرية القرآن الشاملة في موضوع السنن التاريخية؟

في مسألة السنن التاريخية، كتبت في مرحلة الدكتوراه والماجستير رسالات كثيرة عن قضية الملامح التاريخية في القرآن الكريم والسنن التاريخية عند الشهيد الصدر، وفي الحقيقة نستطيع أن نعتبر هذه الدراسات مواجهة للنظريات الاروئية لتفسير التاريخ، هناك نظريات اروئية حول تفسير التاريخ، أما أول من بدأ بتفسير التاريخ "مسعودي"، ولكن الشهيد الصدر بحث في السنن التاريخية كيفية تأثير هذه السنن

يذكر بان لسماحة الشيخ "حسن كريم ماجد الربيعي" مناهج دراسية تدرس في فرع القانون منها كتاب "المدخل لدراسة الشريعة الاسلامية" في المرحلة الاولى في الجامعة الاسلامية بالنجف الاشرف، وكتاب آخر يدرس في المرحلة الرابعة فرع القانون هو "علم الاصول والفقه الاسلامي ونظريات فقهية معاصرة"، وايضاً له رسالة الماجستير بعنوان "ابراهيم محمد الثقفي الكوفي الاصفهاني مورخاً".

صرح "الشيخ حسن كريم ماجد الربيعي" الاكاديمي والحوزوي والاستاذ في الجامعة الإسلامية في النجف الاشرف أن آية الله العظمى الشهيد السيد محمد باقر الصدر اهتم في أواخر حياته إلى مسألة السنن التاريخية في القرآن الكريم وأكد أن هذه السنن من المؤثرات في حركة المجتمع والأمم وتطور التاريخ.

فالسنن التاريخية في ضوء القرآن الكريم وكما عرفها الامام الشهيد السيد الصدر: "القوانين التاريخية هي التي تتحكم في مسيرة وحركة وتطور التاريخ، فالساحة التاريخية لها سنن ولها ضوابط كما يكون هناك سنن وضوابط لكل الساحات الكونية الأخرى، وهذا المفهوم التاريخي يعتبر فتحاً عظيماً للقرآن الكريم، لأننا في حدود ما نعلم، القرآن أول كتاب عرفه الإنسان أكد على هذا المفهوم، وكشف عنه وأصر عليه وقاوم بكل ما لديه من وسائل الاقتناع والتفهيم، قاوم النظرة العفوية أو النظرية الغيبية الاستسلامية بتفسير الاحداث".

هذا الفتح القرآني الجليل هو الذي مهد الى تنبه الفكر البشري بعد ذلك بقرون، الى ان تجرى محاولات لفهم التاريخ فهما علمياً. بعد نزول





قوانينه هو منزل للواقع وليس خارج الواقع، لذلك اهتم الشهيد الصدر بالمواضيع العامة والاجتماعية التي تهتم حقيقة ملامح الواقع وهدف الشهيد يدور حول الواقع واذا كان القرآن خارج الواقع وهذا ليس هدف القرآن وهدف سيرة النبوية وسيرة الأئمة (عليهم السلام) والنظر في الواقع هو الاصل في هذه النظرية القرآنية.

ما هي غاية الشهيد الصدر باختيار التفسير الموضوعي للقرآن الكريم وهل هذا الاسلوب يعطى مجالاً لتدخل التجارب البشرية في نص التفسير؟ الشهيد الصدر يرى أنه لا بد من الوصول إلى التفسير المركب النظري الذي يشمل كل الوقائع والتفصيلات، يعني هو لا ينفى في الحقيقة وجود التفسير الترتيبي، بل يقول إن التفسير الترتيبي يبدأ من القرآن وينتهي إلى القرآن، أما التفسير الموضوعي هو يبدأ من الواقع وينتهي إلى القرآن.

ويعتقد الشهيد الصدر أنه توجد المواضيع والنظريات الكثيرة حول السنن التاريخية، المذهب الاقتصادي، النبوة، النظام السياسي والإداري في القرآن الكريم وكلها المواضيع التي تحتاج إلى الدراسة التي تستطيع أن تراجع إلى القرآن الكريم.

كما تعلمون أن الشهيد الصدر لم يوفق الا بالقاء 14 درساً في الجانب القرآني والتفسير بشكل موضوعي، برأيكم ما مدى تأثير هذا التفسير على المجتمع في الصعيدين الأكاديمي والديني؟ في الوقت الحالي، نجد الدراسات الحوزوية والأكاديمية التي اهتمت بالتفسير الموضوعي للقرآن الكريم عند الشهيد الصدر، لكن الشهيد الأول قال: إنه لم يستطع أن يستوعب القرآن والمواضيع القرآنية جميعاً، فاختار مواضيع مهمة واقعية في المجتمع.

لشهادة الصدر نظريات لتغيير المجتمع، بحيث كيف تغير المجتمع وكيف نحكم بالعدالة الاجتماعية على المجتمع وهناك مشروع كبير قد بدأه "السيد جمال الدين اسدآبادي" و"سيد قطب" و"سيد محمد باقر الصدر" وكثير من العلماء الذين اهتموا بمسألة تغيير الواقع بحيث كيف تغير الواقع.

كيف ترون الاهتمام بالكتب وفكر الشهيد الصدر في العراق الجديد وهل ترون أن تلاميذ الشهيد الصدر في العراق و خارج العراق في مجال الحوزة والسياسة، قاموا بتطبيق وترويج تعاليم وافكار الشهيد الصدر؟

افكار وآراء السيد الشهيد لها ابعاد كثيرة، ليست محصورة في العراق ونجد أن الباحثين الإيرانيين اهتموا بافكار وآراء الشهيد الصدر اهتماماً بالغاً ولشهادة الصدر تلامذة بارزة ولكننا نعتقد أننا نحتاج إلى دراسة ابعدها و اعماق في فكر الشهيد الصدر، لأن المكتب الفكري للشهيد يشمل الجوانب القرآنية، والفلسفية والاقتصادية، والاجتماعية، والثقافية.

على حركة التاريخ يعنى حركة الامة.

ورد الشهيد الصدر من خلال السنن التاريخية في القرآن الكريم على النظريات الاروئية في مجال تفسير التاريخ وأكد أن فكرة السنن التاريخية ذكرت في القرآن وهي أسبق بالنظر الى التاريخ واهداف التاريخ من قبل أي نظرية اروئية.

سماحة الشيخ كما تعلمون أعطى السيد الشهيد الصدر القرآن الكريم أولوية في أبحاثه وكتاباتاه واعتمد مقولة السنن الطبيعية واللهية في تفسير حركة التاريخ والانسان، ما هو تحليلكم ورأيكم في هذا المجال؟

بالنسبة إلى الموضوع الذي اهتم به الشهيد الصدر في آخر حياته، مسألة السنن التاريخية وهذه السنن من المؤثرات والعلل في هذه الحركة، لأنها ليست حركة الفرد، وإنما حركة الأمة كيف تتحرك هذه الأمة ضمن القوانين يعني ليست قوانين طبيعية وإنما هناك الابعاد التي هي مؤثرة في حركة التاريخ، يعني كيف يتحرك التاريخ ضمن هذه الابعاد، ابعاد الامة، يعتقد الشهيد الصدر أن الافراد هم الذين يؤثرون في التاريخ ليست هناك اسطورة كبيرة اسمها المجتمع.

ما هو دليل رغبة الشهيد الصدر في طرح التفسير الموضوعي واعراضه عن الأسلوب التقليدي أو التفسير الترتيبي الذي يبحث في النص ويشرح المفردات واحكام القرآن؟

يرى آية الله العظمى الشهيد الصدر أن التفسير الموضوعي حلقة من حلقات التفسير، وليس كل تفسيره هو التفسير الموضوعي، بل ممكن أن يكون التفسير الموضوعي متقدم على التفسير التجزئي أو الترتيبي عند الشهيد الصدر وهو في حلقاته القرآنية يفسر بعض الآيات القرآنية بالمنهج الموضوعي.

الشهيد الصدر في التفسير الموضوعي جمع الآيات المشتركة في موضوع واحد بعملية توحيد المدلولات والخروج بنظرية في ذلك الموضوع، يعني اختيار موضوعات القرآن الكريم بما يوافق الواقع ويعتقد في التفسير الموضوعي نبدأ من الواقع وننتهي إلى القرآن، لكن في التفسير التجزئي نبدأ من القرآن وننتهي إلى القرآن، هذا هو نظر الشهيد الصدر في التفسير الموضوعي والتجزئي.

هل استطاع الشهيد الصدر من خلال طرح التفسير الموضوعي، التأثير على نمو وتطوير المفاهيم القرآنية لتطبيق المفاهيم القرآنية في المجتمع؟

هذا أمر واضح، لأن الشهيد الصدر اختار الاتجاه الموضوعي لغرض احياء الواقع، حتى لا تكون فجوة بين القرآن والواقع والقرآن بنظرياته و



العدد ١٨٢

راهب

سال پنجم

شماره ٧٦

٢٨ اسفند ١٣٨٨

١٨٢

## الشهيد الصدر في تفسيره الموضوعي يوحد بين التجربة البشرية والقرآن الكريم



تفضل بنبذة عن تطور أساليب تفسير قرآن الكريم من بداية النزول حتى الآن؟  
لا بأس قبل الدخول في بيان تطور أساليب التفسير بأن نلقي الضوء على أمرين:  
أ. معنى التفسير  
ب - الفرق بين المنهج والاتجاه التفسيري  
أما الأمر الأول فينظر إليه من الناحية اللغوية تارة ومن الناحية الاصطلاحية أخرى.

التفسير لغة: ذكر ابن فارس ومنظور (في مقاييس اللغة ولسان العرب) بأن لفظة التفسير في الأصل تدل على بيان الشيء وإيضاحه، ومن ذلك الفسر الذي هو كشف المغطى والتفسير مثله، واستفشرت أي فسره لي وذهب "الزركشي" في البرهان إلى أن التفسير بمعنى كشف المغلق من المراد بلفظه وإطلاق للمحتبس عن الفهم، إذن التفسير - لغة - بمعنى الكشف والبيان والإيضاح.  
التفسير اصطلاحاً: وردت لمعنى التفسير في الاصطلاح عدة أقوال: أ. إنه كشف معاني القرآن وبيان مراده كما عن السيوطي في الإتقان.  
ب - هو الكلام في أسباب نزول الآية وشأنها وقصتها كما يراه الإمام البغوي في معالم التنزيل.  
ج - وقد عرفه الزركشي بأنه العلم الذي يعرف به فهم كتاب الله

وتطرق "الشيخ ياسر قطيش" الباحث اللبناني والمدرس في الحوزة العلمية في قم المقدسة، والعضو في لجنة المناهج والبحوث في جامعة آل البيت العالمية (ع)، والعضو في هيئة تحرير مجلة «أصول» إلى تطور أساليب تفسير القرآن الكريم من بداية النزول إلى عصرنا الحاضر وتاريخ التفسير الموضوعي ورؤية آية الله العظمي الشهيد السيد محمد باقر الصدر بالنسبة إلى التفسير الموضوعي للقرآن الكريم ودليل رغبته إلى هذا النوع من التفسير، إليكم نص هذا الحوار:



أكد "الشيخ ياسر قطيش" بان يسمي الشهيد السيد محمد باقر الصدر منهجه الموضوعي في تفسير القرآن الكريم بالمنهج التوحيدي، باعتبار أنه يوحد بين التجربة البشرية والقرآن الكريم لا بمعنى أنه يحمل التجربة البشرية على القرآن، بل بمعنى أنه يوحد بينهما في سياق واحد لكي يستخرج نتيجة هذا السياق، المفهوم القرآني الذي يمكن أن يحدد موقف الإسلام تجاه هذه التجربة أو المقولة الفكرية.





عقائد واحتياجات وذوق وتخصص المفسر. أو فقل: هو مجموعة الخصائص أو السمات العامة التي تميز بها مفسرو القرآن عن بعضهم أو هي السبل التي يسلكها المفسرون لغرض الوصول إلى تفسير كتاب الله المجيد، إذن الاتجاه لا يرادف المنهج، بل بينهما فرق، فالبحث عن المناهج بحث عن الطريقة والأسلوب، والبحث في الاتجاهات بحث عن الأغراض والأهداف التي يتوخاها المفسر، نعود إلى أصل الكلام، وهو تطور أساليب التفسير، فنقول: من المعلوم أن القرآن نزل بأروع البيان وأجزل خطاب، وقد حظي بفهم إجمالي من معاصري الوحي خلافاً لدعوى "ابن خلدون" في تاريخه، إلا أن ثمة مسائل في القرآن الكريم يستعصي على الذهن الاعتيادي فهمها وتحديد مدلولها والمقصود منها، ولذا فهي تحتاج إلى التفسير والبيان وكشف القناع عنها.

وصرح الشيخ ياسر قشيش: من هنا مارس رسول الله (ص) مهمة التفسير لكتاب الله المنزل عليه منذ نزوله؛ حيث كان (ص) مأموراً بالتبليغ والدعوة وتبيين مراد الله في كتابه العزيز، فقام (ص) بتبيين مجمله وتوضيح المبهم فيه مع تخصيصه لعامه وتقييده لمطلقه، فضلاً عن إجابته لمن سأله من الصحابة الذين يلجأون إليه (ص) ليوضح لهم ما يغمض عليهم من الكتاب.

على هذا فالنبي الأكرم (ص) - بلا خلاف بين المفسرين - هو المفسر الأول لكتاب الله تعالى من خلال اعتماده على القرآن نفسه (تفسير القرآن بالقرآن)؛ إذ القرآن يفسر بعضه بعضاً، ومن خلال ما أوحى إليه وألهم به، ومن هنا نشأت طريقة تفسير القرآن بالقرآن. وهذه هي المرحلة الأولى من التفسير لكتاب الله العزيز وبعد انتقال النبي الأكرم (ص) إلى الرفيق الأعلى، انتهت المرحلة الأولى لتفسير القرآن الكريم، وبدأت المرحلة الثانية التي حملتها طلائع المفسرين من الصحابة، حيث كانوا قد حفظوا عن الرسول (ص) ما كانوا يسمعون منه من تفسير آيات الكتاب المجيد، وما ذكره لهم من بيان المجمل وتمييز المقيد من المطلق، وما ذكره لهم من تفسير بعض آياته ومعاني كلماته، كما أنه في هذه المرحلة بدأ اعتماد الاستنباط والاجتهاد كمصدر لتفسير القرآن؛ وذلك فيما لم يجدوا له نصاً من الكتاب العزيز أو من السنة المطهرة، وساعدهم على ذلك معاصرتهم للنبي (ص) ومشاهدتهم التنزيل واطلاعهم على قرائن الأحوال ومعرفتهم بأسباب النزول، فضلاً عن إتقانهم أساليب اللغة العربية التي نزل بها

المنزل على نبيه الكريم (ص) وبيان معانيه واستخراج أحكامه وحكمه واستمداد ذلك من علم اللغة والنحو والصرف وعلم البلاغة وأصول الفقه والقراءات ويحتاج أيضاً لمعرفة أسباب النزول والناسخ والمنسوخ.

د. وعرفه العلامة الطباطبائي (قده) في مقدمة الميزان بأنه بيان معاني الآيات القرآنية والكشف عن مقاصدها ومدلولاتها. من الملاحظ ورود كلمة (التأويل) إلى جنب كلمة (التفسير) في مجمل بحوث القرآن الكريم وآراء المفسرين والدارسين، واختلف في المراد من كلمة (التأويل) في كلمات المتأخرين، بينما أراد القدامى منها معنيين: أحدهما: أنه مرادف للتفسير، فكل تفسير تأويل وبالعكس فالنسبة بينهما التساوي، ثانيها: أن المراد بالتأويل نفس المراد بالكلام فإن كان الكلام طلباً فتأويله نفس الفعل المطلوب، وإن كان خبراً فتأويله نفس الشيء المخبر به.

أما عند المتأخرين فقد اختلفت كلماتهم في تفسيره على أقوال، إلا أن الاتجاه العام لديهم يميل إلى كون المراد بالتأويل معنى مخالفاً للتفسير، فالتأويل صرف اللفظ عن المعنى الراجح إلى المعنى المرجوح لدليل يقترب به، أو هو صرف الآية إلى معنى موافق لما قبلها وما بعدها تحتمله الآية غير مخالف للكتاب والسنة من طريق الاستنباط.

ويرى الشهيد الصدر (قده) أن المقصود بالتأويل معنى مغاير للتفسير - كما عليه المتأخرون - غير أنه (قده) يعطيه معنى آخر يتناسب والآيات القرآنية وهو أن يكون المراد بتأويل الشيء هو ما يؤول وينتهي إليه في الخارج والحقيقة، كما تدل عليه مادة الكلمة نفسها.

أما الأمر الثاني فقد يقع الخلط بين كلمة (المنهج) وكلمة (الاتجاه) فيعتقد بأنهما بمعنى واحد، وهذا مجرد توهم غير صحيح؛ فالمقصود بالمناهج التفسيرية - وإن عرف بتعاريف عدة - مجموعة من الأفكار التي يصوغها المفسر لكتاب الله تعالى ويُعنى بتطبيقها، كما ويلتزم بإبرازها في تفسيره كي تكون قواعد يستند إليها المفسر فيما يتبناه من اختيارات وما يقنع به من ترجيحات لآراء من سبقه من المفسرين، فهو الأداة والوسيلة التي يعتمدها لبيان معاني الآيات والكشف عن مدلولاتها.

بينما الاتجاه يراد به تأثير الاعتقادات الدينية، الكلامية، الاتجاهات العصرية وأساليب كتابة التفسير والتي تتكون على أساس

ويرى الشهيد الصدر (قده) أن المقصود بالتأويل معنى مغاير للتفسير - كما عليه المتأخرون - غير أنه (قده) يعطيه معنى آخر يتناسب والآيات القرآنية



الدراسات

رابع

سال پنجم

شماره ٧٦

٢٨ اسفند ١٣٨٨

١٨٤

القرآن، ويمكن عدّ تفسيرهم هذا من التفسير المأثور على وجه من الوجوه.

ولمّا انتهت المرحلة الثانية بانتهاء عصر الصحابة بدأت مرحلة جديدة من مراحل التفسير بالمأثور، وذلك في أواخر عصر الدولة الأموية (٤١ - ١٣٢هـ) وأوائل عهد الدولة العباسية (١٣٢ - ٦٥٦هـ) وقد حمل لواء التفسير في هذه المرحلة العلماء من التابعين الذين تتلمذوا على الصحابة وتلقوا منهم وفي هذه المرحلة تولدت الحاجة الماسة إلى تفسير الشفاء الكثير من القرآن الكريم أكثر من قبل وذلك لبعدهم عن عصر النبي (ص) واختلاط العرب بأقوام أخر بعضها دخل الإسلام حديثاً.

قد برزت في هذه المرحلة ثلاث مدارس تفسيرية هي: المدرسة المكية والمدرسة الكوفية ومدرسة المدينة المنورة. وكان قوامها ثلاثة من أئمة أهل البيت (ع) هم علي بن الحسين زين العابدين ومحمد بن علي الباقر وجعفر بن محمد الصادق (عليهم صلوات الله أجمعين)، أما المدرسة المكية فكان محورها ابن عباس (ره) وكان الصحابي "عبد الله بن مسعود" قوام المدرسة الكوفية. وفي هذا العصر ابتدأ تدوين التفسير والتصنيف فيه وذلك من خلال جمع ما أثر من التفسير عن رسول الله (ص)، وعن صحابته وعن التابعين

بدون تفرقة بين المدارس الثلاث.

وقد تميزت مدرستا الحجاز بلزوم التفسير بالمأثور، كما تميزت مدرسة العراق بالتفسير المعقول، وهذان الاتجاهان ما زال إلى يومنا هذا ولم يقف تطور التفسير ومناهجه عند ذلك بل برزت مناهج جديدة لم تكن معروفة فيما سبق، وساهم في هذا التطور والتنوع الثقافات والأفكار والتطورات العلمية الحديثة، ومن هنا نرى تعدد المناهج التفسيرية التفسير الفلسفة والتفسير العرفاني الصوفي والتفسير العلمي وما إلى ذلك من مناهج متعددة، نعم تميز عصرنا بولادة منهج جديد لم يكن معروفاً بالشكل الذي طرح في عصرنا على يد السيد محمد باقر الصدر (قده) ألا وهو التفسير الموضوعي التوحيدي، في مقابل التفسير التجزيئي. وهو تفسير له أسسه ومقوماته، عرضها السيد الصدر في كتابه القيم (المدرسة القرآنية).

#### ما هو التفسير الموضوعي وما هي معانيه؟

إن التفسير الموضوعي مصطلح معاصر لم تمض على استخدامه في الساحة الإسلامية والعربية إلا بضع عقود من الزمن وهو منهج جديد في التفسير أو البحث القرآني يقوم على أساس محاولة استكشاف النظرية القرآنية في جميع المجالات العقيدية والفكرية والثقافية والتشريعية والسلوكية من خلال عرضها في مواضعها المختلفة من القرآن الكريم لحدائته تنوعت من حوله التعريف فقد عرفه بعضهم من خلال اللغة فيما تدل عليه مفردتا التفسير الموضوعي.

عرفه باحث أخر بأنه علم يتناول القضايا حسب المقصد القرآني من سورة أو أكثر يشمل مصطلح القضية عند الباحث الموضوع القرآني وغير القرآني وفي منتصف الثمانينيات صدر في القاهرة كتاب عن التفسير الموضوعي للقصص القرآني عرض فيه الدارس التعريف التالي (أن يأخذ الباحث الآيات التي تتصل بموضوع واحد ويشيّد منها بناء واحد متماسك متناسق فإن أعوزه كمنال ذلك الموضوع إلى حديث يستكمل البناء الصرح بما جاءت به السنة الشريفة وعرفه "احمد رحمانى" أستاذ الدراسات القرآنية بالمعهد الوطني في الجزائر إلى أن التفسير







واحد لكي يستخرج نتيجة هذا السياق المفهوم القرآني الذي يمكن أن يحدد موقف الإسلام تجاه هذه التجربة أو المقولة الفكرية. ثالثاً: قد يراد من الموضوعية ما ينسب إلى الموضوع، حيث يختار المفسر موضوعاً معيناً ثم يجمع الآيات التي تشترك في ذلك الموضوع فيفسرها. ويحاول استخلاص نظرية قرآنية منها فيما يخص ذلك الموضوع ويمكن أن يسمى مثل هذا المنهج منهجاً توحيدياً أيضاً باعتبار أنه يوحد بين هذه الآيات ضمن مركب نظري واحد والمقصود من المنهج الموضوعي في التفسير هو المعنى الثاني، كما هو واضح من كلماته (قده).

الموضوعي هو منهج مستحدث في تفسير القرآن يوظف لسبر أغوار الموضوع من خلال القرآن كله أو سورة منه للخروج بتصوّر حوله أو نظرية فيه.

أما السيد محمد باقر الحكيم (قده) فقد عرف التفسير الموضوعي بأنه ما يقوم على أساس دراسة موضوعات معينة تعرّض لها القرآن الكريم في مواضع متعددة أو في موضع واحد وذلك من أجل تحديد النظرية القرآنية بملامحها وحدودها في الموضوع المعين وقريب من هذا التعريف ما ذكره الأستاذ "محمد حسين علي الصغير" في دراساته القرآنية وعرفه أحد الباحثين الإيرانيين أنه مسعى بشري لفهم موقف القرآن بصيغه منهجية منظمه على أن يأتي ذلك الفهم في نطاق جمع للآيات مبتني على نظرية إزاء مسائل وموضوعات عملية ونظريه حيّة منبثقة من معارف بشرية وأوضاع الحياة العامة مما يرتقب أن يكون فيه للقرآن كلمة الفصل المبين.

هل ممكن تتحدثوا حول شخصية شهيد الصدر

القرآنية؟

السيد الشهيد محمد باقر الصدر (قدس سره) لم يصنف كتاباً خاصاً في تفسير القرآن الكريم إلا أنه له وقفات ونظرات متعددة وخاصة في مناهج التفسير، وفي كثير من موضوعات علوم القرآن، فضلاً عن رؤيته في أهمية علوم معرفة علوم القرآن في فهم النص القرآني وموقف ذلك النص من قضايا الحياة والكون، وقد استوعبت دراساته القرآنية نحو (٣٠٠) آية، بين تفسير تام، أو كشف عن جانب منها، أو استشهاد على تفسير آية أخرى، أو تحديد مفهوم قرآني يكشف عن معناها... وهذا القدر من العرض لآيات الكتاب الكريم كافٍ لتكوين فكرة عن ممارسة الشهيد السعيد (قده) للتفسير، كما أنها تفتح مجالاً لدراسة الشهيد الصدر كمفسر للقرآن.

وقد استوعبت دراساته القرآنية نحو (٣٠٠) آية، بين تفسير تام، أو كشف عن جانب منها، أو استشهاد على تفسير آية أخرى، أو تحديد مفهوم قرآني يكشف عن معناها

أما الشهيد الصدر (قدس سره) فقد ذكر ثلاثة معانٍ لمصطلح الموضوعية: أولاً: (الموضوعية) في مقابل (الذاتية) و(التحيز)، والموضوعية بهذا المعنى عبارة عن الأمانة والاستقامة في البحث والتمسك بالأساليب العلمية المعتمدة على الحقائق الواقعية في نفس الأمر والواقع، دون أن يتأثر الباحث بأحاسيسه ومتبنياته الذاتية ولا أن يكون متحيزاً في الأحكام والنتائج التي يتوصل إليها ثانياً: (الموضوعية) بمعنى أن يبدأ في البحث من (الموضوع)، الذي هو (الواقع الخارجي)، ويعود إلى (القرآن الكريم). لمعرفة الموقف تجاه الموضوع الخارجي.

فيركز المفسر - في منهج التفسير الموضوعي - نظره على موضوع من موضوعات الحياة العقائدية أو الاجتماعية أو الكونية ويستوعب ما أثارته تجارب الفكر الإنساني حول ذلك الموضوع من مشاكل، وما قدمه الفكر الإنساني من حلول وما طرحه التطبيق التاريخي من أسئلة ومن نقاط فراغ، ثم يأخذ النص القرآني، ويبدأ معه حواراً، فالمفسر يسأل والقرآن يجيب، وهو يستهدف من ذلك أن يكتشف موقف القرآن الكريم من الموضوع المطروح.

وأما منهجه في التفسير فهو لم يرفض مناهج التفسير ولكنه لاحظ عليها عدة ملاحظات كحالة التناثر والتراكم العددي بعيداً عن كشف أوجه الارتباط والعضوية وبعيداً عن تحديد الموقف القرآني لكل مجال من مجالات الحياة، فانطلق في منهج موضوعي يبدأ من واقع الحياة من خلال طرح موضوع من الموضوعات بين يدي القرآن الكريم واستكشاف موقف النص القرآني تجاه ذلك الموضوع المطروح... فاتبع منهج التفسير الموضوعي، ورجحه على غيره من المناهج.

وقد يسمى هذا المنهج أيضاً بالمنهج (التوحيدي) باعتبار أنه يوحد بين (التجربة البشرية) و(القرآن الكريم) لا بمعنى أنه يحمل التجربة البشرية على القرآن، بل بمعنى أنه يوحد بينهما في سياق

كان ينظر الشهيد الصدر في أسلوب التفسير الموضوعي

واستعراض المسائل على القرآن حلاً



الدراسات والبحوث

رايحي

سال پنجم

شماره ٧٦

٢٨ اسفند ١٣٨٨

١٨٦



الصدر كـ"السنن التاريخية في القرآن الكريم" و"عناصر المجتمع في القرآن الكريم" و"خلافة الإنسان وشهادة الأنبياء"، ومن خلال المعالجات لقضايا عصرية ومشكلات متعددة معرفية وغيرها التي قام بها عدد من المتأثرين بفكر الشهيد الصدر والمؤمنين بمنهجه الموضوعي التفسيري نستطيع القول بأن السيد الصدر قد وفق في هذا الطريق والمنهج، وإن شاء الله تعالى سوف تتجلى بشكل أوضح الآثار الايجابية للمنهج الموضوعي في التفسير في المستقبل.

ما هو دليل رغبة آية الله الصدر في طرح التفسير الموضوعي و إعراضه عن الأسلوب التقليدي أو (التفسير الترتيبي) ؟

إن السيد الشهيد (قدس سره) في أبحاثه القرآنية ثلاثة مرجحات للمنهج الموضوعي على منهج التفسير التجزيئي، وهي:

١- إن التفسير الموضوعي يمثل حالة من التفاعل مع الواقع الخارجي إذ أن المفسر يبدأ من واقع الحياة، يركز نظره على موضوع

للمسائل المعاصرة، هل كان الشهيد موفقاً في هذا الطريق؟ ما هو رأيكم حول هذا الموضوع؟

أراد الشهيد الصدر من خلال التفسير الموضوعي أن يدفع بالمتقف أو المفكر أو طالب العلم المسلم إلى التفكير في قضايا العصر ومشكلاته، بحيث يجعل من هؤلاء عنصراً فاعلاً في استقراء المعطيات الجديدة والمتجددة باستمرار للقرآن الكريم؛ لأن القرآن الكريم هو كلام الله المتجدد، الأمر الذي يحتم علينا أن نكون على معرفة بما يتجدد من قضايا الفكر والوجود والاجتماع الإنساني، لنسأل القرآن عنها، وبذلك يكون قد تدرج الباحث المسلم للقيام بطرح مشكلات العصر على القرآن الكريم وبالتالي سوف يرى الفكر الإسلامي الحديث نفسه مضطراً إلى تقديم قراءته الخاصة للقرآن الكريم وتفسيره من خلال المعطيات العصرية، هذا ما أراده السيد الصدر (قده).

ومن خلال الاطلاع على الدراسات التطبيقية التي مارسها الشهيد





برأيكم ماذا كان يريد الشهيد الصدر من خلال طرح التفسير الموضوعي، وما هي تأثيراته على نمو وتطوير المفاهيم القرآنية وأيضاً تطبيق التعاليم القرآنية في المجتمع؟

استطاع الشهيد الصدر من خلال طرحه التفسير الموضوعي وتطبيقه على الحركة المعرفية والدينية أن يغير نظرة الباحثين في مجال القرآن وعلومه، وأن يفتح أمامهم باباً جديداً على المفاهيم القرآنية ينسجم مع الهدف من القرآن نفسه، بحيث تتحقق

المرجعية المركزية للقرآن الكريم، وتتجلى التعاليم الإلهية في كل ما يرتبط بهذا الوجود الذي هو صنيع الباري تعالى، فقد هناك أبحاثاً قرآنية حديثة، قام بها باحثون ومفكرون في نطاق القرآن وعلومه، تبرز هذه المرجعية، وتغطي الدور الفعال للقرآن وتبين النظرة القرآنية لما يحيط بالبشرية من مفاهيم معرفية متعددة الأطراف والجهات.

ولو ألقينا نظرة إلى المجال التطبيقي للمنهج الموضوعي في مؤلفات السيد الصدر (قده) للمسنا ما للمنهج الموضوعي من أثر فعال على مستوى المعرفي بشكل عام وعلى مستوى المفاهيم القرآنية بشكل خاص، فقد استطاع (قده) - مثلاً - أن يضيف بعداً معرفياً في دراسة التاريخ - بالإضافة إلى العقل والتجربة وهو الوحي والنص الديني، وقد طرح من خلال دراسته لعناصر المجتمع أهم ظاهرة اجتماعية وهي "توازن المجتمعات وعدمها" حيث ربط بينها وبين العلاقة الرباعية (علاقة الاستخلاف والاستئمان) والثلاثية (علاقة الاستبداد والسيادة) من خلال التفسير القرآني للظاهرة.

إذن، فالشاهد الصدر (قده) استطاع أن يقدم تفسيراً متميزاً عن التفسيرات التي يقدمها المؤرخون ودارسوا التاريخ الإنساني، وتفسيراً متميزاً عن التفسيرات التي يقدمها علماء الاجتماع من خلال ما تمتع به من قدرة تحليلية فائقة في استنطاق الآيات القرآنية والربط بينها ربطاً موضوعياً لأنه كان يتكئ على البعد الإلهي في تحديد الظاهرة القرآنية ومناقشتها، جاعلاً النص القرآني هو المحور الذي تدور عليه عملية استكشاف النظرية القرآنية في أي مجال من المجالات وهذا

من موضوعات الحياة العقائدية أو الاجتماعية أو الكونية، ويستوعب ما أثارته تجارب الفكر الإنساني حول ذلك الموضوع من مشاكل، وما قدمه من حلول، ثم يأخذ النص القرآني لي طرح بين يدي النص موضوعاً جاهزاً مشرباً بعدد كبير من الأفكار والمواقف البشرية.. وهو يستهدف من ذلك أن يكشف موقف القرآن الكريم من الموضوع المطروح. وهذه الخصيصة غير موجودة في منهج التفسير التجزيئي.

٢- التفسير الموضوعي لا يكتفي بإبراز المدلولات التفصيلية للآيات القرآنية كما هو الحال في التفسير التجزيئي، بل يحاول أن يستحصل أوجه الارتباط بين هذه المدلولات التفصيلية ويحاول أن يصل إلى مركب نظري قرآني.

٣- حالة التناثر ونزعة الاتجاه التجزيئي في النظر التفسيري أدى إلى ظهور التناقضات المذهبية العديدة في الحياة الإسلامية، إذ كان يكفي أن يجد هذا المفسر أو ذاك آية تبرر

مذهبه لكي يعلن عنه يجمع حوله الأنصار والأشباع، كما وقع في كثير من المسائل الكلامية كمسألة الجبر والتفويض والاختيار مثلاً، بينما كان بالإمكان تفادي كثير من هذه التناقضات لو أن المفسر التجزيئي خطا خطوة أخرى

ولم يقتصر على هذا التجمع العددي كما ترى ذلك في الاتجاه الموضوعي فهذه هي المرجحات الثلاث للتفسير الموضوعي على التفسير التجزيئي، كما يراها السيد الشهيد الصدر (قدس سره)، والتي تعدد مبررات موضوعية معرفية فرضت نفسها في مجال تفسير القرآن الكريم الذي يتميز بحركيته ومواقفته لتطور البشرية بجميع أبعادها وحيثياتها.

**الشاهد الصدر حقق من خلال التفسير الموضوعي المرجعية المركزية للقرآن الكريم**

كما أكد "الشيخ ياسر قتيش" أن الشهيد الصدر استطاع من خلال طرحه التفسير الموضوعي وتطبيقه على الحركة المعرفية والدينية أن يغير نظرة الباحثين في مجال القرآن وعلومه، وأن يفتح أمامهم باباً جديداً على المفاهيم القرآنية ينسجم مع الهدف من القرآن نفسه، حيث تتحقق المرجعية المركزية للقرآن الكريم، وتتجلى التعاليم الإلهية في كل ما يتعلق بهذا الوجود الذي هو صنيع الباري تعالى.

إذن، فالشاهد الصدر (قده) استطاع أن يقدم تفسيراً متميزاً عن التفسيرات التي يقدمها المؤرخون ودارسوا التاريخ الإنساني، وتفسيراً متميزاً عن التفسيرات التي يقدمها علماء الاجتماع من خلال ما تمتع به من قدرة تحليلية فائقة في استنطاق الآيات القرآنية



جزء يسير من التأثير الذي تركه الشهيد الصدر (قده) من خلال منهجه الموضوعي الجديد في المجالات المتعددة.

### لماذا اختار الشهيد الصدر أسلوب التفسير الموضوعي للقرآن الكريم وهل هذا الأسلوب يعطي مجالاً لتدخل التجارب البشرية في نص التفسير؟

ذكرنا فيما تقدم المبررات الموضوعية التي جعلت الشهيد الصدر (رضوان الله عليه) ينتهج التفسير الموضوعي - بل المنهج الموضوعي - في عملية البحث والدراسة القرآنية، فإن تلك المبررات - مضافاً إلى ما ذكره السيد الصدر في كتابه القيم "المدرسة القرآنية" - تستبطن الغاية والغرض ووجه الحاجة إلى التفسير الموضوعي؛ حيث عد التفسير ضرورياً بضرورة حاجة المسلمين الحاضرة إلى تحصيل نظريات الإسلام في مختلف جوانب الحياة الأخرى ومهما بأهمية

التفاعل القائم بين إنسان العالم الإسلامي وإنسان العالم الغربي، حيث وجد الإنسان المسلم نفسه أمام نظريات كثيرة ولا بد للإسلام من أن يحدد مواقفه إزاء هذه النظريات والأفكار سلباً وإيجاباً، وهذا يتحقق من خلال استنطاق القرآن الكريم الذي انزل وفيه تبيان كل شيء، والذي يتضمن موقف السماء مما يجري على الأرض "فما يجري على الأرض وفي واقع الحياة هو الأساس الذي ينطلق منه من يريد معرفة موقف الإسلام

إزاء تلك الأفكار والنظريات، وهذا يحتم على الباحث أن لا يغفل التجارب البشرية وما توصل إليه الإنسان وما صار إليه العالم اليوم من تطورات وتغيرات على المستوى العلمي والمعرفي والتقني.

وهذا لا يعني - كما هو واضح - أننا نخضع الآيات القرآنية للتجربة البشرية وللتطور العلمي، بل غاية ما في الأمر أن تلك التجارب البشرية وذلك التقدم والتطور العلمي يساهم وبشكل أساسي في تكوين النظرية القرآنية وتحديد موقف الإسلام مما يطرح من مشاكل وأفكار ونظريات ويتضح هذا جلياً من خلال ما ذكره السيد الصدر نفسه في محاضراته القرآنية حيث قال ما نصه: إن [المفسر التوحيدي والموضوعي] لا يبدأ عمله من النص بل من واقع الحياة يركز نظره على موضوع من موضوعات الحياة العقائدية أو الاجتماعية أو الكونية ويستوعب ما أثارته تجارب الفكر الإنساني حول ذلك الموضوع من مشاكل وما قدمه الفكر الإنساني من حلول، وما طرحه التطبيق التاريخي من أسئلة ومن نقاط فراغ ثم يأخذ النص القرآني،

لا ليتخذ من نفسه بالنسبة إلى النص دور المستمع والمسجل فحسب، بل لي طرح بين يدي النص موضوعاً جاهزاً مشرباً بعدد كبير من الأفكار والمواقف البشرية ويبدأ مع النص القرآني حواراً سؤال وجواب، المفسر يسأل والقرآن يجيب، المفسر على ضوء الحصيلة التي استطاع أن يجمعها من خلال التجارب البشرية الناقصة من خلال أعمال الخطأ والصواب التي مارسها المفكرون على الأرض لا بد وأن يكون قد جمع حصيلة ترتبط بذلك الموضوع ثم ينفصل عن هذه الحصيلة ليأتي ويجلس بين يدي القرآن الكريم لا يجلس ساكناً ليستمع فقط بل يجلس محاوراً، يجلس سائلاً ومستفهماً ومتدبراً فيبدأ مع النص القرآني حواراً حول هذا الموضوع، وهو يستهدف من ذلك أن يكتشف موقف القرآن الكريم من الموضوع المطروح والنظرية التي بإمكانه أن يستلهمها من النص، من خلال مقارنة هذا النص بما استوعبه الباحث عن الموضوع من أفكار واتجاهات.

ومن هنا كانت نتائج التفسير الموضوعي نتائج مرتبطة دائماً بتيار التجربة البشرية لأنها تمثل المعالم والاتجاهات القرآنية لتحديد النظرية الإسلامية بشأن موضوع من مواضيع الحياة، ومن هنا أيضاً كانت عملية التفسير الموضوعي عملية حوار مع القرآن الكريم واستنطاق له، وليست مجرد استجابة سلبية بل استجابة فعالة وتوظيفاً هادفاً للنص القرآني في سبيل الكشف عن حقيقة من حقائق الحياة الكبرى.

بالرغم من أن التفسير الموضوعي إزدهر في القرن الرابع عشر الهجري، وتعالى صيته في هذه البرهة من الزمن، فإنه يمكن العثور على بواكيره الأولى، وجذوره التأسيسية في تفسير المعصومين (ع)

### ما هي المبررات الموضوعية التي جعلت الشهيد الصدر ينتهج التفسير الموضوعي بل - المنهج الموضوعي - في عملية البحث والدراسة القرآنية؟

بالرغم من أن التفسير الموضوعي إزدهر في القرن الرابع عشر الهجري، وتعالى صيته في هذه البرهة من الزمن، فإنه يمكن العثور على بواكيره الأولى، وجذوره التأسيسية في تفسير المعصومين (ع)؛ فإن مجموعة من الباحثين القرآنيين استفادوا من مفهوم كلمة "المثاني" في قوله تعالى "الله نزل أحسن الحديث كتاباً متشابهاً مثاني" أنها صفة للقرآن، وذلك يعني أن بعض آيات القرآن ناظر إلى بعضها الآخر، وهذا بدوره يشكل سناً قرآنيّاً للتفسير الموضوعي يتمثل أساسه بالجمع بين الآيات واستلهاهم النتيجة من ذلك. والقرآن يفسر بعضه بعضاً وينطبق بعضه ببعض، كما ورد في الحديث. وقد أكد الشهيد الصدر (قده) ذلك في المدرسة القرآنية حيث





القضايا المتعددة والتي استطاع أن يستنتج الآيات القرآنية فيما يتعلق بتلك القضايا وقدم النظرية القرآنية المناسبة والواضحة الجليلة. والمطلع على نتاجات السيد الصدر يلمس حقيقة موفقية المنهج التوحيدي والموضوعي في مجال العلوم الإسلامية ككل.

هل استطاع السيد الصدر الأول أن يقدم رؤية واضحة وشاملة

للإسلام وللقرآن فيما يرتبط بدراسة السنن الإلهية والتاريخية؟

إن الإجابة التفصيلية على هذا السؤال تستدعي استعراض ما

طرحة الشهيد الصدر (قده) في هذا البحث القيم إلا أن ذلك أمر

يحتاج إلى مناسبة أخرى يكون الحديث فيها حول ما قدمه (قده) من

معلومات قيمة ودقيقة وعميقة، ومن هنا سوف أشير باختصار إلى

الجواب، فنقول: المستفاد من دراسة السنن التاريخية في القرآن أن

السنن التي تحكم التاريخ ليست سنناً وقوانين قهرية وإجبارية،

بل هي سنن اختيارية تمثل نتائج طبيعية لمعطيات

الإرادة الإنسانية، والنشاط السلوكي الذي يمارسه

الإنسان في حركته الفردية أو الجماعية، ومن هنا

يمكن تغيير مسار هذه السنن من

خلال تغيير السلوك

الإنساني.

ويعتبر القرآن الكريم أول كتاب

أكد على مفهوم السنن الإلهية؛ وذلك لأن للمجتمع

قوانين تحكمه، كما أن للفرد قوانين تحكمه أيضاً،

ولا يمكن للفرد العادي أن يكتشف السنن الإلهية بمعزل

عن الله سبحانه وتعالى؛ ويعود سبب ذلك إلى أن القوانين التي

يتم بها تدبير المجتمعات وتسييرها ما هي إلا قوانين إلهية لا تختلف

ولا تتخلف وهذا الفتح القرآني الجليل - حسب ما يعتقد السيد الصدر

- هو الذي مهد إلى تنبه الفكر البشري بعد ذلك بقرون إلى أن جرت

محاولات لفهم التاريخ فهماً علمياً بعد نزول القرآن بشمانية قرون

بدأت هذه المحاولات على أيدي المسلمين أنفسهم، كمحاولات ابن

خلدون وغيره، ثم جاء من بعدهم الأوروبيون ودرسوا السنن

التاريخية وتوغلوا فيها أكثر من ما قام به المسلمون ونتج عن ذلك

أبحاث قيمة وثمينة.

والشاهد الصدر بدوره درس هذه السنن بأسلوب قل نظيره،

وعمق غير ملموس في عصره، استطاع من خلاله أن يدل على

الدين سنة تاريخية، وهو قانون داخل في تصميم تركيب الإنسان

وفطرته والسنن الإلهية - عنده (قده) - عبارة عن خضوع التاريخ بكل

حوادثه وظواهره لنظام السببية ووفق هذه السنن يرى الشهيد الصدر

قال: "لقد كان النبي (ص) يستفيد من المنهج الموضوعي تطبيقياً في تفسير الآيات، فيستخدم معنى بعض الآيات في بيان معنى بعضها الآخر" وقد استفاد أمير المؤمنين علي (ع) من منهجية التفسير الموضوعي أيضاً لإثبات الواقعة الخارجية التي تقول بإمكان أن يولد الطفل لستة أشهر من خلال ترتيب الآيات بعضها إلى جوار بعض.

ثمة من يعتقد، في هذا المجال، أن "عمرو بن بحر الجاحظ" (ت: ٥٥٢هـ)

هو أول من استخدم هذا النهج في تفسير القرآن ومارسه عملياً

من خلال عناوين، مثل: العذاب في القرآن، والملائكة في القرآن،

وغير ذلك، كما أن هناك من يعتقد بأن أول من مارس التفسير

الموضوعي هو "قتادة بن دعامة" (ت: ١١٨هـ)، إلا أنه يمكن التأمل في

ذلك؛ فإن التفسير الموضوعي بمعناه المصطلح والذي شيد أركانه

السيد الصدر (قده) ليس هو عملية تجميع للآيات القرآنية التي تصب

في موضوع واحد بل الدراسة الموضوعية هي التي تطرح موضوعاً

من موضوعات الحياة العقائدية أو الاجتماعية أو الكونية

وتتجه إلى درسه وتقييمه من زاوية قرآنية للخروج

بنظرية قرآنية بصدده. قال الشهيد الصدر: وأما ما

ظهر على الصعيد القرآني من

دراسات تسمى بالتفسير

الموضوعي أحياناً من قبيل

دراسات بعض المفسرين حول

موضوعات معينة تتعلق بالقرآن الكريم كأسباب

النزول أو القراءات أو النسخ والمنسوخ أو مجازات

القرآن فليست من التفسير التوحيدي والموضوعي

بالمعنى الذي نريده فإن هذه الدراسات ليست في الحقيقة إلا

تجميعاً عددياً لقضايا من التفسير التجزيئي لو حظ فيما بينها شي من

التشابه وفي كلمة أخرى ليست كل عملية تجميع أو عزل دراسة

موضوعية.

برأيكم هل كان الشهيد موفقاً في تطبيق الأسلوب الموضوعي

الواقعي في مجال العلوم الإسلامية في تفسير القرآن؟

إن المتابع للإرث المعرفي الذي تركه الشهيد الصدر (قده) يلمس

مدى ما للمنهج الموضوعي من أثر، فالشاهد الصدر نفسه كما نقل

عنه أحد تلامذته دعا إلى تطبيق المنهج الموضوعي الشمولي في

جميع حقول المعرفة الدينية، الفلسفية والاقتصادية والاجتماعية

والتربوية والتاريخية وغيرها وليس في خصوص التفسير فقط. وقد

ذكرنا فيما سبق بعض الموارد التطبيقية للمنهج الموضوعي

التوحيدي، وفي الواقع قد أبدع الشهيد الصدر (قده) فيما عالج من

المستفاد من دراسة السنن التاريخية في القرآن أن السنن التي تحكم التاريخ ليست سنناً وقوانين قهرية وإجبارية، بل هي سنن اختيارية تمثل نتائج طبيعية لمعطيات الإرادة الإنسانية

أهمية الدور البشري في صناعة التاريخ، فالإنسان هو الذي يصنع التاريخ، وليس التاريخ هو الذي يصنع الإنسان كما ترى المدرسة الوضعية، فالمجتمعات الإنسانية ليست مستقلة أو منفصلة عن التاريخ، بل هي تعيش في الطبيعة وفي المجتمع وترتبط بشروط مادية ومعنوية.

ومن خلال هذه الدراسة وهذه الرؤية الدقيقة والعميقة يكون الشهيد الصدر قد استطاع أن يقدم رؤية واضحة وشاملة للإسلام وللقرآن فيما يرتبط بدراسة السنن الإلهية والتاريخية.

**برأيكم كيف استطاع الشهيد أن يتبع خطوات هادئة وهادفة في تسليط الضوء على الجانب الحركي في الكتاب العزيز وتتبع ذلك موضوعياً في صرح بناء المجتمع؟**

في الحقيقة يرجع ذلك إلى الرؤية العميقة والدقيقة للمنهج

المتبع لفهم القرآن الكريم بعد الإيمان أنه كتاب تغيير وكتاب أنزل

لإخراج البشرية من عالم الظلمات إلى عالم النور، بعد الإيمان بحركية الكتاب بجميع مفاهيمه وحقائقه، المنهج الذي يبقي للقرآن قدرته على القيمومة دائماً، قدرته على العطاء المستجد دائماً،

قدرته على الإبداع،

والمنهج الذي يبرز ذلك كله

هو منهج التفسير الموضوعي لأننا

نستنطق القرآن وان في القرآن علم ما كان وعلم ما

يأتي لان في القرآن دواء دائماً، لان في القرآن نظم ما

بيننا، ولان في القرآن ما يمكن أن نستشف منه مواقف

السماء تجاه تجربة الأرض. هنا يلتحم القرآن مع الواقع، يلتحم

القرآن مع الحياة، لان التفسير بناء على هذا المنهج يبدأ من الواقع

وينتهي إلى القرآن لا انه يبدأ من القرآن وينتهي بالقرآن وينتهي

بالقرآن فتكون عملية منعزلة عن الواقع منفصلة عن تراث التجربة

البشرية بل هذه العملية تبدأ من الواقع وتنتهي بالقرآن بوصفه القيم

والمصدر الذي يحدد على ضوءه الاتجاهات الربانية بالنسبة إلى ذلك

الواقع.

بالرغم من أن السيد الشهيد الصدر لم يوفق إلا بإلقاء 41 درساً في

الجانب القرآني والتفسير بشكل موضوعي .. ما مدى تأثيره على

المجتمع على الصعيدين الأكاديمي والديني حتى قام من بعده من

يتبنى فكرة التفسير الموضوعي؟

إن المتأمل في المنهج الجديد الذي (أسس له) الشهيد

الصدر (قده) ليس منهجاً مستقلاً عن دراسة الشريعة الإسلامية، بل هو جزء من منهج جديد في دراسة الشريعة بكل أبعادها؛ حيث يدعو إلى تكوين فهم عام للشريعة ككل، وإلى تخطي عملية فهم الأحكام مفردة ومتفرقة، فالتشريع الإسلامي يقوم على أساس موحد - كما قال (قده) في إقتصادنا - ورصيد مشترك من المفاهيم، وينبع من نظريات الإسلام وعمومياته في شؤون الحياة.

منهج يأخذ بالباحث إلى العمق - متجاوزاً السطحية - والشمولية

في كل التفاصيل والتفريعات - متجاوزاً الفردية والجزئية أيضاً -،

منهج يدعو إلى اكتشاف النظرية الإسلامية إزاء أي واحد من جوانب

الحياة ومشكلاتها، فهو المنهج الذي ينتقل من فقه الأحكام وفقه

النص إلى فقه النظرية. والمنهج التوحيدي الموضوعي في التفسير

هو تطبيق لذلك المنهج الجديد على تفسير القرآن، فلا بد من أن

ينتقل من تفسير المفردة إلى اكتشاف النظرية القرآنية، فيكون

التفسير حينئذٍ عملية حوار مع القرآن واستنطاق له، وليس

مجرد استجابة سلبية - تقف عند حدود الاستماع

إلى النص المفرد - بل استجابة فعالة وتوظيف

هادف للنص القرآني في سبيل الكشف عن حقيقة

من حقائق الحياة الكبرى - على

تعبيرات السيد الصدر -،

وهذا هو المنهج الذي

يتطلع إليه كل باحث في الشؤون

الدينية والمعرفة الإسلامية ويتطلع إليه كل مفكر

وكل ناظر وكل من يرى أن القرآن الكريم هو كتاب

حياة أنزل هدى للناس وللبشرية جمعاء، ومن هنا نرى

مدى الأثر الذي تركه هذا المنهج الجديد في نفوس الباحثين

والمفكرين وطلاب المعرفة.

ما هي إبداعات السيد الشهيد الصدر في مجال التفسير

الموضوعي وما هي الأقوال التي تشيد بالسيد الشهيد من

متخصصين علوم القرآن؟

قدم السيد الصدر (قده) عدة أبحاث مهمة في مجال التفسير

الموضوعي مثل: "السنن التاريخية في القرآن الكريم" و "عناصر

المجتمع في القرآن الكريم" و "خلافة الإنسان وشهادة الأنبياء..."

منطلقاً من رؤيته الخاصة للمنهج الموضوعي في التفسير، خلافاً

لبعض المحاولات التي عُدت من التفسير الموضوعي والتي رفضها

الشهيد الصدر والذي يعتقد أن وظيفته دائماً في كل مرحلة وفي كل

عصر أن يحمل المقولات التي تعلمها في تجربته البشرية ثم يضعها بين

إن المتأمل في المنهج الجديد الذي (أسس له) الشهيد الصدر (قده) ليس منهجاً مستقلاً عن دراسة الشريعة الإسلامية، بل هو جزء من منهج جديد في دراسة الشريعة بكل أبعادها





هذه الدراسة؛ فقد كان باقر الصدر فيها قادراً على التحليل العلمي المنظم، وقد ساعده على ذلك قدرته على فهم أعماق النصوص ومحاولة سبر أغوار الآيات القرآنية. وربما كان القسم النظري الذي خصص له المحاضرتين الأولى والثانية ليبيّن فيه تصوّره لمفهوم التفسير الموضوعي ومنهجه أحد العوامل الأساسية التي ساعدت على إنجاز العمل التطبيقي بصورته الفذة التي تجلّت في دراسة السنن الكونية.

وأما الدكتور "عبد الجليل عبد الرحيم"، فقد ذكر في كتابه "التفسير الموضوعي للقرآن في كفتي الميزان" أن "أمر الشهادة بالحق يقتضينا أن نقرّر أنّ محاولته في التفسير الموضوعي كانت من أوّل المحاولات في هذا المجال، وقدّم من الدراسات التطبيقية بحثاً في السنن التاريخية في القرآن الكريم، ما يجعله رائداً لكل من جاء بعده، متقدماً عليهم بجودة البذل والعطاء".

واعتبر الباحث الأردني "الأستاذ حسن العمري" في كتابه "إسلامية المعرفة عند السيد محمد باقر الصدر" أن ما قام به الشهيد الصدر (قده) "نقلة نوعية في مسار تطوّر حركة التفسير لقرآني في التاريخ الإسلامي" وغيرهم كثير ممن أشاد بالخطوات الجريئة والمحاولات التي قام بها الشهيد الصدر (قده) لكسر الجمود والركود العلمي المعرفي في مجال الدراسات القرآنية وغيرها.

يدي القرآن الذي لا يأتيه الباطل من بين يديه ولا من خلفه ليحكم على هذه الحصيلة بما يمكن لهذا المفسر أن يفهمه أن يستشفه أن يتبينه من خلال مجموعة آياته الشريفة، فإن هذه الرؤية وهذا التصور في حدّ ذاته إبداع - مضافاً إلى ما قدمه على مستوى المناهج والعلوم القرآنية - على مستوى الدراسات القرآنية والتفسيرية.

وقد أشار جمع من الأعلام والباحثين بالمنهج والتفسير التوحيدي الموضوعي الذي طرحه الشهيد الصدر (قده) واثمّنوا جهوده وأبحاثه وإبداعاته في مجال الدراسات القرآنية - بل في جميع العلوم والبحوث التي خاض غمارها - فقد اعتبر الدكتور "لبيب بيضون" - في كتابه التفسير التجزيئي والتفسير التوحيدي (الموضوعي) للقرآن الكريم (غير منشور) - محاولة الشهيد الصدر تجربة غير مسبوقة، كما اعترف الدكتور "زياد خليل محمد الدغامين" - في كتابه منهجية البحث في التفسير الموضوعي للقرآن الكريم - بجودته.

وممّن توقّف عند هذه المحاولة: الدكتور "أحمد رحمان" في كتابه "مصادر التفسير الموضوعي" الذي استعرض تطبيق الشهيد الصدر لمنهجه على موضوع السنن التاريخية، ثمّ خلص إلى التقييم التالي: «هذه الدراسة التي قام بها محمد باقر الصدر في كتابه مقدمات في التفسير الموضوعي تعدّ من أنضج التجارب التفسيرية في مجالها، خاصة في مجال السنن التاريخية، وهي في الواقع عبارة عن محاضرات أقيمت على طلبة كلية الشريعة، ولكن ما يميّزها - بعد العمق - هو طبيعة الموضوع الذي درس والطريقة المتبعة في إنجاز



## الإمام الصدر إهتم ببناء الإنسان على أساس القيم الإسلامية

الدكتور الشيخ خالد عبد الوهاب الملا يحمل شهادة الثانوية الشرعية عام ١٩٨٧م، المعهد الإسلامي العالي لإعداد الأئمة والخطباء، بكلوريوس في العلوم الشرعية من كلية الإمام الأعظم في بغداد، عام ١٩٩٨م، ماجستير في التفسير من كلية الإمام الأعظم في بغداد، عام ٢٠٠٢م.

ومن الأعمال التي قام بها هي تأسيس رابطة الوحدة الإسلامية في محافظة البصرة، عام ٢٠٠٤م، عضو في مجمع التقريب العالمي بين المذاهب الإسلامية، وحاصل على شهادة الدكتوراه من معهد الدعوة الجامعي في تفسير القرآن وعلومه، وتأسيس مؤسسة الوسطية والاعتدال في العراق، ورئيس جماعة علماء العراق فرع الجنوب، والوجه الأبرز في تأسيس جماعة علماء العراق التي انبثقت من البصرة بقيادة الدكتور "عبد اللطيف الهميم" عام ٢٠٠٧، وعضو الإئتلاف الوطني العراقي الجديد ومن الأبحاث والأعمال العلمية: دراسة تحليلية لسورة "الضحى"، دراسة تحليلية للفظه "أكل" في القرآن الكريم، وهي أطروحة الماجستير، كتاب عن الحج بعنوان: "سبيل المؤمنين إلى بلاد الحرمين" ولقاءات وبرامج تلفزيونية وإذاعية، في المجالات الشرعية والسياسية.

أكد الشيخ الدكتور "خالد عبد الوهاب الملا"، رئيس هيئة علماء المسلمين في العراق أن الشهيد السيد محمد باقر الصدر إهتم ببناء الإنسان ورسم له هيكله إسلامية صادقة وكان يعتقد أن الإنسان هو المكون الأساسي في الوعي الإسلامي والدعوة الإسلامية إلى الله وهو خليفة الله على الأرض وعليه أن يقوم بإعمار الأرض عن طريق بث الوعي الإسلامي الصحيح.

وناقش سماحة الشيخ الدكتور خالد عبد الوهاب الملا، رئيس

هيئة علماء المسلمين في العراق فرع الجنوب رؤية الشهيد الصدر بالنسبة إلى التطبيق العملي للوحدة الإسلامية بين المسلمين واهتمام الشهيد ببناء الإنسان على أساس القيم والمبادئ الإسلامية.

هناك جانب مغيب من شخصية الشهيد الصدر هو الجانب التقريبي والتنويري، برأيكم كيف تتم دراسة هذا الجانب وكيف استطاع الشهيد الصدر بتطبيق الوحدة العملية بين أتباع المذاهب الإسلامية خاصة في المجتمع العراقي؟

كان الشهيد الصدر من الشخصيات البارزة في الحوزة العلمية بالنجف الأشرف وتتلذذ على يد كبار العلماء في ذلك الوقت ومما جعله يحمل مشروعاً كبيراً، المشروع الذي كان يحمله هو الإسلام، وهو يحاول كيف يواجه التحديات لأنه في ذلك الوقت، حزب البعث يحاول لمحو القيم والعقائد الإسلامية.

الشهيد السيد محمد باقر الصدر بأنفاسه الإسلامية وروحه الزكية الداعية إلى وحدة المسلمين وهو يؤكد دائماً على الالتزام بالمباني والقيم الإسلامية تطبيقاً للوحدة العملية بين المسلمين، فيقول متحدثاً: "وإني منذ عرفت وجودي ومسؤوليتي في هذه الأمة بذلك هذا الوجود من أجل أخي المسلم الشيعي والمسلم السني على السواء ومن أجل العربي والكردي على السواء، ثم يسترسل قائلاً فأنا





وهو مرجع كبير وسماحة آية الله المرحوم السيد "محمد باقر الحكيم" وآية الله السيد "محمود الهاشمي الشاهرودي" وآية الله الشيخ "محمد علي التسخيري" وسماحة السيد "محمد باقر المهرى" من علماء الكويت والسيد "محمد الغروي" من كبار علماء لبنان والشيخ "محمد سعيد النعماني" والشيخ "فؤاد المقدادي" والشيخ "عبد الحليم الزهيري" وغيرهم كثير يصعب ذكرهم في هذا المجال.

المهم إن سماحة السيد الصدر كان رجل أمة، لم يكن رجل نفسه فالذي يكون رجل نفسه يعيش حياته لنفسه ثم يموت ولا يذكره أحد أما الذي يعيش للأمة فهذا لا تنساه الأجيال مهما بعدت أو قربت وعمره يتجدد وهو يعيش بروح الأمة.

سماحة الشيخ أنت كعالم دين من إخواننا السنة ما هو شعورك حينما تسمع عالم دين مثل الشهيد السيد محمد باقر الصدر يقول في كتاباته «أنا معك يا أخي وولدي المسلم السني بقدر ما أنا معك يا أخي وولدي المسلم الشيعي أنا معكما بقدر ما أنتم مع الإسلام»؟

وإذا أردنا أن نشرح هذه المقولة لاحتجنا إلى مجلد أو أكثر لكنني أقف مع اعترافه وهو مرجع كبير بالمذهب السني كمذهب فقهي له أصوله وطرق استنباطه وعلماءه ومراجعته ومقلدوه مثلما للمذهب الشيعي على حد سواء لكنه يجعل الفارق بين هذا الفريق أو ذاك بقدر ما يقدمه من عطاء للناس وبقدر حدة وشدة انتمائه للإسلام كمنهج سوى على هذه الأرض فنظريته هذه اقتبسها من القرآن الكريم (إن أكرمكم عند الله اتقاكم) على اعتبار انه لو كان حيا وهو يعيش أجواء العراق الجديد ليطبق هذه النظرية بكل صدق وأمانة وإنجاز إلى من هو اقرب للإسلام وأجدر إلى حمل هذه الأمانة.

يعلم الشهيد الصدر أنه من التحديات الكبيرة التي تمر على المسلمين الفتنة المذهبية والطائفية وكان يعلم يقينا أن أعداء الإسلام يحاولون لتضعيف المجتمعات الاسلامية وإثارة الفتن، والشهيد الصدر كان همه الوحدة الاسلامية وبت الوعي الاسلامي بين أبناء الأمة الإسلامية

وهو ينظر إلى المسلمين بالرؤية الواحدة ولا يعنى أن يكون هذا مقلد من المذهب السني وذاك مقلد من المذهب السني وكان همه أن يكون المسلم صادقا مع الله عزوجل صادقا مع أمته وصادقا مع نفسه.

معك يا أخي وولدي المسلم السني بقدر ما أنا معك يا أخي وولدي المسلم الشيعي أنا معكما بقدر ما أنتم مع الإسلام".

كتب الشهيد الصدر أيضاً مقالة بعنوان "رسالتنا يجب أن تكون قاعدة للوحدة" في مجلة "الأضواء" بالنجف الأشرف وكان يحاول دائما لتحقيق الوحدة الإسلامية بين أتباع المذاهب الإسلامية.

كما تعلمون أن الشهيد السيد محمد باقر الصدر اهتم ببناء الإنسان وهيكلته، هيكله إسلامية صادقة، بداية نريد توضيح عن هذه المقولة وثانيا: لماذا الشهيد الصدر قام بهذا المشروع؟

في الحقيقة، كان بناء الإنسان المسلم هو من أهم تحركات السيد الصدر وخطواته في ذلك الوقت لأن الله سبحانه وتعالى اهتم ببناء الإنسان وهذه القضية اهتماما كبيرا وذلك بانزال كتاب الله تعالى على قلب نبينا محمد (صلى الله عليه وآله وسلم).

وبناء الإنسان ليس بأمر سهل، لأن بناء الإنسان يعتنى بروح الإنسان، وعقيدة الإنسان وبفكره وثقافته، خاصة الظروف التي مرت بها العراق. في ذلك الوقت، الشهيد الصدر كان يهتم ببناء الإنسان ويهتم بمعاملته واستطاع أن يطرح المواضيع والخطوات حول كيفية تعامل المسلمين مع الآخرين وهذا ما نجده في كتاب "اقتصادنا" و"فلسفتنا".

اهتم الامام الصدر ببناء الإنسان اهتماما كبيرا باعتباره هو المكون الأساسي في الوعي الاسلامي والدعوة الإسلامية إلى الله ويعتقد أن الانسان خليفة الله على الأرض وخلق الله الإنسان على الأرض لكي يقوم بإعمارها وتعميرها عن طريق البناء وعن طريق بث الوعي الإسلامي الصحيح ومن الأمور التي ينبغي أن نسلط عليها الضوء أن هذا الإمام الجميل كان يحبه جميع المسلمين من أهل السنة والإخوة الشيعة.

أما القضية التي غفل عنها بعض الناس الباحثين وخاصة في محيطنا العربي الإسلامي فهي اهتمام السيد الصدر ببناء الإنسان ورسم هيكله إسلامية صادقة فانك لو بحثت عن الكثير من شخصياتنا الإسلامية المعاصرة سوف تجد عددا قليلا يلتفت حولهم ليكونوا قادة للمستقبل أو ورثة للعلم أما طلاب الصدر فقد امتلئت بهم آفاق الدنيا فما من دولة أو إقليم أو بحر أو نهر إلا وللإمام الصدر فيها تلاميذ وأنا أسوق بعضا من هؤلاء التلاميذ الكبار بحديث جرى بيني وبين سماحة الشيخ "محمد سعيد النعماني" ومن طلابه آية الله السيد "كاظم الحائري" وهو مرجع كبير وآية الله السيد "محمد محمد صادق الصدر"

المهم إن سماحة السيد الصدر كان رجل أمة، لم يكن رجل نفسه فالذي يعيش حياته لنفسه ثم يموت ولا يذكره أحد أما الذي يعيش للأمة فهذا لا تنساه الأجيال مهما بعدت أو قربت وعمره يتجدد وهو يعيش بروح الأمة



## الثقافة الموسوعية للسهيد الصدر في كتاباتة جعلته محل شد الأنظار والإشارة

العظيمة التي برزت على أكثر من صعيد ومن تلك الأصعدة الفهم العميق للقرآن الكريم من خلال ربط القرآن بالواقع المعاش للإنسان، فالقرآن الكريم جاء لانتشال الإنسان من الحضيض إلى الرفعة والسمو قال تعالى: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلْبَيِّ هِيَ أَقْدَمُ» (الإسراء: ٩٠) وقد أدرك السيد الشهيد رحمه الله ذلك وأراد للقرآن أن يتجسد في شخصية المسلم ليكون خلقه القرآن كما جاء عن المصطفى صلى الله عليه وآله وسلم، وكان رحمه الله منصهراً في بوتقة مدرسة القرآن الكريم ويظهر ذلك جلياً من خلال تفسيره الموضوعي للقرآن:

فإذا كنا أوفياءً للشهيد محمد باقر الصدر، فمسؤوليتنا أن نبقي الشهيد حاضراً في ذاكرتنا وعواطفنا وسلوكنا، وأن نبقي الشهيد الصدر حاضراً في كل واقعا ثقافي والروحي والأخلاقي والاجتماعي والسياسي... وتلبية لوفاءنا لشخصية الشهيد السعيد أجرينا مقابلة مع «الشيخ حسين صالح العايش»، أستاذ الفقه والأصول وعضو الإدارة العليا في الحوزة العلمية في الأحساء، المسئول الأول عن موقع شبكة أهل البيت (عليهم السلام) للأخلاق الإسلامية وإمام جامع الإمام علي (ع) في الأحساء... فإليكم نص المقابلة:

لماذا اعرض الشهيد من التفسير التقليدي واتجه إلى الموضوعي؟  
أدرك الشهيد الصدر رحمه الله أن القرآن الكريم يهدف إلى إيصال المعنى بأسلوب تدريجي ضمن وضع المعنى كجزء في ضمن سياق آخر ليتاح لقارئ القرآن والمتدبر في آياته أن يعي المعنى ويطلع على معانيه أخرى فيكتسب زادا وقيرا بقراءته فأراد أن يرجمه الله أن يجمع كل ما يتعلق بالمعنى الواحد وهذا لا يتاح إلا بالتفسير الموضوعي للقرآن الكريم، ومن أراد أن يتحدث عن نظرية القرآن في المعاد أو التوحيد فلن يستطيع أن يقتصر على بعض آي القرآن دون بعضها الآخر، لذا رأى الشهيد الصدر أن التفسير الموضوعي للقرآن الكريم يوصل القارئ إلى عمق محتوى النظرية القرآنية، ويجعله ملماً بكل ما يريد

أكد الشيخ «حسين صالح العايش» أن الثقافة الموسوعية هي من المميزات التي انفرد بها الشهيد «محمد باقر الصدر» التي جعلته محل شد الأنظار والإشارة، فكان له الإطلاع الواسع في مجالات مختلفة مما جعل له فصب السبق في الكتابة المؤثرة في الاقتصاد والفقه والأصول والمنطق الاستقرائي.

كيف تقرأون حول شخصية الشهيد الصدر القرآنية؟  
كان الشهيد محمد باقر الصدر رحمه الله من الشخصيات



الحق تعالى في آياته.

هل طرح هذا الموضوع من قبل الشهيد الصدر إستطاع التأثير في

الصحة الإسلامية؟

إنّ الشهيد الصدر أسهم في الصحة الإسلامية ليس من خلال التفسير الموضوعي للقرآن الكريم فحسب، فذلك يؤثر على أهل الاختصاص ومن له اهتمام في فهم نظريات القرآن الكريم في المجالات المختلفة وهم فئة محدودة وإن كان لها تأثير على الرأي العام، إلا أنّ الشهيد رحمه الله أثر على الناس بأخلاقه وجهاده وتواضعه وتربيته لجيل من العلماء الرساليين الذين واصلوا مسيرته واقتدوا به في العلم والعمل. فقد أثر في الجماهير من خلال هذا أكثر من التأثير الذي حدث بواسطة تفسيره الموضوعي وإن كان تفسيره الموضوعي له قيمة كبيرة ومحتوى عميق أفاد به دارسي القرآن الكريم ومفسريه.

كان ينظر الشهيد الصدر إلى أسلوب التفسير الموضوعي واستعراض المسائل على القرآن حلاً للمسائل المعاصرة.. هل نجح الشهيد في هذا الطريق؟ ما هو رأيكم حول هذا الموضوع؟ بالتأكيد لقد وفق تمام التوفيق ولعل اختياره للسنة التاريخية في القرآن أعظم شاهد على توفيقه إذ لفت انتباه المجتمع ككل بأن يعي مسؤوليته التاريخية وأن يقوم بدوره لئلا يشمله ما شمل الأمم السابقة من التقصير في مسؤولياتها تجاه القادة والمجتمع.

برأيكم.. هل إستطاع الشهيد السعيد محمد باقر الصدر من خلال طرح التفسير الموضوعي التأثير على نمو وتطوير المفاهيم القرآنية وأيضا تطبيق التعاليم القرآنية في المجتمع؟

إستطاع إلى حد ما أن يتطور بعض المفاهيم وأن يلتفت انتباه المجتمع إلى أنّ القرآن الكريم نظام للحياة ينبغي أن يتحسد في واقع المجتمع المسلم ليكون المسلم ليس بالتهوية فحسب، بل من خلال تمثّل أحكام ومفاهيم الإسلام في شخصيته وتعامله مع الغير.

هل هذا الأسلوب - الموضوعي يعطي مجالا لتدخل التجارب البشرية في نص التفسير؟

إنّ غاية الشهيد الصدر رحمه الله كما المحتنا إلى ذلك فيما تقدم أن يلم المفسر بكل ما يرتبط بالمفهوم الواحد فيطلع على أبعاده ويتعرف على نظرية القرآن في محتواه، ولا يتاح هذا إلا من خلال التفسير الموضوعي للقرآن الكريم، ولا يخفى أنّ التجارب البشرية تضيء الكثير من الجوانب التي لم يطلع عليها الجيل السابق، وأتيح للعلم الحديث أن يتعرف على أسرارها ولعل الإعجاز العلمي لأي القرآن والتوافق مع ما توصل إليه العلم يعطينا دور التجارب العلمية في إيضاح بعض آي القرآن الكريم ومثال ذلك قوله تعالى: «وَالسَّمَاءَ ذَاتَ الرَّجْعِ وَالْأَرْضَ ذَاتَ الصُّدُوعِ» (الطارق 11-12) والترابط الوثيق بين ما يصعد من الأرض عبر التبخّر وما ينزل من السماء فيرجع إلى الأرض ويستقر فيها لكونها ذات الصدع ولم يطلع السابقون على الكثير مما جاء في القرآن من أسرار لم تكتشف إلا بجهود علمية أسهمت فيها تخصصات مختلفة حتى فهم التوافق بين النص القرآني والحقيقة العلمية الصحيحة.

إن غاية الشهيد الصدر رحمه الله أن يلم المفسر بكل ما يرتبط بالمفهوم الواحد فيطلع على أبعاده ويتعرف على نظرية القرآن في محتواه

هل إستطاع المفسر الشهيد الصدر بكتابه الثمين "السنة التاريخية في القرآن" ينقل للمخاطب نظريته القرآن الشاملة في موضوع سنن التاريخ؟

لا ينبغي القول بأنّ الشهيد الصدر إستطاع أن ينقل للمخاطب نظرية القرآن الكريم في موضوع السنن، غير أنه قرب للمخاطب ذلك لأنّ فهم نظرية القرآن الكريم في جانب محدد يحتاج إلى جهود متعددة من علماء ذوي تخصصات مختلفة يجتمعون فيعملون جميعاً لإيصال نظرية القرآن الكريم في السنن التاريخية أي أن الجهد ينبغي أن يكون جماعياً من لدن أصحاب تخصصات وكفاءات مختلفة نأمل أن يلتفت عالمنا الإسلامي إلى النشاط العلمي المؤسسي.

هناك أقوال تقول بمنع التفسير وخطر التفسير ولا يمكن لأحد أن يفسر القرآن إلا من خوطب به الرسول (ص) وأهل البيت (ع)، فضلا أن يقوم بالتفسير قرآناً بقرآن أو قرآناً بقرآن والسنة أو تفسيراً موضوعياً.. كيف حاول علماء الإمامية أن يردوا على هذه الشبهة؟ لقد رد علماء الأصول على هذه النظرية بتردد مختلفة، منها: أنّ الروايات الواردة في هذا الشأن تردّد المفسر عن الاقتصار على رأيه أو عقله دون الرجوع إلى الروايات.

ومنها: النهي عن تشكيل مرجعية علمية في قبال مرجعية أهل البيت عليهم السلام باعتبارها الأعلّم بما جاء في القرآن الكريم إلى

غير ذلك من الردود المحكمة كما أن بعض الروايات الواردة عن أهل البيت عليهم السلام تجعل القرآن الكريم هو المرجع في قياس الحق كأمرهم عليهم السلام بعرض ما جاء عنهم على كتاب الله فإن وافقه أخذ به وإلا ضرب به عرض الحائط، وهذا يجعل الرجوع إلى القرآن والفهم المعبر القائم على الأسس والقواعد المعبرة مشروعاً ليس هذا فحسب بل حُضَّ على ذلك من قبلهم عليهم السلام.

الاستقرائي .  
الثالثة: التواضع الجهم، فالشهيد الصدر مثل قمة التواضع بإنكار ذاته، واندماجه مع تلامذته والمؤمنين المحبين لشخصيته كفرد منهم لم يميز نفسه عنهم، فكان يستقبل الجميع بطلاقة محياه وتواضعه الكبير .

الرابعة: الثقافة الموسوعية فكان له الاطلاع الواسع في مجالات مختلفة مما جعل له قصب السبق في الكتابة المؤثرة في الاقتصاد والفقهاء والأصول والمنطق الاستقرائي .

الخامسة: الإخلاص في العمل فكان لا يبتغي بعمله إلا الله تعالى مما أسبغ على عمله وعلمه البركة، فكان حتى اليسير من إنتاجه العلمي كتفسيره الموضوعي له التأثير الواسع .

السادسة: مكارم أخلاقه واحترامه للغير حتى مع من يسىء إليه منطلقاً من قوله تعالى: [ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ] (فصلت: ۳۴) وبذلك جذب

العلماء وطلبة العلم إليه . / السابعة: حبه العميق للرسول صلى الله عليه وآله ولأهل بيته عليهم السلام والذي انعكس على شخصيته وظهر في استشهاده عندما يتحدث عنهم صلوات الله عليهم أجمعين... ولعل تميزه باجتماع كل ما أشرنا إليه وغيره في شخصيته الفذة جعله مثاراً لإعجاب العلماء والمفكرين به رحمه الله.

يكفي ما قاله صاحب كتاب "أعيان الشيعة" فإنه قال في شأن التفسير الموضوعي للشهيد الصدر أن الصدر له: مجموعة محاضرات حول (التفسير الموضوعي) للقرآن الكريم طرح فيها منهجاً جديداً في التفسير، يتسم بعبقريته وأصالته

ما مدى تأثيره على المجتمع على الصعيدين الأكاديمي والديني حتى قام من بعده من يتبنى فكرة التفسير الموضوعي؟  
من الواضح أن الشهيد الصدر رحمه الله أثر وأثرى هذا الجانب لما لشخصيته من مكانة علمية مرموقة فكانت دروسه رغم قلتها إلا أنها تتمتع بعمق موضوعي ونظرة ذات بعد شمولي لفهم القرآن الكريم، لذا كثر التفسير الموضوعي للقرآن الكريم من بعده اقتداءً به واحتذاءً بمساره.

ما هي إبداعات السيد محمد باقر الصدر في مجال التفسير الموضوعي وما هي الأقوال التي تشيد بالسيد الشهيد من متخصصي علوم القرآن؟

يكفي ما قاله صاحب كتاب "أعيان الشيعة" فإنه قال في شأن التفسير الموضوعي للشهيد الصدر أن الصدر له: مجموعة محاضرات حول (التفسير الموضوعي) للقرآن الكريم طرح فيها منهجاً جديداً في التفسير، يتسم بعبقريته وأصالته .  
وهنا نركز على هاتين الكلمتين العبقريّة والأصالة فالعبقريّة يريد بها "السيد الأمين" رحمه الله أنه وصل إلى معاني بكر لم يصل إليها غيره، والأصالة يريد بها رحمه الله أن تلك المعاني مستمدة من حقيقة القرآن وما جاء من روايات معتبرة عن النبي (ص) وآله الأطهار (ع).

ما هي المميزات التي إنفرد بها أبو جعفر الشهيد التي جعلته محل شد الأنظار والإشارة؟

هناك ميزات عدة توافرت في شخصيته:  
الأولى: إيمانه العميق بالله تعالى واقتدائه بأجداده الميامين في السلوك العملي، فلم يقتصر في العمل على النحو التقليدي بل أحدث نقلة للأمة بلفت أنظارها إلى حضارتها وضرورة العمل الجاد لإحياء مجدها .  
الثانية: المقام العلمي الشامخ إذ أن الشخصية العلمية الكبيرة له أهلتة للإشادة به وبأبحاثه ونظرياته العلمية في الأصول والمنطق





أقوى وأمتن وأشمل وأكثر مقبولية لدى أهل الاختصاص .

كما أنتم على بينة ان الامام محمد باقر الصدر قد أعطى القرآن الكريم أولوية في أبحاثه وكتاباته، فدعا إلى اتباع منهج جديد في تفسير القرآن، فكان التفسير الموضوعي في محاولة منه لجعل المفاهيم القرآنية أكثر حركية ومرونة وحيوية، وإعتمد مقولة السنن الطبيعية والإلهية في تفسير حركة التاريخ والإنسان.. فماهي إبداعاته الأخرى في مجال التفسير وهل جاءت كتاباته في هذا السياق ممنهجة ومؤصلة ومن أين تنم هذه الرؤية الثاقبة في تناول الموضوعات؟

لم أطلع على نظريات في التفسير للشهيد الصدر رحمه الله غير ما هو موجود في تفسيره الموضوعي المختصر وبعض اللغات المشار إليها في فقهه وأصوله والحق يقال أن الرجل من العمالقة في علمه فكلما دخل في حقل علمي أبدع فيه غير أنه لم يوفق لتفسير القرآن بنحو تام وكامل ليرى ما هي نظرياته في المجالات المختلفة أما ما استعرضه رحمه الله فقد وفق فيه.

في قراءة موجزة لسيرة القائد الشهيد آية الله العظمى الشهيد الصدر نرى بعض المواقف السياسية النبيلة والمشاريع الثقافية عمل على تأسيسها وكان له دور رئيس في تحريكها وتوجيهها مثل: تأسيس حزب الدعوة الإسلامية - تأييده للإمام الخميني (قدس سره) - فتواه بتحريم الانتماء لحزب البعث - دعمه لحزب الدعوة الإسلامية والإفتاء بحرمة الإنتماء له - تأسيس جماعة العلماء - المساهمة في تأسيس كلية أصول الدين في بغداد و.. يرجى إعطاؤنا رؤية أكثر من هذه المواضيع وأخرى متشابهة؟

كان السيد الشهيد يرحمه الله يرى نفسه جندياً من جنود الإسلام ويدور مدار التكليف الشرعي فأينما أدرك أن التكليف يتطلب منه أن يقوم بعمل لمصلحة الإسلام والمسلمين قام بذلك ومن هذا المنطلق قام بالأعمال المشار إليها في سؤالكم. رحم الله الشهيد الصدر وقدس نفسه الزكية وحشره مع أجداده الميامين، والحمد لله رب العالمين وصلى الله وسلم وزاد وبارك على سيدنا ونبينا محمد وآله أجمعين.

كما هو واضح ان حوزة النجف الاشرف في فترة السبعينيات والثمانينيات كانت خصبة بالأعلام كالسيد محسن الحكيم والسيد ابو القاسم الخوئي وغيرهم من الكبار وتزامنت تلك الفترة مع بروز وظهور مرجعية الشهيد محمد باقر الصدر فما هي تداعيات تلك الفترة المولدة للعلم والعلماء وما هي علاقات الشهيد مع باقي المراجع العظام في النجف الأشرف وما هي الاقوال والردود على إعلان مرجعية الشهيد السعيد آنذاك وهل لديكم ذكريات من تلك الآونة؟

لم يتصد السيد الشهيد رحمه الله للمرجعية أبان مرجعية السيد الحكيم وإنما تصدى لها بعد ذلك، وكانت مرجعيته مقبولة نوعاً ما، مع أن هناك كلام قيل من بعض العلماء في مرجعيته بأن الأفضل له التريث إلى حين لأن سنة لا يساعد على ذلك أو أن مرجعية السيد الخوئي رحمه الله وما لها من انتشار تمنع بنظر البعض من طرح مرجعيته، غير أنه سرعان ما تقبلت مرجعيته بنحو طبيعي ورجع

إليه الكثير من الشباب خصوصاً الطبقة المثقفة من الأكاديميين من دكاترة ومهندسين وأصحاب تخصصات أخرى رأوا في شخصيته العالم الذي يلبي طموحهم ويجيب على أسئلتهم ويتصدى لمشاكلهم.

بالتأكيد إن الشهيد الصدر قدم زاداً غنياً ووافراً وأصيلاً وتستطيع الأجيال أن تستفيد منه في مطاراتها مع الأفكار المناهضة للإسلام

إتسم شهيد الأمة الصدر الأول

بالتابع الشمولي، ما جعله كما يقول البعض "مؤسساً ومؤصلاً للخطاب الإسلامي الجديد، فهو لم يقتصر على النقد المنهجي للفكر الغربي وإسقاطاته في الفكر العربي الحديث إنما تجاوز ذلك إلى العمل على إعادة الثقة بالعناصر والمقومات الذاتية للأمة المسلمة، وبعث عناصر الحياة، واستدعاء روح الإبداع الكامنة في تراثها وماضيها" .. ما هي رؤيتكم بهذا الشأن وهل يمكن إستخدام ما قدمه الشهيد السعيد للهجمة الغربية المعادية للإسلام حالياً؟

بالتأكيد إن الشهيد الصدر قدم زاداً غنياً ووافراً وأصيلاً وتستطيع الأجيال أن تستفيد منه في مطاراتها مع الأفكار المناهضة للإسلام، غير أن الحياة في تجدد دائم والإشكالات تطرح بصور وأساليب مختلفة ونحن نعيش زمن التخصص فعصرنا يتلاءم مع من يجيب على الإشكالات الاقتصادية والقانونية (الفقهية) والعقائدية والثقافية من المتخصصين في حقل واحد لتكون إجابته



## الشهيد الصدر إستخدم

## المنهج المقارن في فهم

## الفلسفة المعاصرة

يذكر ان الأستاذ الدكتور "نعمه محمد ابراهيم الموسوي"، رئيس قسم الفلسفة في كلية الآداب بجامعة الكوفة وحصل على شهادة البكالوريوس عام ١٩٧٨ ميلادي وحصل على شهادة الماجستير في الفلسفة الإسلامية عام ١٩٨١ ميلادي، حصل على شهادة الدكتوراة عام ١٩٩١ ميلادي ولديه أكثر من أحد عشر كتاباً وأكثر من ثلاثين بحثاً علمياً.



وشرح الأستاذ "نعمه محمد ابراهيم الموسوي" رئيس قسم الفلسفة بجامعة الكوفة أن المنهج النقدي الذي استخدمه آية الله العظمى الشهيد السيد محمد باقر الصدر هو منهج فكري علمي يباهي المنهج العلمي الغربي والشهيد الصدر يستخدم المنهج المقارن في فهم الفلسفة المعاصرة وقد حلل الأفكار والفلسفة الغربية وأدركها ثم نقدها نقداً علمياً معاصراً دقيقاً.



إن الفلسفة جهد إنساني يربط الفكرة بالوجود ومنها أيضاً أن تكون بحثاً عن الحقيقة التي تنشئ الإنسان من حالة الشك والاضطراب إلى حالة التوازن ومنها كذلك أنها معرفة وإعياًة، ومتنامية في الوجود كما هو موجود.

الفلسفة الإسلامية فهي كما في الدعوة الإسلامية نفسها يظهر الإنسان في كمال دوره كخليفة لله على الأرض بحيث تكون تعاليم الوحي ومسوغات البشر وقدرات العقل موضوعة كلها في تصرف الإنسان لكي يتمكن بواسطتها من معرفة خاتمه معرفة الوجود في

بدايته ونهايته موقعه العابر في هذا الوجود ومعرفة الوسائل والغايات التي ينبغي عليه اتباعها والسعي إليها في نظامه السياسي والاجتماعي والاخلاقي والحضاري وهذا ما كان يعتمد على آية الله العظمى الشهيد السيد محمد باقر الصدر وبأسلوب الجسم ما كان يوفر للفرائد الجهد والوقت في تتبع جزئيات المدرسة الفلسفية وتفصيلاتها فكان يتناول القاعدة الرئيسة في المذهب ويسلط عليها معول نقده الصارم، ومن البديهي ان لسف القاعدة يؤدي الى انهيار الصرح القائم عليها وكتاب فلسفتنا والاسس المنطقية للاستقراء، يزخران بالامثلة على هذا النوع من الصراع الفكري الذي خاضه الامام الصدر.

وتحدث الأستاذ الدكتور "نعمه محمد ابراهيم الموسوي" رئيس قسم الفلسفة في كلية الآداب بجامعة الكوفة لمعالجة نقد الفلسفة المعاصرة عند الشهيد الصدر.



ما رأيكم بالنسبة إلى نقد الفلسفة المعاصرة عند الشهيد الصدر؟

هناك آراء كثيرة حول نقد الفلسفة المعاصرة عند الشهيد الصدر ولكن الشهيد وضع بصمات فلسفية فيها إشارة بالتراث الفكري للفلسفة الإسلامية ولهذا نجد في مؤلفه الكبير "فلسفتنا" وهناك





وبالتأكيد هناك اتجاهات وتيارات فكرية مادية للغاية من ذكرها في الأوصاف الإسلامية من قبل بعض الباحثين الماديين تضعيف العقيدة الإسلامية في الأوصاف الشبابية خاصة، ولهذا جاءت المنهجية الفلسفية الفكرية المعاصرة من قبل الشهيد الصدر لحماية الشباب من تلك الأفكار المنحرفة خصوصاً الأفكار المادية، وهذه المادية التي يقصدها ناقد الشهيد الصدر لم تكن بصورة ارتجالية ولكن نبعت من فكره الاصيل الاسلامي الذي ترجع جذوره إلى القرآن الكريم وهذه السمة التي اتسم بها الشهيد الصدر وسار على منوالها كثير من طلابه.

استخدم في قسم الفلسفة في كلية الاداب في جامعة الكوفة منهج علمي خاص بالشهيد الصدر والقاعدة الفكرية للشهيد الصدر كانت لديها اتجاهات عديدة أبرز الاتجاه لها كانت الاتجاه النهضوي التجديدي للفكر الاسلامي وإن المنهج النقدي خصوصاً الذي استخدمه الشهيد الصدر هو منهج فكري علمي يباهي المنهج العلمي الغربي ولا يفوتنا إلا وأن نؤكد أن استخدام المنهج المقارن للشهيد الصدر جعلنا نصل إلى يقين تام أن جميع الأفكار والأطروحات المعاصرة أصبحت على طاولة البحث مما يجعل القارئ أو المطلع على الأفكار الغربية أن الشهيد الصدر قد حللها وأدركها ثم نقدها نقداً علمياً معاصراً دقيقاً.

كيف نقيمون علاقة الشهيد الصدر مع المراجع والعلماء في عصره وما هو رأيكم بالنسبة إلى الشهيد الصدر بأستاذه آية الله الخوئي؟

في الحقيقة، هناك في مدرسة النجف الدينية كان منهجاً تكاملياً إذ انفرد أي مرجع من مراجعنا، لا بد أن تكون هنا تكملة من قبل مرجع آخر ولهذا المنهج التكاملي المستخدم في المدرسة الدينية الحوزوية التحفية امتازت بهذه الميزة ولهذا عندما انفرد الشهيد الصدر بعلم الأصول قد امتاز وانفرد الشهيد محمد الصدر بمنهج آخر، قد يكون ضمن الفقه ولهذا السيد الخوئي عندما انفرد في الفقه وعلم الرجال كان مكملًا لما انفرد به العلماء والمراجع الآخرين. وأكد القول بأن المدرسة الدينية في النجف الأشرف مرجع يكمل من حيث الفكري مرجع آخر.

مؤلف آخر "الأسس المنطقية للإستقراء" واضح المنهج الفلسفي لديه، خصوصاً المنهج النقدي للفكر الغربي.

وكانت له دوافع واسباب خاصة ومن دوافعه الحرص على العقيدة الإسلامية وتحصين الشباب المسلم لكي يكون على بينة من أثر العقيدة الإسلامية لنيل سعادة المجتمع الاسلامي واتقاد جميع الشباب من الانحراف للتيارات الغربية التي تهدف في انتشارها تضعيف العقيدة الإسلامية التي أصبحت منتشرة في صفوف الشباب.

وبهذا الصدد قام قسم الفلسفة بجامعة الكوفة بتخصيص عدة الأطروحات والرسائل في الماجستير لتمييز منهجية الشهيد الصدر ولهذا كتبت عدة الأطروحات بعنوانين مختلفة أبرزها "نقد الفلسفة المعاصرة عند الشهيد الصدر.. دراسة تحليلية" وكذلك هناك رسالة ماجستير تحت عنوان "الميتافيزيا في فكر الشهيد الصدر.. دراسة تحليلية" ولهذا كل الدراسات في قسم الفلسفة بجامعة الكوفة تهتم بشخصية الشهيد الصدر بما تركه من أثر عظيم في الفكر الفلسفي المعاصر خصوصاً الفكر الفلسفي الاسلامي.

كما تعلمون قام الشهيد الصدر بتحرير الخطاب الديني من المباشرة الخطابية السطحية الجافة فكرياً، برأيكم هل هذا يرجع إلى صعيد الذاتية الخطابية الشيعية تحديداً أم إلى تفرد الشهيد الصدر في الجانب الخطابي؟

في الحقيقة، بالنسبة إلى مدرسة آل البيت (ع)، نقول إن هذه المدرسة كان خطابها منذ الدعوة الأولى هكذا، ولكن منهج الشهيد الصدر منهج علمي معاصر يسجم مع ما يطرح الآن في التيارات الفكرية العلمية المعاصرة ولهذا فكر الشهيد الصدر نزع من فكر آل البيت (ع) ومدرسة آل البيت (ع).

اتسم شهيد الأمة الشهيد الصدر بالطابع الشمولي ويسمونه مؤسسا للخطاب الاسلامي الجديد، وهو لم يقتصر على النقد المنهجي للفكر الغربي واسقاطاته في الفكر العربي الحديث، بل إنما تجاوز ذلك إلى العمل على اعادة الثقة بالعناصر والمقومات الذاتية للأمة الاسلامية، ما هو رؤيتكم بهذا الشأن؟ وأيضا هل يمكن استخدام ما قدمه الشهيد الصدر للهجمة الغربية المعادية للإسلام حالياً؟

جاءت المنهجية الفلسفية الفكرية المعاصرة من قبل الشهيد الصدر لحماية الشباب من تلك الأفكار المنحرفة خصوصاً الأفكار المادية



## الشهيد الصدر بدأ مع القرآن حواراً لطرح المشاكل بقصد الحصول على إجابة قرآنية

الفيض المقدس المفكر الإسلامي العملاق محمد باقر الصدر (ره)، فهو رائد حركة التغيير في العراق الحديث ومؤسس النهضة الإسلامية الشاملة ولقد كانت له بصمات إنسانية واضحة في المعرفة الإسلامية قد تنوعت من جانب الفلسفة والإقتصاد والسياسة.

وأشار في حديثه إلى أنه كان للشهيد الصدر (ره) دور بارز في مقارعة الفكر الغربي الرأسمالي الديمقراطي وأيضاً مقارعة المد الماركسي الشيوعي وتقديم البديل الأصح المتمثل بالإسلام المحمدي الأصل وولاية أمير المؤمنين (عليه السلام)، فقام بتأصيل النظرية الإسلامية في شتى العلوم والمعارف وقد قدم نظريات متكاملة في الإقتصاد والفلسفة ولولا المواجهة الشرسة مع قوى الإستبداد والإستعباد والإستكبار والإستهتار العالمي التي تتمثل إحيانا على شكل هيئات إقتصادية أو حركات دينية متطرفة أو أنظمة سياسية قابعة على صدر الأمة أو إنها تتمثل بكثير من القوة الدولية وحتى وصل الأمر في العصور المتأخرة على شكل مؤسسات إقتصادية أو إنسانية ولكن قام الشهيد السعيد (ره) في الفترة الأخيرة وبشكل مقتضب بتسليط الضوء على المعارف القرآنية لاسيما في مقالات و بحوث عدة ودراسات قرآنية.

وأضاف «التركي»: مما يعزز ذلك والشهيد الصدر (ره) بنفسه يقول "إن شوط التفسير التقليدي شوط طويل جدا وهذا بحاجة إلى فترة زمنية طويلة أيضا ولهذا لم يحظى من علماء الإسلام الأعلام إلا عدد محدود جدا بهذا الشرف العظيم وهو شرف مرافقة كتاب الكريم من بدايته إلى نهايته"، حيث كان يشعر بأن المحدودة المتبقية لاتفيد بهذا الشوط الطويل ولهذا فضل إختيار شوط أخصر.

وتابع أسعد تركي: إذا لم يوفق المفكر الإسلامي الخالد الشهيد السيد محمد باقر الصدر (ره) لتفسير التجزيئي للقرآن الكريم رغم شوقه لذلك، لكنه دخل هذا المضمار والميدان العظيم من طريق آخر

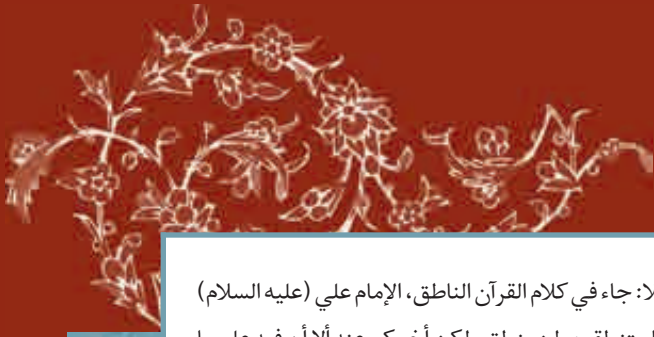
ولأسعد التركي مولفات منها محمد باقر الصدر والمرجعية المؤسسة، سياستنا، اجتماعنا، حزب الصدرين الإسلامي، عراق الصدرين والمؤامرة الكبرى، ظاهرة شتم العلماء، الخطوات العملية لتوحيد الأمة الإسلامية، المرأة بين الإسلام والغرب، التكليف السياسي الإسلامي، المهدي المنتظر وحوار الحضارات.

قال الأمين العام لمؤسسة الصدرين للدراسات الإستراتيجية، «أسعد تركي سوري» أن المفكر الإسلامي الخالد الشهيد السيد محمد باقر الصدر (ره) بدأ حوارا مع القرآن الكريم لطرح المشاكل بقصد الحصول على إجابة قرآنية وهو يستهدف من خلال ذلك إستكشاف موقف القرآن الكريم من الموضوع المطروح والنظرية التي بإمكانه أن يستلهمها من النص.

وفي بداية الحوار ذكر أسعد تركي أن في الحقيقة ليس لي ولا لأمثالي الرقي إلى هذا المقام السامي وهو الحديث عن آيات الله وأسراره لاسيما المفكر الإسلامي الخالد السيد الشهيد محمد باقر الصدر (ره)، لأن الحديث عن الشيء يستلزم الإحاطة وليس لنا الإحاطة بهؤلاء العظام ورثة الأنبياء والأئمة المعصومين (عليهم السلام) ولولا الواجب من ذكرهم لنزهناهم عن ذكرنا إياهم على أن ذكرنا لهم بقدرنا، لا بقدرهم.

إنّ الشهيد الصدر قام بتأصيل النظرية الإسلامية في شتى العلوم والمعارف وذكر «التركي» في هذا الحوار الجوانب المتعددة التي إشتهر بها





وأضاف قائلاً: جاء في كلام القرآن الناطق، الإمام علي (عليه السلام) "ذلك القرآن فاستنطقوه ولن ينطق ولكن أخبركم عنه ألا أن فيه علم ما يأتي والحديث عن الماضي ودواء داءكم ونظم ما بينكم" والتعبير بـ "الإستنطاق" هو أروع تعبير لعملية التفسير الموضوعي بوصفه حواراً مع القرآن الكريم وطرحاً للمشاكل الموضوعية عليه بقصد الحصول على إجابة قرآنية.

لتوضيح أكثر حول وجه التسمية للتفسير الموضوعي قال الأمين العام لمؤسسة الصديقين للدراسات الإستراتيجية: إن المنهج الموضوعي التوحيدي إكتسب تسميته بالموضوعي بلحاظين وبالتوحيدي أيضاً بلحاظين؛ وهو موضوعي أولاً لأنه يبدأ بالموضوع الخارجي والواقع ويعود إلى القرآن الكريم وثانياً لأنه سوف يختار مجموعة من الآيات القرآنية التي تشترك بموضوع واحد للوصول إلى النظرية القرآنية في هذا الموضوع وهو تفسير توحيدي أولاً باعتبار أنه يوحد بين التجربة البشرية وبين القرآن الكريم وثانياً لأنه باعتبار أنه يوحد بين مدلولات الآيات التي تشترك بالموضوع في مركب نظري واحد.

وأضاف قائلاً: يخلص بالتالي إلى تحديد إطار نظرية واضحة ترسمها تلك المجموعة القرآنية ككل بالنسبة إلى ذلك الموضوع ثم إن الفصل بين هذا الإتجاه الموضوعي والتوحيدي وبين الإتجاه التجزيئي ليس حديداً على مستوى الواقع العملي والممارسة التاريخية بعملية التفسير لأن الإتجاه الموضوعي بحاجة إلى تحديد المدلولات التجزيئية في الآيات التي يريد التعامل معها ضمن إطار الموضوع الذي يتبناه كما أن الباحث وفقاً للإتجاه التجزيئي قد يعثر إثناء عملية بحثه إلى حقيقة قرآنية من حقائق الحياة الأخرى فالإتجاه الموضوعي إذ ليس بدىلاً عن التفسير التجزيئي، لكن يضل الإتجاهان مختلفان في ملاحظهما وأهدافهما وحصيلتهما الفكرية.

"فدك في التاريخ" شاهد على الجانب التقريبي في فكر الشهيد الصدر وصف أسعد تركي سوارى الجانبي التقريبي والتنويري في فكر الشهيد الصدر، جانبين المغفول عنهما في الدراسات التي تقيم للشهيد محمد باقر الصدر (ره)، حيث قال: كان الشهيد الصدر رائداً في هذا المضمار التي تبرز في مؤلفاته وتحديداً في أثره "فدك في التاريخ" كتبه وهو في الحادي عشرة من عمره (۱۹۴۶م).

وقال متابعا: آنذاك كان الشهيد في قوتي من قوة قلب وقوة المرجعية تحيط به من الأحوال والأعمام وكان له ثقلاً في النجف الأشرف ثم أن الأنظمة الحاكمة آنذاك لم تكن تضيق على الحوزة النجفية في تلك الفترة وأيضاً هذا الأمر من قبل قدوم القوميين والبعثيين وتحت ظل وجود الملكية وبعض الأنظمة الضعيفة الركيكة

فترك فيه أثراً لا يقل عن التفسير الكامل فلقد تناول الشهيد الصدر علوم التفسير دراسة ونقداً فحدد معالم منهجه المتكامل في التفسير، ثم فتح أفقا جديداً على منهج جديد في تفسير القرآن الكريم وحدد معالمه وتقدم فيه خطوات في ممارسات تطبيقية، فكان بحق صاحب مدرسة ورائد في المنهج ولاسيما أن الجميع كان يعرف أن الأسلوب المتعارف عليه في تفسير القرآن الكريم في شتى المدارس هو أسلوب التفسير التجزيئي الذي تسالمت وتعارفت عليه أغلب مفسرين الأمة الإسلامية.

وأشار «التركي» إلى أن التفسير أخذ كثير من الأساليب منها التفسير بالمأثور والتفسير بالقرآن والتفسير بالرأي وفي العصور المتأخرة التفسير بالفلسفة والتفسير بالصوفية والتفسير بالعلوم حتى أُجبرت لأهداف وأغراض سياسية معروفة، مضيفاً: أن السيد الشهيد الصدر (قدس الله سره) قدم نموذجاً جديداً في المنهج التفسيري وهو ما عرف بالتفسير الموضوعي.

#### لا يبدأ المفسر في التفسير الموضوعي عمله من النص بل يبدأ من واقع الحياة

وقال «التركي» موضحاً: إذ أن التفسير الموضوعي يقوم على أساس الموضوعات في حقول العقيدة والإجتماع والسياسة وغيرها بدلاً من أن يتناول آيات القرآن الكريم آية فآية ثم يستهدف التفسير الموضوعي التوحيدي تحديد موقف نظري للقرآن الكريم وبالتالي الرسالة الإسلامية من ذلك الموضوع من موضوعات البحث في الحياة أو الكون أو الإنسان بما يكتفي التفسير التجزيئي بإبراز المدلولات التفصيلية للآيات القرآنية الكريمة فيتطلع التفسير التوحيدي الموضوعي إلى ما هو أوسع من ذلك، حيث يحاول أن يتوصل إلى مركب نظري قرآني يحتل في إطاره كل واحد من تلك المدلولات التفصيلية موقعه المناسب وهذا مانسميه بلغة اليوم بالنظرية ويصل إلى نظرية قرآنية عن موضوعات كالتوحيد والنبوة والمذهب الإقتصادي وسنن التأريخ و...

وأشارة «التركي» جهود الشهيد الصدر (ره) في مجال التفسير الموضوعي، قائلاً: لا يبدأ المفسر في التفسير الموضوعي عمله من النص بل يبدأ من واقع الحياة بإختيار واحد من موضوعات العقيدة أو الإجتماع أو الكون ويستوعب ما أثارته تجارب الفكر الإنساني حول ذلك الموضوع من مشاكل وماقدمته من حلول وما طرحه التطبيق التاريخي من أسئلة ومن نقاط قرار ثم يعود إلى القرآن الكريم لي طرح بين يديه نص موضوع جاهزاً مشرباً بعدد كبير من الأفكار والمواقف البشرية ويبدأ مع القرآن حواراً حول هذا الموضوع وهو يستهدف من خلال ذلك إستكشاف موقف القرآن الكريم من الموضوع المطروح والنظرية بإمكانه أن يستلهمها من النص.



العدد ٢٠٢

رايح

سال پنجم

شماره ٧٦٥

٢٨ اسفند ١٣٨٨

٢٠٢

## رئيس تحرير جريدة "قطوف" القرآنية: السيد الصدر لم يكن مبتدع التفسير الموضوعي بل باعث الروح فيه من جديد



وهي تكريس وتسليط الضوء علي مبان علمية رصينة في خلايا المجتمع الايماني؟

إن السيد الصدر - رضوان الله عليه - كان نتاجا إسلاميا حيويا مثل الفكر الإسلامي الرائق والمتجدد في آن، ولذلك فإن فكر السيد الصدر لا يمكن تجريده من أصوله الإسلامية الأولى، وقد تسمعون مني هذا الكلام لأول مرة، فأنا أقول أن السيد الشهيد لم يكن هو مبتدع التفسير الموضوعي بمعناه الحرفي، وإنما يصدق القول بأنه باعث الروح فيه من جديد، فمن المعروف إن الفقيه الإسلامي في عصور الفقه الأولى كان يتعامل مع النصوص القرآن الكريم بشكل موضوعي، أي إنه يقوم بفرز آيات الصلاة أو الزكاة أو النكاح .. الخ وحصرها في طول القرآن وعرضه لأستخدامها في أبواب الفقه المرتبطة بها.

نعم إننا لم نجد مفسرا سابقا قام بمثلما قام به الفقهاء ففسر القرآن الكريم حسب المواضيع المختلفة متقنيا جميع الآيات القرآنية المرتبطة بكل موضوع.

كيف تقرأ الشهيد الصدر في مشروعه الموضوعي؟  
يحق لي أن أسمى عصرنا الراهن بعصر التخمة المعلوماتية،

هذا اهم ماجاء في حوار مراسلنا مع الاستاذ "محمد رضا الشريفي" رئيس تحرير جريدة "قطوف" القرآنية التي تصدر أسبوعياً ومن ناشطين في المركز الوطني لعلوم القرآن الكريم في بغداد التابع لإدارة ديوان الوقف الشيعي مؤكدا على ان السيد الصدر كان حسنة من حسنات الأيام وفتنة من فلتات الزمان.. فاليكم التفاصيل:

كان السيد الصدر نتاجا إسلاميا حيويا مثل الفكر الإسلامي الرائق والمتجدد في آن واحد، ولذلك فإن فكره لا يمكن تجريده من أصوله الإسلامية الأولى، وقد تسمعون مني هذا الكلام لأول مرة، فأنا أقول أن السيد الشهيد لم يكن هو مبتدع التفسير الموضوعي بمعناه الحرفي، وإنما يصدق القول بأنه باعث الروح فيه من جديد.

كما تعلمون في عصرنا الحاضر ان شهيد الأمة الشهيد محمد باقر الصدر يعد من أهم أو السباق إلي طرح نظرية التفسير الموضوعي في الأندية العلمية والمعاهد الدينية والشرعية.. كيف استطاع أن يكرس مجهوده وأفكاره وأمانيه التي كان يترقبها ألا





لقد وعى السيد الشهيد منذ البداية إن الأزمة الإسلامية لم تكن أزمة مصاديق فقط وإنما كانت أيضا أزمة مفاهيم، أدرك السيد - رض - هذه الأمة وهي تنظر لكتابتها الأول على إنه كتاب يتلى لجلب البركة للأحياء والرحمة لأهل القبور، في مناسبات خاصة، وخصصت لكل مناسبة سورة أو آية.

أراد السيد الصدر تشغيل القرآن عن جديد ليكون هو الحاكم الحقيقي، وليس أيسر سبيل لبلوغ ذلك من ربط القرآن بمواضيع الحياة أو ربط الحياة بمواضيع القرآن.

ما هي الأقوال التي تشيد بالسيد الشهيد من متخصصين علوم القرآن؟  
أعتقد إن إشادة العلماء بجهود السيد الشهيد هي شهادة لهم وليست له! فهذا الدرس ورد الجميل لم يأخذ حقه من الدرس لحد الآن.

كيف ترون كتب وفكر الشهيد الصدر في العراق الجديد؟ هل ترون ان تلاميذ الشهيد الصدر في العراق و خارج العراق في الحوزة وفي السياسة قامو بتطبيق و ترويج تعاليم ذلك العبقرى الفذ؟

بصراحة أقول أن بعض مريدي السيد الصدر هم عائلة عليه، وسيرتهم العملية الحاضرة لا تدل على إنهم إغترفوا من علمه أو أن شخصيته الباهرة قد أثرت في نفوسهم بأشعتها الطاهرة في يوم من الأيام، والكلمة الاخيرة..

أخيرا أقول إن السيد السيد الشهيد - رض - كان حسنة من حسنات الأيام وفلثة من فلثات الزمان، ونحن سنتنظر طويلا الى أن نرزق بعظيم مثله.

فزمن المعرفة الموسوعية قد ولى الى غير رجعة، الآن نحن نعيش في عصر التخصص أو ما فوق التخصص، فالطبيب في العصور الماضية كان طبيا لجميع أعضاء البدن، ثم جاء القرن العشرين فأصبح الأطباء متخصصون، هذا بالعظام وذاك بالقلب وآخر بالدم... الخ، أما الآن فلم يعد ذلك يكفى وأصبحت نجد طبيب العيون المتخصص بالشبكية والآخر متخصص بالقرنية وهكذا..

من هذا المنطلق، كان السيد الصدر - بأعتقادي - يعي حاجات عصره، فالتفسير الترتيبي العام لم يعد ملبيا لهذا التراكم المعرفي الهائل، ولم يعد مستما بالجانب العملي للتفسير، وهو ما كان الشهيد يبحث عنه، ويحق لى أن أقول أن المهاجس العملى والعملي اليومى كان هاجسا أصيلا في شخصية الشهيد، مع إنه كان أصيلا في التنظير الأسلامى أيضا، وما يؤكد قولى هذا هو سعى السيد الخمينى لتأسيس حزب إسلامى يطبق نظريته عمليا.

كما تعلمون أجزى الشهيد الصدر بالإجتهد في سن الثامن عشرة وأصبح علما من علماء الحوزة في وقت مبكر حتى ان بعض علماء الحوزة يظلمون من السيد الشهيد أن يجلس إليهم عندما كان يكتب حاشيته على بعض الرسائل العلمية وضمن هذه الظروف بدأت التحديات تهز المجتمع والحوزة في آن وعلى المستويين السياسى والثقافى... أعطى القرآن الكريم أولوية في أبحاثه وكتاباته، فدعا إلى اتباع منهج جديد في تفسير القرآن، فكان التفسير الموضوعى في محاولة منه لجعل المفاهيم القرآنية أكثر حركية ومرونة وحيوية.. ماهو رأيكم في هذا المجال؟

إن السيد الصدر - رضوان الله عليه - كان نتاجا إسلاميا حيويا مثل الفكر الإسلامى الرائق والمتجدد فى آن، ولذلك فإن فكر السيد الصدر لا يمكن تجريده من أصوله الإسلامية الأولى

بصراحة أقول أن بعض مريدي السيد الصدر هم عائلة عليه، وسيرتهم العملية الحاضرة لا تدل على إنهم إغترفوا من علمه أو أن شخصيته الباهرة قد أثرت في نفوسهم بأشعتها الطاهرة في يوم من الأيام



التي لا تحارب الحوزة العلمية وعلماؤها وأبنائها بصورة مباشرة ومع هذا نرى أن في مقدمة كتاب "فدك في التاريخ" كيف أن الأطروحات التي قدمها السيد محمد باقر الصدر وهو في مقتبل عمره لها رؤية ثاقبة وأفق عميق يراعي كل مشاعر الأمة الإسلامية في مختلف أطرافها وأمهاتها الفكرية والعقائدية.

وأضاف أسعد تركي: أن الشهيد الصدر يطرح في مقدمة كتابه الخصومة الشرعية بين السيدة فاطمة الزهراء (سلام الله عليها) والخليفة الأول. ولولا حظ القارئ المنصف لقال أن الشهيد لن يذكر هذا الأمر من باب تقية. إذن لنقول للذين يزعمون أن علماء الشيعة لا يعترفون بالآخر ولا يقيمون الصحابة تقييما عمليا وهنالك شتم وبعض على المنابر، إن في عام ١٩٤٦م أحد عمالقة الأمة والمرجعيات الدينية في التاريخ المعاصر وهو السيد محمد باقر الصدر كان يقيم هذا الأمر وعلى شدة خطورته بمنهجية علمية قدم الدليل العلمي في هذه الخصومة التاريخية أي أنه كان يقدم أبابكر الخليفة الأول بهذا الإحترام والتقدير وهذا نموذج وهو في ذلك العمر.

هذا وقد أشار أسعد تركي إلى نموذج آخر يأخذه من كتاب "إقتصادنا" وقال: كتاب إقتصادنا موجه لمقارعة الفكر الماركسي تحديدا أثناء فترة المد الشيوعي الأحمر وثم مناقشة الفكر الغربي الرأسمالي الإقتصادي المستند على نظريات "جان جاك روسو" و"جان لوك" وناقش بتفسير علمي هذه الأطروحات كلها وثم قدم البديل الأصح وهو المذهب الإقتصاد الإسلامي ومن الجدير بالذكر والذي يدل على نظرته التقريبية بل التوحيدية بين كافة أطراف الأمة الإسلامية - وليست تقريبية فحسب - حينما كان يستشهد بآراء إسلامية خارج الدائرة الإمامية من علماء مدارس أخرى التي لا تعتقد بالفكر الإمامي وأدخلها ليستدل وليستشهد بها ضمن المذهب الإقتصاد الإسلامي الواحد.

كما أشار إلى بيانات الشهيد الثلاثة التي خاطب بها الشعب العراقي وأبناء الأمة العربية والإسلامية عبر المذيع وهي موثقة، حينما يبدأ عبارته بـ "يا أبناء علي والحسين وأبناء أبي بكر وعمران المعركة ليست بين الشيعة والحكم السني، ان الحكم السني الذي مثلته الخلفاء الراشدون والذي كان يقوم على أساس الإسلام والعدل حمل علي السيف للدفاع عنه، اذ حارب جندياً في حروب الردة تحت لواء الخليفة الأول أبي بكر وكلنا نحارب تحت راية الإسلام مهما كان لونها المذهبي، ان الحكم السني الذي كان يحمل راية الإسلام قد أفتى علماء الشيعة قبل نصف قرن بوجود الجهاد من أجله، وخرج الآلاف من الشيعة وبدلوا دمهم رخيصاً من أجل الحفاظ على راية الإسلام ومن أجل حماية الحكم السني الذي كان يقوم على أساس الإسلام" ليطلع المخاطب العربي والمسلم كيف أن هذا الرجل كان بحق أب كبير للأمة الإسلامية جمعاء. وكان سماحته في خطاب آخر يخاطب الناس ويقول: "أنا معك يا أخي وولدي السني بقدر ما أنا معك يا أخي وولدي الشيعي.. أنا معكما

بقدر ما أننا مع الإسلام"، إذن كان المعيار للتقريب من جهة هذه الشخصية العظيمة مقدار تقرب المسلمين للإسلام وليس المذهب. وأضاف موضحاً: فالنظر إذن إلى تلميذه الفيض المقدس "محمد محمد صادق الصدر" حينما يخاطب الناس من على منبر مسجد الكوفة المعظم في خطب الجمعة، حيث قال: "ليس المهم في هذه المرحلة - على الأقل - أن نجعل السنين شيعيين أو نجعل الشيعيين سنين بل المهم التمسك بالدين المشترك وهو الإسلام والوقوف ضد العدو المشترك وهو الكفر والإلحاد".

وإذا نظر الآن من هم القائمون والباحثون على التقريب بين المذاهب الإسلامية سنجد بصورة واضحة علماء كـ "الشيخ محمد علي التسخيري"، "الشهيد محمد باقر الحكيم"، "السيد محمود الهاشمي"، "السيد كاظم الحائري" و"السيد كمال الحيدري" وهم من أفضال الأمة الإسلامية ومن تلامذة الشهيد محمد باقر الصدر وإرتووا من أفكاره التقريبية.

وتطرق أسعد التركي في قسم من حوارنا معه إلى علاقة المرجعية الدينية بالسياسة وقال: اليوم المرجعية الدينية أمام القيادة السياسية أو قيادة الأمة تقف أمام عدة خيارات: (١) إما ألا تتدخل في العمل السياسي؛ وهذا مخالف لخط ولاية الفقيه وإفراغ الساحة أمام التيارات العلمانية والملحده وهو تفتيق عملي أمام النظام السياسي. (٢) إما أن تتبنى جهة واحدة؛ وهذا يقلل من مكانتها التاريخية بإعتبار أنها يجب أن تكون راعية للإنسانية جمعاء وبلحاح أنها تمثل نيابة عن القائد المعصوم بغيابه. (٣) إما أنها تتدخل بين الحين والآخر في العمل السياسي وباقي شئون الأمة؛ وهكذا تدخل يجعلها فاقدة الأثر والأهمية. (٤) إما أنها تتبنى الجميع تحت رعاية لأنها أب للجميع؛ وهذا الأمر بسبب خلاف الأفكار والإيدئولوجيات داخل المجتمع صعب الحصول. (٥) إما أنها تغني الساحة الفكرية والعقائدية وتضع الأسس العامة للكليات والأصول للحركات والمنظمات والأحزاب والمؤسسات الإقتصادية والإجتماعية والسياسية والفكرية... حتى تنهل من ذلك العطاء الفر، ثم تجعل التنافس في ما بينها لإستقطاب الجماهير وإستقطاب الأمة حتى تكون روافداً نقية لتصب في المرجعية الدينية ثم في الإسلام.

وأضاف: للأسف الشديد بسبب تقاعد بعض المرجعيات، حال الأمر دون ذلك فانقسمت الأمة إلى قسمين يعتقد بولاية الفقيه وقسم آخر لا يعتقد.

وفي ختام كلامه قال أسعد تركي: قسم الذي يعتقد بولاية الفقيه يتبع المرجعيات الحركية المتمثلة بالسيد روح الله الموسوي الخميني (ره) الذي أقام ولاية الفقيه لنا، الصرح العملاق الذي رفع رؤوس الأمة ورفع راية علي بن ابي طالب (عليه السلام) في الأرض وأيضاً تتمثل في شخصية الشهيد السعيد محمد باقر الصدر (ره) وهما بحق أبوا هذه الأمة في العصر الحديث وكل ما نراه من تطور في شتى المجالات العلمية والفكرية لهذه الأمة هو من ثمار نشاطات هذين العملاقين.





دوره شانزدهم

راهب

سال پنجم

شماره ۷۶

۲۹ اسفند ۱۳۸۸

۲۰۵

مجله الهادي لعلوم الفروع الشريفة، سبب بهجت والو القدير



الأبعاد القرآنية لشخصية الشهيد صدر  
في رؤية الخبراء الإيرانيين

# الدراسات القرآنية لا تستغني عن التفسير الموضوعي الذي أبدع فيه الشهيد الصدر



إضافة إلى ذلك، واصل سماحته الدراسات الجامعية حتى نال شهادة الماجستير بالعلوم الإسلامية من جامعة بغداد. وتأثر الشيخ الأفصفي بأفكار الشهيد الصدر دون أن يحضر رسمياً في مجالس تدريس الشهيد السعيد الصدر (ره)، حيث اتخذ واقتبس من أفكاره وتأليفاته التي تلائم المجتمع العراقي آنذاك في مسيرة نشاطاته الدعائية والمنبثقة. هو حالياً ممثل السيد علي الخامنئي قائد الثورة الإسلامية في حوزة النجف الأشرف ورئيس الهيئة العلمية للمجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الإسلامية. ومن مؤلفاته: ١. الجسور الثلاثة ٢. آية التطهير ٣. ملكية الأرض في الفقه الإسلامي ٤. الدعاء عند أهل البيت (عليهم السلام) ٥. تاريخ الفقه الإسلامي ٦. ولاية الأمر ٧. نظرية الإمام الخميني في دور الزمان والمكان في الاجتهاد ٨. أثر العلوم التجريبية في الإيمان بالله ٩. المدخل إلى دراسة نصّ الغدير.



أكد الشيخ محمد مهدي الأفصفي أن الدراسات القرآنية لا تستغني عن التفسير الموضوعي الذي أبدع فيه الشهيد الصدر (ره) إذ أن المفسر حينما يفسر القرآن تجزيئياً وتدرجياً يفوته الكثير من القضايا القرآنية المتعلقة بالآية التي في موقع البحث ولكن عندما يجمع الآيات المتعلقة بموضوع واحد في مكان واحد ويسلط عليها الضوء جميعاً يفهم من الآية ما لا يفهمه في غير هذه الحالة.

وُلد الشيخ محمد مهدي الأفصفي عام ١٣٥٨ ق في مدينة النجف الأشرف. فانكب على الدراسة الحوزوية، فأكمل مرحلة المقدمات منذ شبابه، ثم شرع بدراسة السطوح عند الشيخ مجتبي اللنكراني، والشيخ صدرا البادكوبي، والسيد السرابي، والشيخ محمد رضا المظفر، والشيخ عبد المنعم الفرطوسي. ثم دخل مرحلة البحث الخارج، وأخذ يحضر درس الشيخ باقر الزنجاني، والشيخ حسين الحلّي، والسيد محسن الحكيم، والإمام الخميني، والسيد أبو القاسم الخوئي.

ويعرف الشيخ الأفصفي بلقبه هذا شخصية علمية معروفة على خارطة العالم الإسلامي خريج مدرسة النجف العلمية حوزياً وأكاديمياً أصدر النظام السابق البعشي عليه بداية السبعينات حكم الإعدام لكونه من كوادر حزب الدعوة الإسلامية المتقدمة كما انسحب الشيخ الأفصفي نهائياً من الحزب عام ١٩٩٩ ليتفرغ للتأليف والإشراف على المؤسسات العلمية وإنشاء المدارس للحوزة العلمية. يعتبر الشيخ الأفصفي واحداً من أبرز القيادات الرباعية التي تحكمت بمسيرة الحزب بعد رحيل الشهيد الصدر الأول وهم، السيد كاظم الحائري والعلامة السيد مرتضى العسكري والشيخ علي الكوراني والشيخ الأفصفي وهو الزعيم المجدد بعد السيد الشهيد الصدر الأول وبعد السقوط رجع الى العراق وهو الآن في مدينة النجف الأشرف متفرغ للعلم والعبادة وبعيد عن السياسة.



هكذا جاء حوارنا مع فضيلته..

حول نشاط الشهيد الصدر في مجال تفسير القرآن أكد الشيخ الأصفى أن الشهيد السعيد محمد باقر الصدر (ره) كان يؤكد منهج التفسير الموضوعي، فإنه "يرجح منهج التفسير التجزيئي بتجاوزه

خطوة تكاملية إلى الأمام، لأنه لا يكتفى بإبراز المدلولات

التفصيلية للآيات القرآنية، بل يحاول أن يستحصل

أوجه الإرتباط بين هذه المدلولات التفصيلية من

أجل الوصول إلى مركب نظري قرآني يحتل في

إطاره كل واحد من تلك

المدلولات التفصيلية

موقعه المناسب، وهذا ما نسميه

بلغة اليوم بـ "النظرية"، فيصل إلى نظرية قرآنية

عن النبوة، والمذهب الإقتصادي، وسنن التاريخ

والسماوات والأرض".

واضاف سماحته أن الشهيد كان يشير في كتابه الثمين

"إقتصادنا" بأن الحاجة إلى التفسير الموضوعي في هذا العصر تنبع -

في الواقع - من الحاجة إلى عرض الإسلام ومفاهيم القرآن عرضا

نظريا يتكفل الأساس الذي تنبثق منه جميع التفصيلات والتشريعات

الأخرى، حيث من الممكن أن نستكشف النظريات العامة من خلال

التشريع والقانون الإسلامي لوجود الإرتباط الوثيق بين النظرية

والتطبيق.

وفيما يتعلق بسر خلود أفكار الشهيد الصدر خاصة في كتابيه

"إقتصادنا" و"فلسفتنا" رأى سماحته ان البنيان والمنهجية العلمية

لدى الشهيد الصدر وأيضا طرح مقولتي الفلسفة والإقتصاد الإسلامي

بشكل أرقى من أن تكون ردا على النظريات الشيوعية، مضافا ان

الشهيد صدر (ره) في طرح المفاهيم الإسلامية ومواجهته ضد

الظواهر الفكرية المختلفة الخاطئة رسم منهجية

مستحكمة قد أفادت الحوزات العلمية والجامعات.

وقال فضيلته في معرض رده على سؤال حول

أهمية التفسير الموضوعي عند

الشهيد الصدر: إن من

الأعمال الجديدة التي قدمها

الشهيد السعيد محمد باقر الصدر (رض) في

المرحلة الأخيرة من عمره الشريف هي التفسير

الموضوعي تدريسا وتدوينا وكتب ودرس مجموعة

مواضيع قرآنية مثل سنن الله تعالى في التاريخ.

وأضاف الشيخ الأصفى قائلا: ان هذه الدراسات في الواقع هي

دراسات قرآنية جديدة تحمل شيئا جذريا من الجدة وإن كان الشهيد

الصدر لم يكن أول من كتب في التفسير الموضوعي ودرس التفسير

الموضوعي، إلا أن الكثير من الأفكار التي جاء بها من هذه الدراسات

جديدة وفيها جدة ومبادرة.

كما اشار إلى أن التفسير الموضوعي لدورات الدراسات

القرآنية قائلا: الدراسات القرآنية لاتستغني عن

التفسير الموضوعي الذي أبدع فيه الشهيد

الصدر (ره)، إذ أن المفسر حينما يفسر القرآن

تجزئيا وتدرجيا يفوته كثير

من المسائل القرآنية

المتعلق بالآية التي في موقع

البحث ولكن عندما يجمع الآيات المتعلقة

بموضوع واحد في مكان واحد ويسلط عليها الضوء

جميعا يفهم من الآية ما لا يفهمه في غير هذه الحالة وما

لو كان يدرس الآية الكريمة بصورة منفصلة عن الآيات الأخرى.

وأضاف الشيخ الأصفى: وفي هذا السياق نستطيع أن نذكر مسألة

المشيئة الإلهية وإرادة الإنسان وعلاقة سلوك الإنسان بالمشيئة

الإلهية تحت هذا النوع من التفسير، فنجد في القرآن الكريم آيات

فيها تؤكد حرية الإختيار عند الإنسان ونجد آيات أخرى تؤكد إرتباط

سلوك الإنسان بمشيئة الله سبحانه وتعالى فلو أردنا أن نفسر هذه

الآيات على حدة وبصورة منفصلة عن الآيات الأخرى فمن الصعب أن

نصل إلى نتيجة واضحة في هذا الموضوع، لكن عندما نربط هذه

الآيات بعضها ببعض ونقارن بينها ونجمعها إلى جانب بعض ونستنج

منها جميعا فنستطيع أن نفهم الحقيقة التي يوضحها القرآن الكريم في

علاقة سلوك الإنسان بمشيئة الله تعالى سلبا وإيجابا.

وتابع سماحته: وأيضا من أمثلة ذلك: الدنيا محمودة وجيلية

والدنيا ممقوتة في النصوص الإسلامية ونحن

لا نستطيع أن نقف على رأي واحد ومحدد إلا عندما

نجمع كل النصوص المتعلقة بالدنيا سلبا وإيجابا من

القرآن الكريم والسنة الشريفة،

عند ذلك نحن نستطيع

الوصول إلى رأي واضح في نظر

الإسلام أو نظر القرآن الكريم من الدنيا.

وختم الشيخ الأصفى كلامه قائلا: لو كان شخص

يتأسى بالسيد الشهيد محمد باقر الصدر (ره) ويكمل

هذا المشروع لنفع المكتبة القرآنية فائدة كبيرة ولعن الله

قتلته الذين حرموا المكتبة الإسلامية من هذا السيد المبارك.

كان يشير في كتابه الثمين "إقتصادنا" بأن الحاجة إلى التفسير الموضوعي في هذا العصر تنبع - في الواقع - من الحاجة إلى عرض الإسلام ومفاهيم القرآن عرضا نظريا يتكفل الأساس الذي تنبثق منه جميع التفصيلات والتشريعات الأخرى

الشهيد الصدر لم يكن أول من كتب في التفسير الموضوعي ودرس التفسير الموضوعي، إلا أن الكثير من الأفكار التي جاء بها من هذه الدراسات جديدة وفيها جدة ومبادرة







نظريته في "التوالد الذاتي" التي طرحها في كتابه "الأسس

المنطقية للإستقراء" حيث دخل في جدل عميق

مع كبار فلاسفة العلم الغربيين متحديا آراءهم

وواضعا نظرية جديدة في هذا المجال.

وحول هذا الكتاب قال

الشيخ خسروبناه: إن

القضية في هذا الكتاب تدور

حول قضية الإستقراء الناقص ومكانته في

الحصول على اليقين حيث يعرض الشهيد الصدر

في بداية الكتاب آراء المفكرين المسلمين من

أمثال ابن سينا والملاصدرا والمفكرين الغربيين من أمثال

هيوم وبيكون وجون استيوارت ميل وينتقدهم جميعا على أساس

ما يسميه "الأسس اللامنطقية للإستقراء" لديهم ثم يعرض

لنظريته الخاصة التي تقع مقابل آراء هؤلاء جميعا.

لنظريته الخاصة التي تقع مقابل آراء هؤلاء جميعا.

■

"فلسفتنا" كُتِبَ خلافاً لما كتب من الكلاسيكيات في هذا

المجال

وفي ما يتعلق بتجديد الشهيد الصدر في الفكر الفلسفي

أشار العضو في المجلس العلمي لمؤسسة الثقافة

والفكر الإسلامي للبحوث الى كتاب "فلسفتنا"

للشهاد مؤكدا أنه خلافا لما كتب من

الكلاسيكيات في هذا المجال فإن

الشهاد يقسم الكتاب الى

قسمين حيث يعرض في

الأول منهما الى نظرية المعرفة

وفي الآخر الى الوجوديات والأنطولوجيا ويبين

ذلك تجديدا أحدثه الشهيد الصدر بتقديمه

لنظرية المعرفة على البحث في الوجود.

وبين الشيخ خسروبناه أن الشهيد الصدر يقوم في هذا الكتاب

بعرض الفلسفة الإسلامية خطوة خطوة عبر نقده للفكر الماركسي

حيث يحصل القارئ من جراء نقد الشهيد الصدر للماركسية

ولنظريتها في المعرفة على معالم مايمكن أن يسمى نظرية

الوحدانية التي تقوم على أساسها فلسفة كائنة.

وإضافة الشيخ خسروبناه: إن الجميع يعلم

مكانة كانط في الفكر الغربي حيث أنه ما من

منهج أو مدرسة في الغرب إلا وقد تأثرت بكانط

ومن أجل ذلك فإن الشهيد

الصدر يركز كثيرا في كتابه

"فلسفتنا" على نقد معمق

لفلسفة كانط

معمق لفلسفة كانط.

وحول التجديد الذي قام به الشهيد محمد

باقر الصدر في مجال تفسير القرآن الكريم قال

الشيخ خسروبناه: إن نموذجا آخر مما قام به الشهيد من

تجديد هو عمله في تفسير القرآن الكريم حيث قام ولأول مرة

بتصنيف التفسير الى ترتيبى وموضوعى مع الإحتفاظ بتعريفه

الخاص للتفسير الموضوعى والذي يختلف كثيرا عن تعريف

الأخرين وفهمهم لهذا النوع من التفسير.

وتابع الشيخ خسروبناه: إن التفسير الموضوعى للقرآن الكريم

في معناه الكلاسيكى وكما يراه العلماء الآخرون هو أن يختار المفسر

موضوعا من القرآن الكريم ليحلل ويدرس ماجاء في نص القرآن

الكريم من آيات وتعابير حول هذا الموضوع كأن يختار

المفسر موضوع التوحيد ليقوم بعد ذلك بدراسة

كل الآيات التي في هذا المجال وهذا ما فعله علماء

كثيرون ومنهم آيات الله سبحانه

وجوادى آملى ومكارم

شيرازى.

ولكن وفقا للشيخ خسروبناه

فإن المنهج الموضوعى في التفسير لدى الشهيد

الصدر يعنى أن يقوم المفسر بعرض موضوعات

إجتماعية حدثت خارج النص القرآنى على القرآن

كأن يعرض موضوع الفقر أو الثروة أو أزمة الهوية على نص

القرآن لنرى مايقوله النص القرآنى في هذا المجال وهذا يعنى أن

نستنتق القرآن في ما جاء في المجتمع من جديد وهى السبيل

الوحيد للقيام باستنطاق القرآن الكريم.

## الشهيد الصدر رجل يمتاز بالموضوعية وكان عبقري بمعنى الكلمة



يتحدث بالرأس مألوبة أفضل من الرأس مالبين وقد كانت له كتب في ذلك من مجموعة سلسلة الحياة فكان يخافه الغرب ويعدوه له، أن الشهيد الصدر أديباً وشاعراً أيضاً وكان يختلف عن الباقين حينما يدرس اللغات والثقافات الأجنبية فكان من المتطوعين إلى ثقافات الشعوب غير المسلمة.

■ ان الشهيد الصدر هو رمز التحرك الإسلامي في العراق وصاحب مدرسة فكرية لها خصائصها وسماتها المتميزة مما يفترض أن تكون الدراسة بحجم معطيات مدرسته الفكرية والسياسية والأهم من ذلك أن الإمام الصدر قدم فكره ليكون حركة مغيرة في كل آفاق الحياة الانسانية.

في بداية الحوار اشار الدكتور التبريزي الي ذكرياته عندما كان السيد الشهيد محمد باقر الصدر (ره) أحد تلامذة والده المرحوم السيد هادي الحسيني التبريزي وكان يتردد على منزله طالبا العلم والاجتهاد: أنه أولا وقبل كل شيء أود أن أبدأ من مدرسة النجف الأشرف والعتبة، فيها يمتد إلى عمق التاريخ وإن كان يقال بعد رحلة الشيخ الطوسي من بغداد إلى النجف وهو المؤسس، ولكنها تمتد إلى الإمام الصادق (عليه السلام) وقد كان له كفي الكوفة جلسات ومحاضرات وحلقات علمية تدريسية، وقبل تأسيس حوزة قم المقدسة كان الناس يتقاطبون إلى العراق وبالتحديد إلى النجف الأشرف قاصدين الحوزة العلمية فيها وكانوا من كل بقاع العالم ومنهم العرب من اللبنانية والأفارقة والباكستانيين والبرانيين ومن كان يريد أن يتعلم أصول الدين وأن يتلمذ على أيدي كبار العلماء

يذكر أنه ولد السيد محمد علي الحسيني في النجف الأشرف سنة ١٣١٩ ش وكان والده آية الله السيد هادي الحسيني التبريزي من أعلام الحوزات العلمية في العتبات العاليات وقد رعى ولده رعاية دينية علمية أدبية منذ نعومة أظفاره. وفق لنيل درجة الدكتوراه من بريطانيا سنة ١٩٧٩م في حقل علم اللغة التطبيقية من جامعة "سنت أندروس" وقد حصل على إجازات في رواية الحديث من والده وبعض أعلام النجف الأشرف والكاظمية المقدسة.

نشرت له مقالات عدة في أصول التحقيق واللغة والأدب والشعر ومن حملة تأليفاته "دراسات وتحقيقات في التراث الإسلامي"، "علم اللغة التوحيدى بين النظرية والتطبيق"، "فقه اللغة العربية وعلم اللغة الحديث" ودواوين تتضمن مدائح أهل البيت (ع) "الأحمديات" و"العلويات" و"الفاطميات" وسائر أسماء أهل البيت (ع) وخاتمتها "الحجازيات" في الحجة المنتظر (عج).

■ ■ ■  
صرح السيد الدكتور "محمد علي الحسيني التبريزي"، من فضلا، الحوزة العلمية وخريج علم اللغة التطبيقية من جامعة "سنت أندروس" البريطانية أن الشهيد الصدر رجل يمتاز بالموضوعية فهو





والدى السيد هادى الحسينى وبعدها درس السيد محمد باقر الصدر (قدس) على يد الأستاذ الفاضل السيد مرتضى آل ياسين وكان من العلماء وكذلك على أيدي كبار العلماء وقد قال عن والدى ذات مرة وأنا أفتح له الباب ليدخل بيتنا "أعرف قدر والدك إنه أديب الفقهاء وفقية الأدباء وقد إنعكست عليه كتبه" وكان يبحث ويجمع ثم يبحث وكانت له كتب وملفات ودراسات وبحوث رغم صغر سنه زمانها كان متميز بالفعل وهذا ما ذكره لنا أصدقائه وأساتذته عن عبقريته. وبعد ما كبر وترعرع السيد محمد باقر الصدر ألف عدة كتب كان أهمها وأكثرها شهرة هو كتاب "اقتصادنا" والكل يعرف هذا الكتاب الذى خاف منه الأعداء وخصوصا الغرب لانه كان كتاب موضوعى ويهتم بالاقتصاد ونظمه.

أريد أن أذكر سرا من الأسرار وأنا أقوله لأول مرة ليلة من الليالي فى لبنان وعندها كنت مع السيد موسى الصدر (قدس) والسيد محمد باقر الصدر وأحد أقرباء السيد موسى الصدر وكان صغيرا من ايران وكان هذا الجمع فى منزل السيد موسى الصدر وكان السيد موسى يكن الإحترام والتقدير والتواضع إلى سماحة السيد محمد باقر الصدر وكان هناك موضوع مفتوح للحوار عن الكتب والإصدارات حين قال السيد محمد باقر الصدر "لقد إنتهيت للتو من كتابة كتابى الجديد الذى أسميته "إجتاعنا" وسوف يطبع فى المستقبل القريب ان شاء لله" وكان هذا الكلام قد سمعته منه شخصيا.. وعندها فهمت ان هذا الكتاب هو تكميل لما أتى به السيد من نتاجات دنيوية ليتمها بكتاب إجتماعنا الذى لم يرى النور لأسباب باتت مجهولة لحد الآن ولا أعرف عنه أى خبر بعد ما إتحق السيد بالرفيق الأعلى أسكنه الله فسيح جناته.

وكانت تربط السيد محمد باقر الصدر والسيد موسى الصدر علاقة وثيقة وكانا فعلا من المجاهدين يدرسان ويخططان لمستقبل الشيعة فى المجتمعات المسيية بسياسات الغرب ويدعمان حركات الشباب المجاهدين وحركات الطلابية المسلمة وقد حصل ما كان يخافان منه فالصهيونية والغرب كانوا وراء إستشهادهم وكان السيد محمد باقر الصدر يعلم بذلك فصدام كان أصغر من أن يفعل ذلك لكنه أمر من امريكا بان يخطط ويقتل الصدر لأن الغرب عرفوا فيه وأحسوا روح الجهاد

والعظماء فى شتى أنواع العلوم والمعارف والفقهاء من الدراسات الدينية والحوزوية كان يأتي إلى الحوزة العلمية فى النجف الأشرف. وأضاف السيد الدكتور الحسينى وهو يروى لنا ما كان يتذكره رغم صغر سنه آنذاك كانت عائلة السيد الشهيد محمد باقر الصدر (رض) من العوائل العريقة والغنية بالفقه والسياسة والرئاسة والعلوم الدينية والدنيوية ضربت أطنابها فى كل العالم العربى والاسلامى وحتى فى الخارج، "عبد الحسين شرف الدين" وبعده "السيد موسى الصدر" ومن أعلامنا فى الكاظمين "السيد إسماعيل الصدر" والذى طلب من والدى وأنا كنت شاهدا بالقصة وكنت لم أبلغ الحلم بعد لدراسة السيد الشهيد محمد باقر الصدر (قدس) عند أبى فى المنزل وقال أبى له إنه عبقرى وقد

كان عبقرى بمعنى الكلمة وقد كان يدرس مع ابن عمه موسى الصدر وهم من طلاب والدى وكانا يتميزان عن الجميع. وكان السيد الشهيد محمد باقر الصدر لم يتجاوز ۱۳ سنة وقد كتب كتابا - لا أذكر إسمه - بالمنطق وكان يدرس يومها فى مدينه الكاظمية وكانت الكاظمية كالنجف وربما أكثر من ذلك، تمتاز عن باقى المدن وخصوصا أساتذتها.

وبين لنا الدكتور الحسينى عن تلك الأجواء التى مهدت للإمام الصدر (قدس) بأن يكمل دراسته، وبدأ الناس يتوافدون ويتكلمون عليه بعدها قرر أن يذهب الى النجف الأشرف وأن يبدأ دراسته هناك وسكن فى مدينه النجف (حى العمارة) وهو حى كان يسكنه بيت الصدر ومن جيرانه بيت آل ياسين ومنهم السيد محمد آل ياسين ومرتضى آل ياسين وراضى آل ياسين وهم من إحتفظ بالسيد الشهيد الصدر (قده) وكان الشهيد لديه الكثير من الدروس والإجتهادات الفلسفية وكان كثير الطموح وهو يأتي إلى بيت أبى ويترك الباب وأنا أستقبله والكل يعلم إن الحوزة ليس كمثل باقى المدارس، الحوزة استاذ وتلميذ؛ الأستاذ ينتخب التلميذ والتلميذ ينتخب الاستاذ.

كما ذكر لنا السيد الحسينى خبرا قال فيه أن والدى السيد هادى الحسينى التبريزى لم يستطع الإحتفاظ به بسبب ظروف خاصة مرت به آنذاك ويقصد ظروف إجتماعيه نوعا ما قد أثرت على إدامة ومواصلة أخذ الدروس عند

قال السيد محمد باقر الصدر "لقد إنتهيت للتو من كتابة كتابى الجديد الذى أسميته "إجتاعنا" وسوف يطبع فى المستقبل القريب ان شاء لله" وكان هذا الكلام قد سمعته منه شخصيا

وكانت تربط السيد محمد باقر الصدر والسيد موسى الصدر علاقة وثيقة وكانا فعلا من المجاهدين يدرسان ويخططان لمستقبل الشيعة فى المجتمعات المسيية بسياسات الغرب

وهداية الأمة ولولا بقى الشهيد حيا إلى الآن لكان خليفة للمسلمين ونائباً لإمام الحجة عجل الله فرجه الشريف.

أذكر حادثة وقعت لسيد موسى الصدر (قدس) وهو في يوم من الأيام مدعو بمأتم في لبنان وكان الجمع غفير حدثنا هو وقال: وكنت أسلم عليهم وأودعهم فثنى رجل منهم وقال لي يا سيد أنت المهدي الشريف (ع) فنبهت من كلامه وقلت لا يا أخي انا لست المهدي أنا سيد موسى فكررها أمام الناس فقلت له أنا لست المهدي وكف وأقبل. قال بلى قلت: انا معروف ومن عائلة معروفة النسب وعلى هذا إن كنت المهدي فالمهدي لا يكذب وإن صدقت فأنا لست المهدي، فعائلة الصدر من العوائل العريقة في الأصل والنسب والعلم والعلوم والشهادة فقد أعطاهم الله من كل شى أحسنه ومنهم السيد الشهيد الذى كان فتحة من فتكات الدهر وثورة من ثورات الأرض وقد خسرته الأمة كلها.

**كان الشهيد الصدر أديبا وشاعرا، يدرس اللغات فكان من المتطلعين إلى**

#### ثقافات الشعوب

كان الشهيد الصدر أديبا وشاعرا أيضا وكان يختلف عن الباقين حينما يدرس اللغات والثقافات الأجنبية فكان من المتطلعين إلى ثقافات الشعوب غير المسلمة يدرس فلسفتهم وإقتصادهم وإجتماعهم وعلومهم وأفكارهم حتى قال عليه واحد منهم أنا فهمت الشيوعية من إقتصادنا وكان الشهيد الصدر رجل يمتاز بالموضوعية فهو يتحدث بالرأس مالية أفضل من الرأس ماليين وقد كانت له كتب في ذلك من مجموعة سلسلة الحياة فكان يخافه الغرب ويعدوله.

بدأ الشهيد الصدر يشجع على الحركات الإسلامية ونشر أفكار الشيعة من خلال المشاركات والإجتماعات وبعدها برك وأسس حزب الدعوة الاسلامى فى العراق حتى قيل عنه إنه حزب شريف ومؤسسه شريف وبعدها شهد العراق حركات وإنقلابات سياسية وتم تشكيل أحزاب ومنظمات.. إلى أن الحوزة العلمية فى النجف الاشرف قد فكرت والتفت وتكاتفت لحفظ الأوضاع وتهيئة ظروف تحمى ما اقدم عليه السيد محمد باقر الصدر مع أخته العلوية بنت الهدى التى أحدثت حركة فى الكاظمية واسعة نسوية وفى المدارس وانتشرت إنتشارا واسعا إلى أن نظام البعث المقبور لم يعطى الفرصة لها لتكتملة مسيرها لتكون شهيدة الإسلام فى زمانها ومكانها وبعد إقتبار البعث فى العراق والتاريخ أعاد نفسه فالعزة لله ومن الله وعادت المياه إلى مجاريها والآن والحمد لله نرى العراق بخير وعافية رغم الذى يحصل فالله سوف يمنحنا دولة كريمة ان شالله ليعز فيها الإسلام وأهله.

فكان السيد محمد باقر الصدر (قدس) لا يهتم من الخصم مهما كان وقالها وهو لا يبلغ فى هذا إطلاقا حتى كان من المناضلين والشهداء هو وأخته الشهيدة بنت الهدى والتى كانت بجانبه كما كانت زينب إلى جنب أخيها الحسين عليهم السلام.

أكد رئيس مؤسسة العلوم والثقافة الإسلامية للبحوث الشيخ "احمد مبلغى" أن الشهيد السيد محمد باقر الصدر ركز في مجال علم التفسير علي منهجه حيث أعطاه الأولوية علي حساب أبعاد علم التفسير وزواياه.

وقال الشيخ "مبلغى" مضيفا بالقول: إن هذه هي من سمات كبار المفكرين والمبدعين حيث يركزون في دراساتهم علي المنهج ويرون فيه الأرضية الخصبة للتجديد.

وارد رئيس مؤسسة العلوم والثقافة الإسلامية للبحوث قائلاً: إن أي تطور في أي علم يتبع التطور في المنهج المتبع في ذلك العلم وإن الشهيد الصدر بتطويره المنهج الموضوعي في التفسير والذي كان موجودا قبله حول هذا المنهج الي منهج فاعل ومؤثر يقدم الجديد وينتج إجابات عن كل أسئلة العصر.

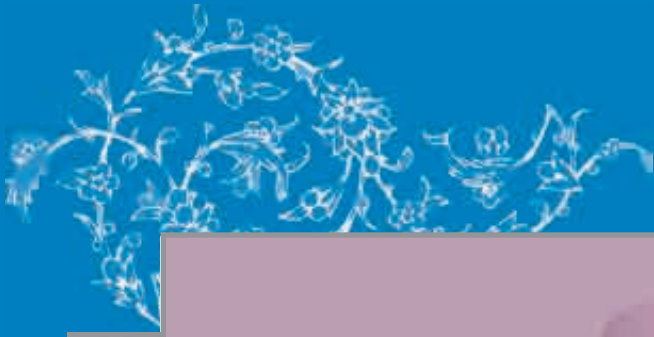
وأكد الشيخ مبلغى أن الشهيد الصدر قدم الكثير من الآراء التجديدية المؤثرة في المجالات الفكرية المختلفة من الفقه والمنطق والأصول والاقتصاد الإسلامي والفكر السياسي حيث أدي حضوره في أي مجال من هذه المجالات الي تقديم شيء جديد وتطوير ذلك الحقل بشكل جذري.

وأشار رئيس مؤسسة العلوم والثقافة الإسلامية للبحوث الي أن الشهيد الصدر كان يري ضرورة اتباع عدة عناصر في التفسير الموضوعي للقرآن الكريم لكي يستقيم بها التفسير علي أسس قوية ورسينة، مؤكدا أن علي الباحث أن لا يذهب الي النص القرآني بذهن خال ومجرد وإنما عليه أن يوجه الي النص القرآني أسئلة مستنبطة من الواقع الإجتماعي وحياة الإنسان.

وتابع الشيخ "مبلغى" قوله: إن العنصر الثاني الذي أكده الشهيد الصدر في آراءه هو ضرورة الإهتمام بما قاله المفكرون المسلمون قبلنا في ما يخص الموضوع قيد الدراسة لكي يتكون أمامنا رصيد من الإهتمامات والسابقة الدراسية في ما يخص الموضوعات مما من شأنه أن يدعم البحث.

وفي إشارة الي ضرورة الإهتمام بالسير التاريخي للموضوع المدروس قال رئيس مؤسسة العلوم والثقافة الإسلامية للبحوث: إن علي الباحث أن يولي الكثير من





دوره شانزدهم

راهنما

سال پنجم

شماره ۷۶

۲۸ اسفند ۱۳۸۸

۲۱۳



## الشهيد الصدر ركز علي منهج التفسير ولا علي أبعاده

الإهتمام الي الصيرورة التاريخية للموضوع حتي يتمكن من الإشراف علي مختلف مناحيه وزواياه ولا تنحصر رؤيته الي النص القرآني في زاوية ضيقة أو يسجن في منحي تمت تجربته قبل ذلك.

واضاف هذا الباحث قائلا: إن الباحث وبعد كل هذه المراحل يستطيع مراجعة النص القرآني وقرع بابه للحصول علي إجابات علي أسئلته وإن لم يكن ذا بنية غنية وقوية فقد لا يستطيع فعل شيء يذكر حيال استخراج إجابات عن النص القرآني الشريف.

وفي قسم آخر من الحوار قال الشيخ "مبلغي": إن

الشهيد الصدر كان يري الركون الي النص القرآني

مفيدا فقط حينما يكون لدي من يرجع اليه سؤال موضوعي

محدد بحدود واضحة ولايشوبه التشويه والتجريد، مؤكدا أن هذا

السؤال يجب أن يستند الي أسس واقعية والي سابقة واعية بأطراف

الواقع بصله.

الموضوع حتي يمكن ذلك الباحث من التوصل الي إجابات واضحة.

وتابع هذا الباحث الإيراني قوله: إن الشهيد الصدر كان علي

معرفة واضحة ومعقدة بالمناسبات الإجتماعية المعاصرة

له وكانت آراءه إصلاحية حيث كان يهدف الي إيجاد

تطور في المجتمع ليتجاوز بذلك الأسس التقليدية

المتبعة في الأجواء العلمية ولذلك

فإنه أكثر ما أكد الثقل العلمي

لتفسير القرآن ودوره في

إيجاد هذه النقلة النوعية.

وشرح الشيخ "مبلغي" أن الشهيد الصدر كان يري

في التفسير الموضوعي للقرآن الكريم آلية لمعرفة

حاجات العصر وطرق حل لها متجاوزا بذلك

المفسرون الذين كانوا يراجعون النص القرآني بأسئلة تجريدية

لا تمت الي الواقع بصله لكي يخرجوا بإجابات لاتمت هي الأخرى الي

الواقع بصله.

أن الشهيد الصدر كان يري  
في التفسير الموضوعي  
للقرآن الكريم آلية لمعرفة  
حاجات العصر وطرق حل لها  
متجاوزا بذلك المفسرون  
الذين كانوا يراجعون النص  
القرآني بأسئلة تجريدية

# التفسير الموضوعي للشهيد الصدر يتناول العرفان العملي والشهودي



التفسير الموضوعي تناولت الميثولوجيا العلمية لهذا النوع من التفسير وفي آخر خطاب له ضمن سلسلة خطابه الأخيرة إبتعد لقدرا ما عن القضايا العقلية والمنطقية وذهب إلى الأبعد حيث لجأ إلى مجال العرفان والقلب.

وصرح هذا الاستاذ الجامعي قائلا "إن مجموعة من هذه الخطابات العلمية المثمرة والقيمة عرضت في إطار كتاب تحت عنوان "المدرسة القرآنية"، حيث تتوفر ترجمة هذا الكتاب إلى اللغة الفارسية وكذلك إلى اللغات الأخرى"، مؤكداً أن الشهيد الصدر قام بصفة المفسر في هذا الكتاب بالتقييم والتعريف بآليات للتوصل إلى التفسير الموضوعي و ثم مقارنة ذلك مع التفسير الترتيبي.

واضاف الدكتور "آدرشب" قائلا "إن الشهيد الصدر كان يعتقد ان المفسر الموضوعي يجب ان يكون تلميذا عالما بين يدي القرآن الكريم وليس أستاذا وبهذا المعنى فإنه يجب عليه أن لا يفرض رأيه على القرآن الكريم وأن لا يجر بالآيات القرآنية باتجاه أفكاره وآرائه الشخصية وان لا يجعل القضايا الذهنية وأهوائه معايير لتفسير القرآن الكريم".

وتابع الاستاذ آدرشب القول "إن الشهيد الصدر إضافة على

الدكتور محمدعلي آدرشب الحاصل على شهادة البكالوريوس في اللغة العربية والعلوم القرآنية من جامعة "أصول الدين" في بغداد ودرس فرع اللغة العربية وآدابها في مرحلة الماجستير ونال شهادة الدكتوراه في هذا المجال من كلية علوم الهيات والمعارف الاسلامية بجامعة طهران في فرع الثقافة العربية والعلوم القرآنية. وللدكتور آدرشب تأليفات منها "الادب العربي و تاريخه؛ حتي نهاية العصر الاموي" وكان يعمل مستشارا في الملحق الثقافي للجمهورية الاسلامية الايرانية بسوريا ورئيسا لتحرير مجلة "ثقافتنا" التي تنشر بدعم ورعاية من رابطة الثقافة والعلاقات الاسلامية.



أكد الدكتور "محمدعلي آدرشب"، أستاذ اللغة العربية وآدابها بجامعة طهران، أن الشهيد الصدر (ره) أولى إهتماما للقلب والقضايا الشهودية وكذلك العرفان العملي، حيث بين مواضيع شيقة في مجال التلفيق بين العقل والقلب والفكر والعرفان.

وقال الدكتور "آدرشب" إن الشهيد الصدر في السنوات الأخيرة من حياته المثمرة والمباركة ألقى عدة خطابات علمية حول





متباينة حول مبادئ الحركة التاريخية وأسسها وعناصرها وأن الشهيد الصدر في هذا المجال لديه بيانات هامة وشيقة في ما يخص القوانين والتراث والسنن والحراك الاجتماعي في رؤية القرآن الكريم ويتناول بدقة وبأسلوب علمي ومبدئي هذا الفكر القرآني القائل بأن الانسان هو العنصر المحرك للتاريخ ويدرس ويجب على الأسئلة في هذا الشأن.

وتابع هذا الخبير في مجال العلوم القرآنية أن أهم سؤال طرحه الشهيد الصدر في المجتمع في عهده كان حول هوية المجتمع الاسلامي ومكوناته من منظر ورؤية القرآن الكريم وحول دور الفرد في المجتمع وتركيبه المجتمع وحركة المجتمع وأنه بالإمكان استلهام الدراسات الاسلامية في مجال علم الاجتماع في البلاد من خلال هذه البحوث الاجتماعية في المجتمع الاسلامي.

واردف قائلاً "كما أنه بالامكان تحليل المجال الاجتماعي للمجتمع الاسلامي بحسب الرؤية والنظريات القرآنية خاصة وان علم الاجتماع في ايران يقوم على أسس ونظريات غربية وأن سماحة قائد الثورة الاسلامية الايرانية آية الله السيد علي الخامنئي (مد ظله العالي) قد أشار مؤخراً الى ذلك"، مؤكداً بأن العلوم الانسانية قد توسعت من حيث الكم في البلاد ولكنه يجب بذل المزيد من الجهود للراقي بالمستوى الكيفي لهذه الفعاليات والأعمال في هذا المجال.

وفي ختام حديثه أكد أستاذ اللغة العربية وآدابها بجامعة طهران الدكتور محمدعلي آذرشب بن في أجواء القمع والخناق التي كان يعيشها العراق قبل ثلاثة عقود كان الشهيد الصدر يسعى للتعريف بالاسلام كدين شامل وملم يستجيب لكافة حاجات المجتمع ويعطي حلولاً لجميع المشاكل بما فيها الاجتماعية والاقتصادية والفلسفية في الأعصار والأزمات المختلفة وأنه كان يواجه كذلك ومن جهة أخرى الهجمات والشبهات والأفكار الماركسية ويرد على الأخطار الفكرية التي يتعرض لها المجتمع الاسلامي ويجب على حاجات المجتمع أنذاك.

القيمة والإهتمام الذي كان يوليه للتفسير الترتيبي أو المنفصل كان يولي إهتماماً كبيراً إلي التفسير الموضوعي ويعتبره مهماً جداً وضروري لأن هكذا نوع من التفسير يلبي حاجات المجتمع وأنه من المفيد والفاعل خاصة في جميع الظروف التي يحتاج فيها المجتمع الإسلامي الى النظريات القرآنية وفي مختلف القضايا اليومية".

وأكد أستاذ اللغة العربية وآدابها بجامعة طهران أنه نظراً لأهمية التفسير الموضوعي عند الشهيد الصدر فإنه قد وضع شروطاً خاصة للمفسر الموضوعي والذين يسعون لعرض هذا النوع من التفسير للقرآن الكريم وأن من أهم هذه الميزات للمفسر الموضوعي هو أنه يجب ان يكون لديه الإلمام والإشراف الكامل والشامل على المواضيع الخاصة وأن تكون لديه دراسات واسعة في ذلك المجال وأن يعلم ويفهم ويعي بأنه يبحث عن ماذا وللأجابة على أي سؤال وما هو الهدف والمقصود من السؤال.

وأردف الدكتور "آذرشب" قائلاً "إن في رؤية الشهيد الصدر يجب ان يتحلى المفسر الموضوعي بالعلم والمعرفة الكافية حول الموضوع الذي يهدف إليه وأن الشخص الذي تتوفر لديه المعلومات غير الصحيحة وغير الكافية لا ينبغي له أن يتولى المسؤولية في هذا المجال من التفسير القرآني".

وأشار هذا الاستاذ الجامعي إلى كتب "اقتصادنا" و"فلسفتنا" ومؤلفهما الشهيد الصدر وأكد بأن في كتاب آخر من تأليف الشهيد الصدر تحت عنوان "مجتمعنا" والذي يتناول الخطابات الأخيرة للشهيد الصدر حيث يدرس مشروع عام للمجتمع الاسلامي من منظر القرآن الكريم ويتحدث عن شكل وإطار المجتمع الاسلامي والتوجهات والتحركات والجهة والقوانين والاسس والجذور التاريخية للمجتمع الاسلامي والسائدة على المجتمع الاسلامي وكيفيةها وحول المبادئ والاسس التي يقوم عليها هذا المجتمع.

وأضاف الدكتور "آذرشب" أن المدارس المختلفة لديها آراء

أن أهم سؤال طرحه  
الشهيد الصدر في المجتمع  
في عهده كان حول هوية  
المجتمع الاسلامي  
ومكوناته من منظر ورؤية  
القرآن الكريم وحول دور  
الفرد في المجتمع وتركيبه  
المجتمع وحركة المجتمع

# السنن التاريخية للشهيد الصدر جزء من تفسيره الموضوعي



هذه الموضوعات مستلخا منها السنن التاريخية وفقا لما يقدمه القرآن الكريم.

وحول قضية التفسير أوضح يعقوبيان أن تفسير القرآن الكريم يمكن أن نقسمه الي موضوعي وترتيبي حيث يتجه المفسر في التفسير الترتيبي الي تفسير النص وفقا لترتيب آياته ليجد معناه في السياق ولكن هذا التفسير وعلي الرغم من الإمكانيات التي يتيحها إلا أنه يعاني عدة مشكلات غير أن التفسير الموضوعي بإمكانه أن يتفادي هذه المشكلات ويقدم رؤية مختلفة في التفسير.

وعن المنهج الموضوعي في التفسير قال يعقوبيان: إن الغاية من هذا التفسير ذي الفروع المختلفة هي دراسة شاملة للموضوع من وجهة نظر قرآنية ويمكن أن نقسمه الي عدة أقسام حيث يذهب البعض في اتجاه دراسة المفردات القرآنية نحو ما قدمه الراغب الإصفهاني في "المفردات" كما يمكن أن يستقي الموضوع من القرآن

أكد الباحث في العلوم القرآنية "الشيخ ابراهيم يعقوبيان" إن المنهج التفسيري الذي إنتهجه الشهيد السيد محمدباقر الصدر في كتابه "السنن التاريخية في القرآن" يمكن حسابه جزءا من منهجه في التفسير الموضوعي الإستنطاقي لأن الشهيد الصدر عرض قضايا شتي علي النص القرآني ليستلخص منها رؤية القرآن حول السنن التاريخية.



وقال الباحث في الشؤون القرآنية والأستاذ في الحوزة والجامعة الشيخ "إبراهيم يعقوبيان": إن للتفسير الموضوعي عدة أقسام وينبغي أن نحسب ما عرضه الشهيد في "السنن التاريخية في القرآن" نوعا من التفسير الموضوعي الإستنطاقي وهذا هو خير تسمية له لأن الشهيد قد عرض موضوعات من شتي الفروع المعرفية علي النص القرآني وحاول أن يبين الرؤية القرآنية حول



يقدمه النص القرآني.

وصرح يعقوبيان أن نوعا خامسا من التفسير الموضوعي هو التفسير الموضوعي المقارن حيث يقوم المفسر خلال هذا التفسير بدراسة الموضوع من وجهة نظر الكتب السماوية الأخرى محاولا عقد مقارنة بين رؤية هذه الكتب السماوية حول الموضوع الواحد.

وتابع يعقوبيان القول: إن الشهيد الصدر كان يرى أن التفسير الموضوعي هو الطريق المثلي لتفسير القرآن الكريم مؤكداً أن التفسير الترتيبي هو جمع وتراكم للمعلومات دون ما رؤية واضحة وهو يعاني من مشكلة تعرضه للتفسير بالرأي حيث يفسر المفسر النص وفق رؤيته المذهبية ويحمل النص ما ليس فيه ولكن ذلك لا يمكن في التفسير الموضوعي حيث يستقي المفسر الموضوع من النص القرآني ويستند في كل ما يقوله الي

النص القرآني محاولا عدم القفز فوق النص والإستناد بالروايات الخلافية وهذا ما يؤكد سلامة التفسير الموضوعي قياسا الي التفسير الترتيبي.

وأشار الشيخ يعقوبيان الى مكانة الشهيد الصدر العلمية وقال إن الشهيد الصدر ترك لنا تراثا كبيرا من الكتب التي يبلغ عددها ٢٥ كتابا أهمها "فلسفتنا" و"اقتصادنا" و"الأسس المنطقية للإستقراء" مؤكداً أن كتاب "فلسفتنا" الذي قدمه الشهيد

نقدا للمادية الجدلية والمادية التاريخية التي كانت الرؤية المسيطرة أبان حياة الشهيد من العمق بمكان يجعل البعض يقول إنها أهم ما كتب في نقد المادية التاريخية إطلاقا.

محاولا استنتاج الحكم حول الموضوع من النص القرآني إما عن طريق الإستقراء الناقص أو الإستقراء التام.

وأكد هذا الباحث القرآني أن هذا الشطر من التفسير الموضوعي يقتضي أن يستقي المفسر الموضوع من النص القرآني محاولا جمع كل ما جاء في النص حول الموضوع وخير نموذج لهذا النوع من

إن الغاية من هذا التفسير ذي الفروع المختلفة هي دراسة شاملة للموضوع من وجهة نظر قرآنية

التفسير هو "رسالة القرآن" الذي أشرف علي كتابته المرجع الديني آية الله "مكارم شيرازي" كتاب "مفاهيم القرآن الكريم" الذي ألفه المرجع الديني آية الله "جعفر سبحاني" وينقسم الي قسمين حيث يقوم المفسر في قسم منه الي الجمع الناقص للآيات التي جاءت في الموضوع منتهجاً منهج الإستقراء الناقص بينما ينتهج في الآخر الإستقراء التام محاولا جمع كل الآيات التي جاءت في الموضوع.

واضاف الشيخ "يعقوبيان": ثمة نوعا ثالثا من التفسير الموضوعي هو ما نستطيع أن نسميه التفسير الإستنطائي حيث يأتي المفسر بالموضوع من خارج القرآن حيث ساحة العلوم الإنسانية نحو علم الاجتماع وعلم النفس وبعض العلوم التجريبية محاولا استنطاق القرآن بالحكم علي هذا الموضوع.

كما أشار يعقوبيان الي نوع رابع هو التفسير الموضوعي المتسلسل حيث يذهب المفسر خلال هذا النوع من التفسير الي اختبار عدة موضوعات محاولا دراسة الآيات التي جاءت فيها في النص القرآني ليستخرج بعد ذلك العلاقة المفترضة بين هذه الموضوعات وفقا لما



## مبادرة الشهيد الصدر الى تدريس تفسير القرآن الكريم أمر مبدع في الحوزات العلمية



أكد الشيخ "محمد الحسون" مدير مركز الأبحاث العقائدية في قم المقدسة أن آية الله الشهيد الصدر كان مبتكراً في درس التفسير الموضوعي وهو باعتباره كمرجع حينما ألقى محاضرات في تفسير القرآن الكريم جاء بشئ جديد وأمر مبدع، لأن الفضلاء والمجتهدون كانوا في الحوزة العلمية بالنجف الأشرف يهتمون بالتدريس في الفقه والأصول.

وتطرق سماحة الشيخ "محمد الحسون" مدير مركز الأبحاث العقائدية في مدينة قم المقدسة التابع لمكتب السيد المرجع السيستاني الي دراسة التفسير الموضوعي والقاء المحاضرات القرآنية لآية الله العظمي الشهيد السيد محمد باقر الصدر.

فاليكم نص الحوار:

إن الشهيد الصدر وفق لعقد أربع عشرة جلسة قرآنية واستعرض في هذه الجلسات التفسير الموضوعي كأنه انفراد في هذا الموضوع وأبدع فيه كثيراً مثل السنن التاريخية في القرآن الكريم وعناصر المجتمع في القرآن، ما هي الجدوى من التفسير الموضوعي وما هي معطيات هذا التفسير، وما هو الفرق بين التفسير الموضوعي وسائر

والشيخ محمد الحسون من مواليد النجف الأشرف سنة ١٩٥٩ ميلادي، درس في مدينة النجف الأشرف الدراسة الابتدائية والمتوسطة والثانوية ثم التحق بكلية الهندسة الزراعية في جامعة بغداد وفي عام ١٩٨٠ ميلادي تم تهجيره إلي الجمهورية الإسلامية الإيرانية لأنهم ينحدرون من أصول إيرانية ومن مدينة "تبريز" ودخل إلى الحوزة العلمية ودرس الدروس المتعارفة في الحوزة وحضر في درس البحث الخارج لمدة أربع سنوات عند آية الله "السيد محمود الهاشمي الشاهرودي" ثم بعد ذلك في الفقه عند المرحوم آية الله العظمي الشيخ "الميرزا جواد التبريزي" وفي الأصول عند الاستاذ آية الله العظمي الشيخ "وحيد الخراساني"، ثم تخصص في الكتابة والتحقيق وصدرت له مجموعة من الكتب المحققة والمقالات التي نشرت في بعض المجلات العلمية ولديه تقريباً أكثر من ستين أثراً علمياً بين التحقيق والتأليف وبين المقالة العلمية وسافر إلى خارج الجمهورية الإسلامية الإيرانية تقريباً إلى أكثر من ستة عشر دولة من أجل الحضور في معارض الكتاب لأجل توفير الكتب وتهيئتها إلى مركز الأبحاث العقائدية أو الحضور في المؤتمرات العلمية والندوات الثقافية أو للتبليغ وأخيراً يؤدي في مركز الأبحاث العقائدية بمدينة قم دوره في نشر مذهب أهل البيت (ع).



كان الشهيد الصدر أعجوبة في زمانه وكان نموذجاً واقعياً ومجدداً في كل المجالات، ليس فقط في مجال التفسير،

عني كان نابغة لعصره والاستعمار حينما قتل الشهيد الصدر، في الواقع عرف أين يضرب ضربه القوية التي أوجعت مذهب أهل البيت (ع)، وفي كل موضوع طرحه الشهيد الصدر هو كان نابغاً ومبتكراً وكانت أبحاثه أبحاث بكر، يعني

حينما ألف كتابه في الفلسفة بعنوان "فلسفتنا"، نجد في هذا الكتاب طرحاً جديداً وموضوعاً جديداً، وطرح الشهيد الصدر الفلسفة الإسلامية بأسلوب عصري وليس

هو أول من كتب في الفلسفة الإسلامية، بل طرح الشهيد الصدر في هذا الكتاب، الفلسفة الإسلامية بأسلوب عصري، بعيداً عن التعقيدات التي كتبها علماءنا الماضون وبأسلوب معقد، وحينما كتب الشهيد الصدر كتابه "اقتصادنا" وضع الأسس الرئسية للإقتصاد، وعالج معالجة جذرية المشكلة الاقتصادية التي شاعت في العالم

حتى في كتابه "البنك اللاروي"، والساحة الاقتصادية في الوقت الحالي بحاجة إلى هذا الكتاب وعرض الشهيد في هذا الكتاب مسألة كيف يمكن أن يكون لنا بنك إسلامي خالياً من الربا والربا من المعلوم عند جميع المسلمين هو من المحرمات، حين نرجع إلى

تفسير السيد الشهيد، نرى أنه لم يدرس تفسير القرآن، يعني نحن اذا قلنا بأن السيد الشهيد بدأ بتدريس درس خاص وتفسير القرآن أنصور هذا بعيد عن الواقع وإنما هو عقد عدة محاضرات له وكان الحضور فيها لعموم الطلبة، يعني ما كان يحضر في هذه الدروس فقط تلامذته الذين يحضرون عنده بحث الخارج في الفقه والأصول وهذه المحاضرات ليست دروساً معمقة للشهيد الصدر لأنه لو أراد أن يعقد درساً علمياً لكان أكثر من هذا وهذه كانت

عبارة عن محاضرات ألقاها السيد الشهيد في التجف الشرف وكان يحضرها عموم الطلبة حتى الذين يدرسون السطوح، وكان الشهيد الصدر مبتكراً في التفسير الموضوعي، وفسر القرآن

الكريم تفسيراً موضوعياً وليس تفسيراً ترتيبياً أو تقليدياً والمفسرون

حينما يأتون إلى تفسير القرآن الكريم يفسرونه بالترتيب ويتناولون مثلاً في "شأن النزول"، هل هذه السورة هي

مكية أو مدنية؟ ثم لماذا نزلت هذه السورة؟ ما هي المناسبة؟ ثم يأتون ويبتون معاني الكلمات والأحكام الموجودة مثلاً في هذه الآية، بالترتيب آية بعد آية ولا يتطرقون بأن هذه الآية

إذا كانت تحدث عن موضوع معين، هل لها آية مشابهة في سورة أخرى وليس هذا من اهتمامهم وليس من منهجهم هذا الشيء، لا نقول ان التفسير الترتيبي والتفسير التقليدي ما به الفائدة، بل فيه كثير من القائدة ولكن التفسير الموضوعي للقرآن الكريم الذي انتهجه السيد الشهيد الصدر يعطيك نظرة كاملة عن الموضوع المعين، اذا الفرق بين التفسير الترتيبي و التفسير الموضوعي، انه التفسير الترتيبي يفسر الآية بما هي وليس له العلاقة بالآيات المتعلقة بنفس الموضوع.

أما التفسير الموضوعي لا يفسر الآيات بحسب ترتيبها وإنما يعطي لكل موضوع ماورد فيها من التفاسير، مثلاً لو أتى إلى آية تحريم الخمر في سورة البقرة "يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا" المفسر الترتيبي يفسر هذه الآية بما فيها، هل أنه يعرف من خلال هذه الآية، حكم الحرمة؟، هل أنه يعرف من هذه الآية هذا الحكم بأن الله سبحانه وتعالى يحث الناس على ترك الخمر وليس فيها حكم التحريم؟، أما مايتعلق بتحريم الخمر في الآيات والسور الأخرى ونحن نعلم أن تحريم الخمر لم ينزل بشكل واحد، وإنما نزل بشكل تدريجي، حينما نأتي إلى الآية الثالثة والأربعين من سورة النساء، هي تخاطب المؤمنين، "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ"، هذه الآية تأتي على تحريم الخمر حتى تعلموا ما تقولون، لم تحرم الخمر مطلقاً لكن حينما نأتي إلى آية التسعين في سورة المائدة "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

أما التفسير الموضوعي لا يفسر الآيات بحسب ترتيبها وإنما يعطي لكل موضوع ماورد فيها من التفاسير

وكان الشهيد الصدر مبتكراً في التفسير الموضوعي، وفسر القرآن الكريم تفسيراً موضوعياً وليس تفسيراً ترتيبياً أو تقليدياً والمفسرون



إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ" من هنا التفسير الموضوعي يأتي ويبين لك كيفية تحريم ويبين أن تحريم شرب الخمر نزل بشكل تدريجي لأن العرب في الجزيرة العربية كانوا مدمنين على شرب الخمر، ولم تسطع الشريعة أن تمنعهم وتحرم عليهم شرب الخمر دفعة واحدة، وجاءت الآيات وحرمت شرب الخمر بشكل تدريجي، وهذا الكلام نحن نجده في التفسير الموضوعي للقرآن الكريم ويعطيك كل ما يتعلق بتحريم الخمر بشكل تدريجي، أما التفسير الترتيبي لاتجد فيه هذه النقطة. لو استطاع السيد الشهيد الصدر أن يستمر في دروسه لخلف لنا تراثاً قرآنياً ضخماً وعميقاً وأنه لم يكن يصدد تدريس تفسير القرآن الكريم يعني على مستوى درسه مثل البحث الخارج للفقهاء والأصول وإنما هي كانت عبارة عن محاضرات ألقاها وكان الحضور لعموم الطلبة.

نفس الدائرة العقائدية، كيف تكون علاقته مع الشخص الذي يختلف معه في العقائد ولكنه ضمن الدائرة الإسلامية يعني هذا من أتباع مدرسة أهل البيت (ع) وذاك من أتباع مدرسة الصحابة.

بل أوسع من ذلك لو وسعنا الدائرة والنطاق، كيف تكون علاقة المسلم مع غير المسلم، علاقة المسلم مع اليهودي و المسيحي مع الذي يؤمن بخبر السماء، بل أكثر من ذلك نوسع، كيف علاقة الانسان الذي يؤمن بخبر السماء مع الشخص الذي لا يؤمن بخبر السماء وهم من الملحدين وأوضح الشهيد الصدر علاقة الشخص مع الفرد الآخر في المجتمع، كيف تكون العلاقة بينهم كيف يعيشون، كيف يتعايشون، هذه هي الفكرة التي كان الشهيد الصدر يريد أن يوضحها للمجتمع الإسلامي عموماً ولكنه على الأسف لم يوفق في بيانها بشكل كامل.

ما هو تحليلكم بالنسبة لرؤية الشهيد الصدر لعناصر

المجتمع في القرآن الكريم ودور الإنسان والعلاقات الاجتماعية في حركة التاريخ؟

الشهيد الصدر كان يريد أن يحدد

منهجاً في العلاقات

الاجتماعية وحسب ما

سمعنا من كثير من تلاميذه أنه

كان يريد أن يؤلف كتاباً حول المجتمع الإسلامي،

مثل كتاب "فلسفتنا" و"اقتصادنا"، وقد وضع

الخطوط الرئيسة لهذا الكتاب وكانت عنده نظرة خاصة

يريد أن يبينها وهي نظرة الإسلام في العلاقات الاجتماعية، يعني

كيف تكون علاقة الفرد مع الفرد الآخر الذي هو ينتمي معه إلى

لو استطاع السيد الشهيد الصدر أن يستمر في دروسه لخلف لنا تراثاً قرآنياً ضخماً وعميقاً وأنه لم يكن يصدد تدريس تفسير القرآن الكريم يعني على مستوى درسه مثل البحث الخارج للفقهاء والأصول





وتذهب هذه الطبقة وتحل محلها مجموعة أخرى من المراجع وفي كل زمن يكون هناك مراجع كبار ونستطيع أن نعبر عنه المرجعية العامة، لهم مقلدون في كل أنحاء العالم وهناك مرجعيات أصغر من المرجعية العامة وهذه المرجعيات تأتي حتى تحل محل المرجعية العامة في ما لو ذهب ذلك المرجع وانتقل إلى رحمة الله.

في زمن الشهيد الصدر كان هنالك الإمام الخميني (رض) ومرجعيته مرجعية عامة في كل أنحاء العالم وهناك السيد الإمام الخوئي أيضا مرجعيته عامة، فالشهاد الصدر حينما جاء وطرح مرجعيته، لأن مرجعيته تأتي وتعارض المرجعية العامة للإمام الخوئي أو المرجعية العامة للإمام الخميني، إنما هذا شيء وأمر طبيعي لأتباع مدرسة أهل البيت (ع) في كل زمان ويكون هناك المرجعية العليا والمرجعية تأتي مثلاً أقل

من تلك المرجعية، والبعثيون والاستعمار العالمي انتبهوا أن الشهيد عندما طرح مرجعته آنذاك لكي تكون في المستقبل مرجعية عامة و يكون المرجع العام في المستقبل وهذا كان شيئاً لا يريد الاستعمار لأن المنهج السياسي وأفكار السيد الشهيد كانت في مواجهة الاستكبار العالمي.

كما تعلمون حينما تصدى الشهيد الصدر المرجعية، كان هناك مراجع آخرون كبار مثل الإمام الخويي وهم كانوا يتصدون المرجعية العامة فشهاد الصدر باعتباره كان أصغر سناً منهم، تصدى المرجعية، برأيكم ما هي الحاجة في تصديه للمرجعية وكيف تحللون العداوة التي صارت وكبرت مع الشهيد الصدر خاصة بعد مرجعته في الأوساط الشيعية وما هي أسباب هذه العداوة والخصوم والضغوط من قبل البعثيين والتضييقات في الحوزة العلمية النجفية للشهيد الصدر؟

سماحة الشيخ محمد الحسنون هل أدركتم فترة حياة الشهيد الصدر؟

نعم أنا شهدت الأحداث واعتقال الشهيد الصدر و حينما استشهد الشهيد أنا كنت في العام الثاني من الكلية في جامعة بغداد وشاركنا في الوفود التي ذهبت لاعلان البيعة للشهيد

الصدر كان في يوم الجمعة وكان عندي علاقة مع الشهيد الصدر وأنا من مقلدي السيد الشهيد و كنا قد نحضر في مجلس التعزية وأنا

فالشهاد الصدر حينما جاء و طرح مرجعته، لأن مرجعته تأتي وتعارض المرجعية العامة للإمام الخوئي أو المرجعية العامة للإمام الخميني، إنما هذا شيء وأمر طبيعي لأتباع مدرسة أهل البيت (ع)

أتباع مدرسة أهل البيت (ع) في كل عصر عندهم مجموعة من المراجع وهذا امتداد لخط مدرسة أهل البيت (ع) وهذا شيء طبيعي يعني في زمن تكون مجموعة من المراجع



من اليمين: الشيخ علي كاشف الغطاء، الشيخ محمد الحسين الفلبي، الشهيد الصدر، والامام الخميني (ع) في مجلس طابحة السيد مصطفى الخميني، مسجد الهمدي، النجف، ١٣٩٧هـ.

شخصيا كنت أسأله في بعض الامور ويرد علي.

تهمة باطللة وغير صحيحة، المجتهد إذا أراد أن يستنبط الحكم الشرعي ويعرف حكم قضية ما، في الدرجة الأولى ينظر إلى القرآن

ولكن يطرح سؤال هنا، هل أن مراجع الدين كانوا يدرسون تفسير القرآن؟ أنا أقول لا، يعني مراجعنا كانوا يدرسون الفقه والأصول و هنالك دروس لتفسير القرآن من الأشخاص الآخرين وليس من قبل المراجع، يعني آية الله العلامة السيد محمد حسين الطباطبائي لم يتصد المرجعية ولم يكن مرجعاً، ولكنه استطاع أن يدرس تفسير القرآن وألف تفسيره الخالد الباقي "الميزان في تفسير القرآن" وهذا التفسير الآن يدرس في الكثير من الجامعات الاسلامية والعالمية لغير أتباع مدرسة أهل البيت(ع) ونحن في عدة مؤتمرات حينما لتقي بالكثير من إخواننا من أتباع مدرسة الصحابة يقولون نحن ندرس تفسير الميزان.

الشهيد الصدر باعتباره كمرجع حينما جاء وألقى محاضرات في تفسير القرآن جاء، بشئ جديد، لأنه حينما يأتي مرجع ويدرس تفسير القرآن أو يلقي محاضرات في تفسير القرآن كان هذا هو الشئ الجديد خاصة في حوزة النجف الأشرف لأنه كان في الحوزة من العيب أن المجتهد يرتقي المنبر ويلقي محاضرات والفضلاء والمجتهدون يجب أن يهتموا بالدرس والتدريس في الفقه والأصول.

الكريم.

الشهيد الصدر باعتباره كمرجع حينما جاء، وألقى محاضرات في تفسير القرآن جاء، بشئ جديد، لأنه حينما يأتي مرجع ويدرس تفسير القرآن أو يلقي محاضرات في تفسير القرآن كان هذا هو الشئ الجديد خاصة

كما تعلمون أن المذهب الشيعي متهم بأنه هجر القرآن

الكريم وخاصة في الحوزات العلمية، كما يقال أن القرآن الكريم لم يحل مكانة مناسبة في الدروس الرئيسية في الحوزة العلمية، فحينما قام المرجع الكبير مثل الشهيد السيد محمد باقر الصدر بهذه المبادرة القرآنية أتصور أنه قام برده فعل على هذا الموضوع، برأيكم هل تؤيدون أن هناك هجران للقرآن الكريم في الحوزات العلمية، بينما أن مبادئ الأصول والفقه كلها مأخوذة ومتخذة من القرآن الكريم؟

هذه التهمة على مذهب أهل البيت(ع) غير صحيحة وتهمة باطللة ويوجهها في الواقع أعداء المذهب إلينا، ونحن عندنا المصدر التشريعي الأول هو القرآن الكريم، والآن لو نظرنا إلى الحوزات العلمية نرى كيف أنهم يعتمدون على القرآن الكريم فكيف يتهمون أتباع مدرسة أهل البيت(ع) بأنهم لم يهتموا بالقرآن في الوقت الذي نحن نجعل المصدر التشريعي الأول هو القرآن الكريم، ثم تأتي في الدرجة الثانية السنة الشريفة و السنة عندنا هي تمثل قول المعصومين (عليهم السلام) عموماً، سواء كان النبي (ص) أو الزهراء (سلام الله عليها) أو الأئمة الإثني عشر (سلام الله عليهم)، فإذا قولهم بأن أتباع مدرسة أهل البيت(ع) هم قد هجروا القرآن أو لم يعتنوا بالقرآن هذه







## باقر الصدر منا سلاما

وشباباً دعوت فهبوا يرخصون الدماء كراما  
وسبيلاً سلكت أنير للضحايا وطابت مقاما  
ومفاهيم صغت وفكراً هام فيه الدعاة هياما  
قدفديت الدين بالمهجة لما حاول البعث من الدين انتقاما  
باقر الصدر منا سلاما أي باغ سقاك الحماما  
أنت أيقظتنا كيف تغفوأنت أقسمت أن لن تناما  
إن دينا شيدته أمة بالدماء يتساما  
يهزم الكفر و يبقى يملأ العالمين سلاما  
يا أبا جعفر نم قير العين إنا هجرنا المناما  
قد عشقنا الشهادة ذوداً عن حمى الدين حتى يقاما  
نحن أقسمنا يميناً أن نضحى أو نرى الإسلام شرعاً ونظاما  
باقر الصدر منا سلاما أي باغ سقاك الحماما  
أنت أيقظتنا كيف تغفوأنت أقسمت أن لن تناما  
للحاج المجاهد داود العطار (رحمه الله تعالى)

باقر الصدر منا سلاما أي باغ سقاك الحماما  
أنت أيقظتنا كيف تغفوأنت أقسمت أن لن تناما  
كيف تنئى بعيدا ولما يبلغ المؤمنون المراما  
غبت عنا سريعاً ولما يطرد الثائرون الظلاما  
قد فقدناك زعيماً لا يجارى فبكيناك دمماً دمعاً حجاما  
باقر الصدر منا سلاما أي باغ سقاك الحماما  
أنت أيقظتنا كيف تغفوأنت أقسمت أن لن تناما  
يا شهيداً قام فرداً يمتضي للطغاة حساما  
أنت كالسبط حسين قد أبيت الحياة مظاما  
يا أبا جعفر سوف تبقى مشعلاً هادياً يتساما  
كذب البعث ما زلت فينا كالخميني تهدي الأناما  
نحن أقسمنا يميناً أن نضحى أو نرى الإسلام شرعاً ونظاما  
باقر الصدر منا سلاما أي باغ سقاك الحماما  
أنت أيقظتنا كيف تغفوأنت أقسمت أن لن تناما  
دعوة قدتها قد تسامت ثورة هُدفاً والتزاما